

پی چینگ

کتاب تقدیرات

پیشگفتار: ک.ک. یونگ

مترجم: سودابه فضایی

چاپ جدید با تجدید نظر و اصلاحات

پی چینگ

پی چینگ یا کتاب تقدیرات

کهن ترین کتاب حکمت و فالنامه‌ی چینی
تنظیم به انگلیسی از آلفرد داسلاس
پیشگفتار از کارل گوستاو یونگ

ترجمه‌ی سودابه فضایی



I Ching
or
THE ORACLE OF CHANGE
How to consult the I Ching
by
ALFRED DOUGLAS

LONDON
VICTOR GOLLANCZ LTD
Second impression
1974

یی چینگ
یا «کتاب تقدیرات»
آلفرد داگلاس

ترجمه سوده نصیری

ناشر: نشر ثالث

طرح جلد و صفحه‌آرایی: ارشامان

چاپ هفتم: ۱۳۷۶ - ۵۵۰۰ نسخه

چاپ: سازمان چاپ احمدی

خیابان انقلاب - مقابل دانشگاه - خیابان ۱۲ فروردین - شماره ۱۱ - طبقه دوم - تلفن: ۶۴۶۰۱۴۶

کلیه حقوق چاپ محفوظ و متعلق به نشر ثالث است -

ISBN 964-6404-03-0

شابک ۹۶۴-۶۴۰۴-۰۳-۰

II-N: 9789646404038

ای.ای.ان ۹۷۸۹۶۴۶۴۰۴۰۳۸

مقدمه بر چاپ پنجم

غنیمتی شده که از برای دو عارف بر حقایق، تفسالی بزمن، برای هر دو شماره ۱۷ به دست آمد. فرمودند: تشابه شماره شش خطی برای ما دو، خود نشانه از منبع الهی این کتاب است. رسیدن کتاب به چاپ پنجم نیز تأییدی است بر همین امر، چرا که همگان با آن بر هر مشکلی و سؤالی تفسالی می‌زنند، و چون دیوان حافظ آن را گرامی و عزیز می‌دارند. چه بسیار پیغام داشتم از افراد، و دیدار با کسانی که از اندرز مرد برتر برخوردار شده بودند، و در مشورت با بی‌چینگ مشکلات روحی - روانی و یا مشکلات روزمره خود را حل کرده بودند و یا بر تردیدی، گاه مهلک، فائق آمده بودند.

با این وجود، چون کتاب از متن انگلیسی ترجمه شده بود، و از سوی دیگر، متنی برای ترجمه برگزیده شده بود که تنها به ابیات اصلی و کهن آن اکتفا کرده بود، و تعبیر و تفسیرهای دیگری مثلاً تفاسیر ویلهلم مترجم بی‌چینگ به زبان آلمانی را در بر نداشت، هر چند که ابیات اصلی با ترجمه ویلهلم مقایسه شده بود، از این رو همواره آرزو داشتم ترجمه فارسی بی‌چینگ با متن اصلی چینی مقایسه شود.

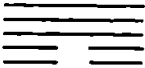
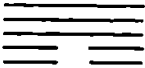
به لطف خداوند، دوست عزیز و دانشمند آقای دکتر مظفر بختیار به سمت ریاست دانشکدهٔ ایرانشناسی دانشگاه پکن و استاد زبان فارسی آن دانشکده، عازم پکن شد و تقاضای مترجم این کتاب را از برای مقایسه متن ترجمه با متن اصلی چینی اجابت فرمود، بخشی از نامهٔ ایشان نقل می‌شود:

ترجمه‌ی چینگ به زبان فارسی برای چینی‌ها بسیار قابل توجه بود و تأثیر بسیار خوب داشت. همانطور که سودابه خانم قبلاً خواسته بودند، ترجمه‌ی فارسی را با آقای چنگ تنگ (Cheng Tang) که کارشناس برجسته‌ی چینگ است از لحاظ آوانویسی کلمات چینی به فارسی مقابله کردیم، و چند نفر از استادان فارسی‌دان چینی نیز مورد مشورت قرار گرفتند، خوشوقت شدم که جز در چند مورد (آوانویسی) اختلاف مهمی ناست، که صورت آنها در برگه‌ی پیوست تقدیم می‌شود. آن بند از یی‌چینگ را هم که خانم اشاره فرموده‌اند (ص ۲۸۰) که در ترجمه‌های خارجی اختلاف هست از آقای چنگ درخواست کردم زیر نظر یکی از استادان چینی زبان فارسی از متن قدیم چینی به فارسی ترجمه شود که دیگر نزدیکی در میان نباشد. قسمت‌هایی از ترجمه‌ی فارسی هم به وسیله‌ی همین فارسی‌دانان و کارشناسان به طور نمونه‌ی با متن قدیمی چینی مقابله و مقایسه شد، عجب است با آنکه در دو زبان گشته تا به فارسی درآمده، اختلاف مهمی نداشت و ترجمه دقیق بود.

از این که اشتباهی در معانی کتاب نبوده است الحق دلم قوی شد و شکر بسیار گزاردم و بیش از پیش معتقد شدم که در ترجمه‌ی هر متنی وجه الهامی باعث انتخاب معنی یا مترادفی از یک کلمه می‌گردد، و در مورد یی‌چینگ منبع الهی آن یاری بخش بوده است، و مترجم هیچ سهمی در صحت آن ندارد.

در مورد آوانویسی که فهرست ضمیمه‌ی جناب آقای دکتر بختیار حیناً نقل می‌شود، نتیجه این شد که اگر بخواهم آوانویسی حروف چینی را در تمام کتاب تغییر دهیم

مشکلات بسیار پیش خواهد آمد، بخصوص که به گوش خواننده ایرانی واژه‌های چینی، آشنا نیستند، تا تفسیر آوانویسی چندان لازم باشد، معهذ برای آشنایان به زبان چینی و همچنین اهل تحقیق و علاقمندان به فرهنگ چین همین تصحیحات چاپ می‌شود.

همراه با نامه دکتر بختیار «یی‌چینگ» به زبان چینی دریافت شد، که در سال ۱۹۸۸ پس از سالها اجازه نشر گرفته و از طرف دانشگاه پکن چاپ شده، و به مترجم فارسی این کتاب مرحمت شده است؛ این کتاب به اهتمام «سویو» و شامل بر ۹۱ صفحه است، و تفاسیر کنفوسیوس و شاگردانش که در متن فارسی ترجمه شده، حذف شده است، و فقط نام شش خطی، حکم، تصویر و خطوط آمده‌اند. در این کتاب هر شش خطی به صورت قرینه آمده و یک شماره خورده، به مثل شش خطی ۱۵ یکبار به صورت  و یکبار به صورت برعکس آن یعنی  آمده است، هر دو شماره ۱۵ دارند، حال اینکه در یی‌چینگ فارسی که مبتنی بر متن قون سومی وانگ‌پی است این شش خطیها تحت شماره ۳۱ و ۳۲ است. آنچه به توسط ویلهلم به غرب معرفی شد، جز یی‌چینگ کهن و تفسیرهای شاهون، امیرچو، کنفوسیوس و وانگ‌پی، تفاسیری است که خود او بر کتاب یی‌چینگ افزوده است، زیرا ذهن غربی به دور از نمادگرایی شرق، چنین توضیحاتی را لازم داشته است، لکن در ترجمه فارسی، تفاسیر ویلهلم ضروری نبود زیرا ذهن شرقی نیازی به این تفاسیر، برای فهم نمادگرایی یی‌چینگ نداشت. هرچند زحمتی که ویلهلم برای

ترجمه یی چینگ به زبان آلمانی کشیده، بسیار حائز اهمیت است، اما آنچه مکان یی چینگ را در جهان امروز تعیین و تثبیت کرده است، توجه یونگ بدان بوده است و یافتن جایگاه یی چینگ در مقوله روحشناسی و روانشناسی است.

در مورد عنوان کتاب یی چینگ که جناب دکتر بختیار تأکید بر واژه یی چینگ داشتند، خدمتشان نوشتم که ترکیب یی چینگ به حمد انتخاب شد، زیرا در گوش ایرانی ترکیب آوای «ج» با «خ» یا «ق» و «گ» و «ک» همواره بازگوکننده صدایی ناخوشایند است، مثلاً جیغ، جلدجمله، جیرجیرک، جنگ، جرق، جیرینگ، جرجر، حال اینکه ترکیب «چ» و «گ»، صدایی خوشایند را به ذهن می آورد چون چنگ و به هر حال ترکیب واژه چین در آن است و اصل چینی یی چینگ را می رساند. از طرفی هیچیک از زبانهای انگلیسی، فرانسوی، اسپانیایی، آلمانی و ایتالیایی و ... وفادار به اصل کلمه «یی چینگ» نبوده اند، چنانچه انگلیسی زبانان آن را «ای چینگ» فرانسویها «یی کینگ» و غیره تلفظ کرده اند.

یکی از نکات بسیار جالب نامه جناب آقای دکتر بختیار در باب خط چینی واژه یی چینگ بود. «نکته یی در مورد جلد کتاب هست و آن اینکه کلمه یی چینگ، به خط چینی غلط نوشته شده که البته ناشی از اشتباه گرافیکست های فرنگی است، کلمه یی که بر جلد فارسی آمده و عیناً آنرا بر جلد ترجمه ویلهلم نیز دیده ام فقط کلمه گونه یی از جزء اول عنوان کتاب یعنی «یی» است به خطی بسیار ناشیانه و نقاشی شده که در چشم آشنای با خط چین، کاملاً مشخص است که یک غیر چینی آن را نوشته و مهمتر

از آن فلفط املایی است که یک هیروگلیف به دو جزء تقسیم شده. بهر حال از خود آقای چنگ تنگ که ضمناً خوشنویس زبده‌ی هم هست درخواست کردم عنوان یی‌چینگ را به خط ستینگ شو، که معمولاً آثار متون ادبی را به آن می‌نویسند با خط بسیار زیبای خود بنویسند که در صورت تمایل در تجدید چاپ از آن استفاده شود. خطی نوشته که به تصدیق خبره با معیارهای خوشنویسی چینی بسیار ممتاز است. و با توجه به اینکه خود او استاد «یی‌چینگ» هم هست، بسیار متناسب است، در اینجا به کار برود. این خط را عیناً برایتان به همان صورت خواهم فرستاد.

این خط نوشته را که اثر جناب آقای «چنگ تنگ» است و بر روی کاغذهای دست‌ساز قدیمی با قلم‌مو نگاشته شده، بر پشت جلد کتاب و در صفحه اول ملاحظه می‌کنید.

در اینجا سپاس می‌گویم محبت بی‌دریغ جناب آقای «چنگ تنگ» را، و از خداوند مسئلت دارم تا توفیق دهد، بتوانم لطف جناب آقای دکتر بختیار را جبران کنم.

س.ف

تهران - دیماه ۱۳۷۱

تلفظهای پیشنهاد شده

تلفظ چینی	تلفظی که در کتاب آمده
دوئی	توئی
شون	سون
یین yin	کن
جن	چن
چیان	چ، ین
تون Tu'n	ص ۹۵ چون
شو	ص ۱۰۳ سو
بی ba	ص ۱۴۴ پی
تونگ ژن (البته دقیقتر تون ژن است، زیرا همیشه حرف گاف بعد از «ن» در چینی تلفظ نه tsun دارد، چنانچه خود «ئی جینگ» را هم خود چینیان «ئی جین» تلفظ می‌کنند. ولی بهر حال نوشتن و گذاشتن این «ا» غیر ملفوظ تقریباً در آوا نویسی چینی به همه ربانها معمول است و اشکالی ندارد.)	ص ۱۳۴ ت، یونگ جن
گو gu	ص ۱۵۴ کیو
جیاژن jia ren (در چینی ۲ نیست و در فوتتیک آن را به جای ژ می‌گذارند.)	ص ۲۲۶ چیا جن

«یرچینگ» یا «کتاب تقدیرات»، کتاب مقدس چینیان است، و کهن ترین متن به جا مانده از چین باستان. این کتاب مقدس که بیش از چهار هزار سال قدمت دارد، از آیینهای اولیه‌ی چین باستان نشأت گرفته است، و از شصت و چهار علامت، و تفسیر این علائم تشکیل شده است. اعتقاد چینیان قدیم بر این بوده که تمام تحولاتی که در درون و برون آدمی رخ می‌دهد، در این شصت و چهار علامت خلاصه می‌شود.

این کتاب طی قرن‌ها، نسل اندر نسل مورد تکریم چینیان بوده است، و چنان نفوذی در زندگی و اندیشه‌ی آنان داشته که فرزاتنگان چینی، چون «شاه ون»، «لائوتسه» و «کنفوسیوس» کوشیده‌اند تا روابط درونی و علائم رمزآمیز این کتاب را کشف و تفسیر کنند، و از آن حکمتی روشن برای زندگی آدمیان و جامعه، ارائه دهند. به این ترتیب، متنها بسیار در شرح و تفسیر یرچینگ نوشته شده است. در واقع این مجموعه محصول کار جمعی حکیمان چینی طی قرن‌هاست، و از اینرو، ریشه‌ی اصلی شناخت فرهنگ چین و یکی از ریشه‌های اصلی شناخت فرهنگ شرق است.

در «یرچینگ» علم و نظر به هم درآمیخته است، چرا که برای دریافت مفاهیم تمثیلی این کتاب مقدس، می‌باید از قواعد ریاضی بهره جست، و در عین حال شناختی عرفانی نسبت به هر لحظه از تقدیر، و مفهوم خاص نمادها در آن لحظه داشت، تا اشارات و هشدارهای یرچینگ را درک کرد، و با اندرزها و رهنمودهای آن، فراز و نشیبهای درون و برون خود را، و تغییرات پیچیده‌ی جهان هستی را شناخت. با این شناخت آدمی می‌تواند خود را با این تغییرات هماهنگ کند، آماده‌ی مقدرات شود، و حتی از بعضی مقدرات پیشگیری کند. تجربه‌ی این مرحله با «یرچینگ» کلید رمز عرفان و اندیشه‌ی حکمی شرق دور است، که طی هزاران سال، از ورای همه‌ی حوادث ویرانگر یا سازنده، چهره‌ی خود را حفظ کرده است. و همچنان تعادلی را میان علم حصولی و نظر اشراقی نگاه داشته است. و با بکاربردن این دو وجه علم و نظر، «یرچینگ» لایه‌های پیچیده‌ی روان و ذهن را باز می‌کند، و عمق خواستها و هجرانهای آنرا روشن می‌کند.

شاید از نروست که «کارل گوستاو یونگ» حدود سی سال بر این کتاب مطالعه‌ی مستمر داشته و معتقد بوده است که «بی‌چنگ» با ناخودآگاه فردی و قومی انسان سروکار می‌یابد. و ازین طریق انسان را به خودشناسی رهنمون می‌شود. همچنین عرفان‌گرایان غربی، چون «هرمان هسه» همواره ازین کتاب تعلیم گرفته‌اند و آنرا مبنای اعتقاد خود به عرفان شرق و مبنای فهم خود از جهان قرار داده‌اند.

شاید بتوان این کتاب عمده‌ی مذهبی-عرفانی را در ادبیات و فرهنگ ما، با دیوان خواجه‌ی شراز قیاس کرد، چه از نظر عمق حکمی و عرفانی آن، و چه از نظر اعتقادی که مردم قرون بر آن بسته‌اند، و آنرا مرجع تعال و سؤال قرار داده‌اند. اگرچه برای ما با «بی‌چنگ» می‌بایست سلسله‌ی انشائی انجام داد که بر اصول ریاضی مبنی است، اما «لحظه‌ی تعال»، «نیت فال‌گیرنده» و «فست» در آن مؤثرند، و این هر سه عامل در تعال و سؤال از خواجه حافظ بسیار دارای اهمیتی ویژه است. نمادگرایی و اشارات و کنایات «بی‌چنگ» هم برای ما ایرانیان چندان غریبه نیست، چون که با اندک‌ی معاوت، همس‌نمادگرایی در ذهنیت حکمی ما وجود دارد. بنابراین، در دو نمونه‌های والای فرهنگ ایرانی و چینی، چون آینه‌های مقابل، ربه‌های وجود خود را روشن می‌سازد، که ما حافظ را لسان‌الغیب می‌دانیم، و چنان معمدند. «بی‌چنگ» روحی دارد که ناظر بر روح مردمان است.

در صد سال اخیر، این کتاب به زبانهای مختلف جهان ترجمه شده است، و یکی از شناخته‌ترین کتابهای حکمی جهان است، و از دستاویزترین کتابها. از «بی‌چنگ» به هر زبان، روایتهای مختلفی چاپ شده است که از میان آنها، دو روایت مأخذ قرار گرفته. یکی روایت «آلرد داگلاس» و دیگر روایت «ریچارد ویلهلم» که روایت ویلهلم، روایتی است کلاسیک، شامل شرح-مختلف، و متن اصلی با نثری منقطع ترجمه شده، و از معیارترین ترجمه‌های «بی‌چنگ» به زبان آلمانی، سپس به انگلیسی است. اما روایت داگلاس، به نثر معمول‌تری ترجمه شده، همچنین شرحها را خلاصه‌تر و گزیده‌تر آورده است. و در تنظیم

روال منها و مراحل معرفی «بی چینگ» ساده تر و قابل فهم تر بوده است. برای نخسین آشنایی با «بی چینگ» بهتر آن بود که منی ساده تر انتخاب شود، پس منی داگلاس مناسب تر گرفت. و هر جا که لازم بود، با منی اصلی و تفسیرها از روای و تلمیح معامه شده است.

و اما واژه «بی چینگ» را در برخی ترجمه‌ها و تلفظها در ایران، «آی چینگ» آورده‌اند. که به تلفظ انگلیسی از واژه اصلی اسم این کتاب است، و «ای کینگ» هم تلفظ فرانسوی آن، لکن در اصل «بی چینگ» است که «ج» تلفظی بین «ج» و «چ» است. پس در اینجا تلفظ «بی چینگ» به خاطر نزدیکی به اصل و سهولت تلفظ، پیشنهاد شده است. «بی» به معنای کتاب است و «چینگ» یا «چینگ» به معنای تغییر یا دیگر شدن، و منظور تغییری است که در زندگی و سرنوشت حادث می‌شود. چون واژه تغییر در فارسی، معنایی به این وجه ندارد، برخی مترجمان به فارسی مقدرات ترجمه کرده‌اند، و در اینجا «کتاب تقدیرات» پیشنهاد شده است تا مفهوم تقدیری تغییر اراده شود. اگر دست‌زدن به چنین مهمی، خود خطرکردنی است، اما امیدواریم این نخستین گام، پذیرفته شود، و بر ضعفهای آن که قدر مسلم از انتخاب و کار مترجم است، ببخشایند و هر خطایی که رفته تذکر دهند، که مترجم به دیده منت دارد.

پیشگفتار روانشناس بزرگ، «کارل گوستاو یونگ» از مقدمه‌ی کتاب ویلهلم نقل شده. که طرز نگارش یونگ بر «بی چینگ» تأییدی «این زمانی» است، بر علمی از آن هزاران سال پیش. مقاله‌ی یونگ شیوه‌ی برخورد با «بی چینگ» را روشن می‌کند، اما شاید پس از مطالعه‌ی کامل مجموعه، خواندن دوباره‌ی این پیشگفتار، روشنگری بیشتری در بر داشته باشد، که ارتباط حکیمانه‌ی حکیمی ازین قرن با حکیمان باستان، می‌تواند آشتی‌دهندی ما با خویشتن ما باشد، و به هر تقدیر پویندگان راه حقیقت در همه‌ی زمانها و در سراسر جهان، ارتباطی دارند، که همواره رو به گسترش است، و ما ازین ارتباط می‌توانیم بر زندگی خویش و بر این جهان تاریخ داشته باشیم.

مترجم

گفتاری بر «یی چینگ» کارل گوستاو یونگ

از آنجایی که من چین‌شناس نیستم، نوشتن مقدمه‌ای بر «کتاب تقدیرات»^۱ تنها می‌تواند شهادت‌نامه‌ای باشد بر تجربه‌ی شخصی من از این کتاب عظیم و منحصر به فرد.^۲

اگرچه مفهوم «کتاب تقدیرات» به آسانی قابل‌فهم نیست و وجود مقدمه‌ای بر این کتاب لازم است، اما من این مقدمه را برای قابل‌فهم ساختن «یی‌چینگ»^۳ تحریر نکرده‌ام، بلکه آن را در جواب به آن دسته از پژوهشگران و محققان غربی نوشته‌ام که کتاب را به دلیل وجود نکات مبهمش جزو «اوراد جادویی» به حساب آورده‌اند. و یا آن را غامض‌تر از آن پنداشته‌اند که درک‌پذیر باشد، و یا اصلاً آن را فاقد هرگونه ارزش خواننده‌اند. درحالی‌که من بیش‌از سی سال صرف وقت کرده‌ام تا فنون کتاب «یی‌چینگ» یا روش آن را در کشف ناخودآگاه دریابم، چرا که به نظرم می‌رسید «یی‌چینگ» مفهومی غیرمعمول دارد.

من زبان چینی نمی‌دانم، و هرگز در چین نبوده‌ام. اما می‌توانم به خوانندگان اطمینان بدهم که روی هم رفته آسان نیست که یکی از مظاهر اندیشه‌ی چینی را که سخت با طریقه‌ی تفکر ما متفاوت است،

۱- این گفتار مقدمه‌ایست که یونگ بر ترجمه‌ی «ریچارد ویلهلم» از اصل چینی نوشته.

۲- چند سطری که راجع به نحوه‌ی ترجمه‌های اولیه‌ی یی‌چینگ به آلمانی و انگلیسی بود، ازین گفتار حذف شد.

درک کنیم، مگر اینکه تمصبات ذهنیت غربی را کنار بگذاریم. البته جای شگفتی است که چرا یک چنین مردمان با استعداد و هوشیاری چون چینی‌ها، مرکز در آنچه ما علم می‌نامیم، پیشرفتی نکرده‌اند. اگرچه علم ما، بر مبنای اصل علیت است، و علیت را حقیقتی بدیهی دانسته‌ایم، اما تناقضی عظیم در دیدگاه ما وجود دارد. آنچه موجب شکست «نقد خرد محض» کانت است، کمال یافتن فیزیک جدید است که بدیهی بودن علیت را در زیر بنا متزلزل کرده است. ازین رو، ما اکنون می‌دانیم آنچه را ما قوانین طبیعی نامیده‌ایم، صرفاً حقایق آماری هستند، و بدین ترتیب باید لزوماً استثنائات را به حساب آورد، هر چند ما هنوز وجود استثنا را به حد کافی جدی نگرفته‌ایم. درحالی که باید بدانیم طبیعت، آزمایشگاهی با محدودیت‌های خشک و قاطع نیست که هدف آن اثبات تغییرناپذیر بودن قوانین طبیعت باشد، بلکه اگر چیزها را به طبیعت واگذار کنیم، تصویری کاملاً متفاوت خواهیم داشت. و می‌بینیم که هر جریانی، به‌طور کلی یا جزئی، با مداخله‌ی بخت و اقبال همراه است، و قوانین ویژه‌ی مدون در مورد وقایع، به‌ندرت و به‌طور استثنایی با جریان طبیعی وقایع منطبق می‌شود.

ذهنیت چینی، بدانگونه که من آن را ضمن کار بر «بی‌چینگ» دریافته‌ام، به‌طور گسترده‌ی بی‌وجه تصادفی رویدادها در ارتباط است. آنچه را ما تصادف می‌نامیم، مرکز توجه این ذهنیت خاصه است، و آن چیزی را که ما به عنوان قانون علیت تقدیس می‌کنیم، تقریباً بی‌آن‌که مورد توجه قرار دهد، نادیده می‌گیرد.

در اینجا لازم است در مورد اهمیت، شدید تصادف و اقبال سخن بگوییم. بخش عظیمی از کوشش بشر، مهم‌تر شده است بر اینکه صدمات یا خطرانی را که ناشی از تصادف است، محدود کند، یا با آن بیچنگند، درحالی که آن اعتباری که ما برای نظریه‌ی حادثه‌ی لائلیم، اغلب در قیاس با نتایج عملی تصادف و اقبال به‌رنگ و گرد گرفته به نظر می‌آید. وقتی می‌گوییم بلورهای کوارتر یا سنگ چینی، منشورهای شش‌پر است، این جمله در صورتی کاملاً درست است، که سنگ چینی ایده‌آل منظور باشد. اما در طبیعت هیچ دو سنگ چینی را دقیقاً شبیه به هم پیدا نمی‌کنیم، اگرچه همه‌ی آنها بدون شك منشورهای شش‌پر هستند.

به این ترتیب، به نظر می‌رسد شکل عملی بیشتر مطلوب نظر

حکمای چینی است، تا شکل ایده‌آل. حکمای چینی به درهم آمیختگی قوانین طبیعی که واقعیتی تجربی به وجود می‌آورد، بیشتر اهمیت می‌دهند، تا به توصیفات علت و معلولی وقایع، که در ضمن می‌بایست از همدیگر جدا باشند، تا بتوانند به‌طور کامل مورد بررسی قرار گیرند.

روشی که «بی‌چینگ» برای نگریستن به واقعیت اتخاذ می‌کند، بدانگونه است که گویی ترتیب علت و معلولی را بی‌اعتبار می‌داند. در چشم یک چینی قدیمی، لحظه‌یی که فعلاً مورد ملاحظه است، بیشتر نشانه‌ی تصادف است تا نتیجه‌ی روشن و مشخص از همساز شدن سلسله جریانهای علت و معلولی، گویا آن هیأتی موضوع توجه است که در لحظه‌ی مورد ملاحظه، از حوادث اتفاقی شکل گرفته، و اصلاً براساس دلایل فرضی نیست، که ظاهراً حوادث را توجیه می‌کنند. ذهنیت غربی خوب و ارسسی می‌کند، توزین می‌کند، انتخاب می‌کند، دسته‌بندی می‌کند، و مجزا می‌کند، اما تصویری که چینی از لحظه ارائه می‌دهد، همه‌چیز را در هیرومنطقی‌ترین جزئیات آن دربر می‌گیرد، چرا که همه‌ی اجزاء با هم لحظه‌ی مورد نظر را می‌سازند.

ازینروست که وقتی کسی سه سکه‌ی «بی‌چینگ» را می‌اندازد، یا ۴۹ ساقه‌ی درخت بومادران را تنظیم می‌کند، این جزئیات تصادفی در تصویر لحظه‌ی مورد ملاحظه وارد می‌شود و قسمتی از آن را شکل می‌دهد. قسمتی که از نظر ما بی‌مفهوم است، اما برای ذهنیت چینی دارای بالاترین معناست. برای ما این سخن، مبتذل و تقریباً بدون معناست (حداقل در صورت ظاهرش) گفتن اینکه هرآنچه اتفاق می‌افتد در یک لحظه‌ی خاص به‌طور گریزناپذیری کیفیت خاصی آن لحظه را در بر دارد. این امر، مجرد و منتزع نیست، بلکه کاملاً عملی است. بعضی افراد خبره هستند که می‌توانند صرفاً از روی ظاهر، مزه، و حالت یک شراب، محل تاکستان و سال این شراب را به شما بگویند. عتیقه‌شناسانی هستند که تقریباً با دقتی غریب، محل و زمان و اصل و سازنده‌ی یک شیئی هنری، یا یک قطعه از ااثه را فقط با نگاه کردن به آن، می‌گویند، و حتی منجمانی هستند که بدون هرگونه دانش قبلی نسبت به تاریخ تولد شما، می‌گویند در لحظه‌ی تولد شما، کدام یک از صور فلکی در افق برآمده. در مقابل یک چنین حقایقی، باید پذیرفت که لحظات آثار طولانی‌مدت بر جای می‌گذارند. به عبارت دیگر، هر آنکسی که «بی‌چینگ» را اختراع کرده‌است،

باور داشته که «شش خطی» که در يك لحظه‌ی خاص به دست می‌آید، نه تنها از نظر زمانی با این لحظه‌ی خاص متقارن است، بلکه به همان اندازه از نظر کیفی هم با این لحظه تقارن دارد. برای این مخترع، «شش خطی» توصیفگر آن لحظه‌ی است که در آن لحظه سکه‌ها ریخته شده‌اند - حتی پیش از آن حدی که ساهات و تقسیمات تقویم می‌توانستند توصیفگر آن باشند - تا به حدیکه باور می‌شد «شش خطی» نشانگر وضیعت اساسی آن لحظه‌ی خاص است.

این فرضیه بمضی اصول غریب دیگر را شامل می‌شود، که من آن را، «انطباق»^۱ می‌خوانم. این مفهوم نقطه نظری را به وجود می‌آورد که کاملاً مغایر نقطه نظرهای مبتنی بر علیت است. از آنجاییکه علیت صرفاً يك حقیقت آماری است و حقیقتی مطلق نیست، يك نوع فرضیه‌ی عملی است از اینکه چگونه وقایع یکی از درون دیگری ایجاد می‌شوند. درحالیکه «انطباق» تقارن وقایع را در فضا و زمان به عنوان تصادف محض تلقی نمی‌کند، بلکه آنرا وابستگی وقایع عینی به همدیگر و به حالات ذهنی (روانی) مشاهده‌گر یا مشاهده‌گران، می‌داند.

ذهن چینیان قدیم، در تأمل بر کیهانشان، شبیه است به ذهن فیزیکدانهای جدید، زیرا فیزیکدانهای جدید، نمی‌توانند منکر آن باشند که الگویشان از دنیا، دارای ساختی روانی-جسمی^۲ است. بر این اساس همانطور که شرایط روانی در کل يك وضیعت زودگذر مؤثر است، یا واقعه‌ی بسیار جری^۳ در مشاهده‌گر مؤثر می‌شود، به همان اندازه واقعت پنهان در پشت «هی-چینگ» هم در ذهنیت مؤثر است.

همانطور که قانون علیت مراحل و قایم را شرح می‌کند، به همان نسبت «انطباق» هم در ذهنیت چینی، با تقارن و قایم در ارتباط است. بینش «علیت‌گرا» داستانی نمایشی برایمان معرفی می‌کند از اینکه چگونه د به وجود آمد: اصل آن چ است که قبل از د می‌زیسته، چ هم به نوبه‌ی خود پدری به نام پ داشته و غیره. بینش انطباقی هم از سوی

-
- 1 Synchronicity
 - 2 Psychophysical
 - 3 Microphysical

دیگر می‌کوشد یک تصویر بامعنی از تقارن به دست دهد: چه اتفاقی افتاد که الف و پ و ج و د و غیره، همگی در یک لحظه، و در یک مکان ظاهر شدند؟ در مرحله‌ی اول چون وقایع مادی الف و پ از همان کیفیت بر خوردارند که وقایع روانی ج و د، و دیگر اینکه چون همگی بیانگر همان یک وضیعت زودگذر هستند. بدین ترتیب فرض بر اینست که ازین وضیعت تصویری قابل فهم و روشن ارائه شود.

با این توصیف، شصت و چهار «شش‌خطی» «بی‌چینگ» وسیله‌ی بی هستند که توسط آنها می‌توان معانی شصت و چهار وضیعت نوعی^۲ مختلف را مشخص کرد. این تفسیرها معادل توضیحات مبتنی بر علیت هستند. اگرچه ارتباطات مبتنی بر علیت از نظر آماری لازم هستند و ازینرو می‌توانند موضوع تجربه واقع شوند. لکن از آنجائیکه وضیعت منحصر به فرد است و نمی‌تواند تکرار شود، پس تجربه کردن «انطباق» در شرایط معمولی غیرممکن به نظر می‌رسد. در اینحال، برای «بی‌چینگ»، تنها معیار صحت متن «شش‌خطی»، و انطباق آن با وضیعت روانی شخص، نظر خود مشاهده‌گر است. تصور می‌رود که حاصل ریختن سکه‌ها، یا نتیجه‌ی تقسیم دسته چوب‌های بومادران، لزوماً در «وضیعت» موجود همانست، که می‌بایست باشد، تا بدان حد که هرآنچه در آن لحظه اتفاق می‌افتد، به عنوان بخش ضروری تصویر محسوب می‌شود. اگر یک مشت چوب کبریت بر زمین بیفتد، شکلی شاخص آن لحظه به دست می‌دهد. اما چنین حقیقت بدیهی تنها وقتی طبیعت پرمعنای خود را ظاهر می‌سازد که خواندن این شکل ممکن باشد، و تفسیر آن قابل تشخیص باشد. این تشخیص، بخشی توسط دانش مشاهده‌گر از موقعیت ذهنی و عینی انجام می‌شود، و بخشی توسط وقایع قبلی. به‌طور یقین، این روش کار، برای ذهنیتی که نقاد است و به تحقیق تجربی وقایع یا شواهد واقعی عادت کرده، جالب نیست، بلکه برای کسی است که دوست دارد به جهان از همان زاویه‌ی بنگرد که چین قدیم می‌نگریست، برای چنین شخصی ممکنست «بی‌چینگ» گیرنده باشد.

البته مبحث فوق، برای ذهنیت چینی اصلاً قابل طرح نیست.

-
- 1— Physical
 - 2— Typical

برعکس، بنا بر سنت قدیم، «شفاعت روحانی» که به طریقی مرموز عمل می‌کند، به چوب‌الفاها جوابی پرمعنا می‌دهد. این قدرت‌ها، انگار که روح زنده‌ی کتابند. گویی کتاب یک نوع موجود جاندار باشد. بنا بر سنت، هر کس می‌تواند از «یی چینگ» سؤال کند، و انتظار دریافت جوابهای خردمندانه داشته باشد. بدینترتیب به مغز خطور کرد که شاید افراد ناآشنا با «یی چینگ» بخواهند عملکرد «یی چینگ» را ببینید. بدین منظور تجربه‌ی کردم که به شدت مطابق با طرز تلقی چینی بود: من کتاب را به صورت شخصی مجسم کردم، و قضاوت او را راجع به موقعیت کنونی پرسیدم. مثلاً پرسیدم در معرفی «یی چینگ» به دنیای جدید، چه هدفی باید داشته باشم.

اگرچه این روش کار با مفروضات فلسفه‌ی «تائویست»، هماهنگ است. ممبذا به نظر ما غربی‌ها بی‌نهایت عجیب و غریب می‌نماید. لکن حتی پندار بیهوده و عجیب و غریب دیوانگان، و یا خرافات بدوی برای من هرگز غریب نبوده است، من همواره کوشش کرده‌ام که درعین کنجکاو بودن از تعصب بری باشم. چرا به محاوره‌ی با یک کتاب قدیمی اعتماد نکنیم، کتابی که مدعی است جان دارد؟ هیچ زیانی از آن به ما نمی‌رسد، و ممکن است خواننده ناظر بر جریان‌های روانشناسانه باشد. جریان‌های که در طول زمان صورت گرفته است و طی هزاره‌ی تمدن چینی، به «کنفوسیوس»ها و «لانوتسه»ها که هر دو بیان‌های مکتبی معنوی و رمزی فلسفی بودند، عرضه شده است. من روش سکه‌ها را به کار بستم، و جواب به دست آمده، «شش‌خطی» شماره‌ی ۵۰، (تینگ)، «دیگ» بود.^۱

بنا بر ترتیبی که سؤال من عنوان شده بود، متن «شش‌خطی» باید به گونه‌ی خواننده می‌شد که گویی خود «هر هینگ» شخص گوینده است. پس خود را به عنوان دیگ توصیف می‌کرد. یعنی، به مثابه یک ظرف آئینی، که حاوی غذای طبخ‌شده است. اینجا هذا را، باید تغذیه‌ی معنوی به حساب آورد. «ویلهم» دزین باره می‌گوید:

«دیگ»، به عنوان یک ظرف، وابسته است به یک تمدن ظرف و پائوده، و از اطعام و تغذیه‌ی مردان قادر سخن می‌گوید، مردانی که حافظ منافع مملکت‌اند. ما در اینجا، شاهد تمدنی هستیم که مذهب در آن به کمال خود رسیده است. «دیگ» برای تقدیم قربانی به پیشگاه

۱- متن یرچینگ در مقدمه‌ی یونگ بنا بر روایت داگلاس گذاشته شد.

خداوند است... تجلیات غایی خداوند در پیغمبران و اولیاء سرور می‌کند. احترام و ستایش نسبت به آنان احترام و ستایش نسبت به خداوند است. خواسته‌ی خداوند، آنگونه که از طریق آنان متجلی می‌گردد، می‌باید با فروتنی پذیرفته شود.»

بنابر فرض ما، باید نتیجه بگیریم که «بی‌چینگ» در اینجا در مورد خویشتن شهادت می‌دهد.

هنگامی که ارزش هر یک از خطوط «شش‌خطی» بدست آمده شش یا نه باشد، بدین معنی است که بر آنها به‌طور ویژه‌ی تأکید شده و بنابراین در تفسیر از اهمیتی خاص برخوردار است. در «شش‌خطی» من، «شفاقت روحانی» تأکید را بر عدد ۹ قرار داده، یعنی خطوط دوم و سوم. «شش‌خطی» متن می‌گوید:

خط دوم ۹: «دیگ پر از هداست. دشمنان خنثی شده‌اند و نمی‌توانند صدمه‌ی بر او وارد کنند. مساعدت بخت.»

پس «بی‌چینگ» درباره‌ی خودش می‌گوید: «من محتوی غذایی (ممنوی) هستم.» از آنجاییکه سهیم بودن در چیزی بزرگ حسادت – برانگیزست، اتفاق کلمه در حسادت، بخشی از تصویر است. حسود می‌خواهد مایملک بزرگ «بی‌چینگ» را از دستش به‌در آورد، یعنی می‌خواهد مفهوم و معنای آن را بدزدد، یا آن را نابود کند. اما دشمنی آنها پیسوده است، هنای معنای «بی‌چینگ» متیقن است، یعنی به اکتسابات مثبت خود یقین دارد، اکتساباتی که هیچکس نمی‌تواند از او دور کند، متن چنین ادامه می‌دهد:

خط سوم ۹: «دسته‌های دیگ را برداشته‌اند، ازینرو حرکت کردن در مسیر زندگی مشکل است. گوشت چرب قرقرساول خورده نشده، اما باریدن باران، تأسف را خواهد زدود. و در آخر کامیابی و خوش‌اقبالی خواهد آورد.»

دسته‌های دیگ قسمتی است که به وسیله‌ی آن می‌توان دیگ را گرفت. پس نشانگر برداشتی است که شخص از «دیگ» دارد. در طول زمان این برداشت ظاهراً تغییر کرده است، به‌نحوی که امروزه ما دیگر نمی‌توانیم «بی‌چینگ» را درک کنیم. به این ترتیب است که «حرکت کردن در مسیر زندگی مشکل است.» ما دیگر با مشورت خردمندان و نگاه نافذ «بی‌چینگ» حمایت نمی‌شویم، بدینجهت ما

دیگر نمی‌توانیم راه خود را در میان پیچ و خم‌های سرنوشت و پیچیدگی‌های طبیعت خود پیدا کنیم. گوشت چرب‌تر قاول، یعنی بهترین و مغذی‌ترین قسمت یک ظرف غذا، خورده نشده. اما هنگامی که زمین تشنه دوباره از باران سیراب می‌شود، به این معنی است که در این مرحله خواسته برآورده شده، واژه‌ی «تأسف» به معنی اندوهی است که از نبودن خرد بر آدمی مستولی می‌گردد، لکن این اندوه برطرف می‌شود و آنگاه نوبت کامیابی فرا می‌رسد. «ویل‌هلم» توضیح می‌دهد:

«این امر نشانگر آنست که وقتی کسی، در یک تمدن توسعه‌یافته، در محلی جای می‌گیرد که هیچکس به او توجه نمی‌کند، و او را تشخیص نمی‌دهد، یعنی در مؤثر بودن، مانعی جدی بر سر راه دارد.»

«بی‌چینگ» شکایت می‌کند، انگار کیفیت‌های متعالی آن مورد توجه واقع نمی‌شود و تشخیص داده نمی‌شود، و بجای آن نهال دروغ کاشته می‌شود، لکن با امید به اینکه به زودی شناخته خواهد شد، خود را تسلی می‌دهد.

در این دو خط خاص، به سؤالی که من از «بی‌چینگ» کرده بودم پاسخی داده شده، که به هیچ‌تفسیر زیرکانه، استادی و دانش‌فیر معمولی برای درک آن نیاز نیست. هرکس با شعور اندکی می‌تواند مفهوم این پاسخ را درک کند. این پاسخ از آن کسی است که به خود معتقد است، لکن ارزش‌های آن، نه به طور عمومی مشخص شده، و نه حتی شناخته شده است. تمثیل‌هایی که در پاسخ آمده، مفاهیم جالبی دارد. «بی‌چینگ» به خود، چون ظریفی می‌نگرد، که در آن نذورات به خدایان تقدیم می‌شود، غذائی آیینی برای خوردن. در مورد خود معتقد است که وسیله‌ی است برای نیایش، برای تهیه‌ی غذاها، معنوی، برای عوامل یا نیروهای ناآگاه («شفاخت روحانی») که به صورت خدایان تصویر شده‌اند، به عبارت دیگر باید به این نب و ها به‌گونه‌ای شایسته، توجه شود، تا در زندگی هر فرد، سهم خود را ایفا کند، در واقع این امر همان معنی اصلی کلمه‌ی Religio است که به معنای تأملی دقیق است، و از کلمه‌ی Relcgere به معنی ماوراءالطبیعه آمده است. روش «بی‌چینگ» در واقع کیفیت خصوصی را در اشیاء و افراد در نظر می‌گیرد، و همچنین کیفیت‌های خصوصی افراد را در ناآگاه خود آنها.

من سؤال خود را از «یی چینگ» به آن صورت مطرح کردم، که گویی ازدوستی که می‌خواهم او را به دیگران معرفی کنم، بپرسم، آیا مایل است به دوستان معرفی شود. «یی چینگ» در پاسخ، راجع به اهمیت مذهبی خود سخن گفت و در مورد اینکه در حال حاضر ناشناخته مانده، و دچار سوء قضاوت است، و اینکه آرزو دارد به مقام محترم خود، نایل شود. هنگام بیان این آرزو، به‌طور یقین «یی چینگ» بر گفتاری که هنوز ننوشته بودم، نگاهی دورنگر افکنده بود.

این کار عکس‌العملی کاملاً قابل‌فهم بود، همان چیزی بود که می‌توانستیم از شخصی در شرایط مشابه انتظار داشته باشیم.

اما چگونه این عکس‌المعمل حادث شد؟ چون من سه سکه را در هوا انداختم و منتظر ماندم تا بر زمین بیفتند، روی زمین بچرخد و سرآخر ساکن شود. خط یا شیر نباید. این واقعیت عجیب است که نتیجه‌ی پرمعنایی که به دست می‌آید، بازتاب عمل ماست، و ناشی از حرکتی است که به نظر می‌آید ظاهراً به‌کلی خالی از معناست، اما همین امر در رگترین دستاورد «یی چینگ» است. مثالی که هم‌اکنون آوردم، تنها نمونه نیست، جوابهای نغز و پرمعنا، معمول «یی چینگ» است. چین‌شناسان غربی، و محققین برجسته‌ی چینی، زحمت بسیار بر خود هموار می‌کردند تا به من بقبولانند که «یی چینگ» مجموعه‌ی منسوخ و مهجور از «اوراد جادویی» است. در خلال این مباحثات منتقدان «یی چینگ»، گاهی می‌پذیرفتند که مثلاً یک «تائویست»، برایشان از «یی چینگ» تفالی بزند، البته اینکار ممکن بود فقط «مزخرفات» خوانده شود. اما غریب اینکه، جوابی که به دست می‌آمد به‌طور مشخصی با نقطه‌ی کور روانشناسانه‌ی سؤال‌کننده منطبق می‌شد.

من با نظر غربی موافقم که هر تعداد جوابی به سؤال من ممکن بود. ولی به‌طور یقین نمی‌توانم ادعا کنم که هر جواب دیگری می‌توانست به همین حد پرمعنی باشد. اگرچه، جوابی که دریافت شد اولین و تنها جواب بود، و ما هیچ‌چیز از جوابهای دیگری که ممکن بود داده شود نمی‌دانیم. این جواب مرا خوشنود و راضی کرد. پرسیدن همین سؤال برای بار دوم خارج از ادب و نزاکت بود و به همین جهت

1— Psychological Blind Spot

من این کار را نکردم، چرا که «استاد تنها يك بار سخن می‌گوید.» به نظر من کفر محض است که به نوعی بی‌روح و هاری از سلیقه، برای تعلیم گرفتن به مقوله‌ای نزدیک شویم، و بکوشیم که پدیده‌های غیرعقلی آنرا در الگوهای از پیش ساخته‌ی عقلی بگنجانیم. به راستی، چنین چیزهایی، چون این جواب، وقتی برای بار اول به چشم می‌آیند، باید همانطور که بوده‌اند، باقی بمانند، چرا که تنها آن زمان است که ما می‌فهمیم که طبیعت چه می‌کند، وقتی به خود رها می‌شود، بدون اینکه با فضولی و دخالت انسان دچار مزاحمت گردد. برای مطالعه در مورد زندگی نباید حتماً به غارها رفت. به علاوه، تکرار تجربه غیرممکن است، به دلیل این منطقی ساده که شرایط اولیه و اصلی را نمی‌توان بازساخت. بنابراین در هر لحظه فقط يك جواب خاص وجود دارد و پس.

برگردیم بر سر موضوع «شش‌خطی» خودمان: نباید تعجب کرد، که تمام مضمونی را که «تینگ» (دیگ) می‌خواهد توصیف و تأکید کند، در دو خط مشخص «شش‌خطی» اعلام شده. ۱۰ خط پائینی چنین می‌گوید:

«دیگ» وارونه شده، تا مواد فاسد خالی شود. عیبی ندارد اگر صیفه‌ای دست‌وپا کند، چون پسری خواهد آورد. دیگی که واژگون شده است، مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. پس «بی‌چینگ» همانند دیگی است که از آن استفاده نمی‌شود، و چنانکه خطوط می‌گویند، واژگون کردن آن به خاطر خالی کردن مواد فاسد بوده. درست مثل مردی که چون همسرش پسری نیاورد، صیفه‌ای می‌گیرد. بنابراین هنگامی به «بی‌چینگ» رجوع می‌شود، که هیچ راه دیگری نمانده است. با وجود لایحه‌ی به تقریب قانونی صیفه‌گرفتن در چین، در واقع صیفه‌گرفتن چاره‌ی غیر استادانه و سرهم بندی شده است. پس بدین ترتیب در این مورد شیوه‌ی کار «بی‌چینگ» تدبیری است که ممکن است برای هدفی والاتر مورد استفاده قرار گیرد. اگرچه این عمل تمهیدی استثنائی است، لکن «عیبی ندارد». درباره خط دوم و سوم هم‌اکنون بحث کردیم. خط چهارم چنین می‌گوید:

۱- چینی‌ها فقط خطوط متغیر را در شش‌خطی به دست آمده تفسیر می‌کنند. به نظر من در اغلب موارد، همه‌ی خطوط شش‌خطی روشنگر هستند.

«پایه‌های دیگ شکسته است. غذای امیرزاده ریخته، و هیکلش را آلوده، ناکامی و بداقبالی پیش خواهد آمد.» در اینجا از دیگ استفاده شده، اما به ترتیبی شلخته‌وار، یعنی، «یی چینگ» مورد سوءاستفاده واقع شده، یا غلط‌تعبیرشده بدین ترتیب غذای روحانی گم شده، و شخص شرمسار می‌شود. «لگ»^۱ به این ترتیب ترجمه می‌کند: «جسم او بدانگونه ساخته خواهد شد که هرگاه شرم کند، سرخ می‌شود.» سوء استفاده از یک وسیله‌ی آئینی پرستش نظیر «تینگ» (به عنوان مثال «یی چینگ») کفرگویی ناهنجاری است. واضح است که «یی چینگ» در اینجا از شرافت خود به عنوان یک ظرف آئینی دفاع می‌کند و بر اینکه به گونه‌ی کفرآمیز مورد استفاده قرار گیرد، اعتراض می‌کند.

خط پنجم می‌گوید:

«دیگ دارای دسته‌های زرد، با حلقه‌های طلایی
چسبیده به آنست. ثبات قدم و صحت عمل مفید فایده
است.»

به نظر می‌رسد که «یی چینگ» با درک جدید و درستی (زرد) روبرو شده است، یعنی برداشتی جدید، که از طریق این برداشت «یی چینگ» قابل درک است. این برداشت ارزشمند (طلایی) است. در واقع چاپ جدیدی به زبان انگلیسی، کتاب را بیشتر از پیش در دسترس دنیای غرب قرار داده است.

خط بالایی می‌گوید:

«دیگ حلقه‌هایی از سنگ یشم دارد، کامیابی و
خوش‌اقبالی عظیمی وجود خواهد داشت، و هر عملی مفید
فایده است.»

یشم به خاطر زیبایی و برق و جلایش ممتاز است. اگر دسته‌های دیگ از یشم باشد، بر زیبایی، اعتبار و ارزش ظرف افزوده می‌شود. در اینجا «یی چینگ» نه تنها خود را کاملاً راضی نشان می‌دهد بلکه کاملاً خوشبین به نظر می‌رسد. پس تنها می‌توان منتظر وقایع بعدی ماند، و در عین حال از نتیجه‌ی خوش‌آیندی که «یی چینگ» در چاپ جدید خود به دست خواهد آورد، خوشنود بود.

۱- Legge . نخستین مترجم فرانسوی یی‌چینگ.

من در این مثال به طور عینی نشان داده‌ام که چگونه «کتاب تقدیرات» به نسبت سؤال مطرح شده، حرکت می‌کند، بنابراین روش کار «بی‌چینگ» مطابق با ترتیبی که سؤال را مطرح می‌کنیم، تغییر می‌کند. مثلاً اگر شخصی به شرایط گپیچ‌کننده‌ی چهار شده، ممکن است خود او در «بی‌چینگ» به صورت گوینده سخن بگوید. یا، اگر سؤال در مورد ارتباط با شخصی دیگرست، ممکنست آن شخص به صورت گوینده، سخن بگوید. اگرچه هویت گوینده، کاملاً بر ترتیبی که سؤال مطرح می‌شود بستگی ندارد، همانطور که رابطه‌ی ما با رفقایمان همواره توسط آنان و به صورت یک‌جانبه شکل نمی‌گیرد. اغلب رابطه‌ی ما به صورتی استثنائی به شرایط ما بستگی دارد، اگرچه شاید کاملاً نسبت به آن ناآگاه باشیم. بنابراین اگر یک فرد از نقش خود، در یک رابطه آگاه نباشد، احتمالاً به تعجب دچار می‌شود. باری، برخلاف انتظار، احتمالاً دارد سؤال‌کننده به صورت عامل اصلی مطرح شود، این امر گاهی به وجهی واضح در متن نشان داده شده. در ضمن ممکن است ما وضعیتی را شدیداً جدی بگیریم و آن را سخت مهم بشماریم، حال اینکه جوابی که پس از مشورت با «بی‌چینگ» به دست می‌آوریم توجه ما را به بعضی وجوه غیرمنتظره‌ی دیگر که به طور ضمنی در سؤال وجود داشته جلب کند.

چنین اشاراتی شاید در ابتدای امر باعث شود که شخص فکر کند که «بی‌چینگ» سفسطه‌آمیز است. گفته شده کنفوسیوس فقط یکبار جوابی بی‌ربط دریافت کرد، مثلاً «شش‌خطی»، ۲۲ «آراستگی» - یک «شش‌خطی» زیبایی‌گراست. این مطلب یادآور اندرزی است که دیوا به سقراط می‌دهد: «تو باید بیشتر موسیقی بنوازی» و در نتیجه سقراط شروع به نواختن نی کرد. کنفوسیوس و سقراط برای حائز شدن به مقام اول در منطقی‌بودن و داشتن روش تعلیماتی در زندگی با هم در مسابقه‌اند؛ اما بمید به نظر می‌رسد که هر یک ازیندو خود را به «آراستن محاسن» مشغول کنند، چنانچه خط دوم از «شش‌خطی» اندرز می‌دهد. متأسفانه، منطلق و تعلیمات همواره فاقد کشش و جاذبه و آرایش لازم هستند، و خلاصه اینکه «بی‌چینگ» هلهط نگفته است. بار دیگر بر سر موضوع «شش‌خطی» خود بازگردیم. اگرچه به نظر

می‌رسد که «بی‌چینگک» نه تنها از چاپ جدید راضی است، بلکه حتی با خوش‌بینی بر آن تأکید دارد. مهم‌تر از این «شش‌خطی» در مورد اثری که این کتاب بر خوانندگانش خواهد گذارد، هیچ نظری نمی‌دهد. از آنجاییکه ما دو خط «یانگک» در این «شش‌خطی» داریم که با ارزش ۹ بر آنها تأکید می‌شود، ما قادریم تمیز دهیم که «بی‌چینگک» به چه ترتیب در مورد خود مال‌اندیشی می‌کند. خطوطی که ارقام ۶ یا ۹ برایشان در نظر گرفته شده، بنا بر عقیده‌ی قدیمی، به دلیل وجود يك کشش درونی به خط مقابل خود تبدیل می‌شوند. یعنی، یانگک، به یین، و برعکس. و از طریق این تبدیل ما «شش‌خطی» ۳۵، «چین»، (پیشرفت) را به دست می‌آوریم.

موضوع این «شش‌خطی»، شخصی است که در صعود خود با انواع تغییرات و تحولات آینده برخورد می‌کند، و متن توضیح می‌دهد که او چگونه باید رفتار کند. «بی‌چینگک» هم در موقعیتی مشابه است. او مال‌اندیشی، طلوع می‌کند، و خود را ظاهر می‌سازد، اما عقب نگاه داشته می‌شود، و هیچ اطمینانی نمی‌یابد. «پیشروی می‌کند، اما همچنان متأثر است» «این برکت از طرف جده‌اش به او می‌رسد». روانشناسی می‌تواند برای روشن شدن این قطعه‌ی مبهم، به ما کمک کند. در خوابها و قصه‌های پریان، مادر بزرگها و جده‌ها همواره معرف ناخودآگاه هستند، چرا که اینها جزء ترکیبی مؤنث در روان آدمی هستند. اگر «بی‌چینگک» را خودآگاه قبول نمی‌کند، حداقل ناخودآگاه آن را تا حدی می‌پذیرد، و «بی‌چینگک» بیشتر با ناخودآگاه تلاقی می‌کند تا با طرز فکر عقلایی خودآگاه. از آنجاییکه ناخودآگاه اغلب در خوابها با هیكل زنان جلوه می‌کند، این نکته ممکنست توضیحگر این «شش‌خطی» باشد. شخص مؤنث شاید که مترجم «بی‌چینگک» باشد، که بر کتاب مهر و مراقبتی مادرانه روا داشته، و این امر ممکن است به سادگی برای «بی‌چینگک» به صورت «خوش‌اقبالی» تجلی کند. «بی‌چینگک» درك عمومی را پیش‌بینی می‌کند. اما از سوءاستفاده می‌هراسد. «او چون جانور چونده‌ی کوچکی، به سرعت حرکت می‌کند». اما او نسبت به تذکر و سرزنش دوستان اندیشناك است، «او دیگر لازم نیست نگران موفقیت یا عدم موفقیت خود باشد». او از «انگیزه‌های جنگجویانه» خلاص می‌شود، و به کسی حمله نمی‌کند. بنابراین «بی‌چینگک» با آینده‌ی خود، در بازار کتاب غرب، به

آرامی رو برو می‌شود، و خود را مانند هر شخص منطقی دیگری نشان می‌دهد که می‌خواهد سرنوشت چنین کار بحث‌انگیزی را ببیند. این پاسخ بسیار منطقی و پر معنی است، تا بدان حد که یافتن جوابی مناسبتر سخت مشکل می‌نماید.

تمامی اینها تا قبل از نوشتن جمله‌های فوق بود. وقتی به این نقطه رسیدم خواستم بدانم طرز تفکر «پی چینگ» راجع به موقعیت جدید چیست، چرا که با آنچه تا به‌کنون نوشته بودم، مسایل قابل‌قبول شده بود، و همین امر به نسبت مرا متعهد و درگیر می‌کرد، بنابراین انتظار داشتم چیزی در ارتباط با عمل خودم بشنوم. باید اعتراف کنم که در جریان نوشتن این مقدمه چندان احساس خشنودی نمی‌کردم، چرا که، به عنوان فردی با احساس مسئولیت در مقابل علم، عادت ندارم از چیزی دفاع کنم که نمی‌توانم آن را ثابت کنم یا حداقل آن را به نوعی معرفی کنم که برای منطقی قابل قبول باشد. به راستی که این عملی فریب‌آمیز است که آدمی کوشش کند که به جامعه‌ی نقاد امروزی، مجموعه‌ی «اوراد جادویی» باستانی را معرفی کند. با این قصد که آنها را کمابیش قابل قبول سازد. من این عمل را بر عهده گرفته‌ام، چون شخصاً فکر می‌کنم که در روش اندیشه‌ی چینی چیزی بیش از آنچه به چشم می‌نماید، وجود دارد. اما برای من ناراحت‌کننده است که باید به نیت خوب و تغیل خواننده ملتجی شوم، تا جاییکه ناچار می‌شوم او را با ابهام یک‌اثرین کهن جادویی درگیر کنم. متأسفانه من کاملاً از بحث و جدلهایی که در اطراف آن به راه خواهد افتاد آگاهم. ما حتی مطمئن نیستیم که در سینه‌ی ما را بر دریاها می‌شناخته می‌برد، آیا سوراخی ایجاد نشده است؟ آیا این متن قدیم تعریف نشده است؟ آیا ترجمه‌ی آلمانی با اکتدسی دقیق است؟ آیا ما در توضیحات خود گمراه نشده‌ایم؟

«پی چینگ» در طول کتاب بر خودشناسی اصرار می‌ورزد. اما در روش خودشناسی امکان هر نوع سوء استفاده وجود دارد، پس این روش خودشناسی، نه برای افراد سبک‌مفرد نابالغ است، و نه برای روشنفکر نمایان و عقل‌گرایان محض، بلکه برای مردم اندیشمند و متفکر است که دوست دارند راجع به آنچه می‌کنند و آنچه برایشان پیش می‌آید، بیاندیشند، و ترجیح می‌دهند که تفکرشان با اندیشه‌ی ناسالم و مالیخولیائی، مخدوش نشود. این مسایل وقتی مطرح می‌شود،

که بخواهیم کتاب «بی‌چینگک» را با مجموعه‌ی قوانین عملی مورد قبول خودمان هماهنگ کنیم، و چنانکه ذکر کرده‌ام، من جوابی به این‌سهمه مسأله ندارم. اما لازم به توضیح نیست که در اینجا نباید «بی‌چینگک» را به عنوان يك «علم خفیه» در نظر گرفت، بلکه منظور من در این مسأله، جنبه‌ی عملی آن است. و آن نظم شدیدی که استفاده‌ی عملی این طرز فکر را به من آموخت، روانکاوی و روانپزشکی بود. احتمالاً در هیچ زمینه‌ی دیگری، ما با این‌سهمه کیفیت‌های ناشناخته روبرو نبوده‌ایم، و هیچ کجای دیگر این‌سهمه معمول نبود که روشهایی به کار گرفته شود که گرچه مؤثر است و کاربرد دارد، لکن شاید برای مدتی مدید ندانیم تأثیر آن به چه دلیل است. ممکن است معالجات غیرمدللی، موجب بهبود غیرمنتظره‌ی بیمار گردد، و از روش مورد اعتماد و مورد دفاعی، شکستی فاحش پدید آید. در کشف ناخودآگاه، ما به چیزهای بسیار سرب پرخورد می‌کنیم، چیزهایی که يك عقل‌گرا با وحشت از آن دور است. و سرانجام مدهی می‌شود که هیچ چیز ندیده است. این‌اشنگی هیرفلاهی زندگی، همواره به من آموخته است که هرگز چیزی را رد نکنم، حتی اگر بر علیه تمام نظریه‌های ما باشد (که عمرشان این‌سهمه کوتاه است)، یا اینکه هیچ توضیح آنی برایش نتوان یافت. البته این کار اضطراب‌آورست، و آدمی مطمئن نیست که آیا دارد به هدف نزدیک می‌شود یا نه، اما امنیت، اطمینان و آرامش به کشفیات منتهی نمی‌شوند. این موضوع در مورد شیوه‌ی «بی‌چینگک» هم صادق است، و به طور واضح هدف این روش، خودشناسی است. اگرچه در همه‌ی دوره‌ها از آن استفاده‌های خرافی نیز کرده‌اند.

من کاملاً از ارزش خودشناسی، آگاه هستم، اما آیا فایده‌ی بی‌چینگک دارد که يك چنین درون‌بینی و بصیرتی را توصیه کنیم، حال اینکه داناترین افراد طی دوره‌ها، نیاز به آن را موعظه کرده‌اند و هرگز موفق نشده‌اند؟ حتی در چشم يك سونگرت‌ترین افراد، این کتاب، به‌طور واضحی، موشکافی دقیق خصلت، رفتار و انگیزه‌ها را توصیه می‌کند.

این موضوع است که مرا بر آن داشت تا این مقدمه را بنویسم. یکبار هم، در نطق یادبودی که برای بزرگداشت مترجم آلمانی این کتاب (ریچارد ویلملم) داشتم، با توجه به این مسأله‌ی «بی‌چینگک» نظر خود را بیان کردم. به‌جز آن من سکوتی محتاطانه درین مورد داشتم. این مطلب به‌هیچوجه ساده نیست که آدمی احساس کند، که مسیرش يك

ذهنیت مهجور و مرموز است مثل ذهنیتی که پشت «بی چینگ» نهفته است. به آسانی نمی‌توان مغزهای بزرگی چون لائوتسه و کنفوسیوس را نادیده گرفت، اگر شخص به هیچوجه قادر نباشد، کیفیت افکاری را که ایندو عرضه می‌کنند، قدر بداند، به سختی ممکن است، بتواند حقیقت «بی چینگ» را درک کند، حقیقتی که سرچشمه‌ی اصلی الهامات ایندوست. من می‌دانم که پیش ازین، جرات نمی‌کردم مطلب خود را در مورد مسأله‌ی اینچنین نامطمئن، بدین روشنی بنویسم. اما اکنون می‌توانم خطر کنم، چرا که در هشتمین دهه‌ی عمر خود هستم، و دیگر گوناگونی عقاید آدمی، به سختی مرا تحت تأثیر قرار می‌دهد. افکار این استادان قدیم برای من ارزشی بالاتر از تعصبات فلسفی ذهن غربی دارد. من نمی‌خواهم بسا این نظریات شخصی موجب تصدیع خواننده‌ام شوم. اما، چنانچه هم‌اکنون ذکر کردم، پاسخ «بی‌چینگ» اغلب شخصیت فرد را دربر می‌گیرد. در واقع، وقتی سؤالم را تنظیم می‌کردم تا مطرح کنم، حتی از «بی چینگ» خواستم تا به‌طور مستقیم نسبت به عمل من اظهار نظر کند. جواب «شش‌خطی» ۲۹ بود، «ک، ان»، «گودال هول‌انگیز». تأکید خاص به خط سوم داده شده. بدین خاطر که خط با عدد شش مشخص شده است. خط چنین می‌گوید:

«گودال در گودال. او چه بالا رود چه پایین، درگیر گودال است. ترس او را فراگرفته، نمی‌تواند آرام گیرد. جد و جهدش در گریز از این خطر او را بیش از پیش به درون چاله می‌کشاند.

ازین طریق نباید عملی انجام داد. تنها باید منتظر ماند.» سابق بر این بی هیچ قید و شرطی من این اندرز را می‌پذیرفتم که «ازین طریق نباید عملی انجام داد» و از ابراز هرگونه عقیده‌ی در مورد «بی چینگ» خودداری می‌کردم. تنها به‌دلیل که عقیده‌ی بی‌ناشتم. اما اکنون مشورت می‌تواند نمونه‌ی بی‌سندده که «بی‌چینگ» چگونه عمل می‌کند. واقعیت دارد که وقتی شخص دربار «بی چینگ» تفکر آغاز می‌کند، مسائل «بی چینگ» چون «گودال در گودال» می‌نماید و شخص باید در میانه‌ی خطرات اندیشه‌ی بی‌پایان و بحرانی، ناگزیر «ابتدا مکث و صبر کند»، وگرنه حتماً راهش را در تاریکی گم خواهد کرد. آیا موقعیتی از نظر روشنفکری نگران‌کننده‌تر از شناور بودن در هوای رقیقی از احتمالات اثبات نشده وجود دارد، از ندانستن

اینکه آیا آنچه می‌بیند حقیقت است یا توهم؟ این فضای رویاگونه‌ی «بی‌چینگ» است، و در آن آدمی هیچ اتکایی بجز قضاوت ذهنی جایز الخطای خود ندارد.

من تنها می‌توانم تاکید کنم که خط سوم «شش‌خطی» ۲۹ به گونه‌ای دقیق احساس مرا به هنگام نوشتن قطعه‌ی قبلی بازگو می‌کند. بخش دیگری در این «شش‌خطی» که کاملاً با شرایط من همخوان است، شروع آرام‌بخش این «شش‌خطی» است: «اگر با آن در کمال صداقتی شرافتمندانه برخورد کنیم، نتیجه‌ی آن کامیابی خواهد بود» - می‌بینم که این جمله نشان می‌دهد که عامل تعیین‌کننده در اینجا خطر بیرونی نیست، بلکه شرایط ذهنی است، یعنی، اینکه واقعاً کسی خود را صادق بداند یا نه.

در این موقعیت، این «شش‌خطی» حرکتی پویا را با حالت آبی طمأنجگر مقایسه می‌کند. که از هیچ مکان خطرناکی هراس ندارد بلکه هاله‌ها و گودال‌هایی را که هر سر راهش است از آب پرمی‌کند (ك، آن، ... ای اب هم هست). این راهی‌ست که «مرد برتر» در آن عمل می‌کند، و به «آموزش‌های خود به دیگران، ادامه می‌دهد». به‌طور قطع «ك، ان» یکی از نامطبوع‌ترین «شش‌خطی‌ها» است. شرایطی را توصیف می‌کند که در آن شخص در خطری عظیم است، خطر آنکه گرفتار گودال‌های مختلف گردد. درست همانطوری که خوابی را تعبیر می‌کنیم، باید متن خواب را با نهایت دقت دنبال کنیم، پس در مشورت با «بی‌چینگ»، باید در ذهن داشته باشیم که سؤال را چگونه مطرح کرده‌ایم، چرا که شکل مطرح شدن سؤال، محدودیت مشخصی در تفسیر جواب ایجاد می‌کند. اولین خط «شش‌خطی» حضور خطر را اعلام می‌کند: «در عمق گودال، وارد غاری می‌شود.» خط دوم هم همینطور، فقط اضافه می‌کند که: «تنها در مسائل کوچک موفقیتی نصیب او خواهد شد». من ظاهراً با محدود کردن خودم به نوشتن مقدمه‌یی بر این اندیشه پیشی گرفتم، تا نشان دهم که «بی‌چینگ» چگونه در ذهنیت چینی عمل می‌کند، و به این دلیل از برنامه‌هایی جاه‌طلبانه‌تر برای نوشتن يك شرح روانشناسی بر تمام کتاب چشم پوشیدم.

خط چهارم چنین می‌گوید:

«تنها پیمان‌هایی از اشربه، سبدي برنج و کماج‌ها. او به فرمانروای خود به بهترین وجه ممکن آموزش می‌دهد، در

آخر اشتباهی مرتکب نشده است.»

«ویلهلم» مترجم آلمانی چنین توضیح می‌دهد:

«اگرچه از نظر صرف معمول يك صاحب‌مقام است که قبل از انتصاب هدایائی چند منبأ معارفہ تقدیم کند لیکن در اینجا همه چیز به نهایت مختصر شده. هدایا، بی‌اهمیت هستند، کسی در التزام او نیست، او شخصاً خود را معرفی می‌کند. با اینهمه، اگر قصد شرافتمندان‌ای برای کمک دوجانبه در مقابل خطر وجود دارد، نباید این مراسم را حقیر شمرد.»

به نظر می‌رسد که انگار تا حدی موضوع این خط، خود کتاب است. خط پنجم مضمون محدود بودن را ادامه می‌دهد. اگر کسی طبیعت آب را مطالعه کند، می‌بیند که آب گودال را فقط تا لبه‌ی آن پر می‌کند و بعد از آن سرریز می‌شود، در آنجا نمی‌ماند تا اسیر گردد: «هنوز گودال آنقدر پر نیست که سرریز کند، فقط تا لبه پر شده.»

پس اگر شخصی بخواهد خطر کند، و با وجود اینکه قلباً به «بی‌چینگ» اطمینان ندارد، اصرار کند که با کوشش خاصی و به اجبار خود را به «بی‌چینگ» متقاعد سازد، مثلاً با شمارهای خیلی متفاخر و امثالهم، این شخص دچار اشکال خواهد شد. خط بالایی این «شش‌خطی» این مسأله را بسیار دقیق، به صورت شرایط در هم پیچیده و محصور مانده، توصیف می‌کند، به راستی که خط بالایی اغلب نشان‌دهنده‌ی حالتی است که وقتی شخص مفهوم «شش‌خطی» را قلباً باور نکرده، بروز می‌کند.

در «شش‌خطی» ما خط سوم ین است و عدد آن شش است. این خط تنشی فزاینده دارد، و به این دلیل به خط یانگ تبدیل می‌شود، بدین ترتیب «شش‌خطی» جدیدی شکل می‌گیرد، که نقش‌ها و امکانات جدیدی به وجود می‌آورد. ما اکنون «شش‌خطی» ۴۸ را داریم، «چینگ»، «چاه»، چاله‌ی آب دیگر به معنای خطر نیست. بلکه، به عکس، چاه چیز نسبتاً سودمندی است:

«مرد برتر به مردم رفاه می‌دهد و به آنها می‌آموزد که به همدیگر کمک کنند.»

تصویر مردم که به همدیگر کمک می‌کنند به نظر می‌رسد مربوط

به بازسازی چاه باشد، چرا که چاه فرو ریخته و پر از گل و لای شده است. حتی حیوانات هم از آب آن نمی‌نوشند. ماهیهایی در آن زندگی می‌کنند، می‌توان از این ماهیها شکار کرد، اما آب چاه قابل نوشیدن نیست، یعنی به درد انسان نمی‌خورد. این توضیح یادآور «دیگک» (تینگک) واژگون شده و غیرقابل مصرف است، که دسته‌ی جدید برایش درست می‌کنند. به‌علاوه، این چاه، مثل دیگک، تمیز شده است، اما کسی از آن نمی‌نوشد.

«این مورد غم‌آور است.»

[چون] همه چیز ممکن بود نافع باشد.»

چاله‌ی خطرناک آب، یا گودال، و همچنین چاه، به «بی چینگک» اشاره دارد. اما چاه معنایی مثبت دارد: چون حاوی آب حیات است. باید ترمیم شود تا قابل استفاده گردد، اما کسی هیچ تصویری از آن ندارد، هیچ وسیله‌ی ندارد تا با آن آب بکشد، دلو شکسته و آب پس می‌دهد. دیگک احتیاج به دسته‌ی جدید دارد و حلقه‌هایی که با آن بتوان حملش کرد، چاه هم باید از داخل محافظت شود، چرا که «آب چاه خنک است و زلال، مثل آب خنک چشمه‌ی، گواراست.» می‌توان از آن آب کشید، چرا که قابل اطمینان است.

واضح است که در این تأویل، موضوع سخن دوباره خود «بی چینگک» است، که خود را به صورت منبع آب حیات معرفی می‌کند. «شش‌خطی» قبلی، جزء به جزء خطراتی را توصیف کرد که شخصی که به‌طور اتفاقی در چاهی افتاده با آنها مواجه می‌شود، او باید راه خلاص خود را پیدا کند، بدین ترتیب که بفهمد این يك چاه قدیمی و خرابه است، و پر از گل و لای، اما می‌توان آن را ترمیم کرد و دوباره مورد استفاده قرار داد.

من دو سؤال مطرح کردم و روش سکه‌ها را به کار بردم، سؤال دوم وقتی مطرح شد که من تحلیل خود را در مورد جواب سؤال اول نوشته بودم. سؤال اول، بدان صورتی که بود، خطاب به «بی چینگک» بود: در مورد تصمیم من برای نوشتن مقدمه، چه نظری داشت؟ سؤال دوم در مورد عمل خود من بود، یا در واقع، موقعیتی که من در آن عمل‌کننده بودم و در «شش‌خطی» اول مورد بحث قرار گرفته بود. به سؤال اول «بی چینگک» با مقایسه‌ی خود با يك دیگک جواب داد، دیگک که ظرفی آئینی است و نیاز به نوسازی دارد، ظرفی که تنها به ترتیبی

مشكوك مورد التفات مردم است. در مورد سؤال دوم، پاسخ این بود که من چهار مشکلات خواهم شد، چونکه «یی چینگ» يك چاله آب خطرناك و گودی را نشان می‌داد که آدمی ممکن بود به آسانی در منجلاب بیفتد، اگرچه این چاله‌ی آب ثابت شد که يك چاه قدیمی است که فقط احتیاج به بازسازی دارد تا که بار دیگر مورد استفاده‌ی عموم قرار گیرد.

در میان این چهار «شش‌خطی» سه‌تای آنها (ظرف، چاله، چاه) ارتباط موضوعی دارند، و از نظر محتوای عقلایی‌شان به نظر پرمعنی می‌رسند. اگر يك انسان چنین جوابهایی می‌داد، من به عنوان يك روانكاو، مجبور بودم اعلام کنم که او از عقل سلیم برخوردار است، حداقل بر مبنای موادی که به او داده شده است. در واقع، من نتوانستم در این چهار سؤال چیزی کشف کنم که به نظرم ناشی از هذیان‌گوئی، بلاهت و یا بیماری دوشخصیتی باشد. با در نظر گرفتن سن بسیار زیاد «یی چینگ» و اصل چینی‌اش، من نمی‌توانم زبان شکوفای آن را باستانی (ارکائیک)، نمادگرا (سمبولیک) یا غیرعادی بخوانم. برعکس، من می‌بایستی به این آدم فرضی تبریک می‌گفتم، به خاطر درون‌بینی و ژرف‌نگری‌اش نسبت به وضوح پرتردید من که آشکار نبود. از سوی دیگر هر آدم باهوش و بااستعدادی می‌تواند روی دیگری از موضوع را ببیند: و بگوید چگونه من در نمادگرایی «شش‌خطی» موضوعات ذهنی خودم را منعکس کرده‌ام. چنین تنقیدی اگر از نقطه‌نظر عقل‌گرایی غربی فاجعه‌آمیز است، اما به کاربرد «یی‌چینگ» لطمه‌یی نمی‌زند. برعکس، حکیم چینی با لبخند به من خواهد گفت:

«نمی‌بینی «یی چینگ» چقدر مفید است که با نمادگرایی عمیقی ترا بر آن داشت تا افکار خود را که تاکنون بر خودت هم پوشیده بوده، به میان ببینی. امکان داشت مقدمات را بنویسی، بی‌آنکه هرگز متوجه شوی که این مقدمه ممکن بود، چه سوء تفاهم مطیعی برانگیزد.» دیدگاه چینی با موضعی که شخص در مقابل «یی چینگ» اختیار می‌کند، ارتباط ندارد، این فقط ما هستیم که مساله و سؤال داریم، چرا که ما با مراجعه به «یی چینگ» از زمان فراتر می‌رویم، لکن دوباره به تعصبات خود که از ذهنیت علت و معلولی ریشه گرفته، باز می‌گردیم. خرد قدیم شرقی، بر این واقعیت تأکید می‌کند که هر فرد مستعد و باهوشی بر خواسته‌های خود آگاه است، لکن بر شیوه‌های

به تحقق رساندن این خواسته‌ها ابرامی ندارد، از اینرو لازم است که با «یی چینگ» مشورت کند، به این ترتیب هرچه شخص در مورد چگونگی نظریه‌های «یی چینگ» کمتر فکر کند، آرامش بیشتری خواهد داشت.

به نظر می‌رسد که بر مبنای نمونه‌ای که در این مقاله داده‌ام، يك خواننده‌ی غیرمتمصب این آمادگی را خواهد داشت که حداقل يك بار در مورد عمل‌کرد «یی چینگ» ازو نظر بخواهد. ۱. از مقدمه‌یی ساده پیش از این نمی‌توان انتظار داشت. اگر من با این توضیحات موفق شده باشم، پدیده‌شناسی روانشناسانه‌ی «یی چینگ» را روشن کنم، به هدف خود نائل شده‌ام. این کتاب البته هزاران سؤال، تردید و نقادی بر روی انگیزد، کسه من قادر نیستم به هیچ‌یک جواب گویم. «یی چینگ» خود را با ادله و براهین معرفی نمی‌کند. در مورد خود لاف نمی‌زند، و نزدیک شدن به او آسان نیست. مثل بخشی از طبیعت، صبر می‌کند تا آشف شود. «یی چینگ» نه وقایع را به دست می‌دهد نه از قدرت می‌گوید، بلکه برای جویندگان خودشناسی و خرد - اگر چنین کسی وجود داشته باشد - به نظر می‌رسد کتاب مناسبی باشد. برای یکی روح این کتاب به روشنی روز است، برای دیگری، سایه‌دار چون هوای تاریک روشن و برای سومی تاریک است چون شب. آنکسی که از آن لذت نمی‌برد، مجبور نیست از آن استفاده کند، و آن کسی که با آن مخالف است، مجبور نیست در حقیقت آن باور آورد.

بگذارید «یی چینگ» برای استفاده‌ی آنانی که می‌توانند معنایش را دریابند، در جهان گسترش یابد.

زوریخ ۱۹۴۹

۱- اگر خواننده نگاهی به هر چهار «شش‌خطی» مقدمه بیندازد و همه‌ی آنها را با توضیح مناسبش بخواند، خالی از فایده نیست.

بخش اول معارفہ

کتاب تقدیرات

«یی چینگ»، یا «کتاب تقدیرات»، یکی از قدیمترین کتابهای دنیاست. اگرچه اصل و مبدأ آن، در اسطوره‌های ماقبل تاریخ چین گم شده است، اما بدون شك اجزاء اصلی این فلسفه‌ی عمیق بیش از ۴۰۰۰ سال عمر دارد.

هدف «یی چینگ» منعکس کردن آن تغییر و تبدیلاتی است که به طور مداوم، در تمام سطوح کیهان عمل می‌کنند، حلقه‌ها و امواج بخت را به وجود می‌آورند، و ما باید بیاموزیم چگونه بر این امواج سوار شویم، تا مراد مطلوب را به دست آوریم.

این کتاب حکمت کهن چینی برای ما میسر می‌سازد، که چیزی ازین ضرب آهنگ مرموز را ببینیم، و به زندگی خود نظمی بدهیم که با قوانین طبیعت هماهنگ‌تر باشد.

«یی چینگ» به شخص امکان می‌دهد تا نیروهایی که بخت را رهبری می‌کنند ببیند، و او را از جریانی که در طول زندگی رخ می‌دهد آگاه می‌سازد، و به او امکان می‌دهد که با اطمینان پیش برود، و به او گوشزد می‌کند که در چه هنگام می‌تواند این جریان را به نفع خود بگرداند.

«بی چینگ» کاربردی دیگر هم دارد؛ که روشن ساختن دنیای پنهان پشت ظواهر است. «بی چینگ» چون بلدی در برابر پیچیدگی‌های ناخودآگاه عمل می‌کند. افعال و تفکر آگاهانه، تا حدود وسیعی، منتج از انگیزه‌های ناخودآگاه است، و در مشورت با «بی چینگ»، اگر عقیده و احترام به آن محکم باشد، بینشی الهامی به دست می‌آید تا زوایای پنهان درون خود را به روشنی ببینیم.

«بی چینگ» نمی‌گوید چه چیزی رخ خواهد داد، بلکه در عوض، روشن می‌کند چرا چیزها بدینگونه هستند، و روشی را که باید اتخاذ شود، پیشنهاد می‌کند. تصمیم‌گیری نهایی با خود شخص است، و نهایتاً خود اوست که فاعل بر بخت خویشتن است.

دو مکتب عظیم فلسفی چین، «تائوئیسم» و آئین «کنفوسیوس» را می‌توان در خلال صفحات «بی چینگ» یافت. «لائوتسه» بنیانگذار تائوئیسم و یکی از همعصران کنفوسیوس، مبنای تعلیمات خود را بر خرد «بی چینگ» گذارده بود. و محتمل است که کنفوسیوس شخصاً اولین مجموعه‌ی توضیحات «بی چینگ» را نوشته باشد. این توضیحات (که بنا بر عرف و احادیث همه را منسوب به کنفوسیوس می‌دانند) تقریباً نیمی از مجموعه‌ی آخر «بی چینگ» را تشکیل می‌دهد. بر طبق آنچه در منتخبات ۱ (بخش هفت، باب شانزدهم) آمده، یکبار کنفوسیوس گفت:

«اگر چند سال بهر زندگی من افزوده می‌شد، من پنجاه سال آن را به مطالعه «بی چینگ» اختصاص می‌دادم، و بدین ترتیب ممکن بود از اشتباهات فاحش خودداری کنم.»

کنفوسیوس زمانی که این گفتار را ایراد می‌کرد، هفتادسالی از عمرش گذشته بود، و روایت است که طی سالهای آخر عمر، اغلب اوقات را به مطالعه و تفسیر «بی چینگ» می‌پرداخته است، تا به حدی که کتاب جلد چرمی «بی چینگ» او را، سه بار به صحافی دادند، زیرا آنقدر مستعمل و فرسوده شده بود، که محتاج جلدی جدید بود. «بی چینگ» شهرت گسترده‌ی خود را طی قرون گذشته حفظ

کرد. در هر دوره‌ی فیلسوفان چینی، دولتمردان، سلحشوران و هامه‌ی مردم هنگامی که در مقابل تصمیمی مهم، یا تعهدی عظیم قرار می‌گرفتند، از رهنمودهای «یی چینگ» مدد می‌جستند.

این رسم اگرچه امروزه از نظر رسمی در کشور چین مهجور شده است، اما همچنان در بسیاری از جوامع حفظ شده است. «یی چینگ» به‌طور گسترده‌ی در دانشگاه‌های جدید ژاپن مورد مطالعه است. در بخش‌هایی از جنوب شرقی آسیا برای معاملات تجاری مورد مراجعه است.

کتاب تقدیرات تا سال ۱۸۸۲ عملاً در غرب ناشناخته بود، و در این سال اولین متن انگلیسی آن که توسط «جیمز لگه» ترجمه شده بود، انتشار یافت. کتاب لگه، کاربردهای کتاب را مطرح نکرده بود، و توضیح نداده بود که چگونه می‌توان از آن برای نظرخواهی نسبت به سر نوشت استفاده کرد، و بر سه‌ی دلیلی و آموزنده‌ی او، هرگز به‌طور گسترده‌ی مورد توجه و استفاده قرار نگرفت.

با این‌وصف علاقه به «یی چینگ» در سالهای اخیر به شدت افزایش یافت، و این امر بیشتر مدیون کشفیات روانشناس بزرگ دکتر «ک. گت. یونگ» بود.

یونگ کشف کرد که جوابهای «یی چینگ» به سؤالات او، همواره پرمعنی بوده، و همواره نظری عمیق را نسبت به مسأله‌ی مطرح شده، نشان می‌داده است. یونگ می‌گفت که نظر و بینش «یی چینگ» گاهی آنقدر شگفت‌آور بود، که او به تقریب متقاعد شده بود که موجودی زنده، و خردمند در درون صفحات این کتاب ماوی دارد.

یونگ در زندگینامه‌ی خود «خاطرات رویاها و اندیشه‌ها»^۲ اولین سفر خود را به دنیای «یی چینگ» چنین توصیف کرده است:

«من ساعتها زیر درخت صدساله‌ی گلابی می‌نشستم، و «یی چینگ» در کنار من بود، و از طریق دقت در نتیجه‌ی تفال، و تداخل سؤالات و جواب‌ها، از یکی به دیگری، شیوه‌ی «یی چینگ» را تمرین می‌کردم. تمام نتایجی که

2— James Legge

3— Memories, Dreams, Reflections

به نحوی غیرقابل انکار شاخص بودند، ارتباطی پرمعنا
با جریان افکار من به وجود می‌آورد، ارتباطی که من قادر
به توضیح آن نبودم.»

یونگ عقاید خود را در مورد «یی‌چینگ» در گفتاری بر ترجمه‌ی
آلمانی کتاب «ریچارد ویلهلم»، که اولین بار در سال ۱۹۲۹ انتشار
یافت، به تحریر درآورد. کتاب حاضر روایتی جدید از «یی‌چینگ»
است که متن اصلی «شاه ون»^۵ و توضیحات پسرش «تان»^۶، امیر «چو»
را در بر دارد، این قطعات است که قلب کار را تشکیل می‌دهد، و محقق
شده است که بیش از ۳۰۰۰ سال از عمر آن‌ها می‌گذرد، علاوه بر این
گزیده‌ای از تفسیرها هم آمده است.

در صفحات آتی هرآنچه برای نظرخواهی از «یی‌چینگ» لازمست
ذکر شده، تا اندرزی معتبر، رهنمودی روشن و بصیرتی عمیق نسبت
به سؤال به دست آید.

۴- این گفتار در آغاز کتاب حاضر آمده است.

5— King Wên

6— Tan, The Duck of Chou

تاریخچه‌ی یی چینگ

۴۰۰۰ سال پیش، در عصر «لونگ شان» ۷، چینی‌ها روشهای ساده‌ای برای طالع‌بینی داشتند. مثلا استخوان شانه‌ی گاو را می‌سوزاندند، و در همان زمان مسأله‌ی مورد سؤال را طرح می‌کردند. حرارت، موجب ترك خوردن استخوان می‌شد، و معموری ماهر، با ملاحظه‌ی وضعیت و اشکال استخوان به سؤال جواب می‌گفت.

این روش، با گذشت زمان آدابی خاص و آئینی ویژه یافت. ابتداءً روی استخوان شانه‌ی گاو، فرورفتگی دایره‌واری ایجاد می‌کردند، بعد سر يك میله‌ی برنزی داغ را روی فرورفتگی قرار می‌دادند، سپس سؤال را با طمانینه مطرح می‌کردند، آنگاه ترکی را که بر اثر حرارت میله در هر دو طرف استخوان ایجاد می‌شد، تحلیل و تفسیر می‌کردند.

روش رایج دیگر، سوزاندن لاک سنگ‌پشت بود، و تفسیر شکافهایی که در اثر آتش، بر روی آن ایجاد می‌شد.

لاک‌پشت نماد ثبات و عمر دراز بود، و ازینرو بسیار مورد احترام. لاک آن، یکی از اشیاء مقدسی بود که از جانب آسمان، به

7— Lung Shan

عنوان وسیله‌ای برای دیدن طالع مقدر شده بود.
 بنا بر نظریه‌ی، خطوط روی لاک سنگ‌پشت، یکی از ریشه‌های
 «یی چینگ» است. بنا بر روایتی بسیار قدیمی، هشت «سه‌خطی»
 «یی چینگ»، روی لاک يك سنگ‌پشت مقدس کشف شده است.
 کشف این هشت «سه‌خطی» به «فوهسی»^۸ اولین امپراتور
 اسطوره‌ی چین که می‌گویند ۴۵۰۰ سال پیش می‌زیسته، منسوب است.
 یکی از تفسیرهای قدیمی «یی چینگ» پیدایش آن را اینگونه
 توصیف می‌کند:

«در زمان باستان، هنگامی که سلسله‌ی «پائوهسی»^۹
 (به‌مثل فوهسی) بر همه‌چیز در زیر آسمانها حکومت
 می‌کرد، او به بالا می‌نگریست و اشکال نورانی آسمان را
 مشاهده می‌کرد، سپس به پائین می‌نگریست و شکل زمین
 را مورد بررسی قرار می‌داد.

او نقوش تزئینی روی پرنندگان و حیوانات، و
 خصوصیات ویژه‌ی مکان‌های آنان را یادداشت می‌کرد.
 نخست او بدن خود را مورد مطالعه قرار داد، و بعد
 چیزهای دوردست را مشاهده کرد.
 از تمامی اینها او هشت «سه‌خطی» مشخص کرد،
 تا از گردش ملکوتی طبیعت پنداره بردارد، و خصلت
 همه‌چیز را دریابد...»

اگرچه ممکنست این اسطوره از زمان ماورای قابل قبول نباشد،
 اما نوع اشتیاقی را که منجر به ایجاد کتاب‌ها شده، نشان می‌دهد.
 خطوط به دو دسته‌ی مثبت و منفی تقسیم شدند، تا نمایانگر
 اصول حیاتی و اساسی وجود باشند. ————— ، آسمان یا
 «یانگ»^{۱۰} خوانده می‌شود، و نشانگر تمام مثبت و منفی و فعال طبیعت
 است. خط منفصل — — زمین یا «یین»^{۱۱} خوانده می‌شود، و

نشانگر قطب منفی، مؤنث و منفعل طبیعت است...
 برای نشان‌دادن رابطهی درونی این دو متضاد، هر دو خط با هم
 ترکیب شدند تا یین و یانگ‌های کوچکتر را نشان دهند.

8— Fu Hsi

10— Yang

9— Pao Hsi

11— Yin

☰	یانگ بزرگتر	☰	ین بزرگتر
☷	یانگ کوچکتر	☷	ین کوچکتر

بعد خط دیگری اضافه شد، و هشت شکل به وجود آورد، که هر يك از این اشکال يك «سه خطی» ۱۲ خوانده می‌شود. و به هر يك از «سه خطی» ها نامی داده شد و بعضی صفات ویژه بدانان منسوب گردید.

☰	چ، ین	Ch'ien	آسمان	فعال	پدر
☱	تویی	Tui	دریاچه	شادان	دختر کوچکتر
☲	لی	Li	آتش	پیوستگی	دختر دوم
☴	جن	chen	تندر	برانگیختگی	پسر بزرگتر
☴	سون	sun	باد	آرام	دختر بزرگتر
☵	ك، ان	K'an	آب	خطرناک	پسر دوم
☶	کن	Kên	کوه	ساکن	پسر کوچکتر
☷	ك، اون	K'un	زمین	پاسخگو	مادر

«سه خطی» «چ، ین» نشانگر جوهر مذکر آسمان، یا یانگ اصیل، از سه خط ممتد تشکیل شده است. «سه خطی» «ك، اون» نشانگر جوهر مؤنث زمین، یا ین اصیل است، و از سه خط منفصل تشکیل شده است. شش «سه خطی» دیگر، ترکیبات دیگری از ین و یانگ می‌سازند. زیرا «ین» و «یانگ» اگرچه متضاد هستند، اما مکمل یکدیگر نیز هستند. ین و یانگ وجوه «تائو» هستند، که تائو هستی اصلی جهان است. و بنابراین، هشت «سه خطی» را به صورت يك خانواده، شامل پدر، مادر و شش فرزند پنداشته‌اند.

هشت «سه خطی» در شکل اولیه‌ی «یی‌چینگ» به کار می‌رفت، و

12— Trigram

اغلب آنرا در هنر چینی به صورت شمعهای یک دایره‌ی همیشه گردان رسم می‌کنند که به دور نمادهای درهم قفل‌شده‌ی یین و یانگ قرار گرفته



بخش سیاه‌رنگ (ین) از دایره‌ی داخلی، نقطه‌ی سفیدرنگ دارد، و قسمت روشن (یانگ) نقطه‌ی سیاه‌رنگ دارد. این امر نشان می‌دهد که هر قطب در کاملترین و خالصترین شکل خود، دانه‌ی دیگری در بر دارد. و می‌بینیم که عمل تغییر، در همین مرحله‌ی ابتدایی دو قطبی (ین و یانگ) شکل می‌گیرد.

مرحله‌ی مهم بعدی پیشرفت «پی چینگ»، در حدود سال ۱۱۵۰ قبل از میلاد رخ داد. در اواخر سلسله‌ی «شانگ» ۱۲، آخرین امپراتور این سلسله، «چوهسین» ۱۲ نام داشت، که حکمروایی بی‌کفایت بود، و در زمان حکومت او، قسمت اعظم امپراطوری به هرج و مرج و بی‌نظمی دچار گردید.

در این سالهای سخت، ایالات هربی چین تحت حکمروایی امیری به نام «ون» ۱۵ قرار گرفت، که مدبری لایق بود و بسیار محبوب. در آن دوران لیاقت و محبوبیت امتیازی بود، که موجب می‌شد مردم به چنین افرادی متکی و وابسته شوند. ازین رو در سال ۱۱۳۴ قبل از میلاد، امپراتور دستور دستگیری «ون» را صادر کرد. «ون» دستگیر شد و در شهر «ین» ۱۶ که پایتخت امپراطوری بود (و در ایالت «هونان» ۱۷ فعلی واقع بود) زندانی شد.

«ون» در زندان، وقتی در انتظار مرگ به سر می‌برد، درباره‌ی این هشت «سه‌خطی» رازآمیز مطالعه و تحقیق کرد.

13 – Shang

15 – Wên

17 – Honan

14 – Chou Hsin

16 – Yin

با ترکیب کردن هشت «سه‌خطی» و جفت کردن هر یک از آنها با دیگری، شصت و چهار «شش‌خطی» ۱۸ به دست آورد. آنگاه هر یک از این «شش‌خطی» ها را نامگذاری کرد، و حکمی بر آن افزود. هر حکم از ترکیب مفهوم دو «سه‌خطی» با یکدیگر مشتق بود.



مثلا «شش‌خطی» شماره‌ی ۱۱ که به نام صلح موسوم شد ترکیبی است از



«سه‌خطی» «کن»، «اون»، پاسنگو



روی «سه‌خطی» «چ»، «ین»، فعال



و «شش‌خطی» شماره‌ی ۵۲ که به نام پیشرفت تدریجی موسوم شد ترکیبی است از



«سه‌خطی» «سون»، آرام



روی «سه‌خطی» «کن»، ساکن

«ون» یکسال زندانی بود، سپس به کوشش دوستانش آزاد شد. طولی نکشید که سپاه «چو» بر علیه امپراطور شورش کرد. در ۱۰۲۷ قبل از میلاد پایتخت تسخیر شد، و امپراطور کشته شد، و سلسله‌ی «شانگ» خاتمه یافت.

اما جنگ به همینجا خاتمه نیافت، و پس از دوره‌ی کوتاهی از صلح، گروه‌های متخاصم برای به دست آوردن تاج و تخت به جنگ پرداختند، و وقتی صلح حکمفرما شد که دیگر از شهر «ین» به جز ویرانه‌یی نمانده بود.

پیروزی نهایی نصیب پسر «ون»، «تان» امیر «چو» شد، که در واقع بنیانگذار سلسله‌ی «چو» است.

چهل سال پس از به‌وجود آمدن «شش‌خطی» ها، امیر چو آثار پدرش را بسط داد و پس از مطالعه‌ی متن «ون» درمورد «شش‌خطی» ها، تفسیر خود را در مورد هر خط بر آن افزود، که مجموعه‌یی از سیصد و

۱۸-Hexagram. فهرست کامل ۶۴ شش‌خطی را در صص ۷۸-۸۴ ببینید.

هشتاد و چهار قطعه بود.

این اثر، که شامل ۶۴ «شش خطی» «شاه ون» می‌شد، باضافه‌ی متن همراه آن و تفسیر خطوط امیر «چو»، در سراسر امپراطوری چو منتشر شد و به نام کتاب چو (چویی) ۱۹ معروف گردید.

در اوایل قرن پنجم پیش از میلاد، کنفوسیوس «چویی» را مطالعه کرد، و محتمل است بعضی از تفسیرات «یی چینگ» را او نوشته باشد. توضیحات و تفسیرهای دیگر، توسط شاگردان و پیروان متأخر این حکیم دانا تدوین شده و بدان افزوده گشته، تا سرانجام این کتاب مجموعه‌یی شده دوبرابر قطر کتاب اولی که «ون» و امیر «چو» نوشته بودند. از آن پس کتاب «یی چینگ»، به طور رسمی، یکی از پنج کتاب درسی کنفوسیوس شد، و موسوم به «یی چینگ»، یا «کتاب تقدیرات» گردید. «یی چینگ» کنفوسیوسی شدیداً مورد احترام بود، فلسفه‌ی آن اثری عمیق بر بسیاری از وجوه زندگی چینی گذاشت. معلم بزرگ «لائوتسه» (که احتمالاً همدوره‌ی کنفوسیوس است) به طور حتم در «یی چینگ»، فلسفه‌یی نزدیک به تعلیمات خود می‌دیده است. تصمیمات مهم در هر سطح بر مبنای اندرزهای این کتاب اتخاذ می‌شد، و افراد کوشش می‌کردند زندگی خود را با احکام آن مطابق کنند.

در زمان سلسله‌ی «چ، این» ۲۵ و «هان» ۲۱ (از قرن سوم قبل از میلاد تا قرن سوم بعد از میلاد) مکاتب پر قدرت کیمیاگری به وجود آمد، که در علوم خفیه‌ی تائویسم تنبع می‌کردند، و تحقیقات خود را به یافتن اکسیر جاودانگی تخصیص داده بودند.

«یی چینگ» مورد قبول آنان بود، و آن را در پرتو نظرات عرفانی خود تعبیر و تفسیر مجدد کردند. در نیمه‌ی دوم قرن سوم پس از میلاد، سالک جوان و تیزهوش به نام «وانگ پی» ۲۲ بر زمینه‌ی عرفانی کتاب اصلی «یی چینگ» مطالعه و تحقیق کرد، و بر ارزشهای آن به‌عنوان فلسفه‌ی زندگی تأکید کرد.

«یی چینگ»ی که امروزه در دست ماست، در اصل همان روایت «وانگ پی» است، که به زبان چینی جدید تدوین شده، و سپس به زبانهای خارجی ترجمه گردیده است.

19— Chou I

20— Ch'in

21— Han

22— Wang pi

۳

خردیی چینگ

جهان اصغر

«یچینگ» توصیف ساده و در عین حال عمیقی از طبیعت جهان و زندگی درونی این طبیعت، به دست می‌دهد. ریشه‌ی همه‌ی موجودات «تایی‌چی» ۲۲ است. «تایی‌چی» چشمه‌ی غایی و غیرقابل شناخت زندگی است. همه‌چیز از «تایی‌چی» می‌آید و به «تایی‌چی» برمی‌گردد. «تایی‌چی» بر همه‌چیز محیط است، و محاط است در همه‌چیز.

نزدیکترین راه برای رسیدن به «تایی‌چی» و درک آن، از طریق تنها وجه دائمی زندگی است: پدیده‌ی تغییر. در جهان، همه‌چیز در وضعیت نوسانی است. همه‌چیز در حال تغییر به چیز دیگری است. هیچ چیز آخرین چیز نیست. تغییرات یکی پس از دیگری، در دوایری همواره گردان می‌چرخند، و هر پایانی، خود شروعی است. مسیر تغییرات را می‌توان همه‌جا دید، در جزر و مد امواج، در حرکت اهله‌ی قمر، در گردش فصول، و در اقبال آدمی.

یکی از تفسیرهای کنفوسیوس بر «یی‌چینگ»، چنین می‌گوید:
 «خورشید می‌رود و ماه می‌آید. ماه می‌رود و خورشید
 می‌آید. خورشید و ماه جانشین یکدیگر می‌شوند. و ثمر
 آن درخشش آنهاست.
 سرما می‌رود و گرما می‌آید، گرما می‌رود و سرما می‌آید،
 با این دوره‌ی گردش سرما و گرما، سال کامل می‌شود.
 آنچه در گذشته بوده، کمتر و کمتر می‌شود، و آنچه در
 آینده است، بیشتر و بیشتر می‌شود، این انقباض و
 انبساط، بر هم اثر می‌گذارند، و پیشرفتی سودمند
 حاصل می‌شود.»

تغییر، از تداخل دو نیروی اولیه‌ی «یانگ» و «ین»، که عناصر
 مثبت و منفی وجودند، ناشی می‌شود. جریان پیچیده‌ی درونی نیروهای
 میان ایندو قطب، منتج به ایجاد و استحاله‌ی همه‌چیز می‌شود.
 این نیروی نمونه، که دائم در حال تغییر است، این سرمنشاء
 حیات. «تائو»^{۲۴} نامیده می‌شود، و به معنای راه و طریقت است. «تائو»
 نیروی حیات است، نیرویی که در پشت نیروهای طبیعت وجود دارد.
 همه‌چیز توسط «تائو» خلق می‌شود. و همه‌چیز توسط «تائو» تجزیه
 می‌شود.

«ین» و «یانگ» که دو اصل به‌وجود آورنده‌ی یی‌چینگ هستند،
 مفاهیمی متضاد و درعین‌حال مکمل دارند. از ایندو، هشت «سه‌خطی»
 به‌وجود آمد، که نمایانگر مراحل بنیانی دایره‌ی تغییر است. با ترکیب
 جفت به جفت این هشت «سه‌خطی»، شصت و چهار «شش‌خطی» به‌وجود
 آمد، که هر یک بخش کوچکی از این دایره‌ی تغییر را نشان می‌دادند.
 بعدها، به هر یک از خطوط «شش‌خطی» مفهوم‌ی خاص اختصاص
 یافت. و بدین‌ترتیب طالبان، برای یافتن راز خطوط متغیر ۳۸۴
 نشانه‌ی ارزشمند دیگر به دست آوردند.

«یی‌چینگ» به‌وجود آمده بود، تا تمام سطوح جریانهای تغییر
 و استحاله‌ی جهان را منعکس کند. از خلقت گرفته، تا به رشد، بلوغ،
 مرگ، تجزیه، و خلقت دوباره. این کتاب بازتابی کامل است از نظم
 طبیعی، اما به صورت صغرایبی^{۲۵} آن.

« حکیم دانا به بالا می‌نگرد، و پدیده‌ی آسمان را ملاحظه می‌کند، سپس به پائین می‌نگرد، و طرح زمین را می‌آزماید، و بدین ترتیب علت و سبب تاریکی و روشنایی را می‌آموزد. او چیزها را از شروع تا پایان دنبال می‌کند، و بدین ترتیب مفهوم زندگی و مرگ را درمی‌یابد. او ملاحظه می‌کند که چگونه وحدت میان جوهر و نفعه، به چیزها شکل می‌دهد، و چگونه هیبت «ذات»، تجزیه و فساد چیزها را ایجاد می‌کند، و بدین ترتیب ساختمان خلقتی «ارواح» بالاتر و پایین‌تر را درمی‌یابد.»

«بی‌چینگ» و زمان : فصول

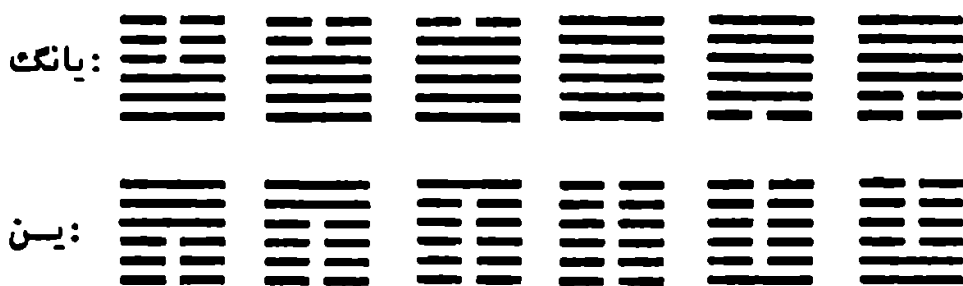
«بی‌چینگ» بیش از ۳۰۰۰ سال در چین مورد استفاده قرار گرفته، تا دایره‌ی گردش فصول، و گشت سالانه‌ی فعالیت‌های بشری را نشان دهد.

تقویم سنتی چین، سال را به دو نیمه تقسیم می‌کند، شش ماه اول سال تحت حکومت «یانگ» است، و شش ماه دوم، تحت حکومت «ین». سال جدید در اسفندماه آغاز می‌شود، یعنی یکماه پیش از نقطه‌ی اعتدال ربیعی در بهار، و بر شش ماه فعالیت خلاق، که تحت استیلای نیروهای یانگ است، راه می‌گشاید. طی این مدت، تمام پیشه‌های مردانه، چون کشاورزی، شکار، خانه‌سازی، و ازدواج بسیار خوب است.

نقطه‌ی اوج دوره‌ی یانگ در تحویل تابستان است، پس از آن رو به نقصان می‌گذارد، و سرانجام توسط نیروهای «ین» سرکوب می‌شود. نیروهای ین درست قبل از نقطه‌ی اعتدال خریفی در مهرماه، استیلای خود را از دست می‌دهد.

در نیمه‌ی دوم سال، موقع مناسب فعالیت‌های آرام‌تر زنانه است. کارهایی چون، بافتن، تفریح و تجدید قوا، برنامه‌ریزی برای سال آتی، و زایمان.

نقطه‌ی اوج دوره‌ی ین، قبل از تحویل زمستان در ماه آذر است. پس از آن دوباره نیروهای یانگک وارد مبارزه می‌شوند، تا اینکه در آخر ماه اسفند، یعنی در آغاز سال نو کاملاً مستولی می‌شوند. هر یک از دوازده ماه سال تحت استیلاي يك «شش‌خطی» است، که موسوم به «بزرگ شش‌خطی» می‌باشد. این دوازده «بزرگ شش‌خطی» صعود و فرود نیروهای یانگک و ین را در طول سال نشان می‌دهند:



دانستن ویژگی‌های «بزرگ شش‌خطی‌ها» ارزشمند است، زیرا کمکی است از برای شروع برنامه‌ی، یا به پایان رساندن کاری، و یا تعیین ساعت سعد، برای يك عمل آتی. چنانچه در نیتی که دارید مسالهی زمان از اهمیتی خاص برخوردار باشد، و از قضا یکی از ین دوازده «شش‌خطی» به دست آید، بسیار پرمعنی است. اما باید به‌خاطر داشته باشید، که جواب کامل را به حساب آورید، چرا که اغلب مسالهی زمان، در متن توضیحی «شش‌خطی» حل می‌شود.

در اینجا جدول راهنمای تقویم چینی هم‌پا شده است. ماه‌ها از نظر سنتی به دو «پانزده روزه» تقسیم شده‌اند، که هر يك موسوم به اسمی است، این اسم مشخص‌کننده‌ی آن پدیده‌ی طبیعی اصلی است که در آن دوره از زمان باید منتظرش بود. روایت شده که این اسامی، به نحوی کاملاً دقیق، نشان‌دهنده‌ی تغییرات فصل در شمال چین است. در جدول زیر، مدار متناوب یانگک و ین، به گونه‌ی ساده و روشن نشان داده شده.

تقویم باستانی چین

ماه	بزرگ شش خطی	پانزده روزه	تاریخ آغاز
۱	ت، ایی	آغاز بهار باران	۱۶ بهمن ۱ اسفند
۲	تاچوانگ	بیداری مخلوقات اعتدال ربیعی	۱۶ اسفند ۲ فروردین
۳	کواپی	روشن و درخشان ریزه باران	۱۷ فروردین ۱ اردیبهشت
۴	چ، ین	شروع تابستان فراوانی کمتر	۱۶ اردیبهشت ۱ خرداد
۵	کو	دانه‌یی در گوش تحویل تابستان	۱۷ خرداد ۱ تیر
۶	تون	گرمای کمتر گرمای بیشتر	۱۷ تیر ۲ مرداد
۷	پی	آغاز پائیز پایان گرما	۱۷ مرداد ۲ شهریور
۸	کوان	شب‌های سپید اعتدال خریفی	۱۷ شهریور ۲ مهر
۹	پو	شب‌های سپید یخ‌های نازک‌شیشه‌یی	۱۷ مهر ۲ آبان

آبان ۱۷	آغاز زمستان	ک، اون		۱۰
آذر ۲	برف کمتر			
آذر ۱۶	برف بیشتر	فو		۱۱
دی ۱	تحویل زمستان			
دی ۱۶	سرمای کمتر	لین		۱۲
بهمن ۱	سرمای بیشتر			

جدول زمان، علامت بروج نجومی و ستاره‌ی هر شش خطی

ستاره	برج	زمان	شماره‌ی شش خطی
اورانوس	عقرب	۱۱ اردیبهشت	۱
ماه	سرطان	۱۰ آبان	۲
ونوس/زهره	دلو	۱۶ آذر	۳
مارس/مریخ	قوس	۲۱ دی	۴
ژوپیتر	میزان	۱۸ بهمن	۵
خورشید	عقرب	۲۲ اسفند	۶
نپتون	قوس	۲۴ فروردین	۷
مرکوری/عطارد	سرطان	۳۰ فروردین	۸
ساتورن/زحل	میزان	۱۵ اردیبهشت	۹
اورانوس	سنبله	۴ تیر	۱۰
ماه	میزان	۱۲ بهمن	۱۱

• این جدول مأخوذ است از

The Iching and its Associations, Diana Farrington Hook, RKP, 1980, P 132.

شماره شش خطی	زمان	برج	ستاره
۱۲	۱۰ مرداد	اسد	ونوس/زهره
۱۳	۲۸ تیر	جوزا	مریخ/مارس
۱۴	۱۷ اردیبهشت	عقرب	ژوپیتر
۱۵	۲۱ آذر	دلو	خورشید
۱۶	۱۶ اسفند	سرطان	نپتون
۱۷	۲۴ بهمن	حوت	مرکوری/عطارد
۱۸	۲۸ اسفند	حمل	ساتورن/زحل
۱۹	۱۱ دی	اسد	اورانوس
۲۰	اردیبهشت/خرداد/تیر	سرطان	ماه
۲۱	۲۷ مهر	حوت	ونوس/زهره
۲۲	۳ شهریور	ثور	مریخ
۲۳	۹ مهر	سرطان	ژوپیتر
۲۴	۱۰ آذر	دلو	خورشید
۲۵	۱۸ شهریور	حوت	نپتون
۲۶	۲۸ مرداد	میزان	عطارد
۲۷	۲۸ آبان	دلو	زحل
۲۸	۳ آبان	ثور	اورانوس
۲۹	آذر/دی/بهمن	قوس	ماه
۳۰	۱۰ شهریور	جوزا	ونوس
۳۱	۴ خرداد	جدی	مریخ
۳۲	۱۶ تیر	حمل	ژوپیتر
۳۳	۱۰ تیر	جدی	خورشید
۳۴	۱۰ اسفند	میزان	نپتون
۳۵	۳۰ بهمن	اسد	عطارد
۳۶	۲۸ شهریور	ثور	زحل
۳۷	۲۳ اردیبهشت	جوزا	اورانوس
۳۸	۲۸ آذر	سنبله	ماه
۳۹	۲۲ آبان	دلو	ونوس
۴۰	۱۶ اسفند	قوس	مریخ

شماره شش خطی	زمان	برج	ستاره
۴۱	۳ مرداد	اسد	ژوپیتر
۴۲	۲۹ دی	حوت	خورشید
۴۳	۱۲ فروردین	عقرب	نپتون
۴۴	۱۱ تیر	ثور	عطارد
۴۵	۵ فروردین	اسد	زحل
۴۶	۴ دی	حمل	اورانوس
۴۷	۳ مهر	عقرب	ماه
۴۸	۲۹ اردیبهشت	حمل	ونوس
۴۹	۲۲ مرداد	جوزا	مریخ
۵۰	۱۷ خرداد	ثور	ژوپیتر
۵۱	اسفند/ فروردین/ اردیبهشت	حوت	خورشید
۵۲	۱۵ مهر	دلو	نپتون
۵۳	۵ بهمن	جدی	عطارد
۵۴	۱۶ شهریور	سنبله	زحل
۵۵	۲۳ خرداد	جوزا	اورانوس
۵۶	۱۸ فروردین	جدی	ماه
۵۷	۱۶ مرداد	حمل	زهره
۵۸	شهریور/ مهر	سنبله	مریخ
۵۹	۲۹ خرداد	قوس	ژوپیتر
۶۰	۲۲ تیر	اسد	خورشید
۶۱	۴ آذر	سنبله	نپتون
۶۲	۱۷ دی	جدی	عطارد
۶۳	۲۱ مهر	ثور	زحل
۶۴	۱۶ آبان	عقرب	اورانوس

مرد برتر

«بی چینگ» نشان می‌دهد که وقایع به ترتیبی خودمختار و هرج و مرجی اتفاق نمی‌افتند، و چنانچه در خلال قوانین خطوط متغیر معلوم شد، وقایع راه تغییرناپذیر تائو را دنبال می‌کنند. همه چیز تغییر می‌کند، اما به طریقی معین، و در زمانی معلوم. وقتی مدار خاص يك تغییر به مرحله‌ی خاص می‌رسد، «بی چینگ» به ما نشان می‌دهد که می‌توان آن مرحله‌ی را دید که به‌طور اجتناب ناپذیر به دنبال خواهد آمد.

اگر بی چینگ در شرایط دائم‌التغیر زندگی به‌کار گرفته شود، آنگاه می‌توان از تزلزل و عدم اطمینان وجود بشری اجتناب کرد. همچون ناخدای يك کشتی صید، که به دلیل آگاهی‌اش نسبت به امواج و بادها، می‌تواند از آنها به نفع خود استفاده کند، و بدین ترتیب به مقصد مورد نظرش برسد، به همان ترتیب آن کسی که در موقع تردید و بی‌تصمیمی از کتاب «بی چینگ» سؤال می‌کند، می‌تواند در طول عمر خود، در راهی مطمئن گام بردارد.

چنین شخصی در کتاب «بی چینگ» با نام «مرد برتر» توصیف شده است. تفسیر بزرگ چنین می‌گوید:

«هنگامی که مرد برتر می‌خواهد دست به انجام عملی بزند، چه عملی خصوصی یا عمومی، او به «بی چینگ» رجوع می‌کند. با جمله‌ی سؤال می‌کند. «بی چینگ» پیام او را می‌شنود، و جواب می‌آید، به گونه‌ی که انگار پژواک سؤال بوده است. مرد برتر در مورد هر سؤال و موضوعی، چه این موضوع درباره‌ی آینده‌ی دور باشد، یا نزدیک، مرموز باشد یا عمیق، بی‌درنگ می‌تواند دریابد که چه نتیجه‌ای بدست خواهد آمد.»

بی چینگ روشن می‌کند که هیچ چیز ساکن نیست، هیچ چیز همیشه نیست، و برای هر چیز زمانی خاص وجود دارد. آن کسی که نمی‌کوشد تا قبل از وقت به کامیابی برسد، آن کسی که می‌تواند نقصان‌ها و فرودهای غیرقابل اجتناب را تاب آورد، به خشنودی واقعی

خواهد رسید. اگر از وسط جاده‌ی پیشرفت برود، از درگیریها اجتناب خواهد کرد و خود را با ضرب آهنگ متوازن طبیعت تطبیق خواهد داد، و سرانجام با تائو به وحدت خواهد رسید.

او زندگی خود را بر مبنای نگرش یی‌چینگ نسبت به دوایر تغییر، تنظیم می‌کند. و آگاه است که ناچیزترین حرف یا عملش، موجی کوچک در اقیانوس تائو پدید می‌آورد، که ممکنست اثراتی غیرقابل احتساب در سرنوشت او داشته باشد. مرد برتر در همه‌ی اوقات در کمال فروتنی و احتیاط طی طریق می‌کند.

«حرفها از یکنفر بیرون می‌جوشد، و ادامه می‌یابد تا مردم را تحت تأثیر قرار دهد. اعمال از نزدیک شروع می‌شود، و اثرات آن در دوردست دیده می‌شود. حرفها و اعمال، لولا و فنر مرد برتر هستند. حرکت این لولا و فنر، اعتبار یا عدم اعتبار او را مشخص می‌کند. حرفها و اعمال او، آسمان و زمین را به حرکت درمی‌آورد، آیا می‌تواند نسبت به آنها بی‌توجه باشد؟»

یی‌چینگ در زمانی به وجود آمده، که پیوند انسان با سطوح عمیقتر روانش، بسیار قویتر و روشنتر از امروز بوده است. این کتاب مرکز نیروی محرکه‌ی تصاویر روانی است، که می‌تواند مانند پلی میان ذهن خودآگاه و اعماق ناخودآگاه ما عمل کند.

لزوم وجود چنین پلی را باید در عدم توانائی اندیشه جستجو کرد، که حتی قادر به حل مسائل اساسی وجود بشری هم نیست. علم می‌تواند به ما نشان دهد چگونه، اما تنها الهام، و قنوه‌ی ذهنی ناخودآگاه است که می‌تواند بگوید چرا.

یی‌چینگ جاده‌ی بی‌استی است که میان دو قطب همزاد «ین» و «یانگ» کشیده شده، در دنیایی که همه چیز «یک» است، و «یک» همه چیزست، جایی که کشمکش فرونشسته، و زندگی بی‌زمان است:

«هنگامی که از نزدیک در طبیعت و علل چیزها غور می‌کنیم، تا حدی که به جوهر روح‌وار و غیرقابل نفوذ آن وارد می‌شویم، به استفاده‌ی عملی از آنها به بهترین وجه توفیق می‌یابیم. زمانی که این استفاده، بی‌واسطه و مستقیم شد، و آسودگی خاطر تضمین گردید، فضایل ما تقویت می‌شود.»

مرد برتر از طریق تجارب خود می‌داند که این امر واقعیت دارد، ازینرو خود را به مدارهای کپکشان متصل می‌کند، و صاحب اختیار سرنوشت خود می‌شود:

«مرد برتر کسی است که در کیفیت‌های خود، هماهنگی با آسمان و زمین است، درخشش او، همانند درخشش آفتاب و ماه، نظم او همانند نظم چهارفصل، و ارتباط او با سعد و نحس همانند خدایان است.»

«ممکنست مرد برتر از آسمانها پیشی گیرد، اما آسمان با او مخالفتی نخواهد کرد، او ممکنست از آسمان تبعیت کند، و درست همانطور عمل کند که آسمان عمل می‌کند. اگر آسمانها با او مخالفتی نمی‌کنند، پس چگونه ممکنست مردمان و خدایان با او مخالفت کنند!»

روابط و نشانه‌ها^{۲۶}

در هر «شش‌خطی»، حکم شاه «ون» درباره‌ی کل «شش‌خطی» است، و موقعیتی که این «شش‌خطی» مشخص می‌کند. اما تفسیر امیر «چو» از خطوط، درباره‌ی لحظاتی است که این تغییرات حادث می‌شوند. بر همین اصل در هر «شش‌خطی»، خطوط متغیر (اعداد ۶ و ۹) مبنای کل تفسیر است.

«سه‌خطی»ها را در يك «شش‌خطی» باید در ارتباط با همدیگر در نظر گرفت، «سه‌خطی» پایینی نشانه‌ی زیر، درون و پشت است. بدین جهت به صورت واقعیهی که اتفاق افتاده تفسیر می‌شود. حال اینکه «سه‌خطی» بالایی نشانه‌ی بالا، بیرون، و جلو است. بدین جهت به صورت واقعیهی که در آینده رخ خواهد داد، تفسیر می‌شود.

هر «شش‌خطی» به سه نیروی اولیه تقسیم می‌شود: آسمان، زمین و انسان. دو خط پایینی نشانه‌ی زمین، دو خط میانی نشانه‌ی انسان،

۲۶- از اینجا تا آخر این بخش، از منابع دیگر، بویژه کتاب ریچارد ویلهلم

به متن افزوده شده

و دو خط بالایی نشانه‌ی آسمان است. بنا بر قاعده، پایین‌ترین و بالاترین خط بدون زمان‌اند، بیرون از موقعیت‌اند و اندرزگو هستند. خط بالایی جای پیر داناست، کسی که درگیر مسایل دنیایی نیست یا به‌رحال فردی متشخص و عاقل است و اندرزهایش راهگشاست. درحالی‌که چهار خط میانی دارای محدودیت زمانی‌اند، و نسبت به سؤال، چگونگی تفسیر آنها تعیین می‌شود. دو خط وسطی، یعنی خط سوم و چهارم، از همه مهم‌ترند. خط دوم و پنجم در درجه‌ی دوم اهمیت قرار دارند. خط سوم که بالاترین خط «سه‌خطی» پایینی است موقعیتی موقتی دارد. خط چهارم از نظر اهمیت بالاتر از خط دوم قرار دارد. خط سوم و پنجم جایگاه اقتدار است، خط چهارم جایگاه وزیر است و خط پنجم جایگاه حاکم. گاهی بنا بر موقعیت خط پنجم نشانگر شوهر، خط چهارم نشانگر زوجه، خط دوم نشانگر پسر است. خط دوم و چهارم جایگاه افراد اداری، پسران و زنان است. خط دوم و پنجم ارتباط کارمندی با رئیسش، پسری با پدرش، و یا زنی با شوهرش را نشان می‌دهد.

مفهوم نمادها (سمبل‌ها).

آسمان : نشانه‌ی روح، نشانه‌ی پدر، و مرد است. همچنین نشانه‌ی صبح است. نشانه‌ی عشق است که با اصل نور پیوند دارد. آسمان نشانه‌ی وحدت است.

آسمان نمودار خوش‌اقبالی و بداقبالی، هردوست. وقتی آفتاب، ماه و ستارگان در آسمان باشند، خوش‌اقبالی و کامیابی پیش خواهد آمد. وقتی ستاره‌ی دنباله‌دار و کسوف و امثال آنها در آسمان دیده شود، نشانه‌ی بداقبالی و ناکامی خواهد بود.

زمین : نشانه‌ی زندگی است. زمین مادر است، طبیعت است. زمین نشانه‌ی عصر است، نشانه‌ی تاریکی است. راستی و درستی علامت زمین هستند. زمین مراقب است که همه‌ی مخلوقات اطعام شوند.

همچنین زمین نشانه‌ی کثرت است.

اژدها : نمادی الهی است، نیروی زندگی و تجلیات زندگی است. اژدها عنصر اصلی «چ، ین»، اصل آسمان و حامی باران است، که نشانه‌ی حاصلخیزی است. هر يك از شش خط «چ، ین» شش اژدهاست که به ارا به بسته‌اند. خون اژدها، سیاه و زردرنگ است. که رنگهای باستانی آسمان و زمین هستند.

اسب : پی‌چینگ کیفیات اسب را نیرو و سرعت می‌داند. اسب گاهی مرکب رب‌النوع باد است. گاهی مرکب عنصر هوا. اسب «یانگ» است و به معنای زندگی طولانی است. اسبهای مختلف نشانگر قدرت، بردباری و استحکام هستند.

مادیان : نشانه‌ی رام بودن و قوی بودن است.

فلز و سنگ‌های قیمتی : نشانه‌ی خلوص و استحکامی بدون خدشه‌اند.

میوه : نشانه‌ی تغییر کردن طی زمان، و رسیده شدن است.

سگ : نگهبان باوفاست.

جاده‌ی عظیم : راه جهانی زندگی را در بهار نشان می‌دهد.

نی خیزران : علامت فراوانی و سرعت رشد است.

مبور از رودخانه‌ی بزرگ : یعنی برعهده گرفتن کاری خطیر.

پا گذاشتن روی دم ببر : خود را دچار خطر کردن.

روزه‌داری : یعنی برای رسیدن به هدف خود، به خدا پناه بردن.

شکار در جنوب : یعنی به انجام رسیدن عملی بزرگ.

خون‌گریستن در رودخانه : نهایت ترس و تحقیر.

نگاه يك پسر بچه : نماد فردی بی‌فکر که نمی‌تواند دور را ببیند، و تنها مناظر ساختگی را باور می‌کند.

امیر : نشانه‌ی پیر دانا، پدر، رییس و هر آن کسی است که ما امتیازی خاص بر او قایلیم.

امیرزاده : همچون امیر، شخصی ممتاز است، که در زندگی خود به نحوی از او پیروی می‌کنیم.

جهات اربعه و فصول

هشت «سه‌خطی» اصلی، هر يك نماد یکی از جهات جغرافیایی‌اند. و هر جهتی نشانگر یکی از فصول است.

تویی : این «سه‌خطی» نشانگر غرب است. و در نتیجه با پاییز و خرابی در ارتباط است. خرد شدن و تکه‌تکه کردن یکی از علائم این «سه‌خطی» است اما در میانه‌ی پاییز همه‌ی مخلوقات شادی می‌کنند.

چمن : این «سه‌خطی» نشانگر شرق است. و رشدی بهاره را نشان می‌دهد. به معنای بهار و عشق آمده است.

چ، ین : این «سه‌خطی» نشانگر شمال برهمنی است. نشانگر سرما و یخ. و نشانگر آنکه در این «سه‌خطی» تاریکی و روشنائی همدیگر را برمی‌انگیزند.

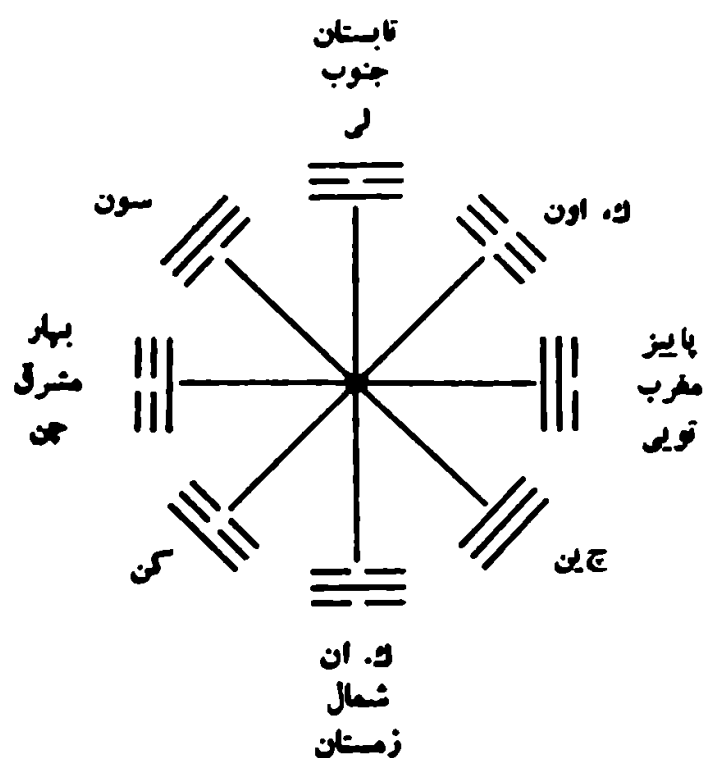
سون : این «سه‌خطی» نشانگر جنوب شرقی است و نشانگر کمال یافتن است. کمال به معنای اینکه تمام مخلوقات خالص و کامل می‌گردند.

کن : این «سه‌خطی» نشانگر شمال شرقی است که شروع و ختم هر مخلوقی در آنجاست.

ك، ان : این «سه خطی» نشانگر شمال است. و نشانه‌ی زمستان، و سه خطی رنج و زحمت است.

لی: این «سه خطی» نشانگر جنوب است، و درخششی است که در پرتو آن همه‌ی مخلوقات همدیگر را درك می‌کنند

ی اون: این «سه خطی» نشانگر جنوب شرقی است. پاسخگو و پذیرا، یعنی زمین. او مراقب است که تمام مخلوقات اطعام شوند.



این نمودار توسط شاه ون تنظیم شده است. باید توجه داشت که در چین قدیم جنوب را در بالا قرار می‌دادند.

اعضای بدن

همچنین هشت «سه‌خطی» اصلی، هر یک نشانگر یکی از اعضای بدن هستند:

چ، ین : نشانگر سر: بر تمام بدن حکومت می‌کند. جایگاه اندیشه و تصمیم‌گیری است.

ک، اون : نشانگر شکم: برای ذخیره کردن است. نشانه‌ی فرزند آوردن و ثمر داشتن، یا انبار کردن.

چن : نشانگر پا: پا بر روی زمین قدم می‌گذارد، و پیش می‌رود، نشانه‌ی عمل کردن و پیشروی است.

سون : نشانگر رانها : رانها پوشیده‌اند، و هدف خود را ظاهر نمی‌کنند، اما از «چن» پیروی می‌کنند، و پیش می‌روند.

ک، ان : نشانگر گوش: گوش در بیرون خالی است، اما اگر چیزی به خوبی شنیده شود، از یاد نمی‌رود. نشانه‌ی اندرزپذیری است.

لی : نشانگر چشم: چشم از داخل نوخالی است. یعنی نباید فقط به دیده‌ها کفایت کرد. نشانه‌ی هینی بودن و سطحی بودن است.

کن : نشانگر دست: دستها محکم می‌چسبند و سخت کار می‌کنند، یا متصل می‌شوند. نشانه‌ی کوشش و توکل با هم است.

تویی : نشانگر دهان: دهان وقتی از روبرو دیده شود، گویی رو به بالا باز می‌شود، در حالیکه از نیم رخ گویی رو به پایین باز می‌شود، ازین رو، هم نشان از بهشت دارد، هم نشان از جهنم. یعنی دارای هر دو خاصیت نیکی و بدی است.

رنگها

سفید : نشانه‌ی زمین است. و نشاندهنده‌ی سحر، رنگ «ین» است.

آبی : رنگ صبح است، رنگ آسمان و روح، و در عالم جسم، نشانه‌ی اندیشه.

زرد پررنگ : نشانه‌ی غروب آفتاب، تواضع، صحت و درستی.

زرد کم‌رنگ : رنگ نور، رنگ طلا، رنگ الهام.

سبز : رنگ طبیعت، رنگ ایمان.

قرمز : رنگ خون، هوس، احساسات و عشق زمینی است.

قرمز پررنگ : رنگ نور است وقتی تشدید شود.

سیاه : رنگ شب است.

چگونه بایبچینگ فال می گرفتند

چینیان هرگاه بخواهند با ییچینگ فالی بگیرند، وقتی را به اینکار اختصاص می دهند که فراغتی داشته باشند، چیزی مزاحم آنها نشود تا بر «شش خطی» و تفسیر آن تأثیر بگذارد. معتقدند که تمرکزی مداوم و راسخ لازمست تا خطوط «شش خطی» به دقت حساب شود، و در عین حال باید نیت کاملاً روشن باشد.

معتقدند کلماتی که با آن سؤال را می پرسند از اهمیت بسیار برخوردار است. سعی می کنند سؤال خود را به نحوی مطرح نمایند که جوابی قطعی امکان پذیر باشد. اگر نیت در مورد انتخاب میان دو موضوع بود، مثلاً: «آیا شغل الف را قبول کنم، یا شغل ب را؟» سؤال را به دو قسمت بخش می کنند، ابتدا سؤال می کنند: «اگر شغل الف را انتخاب کنم، چه نتایجی به دست خواهد آمد؟» بعد سؤال می کنند «اگر شغل ب را انتخاب کنم، چه نتایجی به دست خواهد آمد؟» بعد با مقایسه ی دو جواب به دست آمده، یکی از دو شغل را انتخاب می کنند. اگر بخواهند که جواب، اشاره یی به زمان داشته باشد، در سؤال خود محدوده یی زمانی مطرح می کنند، مثلاً: «آیا عاقلانه است که تا دو هفته ی دیگر سفری به خارج از کشور بروم.» یا، «تا سه ماه دیگر

کازم چطور خواهد شد؟»

معتقدند اندرزه‌های «یی‌چینگ» هنگامی که در شروع کاری هستند، بسیار پرارزش است. چون در این مرحله هنوز قادرند تصمیم بگیرند از کدام راه بروند و می‌توانند کاملاً بر اوضاع مسلط شوند. چینیان می‌پندارند وقتی در مورد وقایع آینده با رهنمودهای یی‌چینگ مجهز باشند، بهترین راه مقابله‌ی با آنها را می‌دانند، و بیشتر احتمال موفقیت وجود دارد، تا وقتی که در تفال یی‌چینگ تأخیر کنند، که آنگاه در خطر بحرانی جدی باشند، و برای نجات، اقدامی شدید لازم شود.

اگر جوابی که دریافت می‌کنند به نظر گنگ یا بی‌تناسب برسد، آن را کنار نمی‌گذارند. بلکه آن را مطالعه می‌کنند، و سعی دارند به آن فکر کنند. چرا که ممکنست یکباره، نشانه‌ها روشن شود، و از طبیعت واقعی یکی از عمیقترین مشکلات انسان پرده بردارد، و راه حل آن را نشان دهد.

به نظر آنها اغلب گویی که یی‌چینگ قدرت دارد سطح ظاهر اشتغالات ذهنی را بشکافد و در مورد مشکلات پنهانی اشخاص اندرز بدهد، مشکلاتی که عمیق‌تر و اساسی‌تر هستند. اگر آدمی ازین مشکلات آگاه نباشد، بعید نیست که در نظر اول، معنی واقعی این جواب را درک نکند.

حکیمان چینی به شاگردان خود توصیه می‌کنند، اگر جواب مطابق طبع شما نبود، البته می‌توانید آن را ناده‌ده بگیرید و از هر راهی که می‌خواهید، بروید. اما تجارب مکرر، در طول قرنهای متمادی به بسیاری از مردم آموخته است، که پذیرفتن پاسخ یی‌چینگ بهتر است و نهایتاً بیشتر مقرون به صواب است.

یی‌چینگ برای چینیان، کتابی مقدس است و از اینرو در عرف آنان، نسبت به یی‌چینگ احترام بسیاری رهاست می‌شود، و از آن محترمانه نگاهداری می‌کنند. آنها، کتاب را عموماً «رپارچه‌ی ابریشمی سیاهی می‌پیچند، و آن را در طاقچه‌یی می‌گذارند که بالاتر از شانه، و رو به شمال باشد.

برای فال گرفتن با یی‌چینگ سه روش وجود دارد. روش چوبهای بومادران، روش سه سکه، و روش شش قطعه‌ی چوب.

میان این سه روش، قدیمی‌ترین و پیچیده‌ترین، و بدون شك بهترین، روش چوبهای بومادران است. فال گرفتن با چوبهای بومادران احتیاج به تمرین، نوعی مهارت و صبر زیاد دارد، اما نتیجه‌ی آن ارزش زمان مصرف‌شده را دارا است. حکیم چینی می‌گوید روش تفال از کتاب تقدیرات مساله‌ی جدی است که نباید آن را سرسری گرفت. این کار یکی از آن نظامهاست که هرچه تمرکز و کار بیشتری در موردش انجام شود، نتیجه‌ی امر کیفیت بهتری خواهد داشت.

روش چوبهای بومادران

طبق سنت پنجاه چوب بومادران برای این روش مورد لزوم است. این چوبها، شاخه‌های خشك بومادران، یا هزاربرگ است. ۲۷ برای چینیان باستان گیاه بومادران مقدس بوده، و یکی از اشیاء روح‌واره، و صاحب فضایل ویژه بوده، از اینرو برای استفاده در موارد طالع‌بینی بکار می‌رفته است. تا همین قرن حاضر، گیاه بومادران روی قبر کنفوسیوس و اطراف آن کاشته می‌شده است. در عمل شاخه‌های چوبی، به طول ۱۲ تا ۱۸ اینچ، به‌خوبی می‌تواند کاربرد داشته باشد. چوبها را در جمبه‌ی مناسب می‌گذارند و در کنار کتاب نگاهداری می‌کنند.

اینك ببینیم يك فرد چینی با اعتقاد، چگونه تفال را شروع می‌کند: او روکش ابریشمی سیاه را از دور یی‌چینگ باز می‌کند آن را بر میزی پهن می‌کند و کتاب را روی آن قرار می‌دهد. در مقابل کتاب، رو به شمال می‌ایستد و سه بار در مقابل آن تعظیم می‌کند. در کنار کتاب عودی، در عوددانی مناسب روی میز می‌سوزاند، و چوبهای بومادران را از درون جمبه به‌در می‌آورد. در مدت اجرای مراسم کوشش می‌کند مغز خود را از افکار پریشان خالی کند، و تنها روی نیت خود متمرکز شود. حکیم چینی، به شاگردان تازه‌کار خود در اجرای این شیوه

27— *Achillea millefolium*

توصیه می‌کند که این کار را بدون شتاب انجام دهید، و اگر در جایی گیر کردید، نگران نباشید. بعد از اینکه چند باری با چوبهای بومادران تفال زدید، می‌بینید چوبها را به‌طور خودکار جابه‌جا می‌کنید، و می‌توانید کاملاً بر سوزال خود متمرکز شوید.

شیوه‌ی فال گرفتن با چوبهای بومادران به این ترتیب است:

۱- دسته چوبها را می‌گیرند، و یکی از آنها را جدا می‌کنند و به جعبه باز می‌گردانند این چوب نقشی ندارد، و تنها هدف آن، رساندن تعداد مجموعه‌ی چوبها به عدد جاذب و پرمعنای ۵۰ است.

۲- ۴۹ چوب باقی را جلوی خود دسته می‌کنند.

۳- با دست راست خود، چوبها را با حرکتی ناگهانی به دو دسته تقسیم می‌کنند، و این دو دسته را جدا از هم قرار می‌دهند.

۴- با دست راست یک چوب از مجموعه‌ی دست راستی برمی‌دارند و آن را میان انگشت چهارم (بنصر) و انگشت کوچک (خنصر) دست چپ قرار می‌دهند.

۵- حال به مجموعه‌ی چوبهای سمت چپ توجه می‌کنند. با دست راست خود، ازین مجموعه، چهارتا چهارتا کنار می‌گذارند، و درست چپ قرار می‌دهند. تا وقتی از مجموعه، چهارتا چوب، یا تعداد کمتری باقی بماند.

۶- چوبهای باقیمانده (با یک چوب باقیمانده) را میان انگشت چهارم (بنصر) و انگشت وسطی دست چپ قرار می‌دهند.

۷- حال با دست راست، از مجموعه‌ی دست راستی هم چهارتا چهارتا جدا می‌کنند و کنار می‌گذارند تا از مجموعه، چهارتا چوب، یا تعداد کمتری باقی بماند.

۸- چوبهای باقیمانده را میان انگشت وسطی و سبابه‌ی دست چپ قرار می‌دهند.

حال میان انگشتان دست چپ، مجموعه‌ی از ۵ یا ۹ چوب قرار دارد: (۳ + ۱ + ۱، ۱ + ۳ + ۱، ۲ + ۲ + ۱، یا ۴ + ۴ + ۱). این چوبها را با دقت کنار می‌گذارند.

حال چوبهایی را که قبلاً به دو دسته تقسیم کرده بودند جمع می‌کنند. این چوبها را به دست می‌گیرند (۴۹ منهای ۵ یا ۹ چوب روی هم). تمام جریان را دوباره از مرحله‌ی (۳) شروع می‌کنند:

يك چوب از مجموعه‌ی دست راستی برمی‌دارند و آن را میان انگشت چهارم (بنصر) و انگشت كوچك دست چپ قرار می‌دهند. چهارتا چهارتا از مجموعه‌ی چوبهای دست چپ کنار می‌گذارند، تا چهار یا کمتر از چهارتا چوب باقی بماند. چوبهای باقی‌مانده را میان انگشت چهارم (بنصر) و انگشت وسطای دست چپ قرار می‌دهند.

از مجموعه‌ی چوبهای دست راست، چهارتا چهارتا کنار می‌گذارند، تا چهارتا چوب یا کمتر باقی بماند. این چوبها را میان انگشت وسطی و سیاه دست چپ قرار می‌دهند. حالا تعداد چوبهایی که میان انگشتها مانده‌اند، ۴ عدد یا ۸ عدد هستند (۱+۱+۲، ۱+۲+۱، ۱+۳+۱، ۱+۴+۱، و یا ۳+۴+۱). این چوبها را در کنار، اما کمی جدا از اولین دسته‌ی ۵ یا ۹ قرار می‌دهند.

يكبار ديگر چوبهای باقی مانده را جمع می‌کنند، البته دسته‌ی ۵ یا ۹ تایی و دسته‌ی ۴ یا ۸ تایی را با آن مخلوط نمی‌کنند.

حال تمام جریان را يكبار ديگر برای بار سوم از مرحله‌ی (۳) شروع می‌کنند. اینبار هم تعداد چوبهای باقیمانده در دست، در آخر (مرحله‌ی ۸) ۴ یا ۸ عدد است.

وقتی این کار کامل شد، سه دسته چوب کنار گذارده به دست می‌آید که شامل ۵ یا ۹ چوب، ۴ یا ۸ چوب، و سرانجام ۴ یا ۸ چوب است. از اینجا خط پائین «شش‌خطی» به دست می‌آید. شماره‌های به دست آمده را با جدول زیر مقایسه می‌کنند.

$5 + 4 + 4$	—○—	يك خط يانگ پير
$9 + 8 + 8$	—X—	يك خط ين پير
$5 + 8 + 8$	} —————	يك خط يانگ جوان
$9 + 8 + 4$		
$9 + 4 + 8$		
$5 + 4 + 8$	} ——— ———	يك خط ين جوان
$5 + 8 + 4$		
$9 + 4 + 4$		

چنانچه در جدول فوق می‌بینید چهار نوع خط ممکن است به دست آید. وقتی خطوط مناسب با اعداد پیدا شد، و یادداشت گردید، همه‌ی ۴۹ چوب را جمع می‌کنند، و یکبار دیگر تمام جریان را تکرار می‌کنند، تا خط دوم در «شش‌خطی» خود را (از پائین) به دست آورند. شش‌بار تمام این جریان انجام می‌شود، تا تمام خطوط «شش‌خطی» (به ترتیب از پایین به بالا) به دست آید. وقتی «شش‌خطی» کامل شد، چوبها را جمع می‌کنند و به جمیع باز می‌گردانند.

خطوط به دست آمده‌ی «شش‌خطی» را نگاه می‌کنند تا ببینند آیا خطوط «پیر» یا «جوان» هستند، اگر «شش‌خطی» فقط از خطوط «یانگ» جوان (————) ، و «ین» جوان (— —) باشد

تشکیل شده باشد، فقط حکم، توضیح و تصویر آن «شش‌خطی» را در متن می‌خوانند. تفسیر خطوط را مناسب سؤال نمی‌دانند. ۲۷

اگر «شش‌خطی» به دست آمده شامل خطوط «یانگ» پیر

(—⊙—) با خطوط «پن» پیر (—X—) باشد

علاوه بر حکم و توضیح، تفسیرهای «امیر چوب» را در باره‌ی خطوط متغیر به دست آمده می‌خوانند.

خطوط پیر، خطوط متغیر هم خوانده می‌شود، زیرا وقتی متغیری به دست می‌آید، باید آن را به شکل مقابله تغییر داد، و شکلی دیگر

تشکیل داد، مثلا: —⊙— یانگ پیر، هم به صورت یانگ

———— عمل می‌کند و هم تبدیل به «ین جوان» ————

می‌شود، ین پیر —X— هم به صورت پن ————

عمل می‌کند و هم تبدیل به یانگ جوان ———— می‌شود، جریان خطوط متغیر، یک «شش‌خطی» جدید به دست می‌دهد.

متن اصلی، حکم، توضیح و تصویر این «شش‌خطی» جدید (اما نه تفسیر خطوط) نور تازه‌یی بر سؤال می‌تاباند.

به هر چهار نوع خط، شماره‌یی آئینی داده شده.

—X—	شماره‌ی آئینی ۶ (خط متغیر)
————	شماره‌ی آئینی ۷ (ساکن)
— —	شماره‌ی آئینی ۸ (ساکن)
—○—	شماره‌ی آئینی ۹ (متغیر)

بدینجهت است که تفسیر امیر «چو» بر هر خط با یکی از دو شماره‌ی ۶ یا ۹ همراه است. شماره‌های آئینی ۶ و ۹ مربوط به دوخط متغیر است.

حال برای آشناتر شدن با روش فال‌گرفتن از بی‌چینگ، نمونه‌ی ببینیم. به فرض‌نیت کرده‌اند، و چوبهای بومادران را ریخته‌اند، و نتایج زیر به دست آمده:

————	= ۵ + ۸ + ۸	خط ششم (بالایی)
— —	= ۹ + ۴ + ۴	خط پنجم (از پایین)
—○—	= ۵ + ۴ + ۴	خط چهارم (از پایین)
————	= ۹ + ۴ + ۸	خط سوم (از پایین)
—X—	= ۹ + ۸ + ۸	خط دوم (از پایین)
————	= ۵ + ۸ + ۸	خط یکم (پایینی)

اولین «شش‌خطی» به دست آمده، «شش‌خطی» شماره‌ی ۳۰ خواهد

بود.



لی: زیبایی درخشانده

محل این «شش‌خطی» را با مراجعه به جدول راهنما (ص ۷۷) پیدا می‌کنند، یعنی سه‌خطی پایینی را در ستون عمودی و سه‌خطی بالایی را در ستون افقی. محل تلاقی این دو سه‌خطی شماره‌ی ۳۰ است (ص ۲۰۰). حکم و توضیح و تصویر به‌اضافه‌ی تفسیر دو خط دوم و چهارم امیر چورامی خوانند.

این دو خط، خطوط متغیر «شش خطی» است.
 آنگاه دو خط متغیر این «شش خطی» را به خطوط مقابلشان

تغییر می‌دهند. خط دوم —X— تبدیل به ———
 می‌شود، و خط چهارم —○— تبدیل به ———
 می‌شود.

در نتیجه «شش خطی» شماره‌ی ۲۶ به نام تا، چ او (ص ۱۸۵)
 به معنی «نیروی عظیم رام‌کننده» به دست می‌آید که به شکل زیر است:



حکم، توضیح و تصویر این «شش خطی» را مطالعه می‌کنند،
 و رجوع به تفسیر خطوط را لازم نمی‌دانند.
 و سرانجام، آنچه خوانده‌اند باز می‌خوانند. و سعی می‌کنند
 قسمتهایی از آن را در مورد سؤال خود به اجرا درآورند. اغلب جوابی
 که به دست می‌آید شامل مطالبی است که در خواندن اول، به نظر
 هریب و بی‌تناسب می‌رسد، اما آنها که ممارست دارند، به زودی در
 می‌یابند که قسمت اعظم اندرزهای کتاب، به نحوی شگفت‌انگیز، با
 سؤال مطابقت دارد.

حکیم چینی به شاگردان می‌گوید:

بی‌چینگ متنی بسیار قدیمی است، و امکان دارد که گفتارهای
 آن ظاهراً چندان تناسبی با مسأله‌ی امروز، و یا با دنیای امروز
 نداشته باشد. برای درک آنچه کتاب به شما پیشنهاد می‌کند، نخست
 باید حال و هوای این متن را در کل احساس کرد، برای اینکار فال
 خود را به آهستگی بخوانید، و به تصاویر سرشار و غنی آن اجازه دهید
 که در ذهن ناخودآگاه شما فوران کند.

سپس یکبار دیگر آن را بخوانید و کوشش کنید پیام پنهان پشت
 کلمات را به طور الهامی درک کنید.

هنگامی می‌رسد که در اثر آشنایی بیشتر با این کتاب، خواهید
 توانست «کلمات بین خطوط» را بخوانید، و در قطعه‌های گوناگون،
 هرچه بیشتر عمق مفاهیم را درک کنید.

روی سخن پی‌چینگ با ذهنیتی است پخته‌تر، عمیق‌تر، و دور از منطق دنیایی. و ازین سطح است که روشنی فکر پدید می‌آید.

اگر میان معنای متن «شش‌خطی»، و مفاهیم خطوط متغیر آن تفاوتی عظیم دیدید، بدین معنی است که جواب اصلی به ترتیبی، در شرایط خاص و در وقایع خاصی، با سؤال شما تطبیق خواهد یافت.

اگر دیدید که «شش‌خطی دوم»، متضاد شش‌خطی اولست، بدان معنی است که «شش‌خطی» اول درباره‌ی حوادث نزدیکتر است، و شش‌خطی دوم، در مورد پیشرفت دورتر و دیرتر حوادثی است با روحیه‌ی کاملاً مفایر اولی.

روش سه سکه

روش سه‌سکه بسیار ساده‌تر از روش قدیمی‌تر چوبهای بومادران است، تنها شش بار، سه سکه را بر زمین می‌ریزند، و نتایج به دست آمده را یادداشت می‌کنند، تا بدون کوششی آن‌چنانی، «شش‌خطی» به دست آید.


بنابر رسم قدیم، صحیح‌ترین سکه برای استفاده، سکه‌های قدیمی برنزی است، که فقط در يك طرف نوشته دارد، و سوراخی در وسط سکه تعبیه شده. البته این سکه‌ها امروزه یافت نمی‌شوند، و در نتیجه چینیان معمولاً از سکه‌های رایج استفاده می‌کنند.


برای شروع، سه سکه‌ی يك اندازه انتخاب می‌کنند، و تعیین می‌کنند که کدام طرف سکه نماینده‌ی طرف نوشته شده‌ی سکه‌ی قدیم چینی باشد. معمولاً طرفی که ارزش سکه بر روی آن حك شده، انتخاب می‌شود.

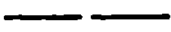
سه سکه را آزاد در دست می‌گیرند و تکان می‌دهند، بعد آنها را بر روی سطحی هموار و صاف می‌ریزند.

یادداشت می‌کنند که سکه‌ها از کدام طرف افتاده‌اند.

اگر «خط» آمد، شماره‌ی ۲ را حساب می‌کنند، و اگر «شیر» آمد، شماره‌ی ۳. بنابراین، اگر هر سه سکه خط آمد، رویهم برابر ۶ خواهد شد، که شماره‌ی آئینی خط «ین» پیر — — است.

اگر هر سه سکه شیر آمد، رویهم برابر ۹ خواهد شد که شماره‌ی آئینی خط «یانگ» پیر  است.

اگر دو سکه خط و یک سکه شیر آمد، رویهم برابر ۷ خواهد شد که شماره‌ی آئینی خط یانگ جوان  است.

اگر دو سکه شیر و یک سکه خط آمد، رویهم برابر ۸ خواهد شد، که شماره‌ی آئینی خط ین جوان  است.

اولین شماره‌یی که از ریختن سکه‌ها به دست می‌آید، خط زیرین «شش‌خطی» خواهد بود.

سکه‌ها را دوباره در دست تکان می‌دهند و می‌ریزند، تا خط دوم از پائین به دست آید، و به همین ترتیب ادامه می‌دهند تا هر شش خط به دست آید. بعد خطوط به دست آمده را در جدول راهنما (ص ۷۷) پیدا می‌کنند اگر یک یا چند خط متغیر در «شش‌خطی» به دست آمده وجود داشت، «شش‌خطی» دیگر را هم پیدا می‌کنند، که در واقع شاهد «شش‌خطی» اولست، و متن آن را چنانچه در قسمت تفال زدن به روش چوبهای بومادران ذکر شد، می‌خوانند.

روش شش‌قطعه چوب

روش شش قطعه چوب، اسانترین روش برای تفال‌زدن یا بی‌چینگ است. فقط این شش قطعه چوب را در دست می‌گیرند و یکبار آنها را روی میز می‌ریزند، و نتیجه را یادداشت می‌کنند، و «شش‌خطی» بلافاصله به دست می‌آید. معتقدند برای شروع، این بهترین روش است. وقتی با ترتیب اصطلاحات علمی و فنی کتاب تقدیرات بیشتر آشنا شدند، با روشهای دیگر تفال می‌زنند.

برای این روش شش‌قطعه چوب مخصوص تهیه می‌شود. این شش‌قطعه طولی حدود ۸ سانتیمتر در عرض ۱ سانتیمتر و ضخامتی حدود یک‌هشتم سانتیمتر دارد. در عهد قدیم، این قطعات معمولاً از ماده‌ی گرانبها نظیر عاج، لاک لاک‌پشت یا چوبهای کمیاب

ساخته می‌شد. اما اکنون آنها را به سادگی از چوبهای معمولی، به اندازه‌ی مناسب تهیه می‌کنند.

این قطعات چوب از يك طرف كاملا سیاه‌رنگ می‌شود و از طرف دیگر، سیاه‌رنگ با نواری سفیدرنگ به پهنای ۵ سانتیمتر درست در وسط آن.

بدین‌ترتیب این ۶ قطعه‌چوب، از آن طرفی‌که سیاه‌رنگ است

نشانگر خطوط «یانگ» ————— و از آن طرفی‌که نوار سفید

در وسط دارد نشانگر خطوط «ین» — — — است. برای به‌دست

آوردن يك «شش‌خطی» چوب‌ها را پشت‌سر می‌برند و درهم قاطی می‌کنند، بعد آن‌ها را روی میزی در مقابل می‌ریزند. قطعه‌چوب نزدیکتر، خط پائینی خواهد بود و اگر روی سیاه آمده باشد، یانگ است، و اگر روی با نوار سفید، ین است، و به همین ترتیب به نسبت نزدیکی و دوری، خطوط را از پایین به بالا مشخص می‌کنند، تا «شش‌خطی» به دست آید. «شش‌خطی» را در جدول راهنما (ص ۷۷) به ترتیب ذکر شده در روشهای قبلی، پیدا می‌کنند. حکم، توضیح و تصویر را می‌خوانند، و جواب سؤال داده می‌شود.

این روش ساده‌ترین روش تفال زدن با یی‌چینگ است. اما جواب سؤال فقط منحصر به يك «شش‌خطی» می‌شود. و از آنجائیکه هیچ «خط متغیری» وجود ندارد، تفسیرهای امیر چو روی خطوط قابل استفاده نخواهد بود، و در نتیجه «شش‌خطی» دومی (به عنوان شاهد) وجود نخواهد داشت.

روش شش قطعه‌چوب را در شروع کار با یی‌چینگ، وقتی هنوز آمادگی ندارند که از عهده‌ی معمای خطوط متغیر برآیند، یا وقتی سخت عجله دارند، به کار می‌بندند، اما خود معتقدند که فایده‌ی آن محدود است.

و اگر بخواهند که یی‌چینگ به بهترین وجه جواب بدهد، باید آمادگی کار روی آن را داشته باشند. به‌رحال اگر با شش قطعه‌چوب شروع می‌کنند، همواره کوشش دارند که بالاخره روزی با چوبهای بومادران تفال بزنند.

معرفی متن‌های «یی‌چینگ»

خواندن متن‌های یی‌چینگ

هر يك از شصت و چهار «شش‌خطی» چندین متن توضیحی دارند، که هر يك از آنها بر ارزش کلی پیام «شش‌خطی» چیزی می‌افزایند. اولین و قدیمترین توضیح، «حکم» خوانده شده (به چینی ت، اوآن) ۲۸. «حکم» تفسیر مختصر و موجزی از مفهوم اصلی «شش‌خطی»، و نوشته‌ی «شاه ون» است.

«توضیح» که تفسیر «حکم» است، از روی توضیحات و تفسیرهای متأخر کنفوسیوسی ساخته شده. «توضیح»، تفسیرهای «شاه ون» را بسط می‌دهد و در مورد آن بحث می‌کند.

سومین متن، «تصویر» نامیده شده (هسیانگت) ۲۹. و «شش‌خطی» را به امور بشری ربط می‌دهد. «تصویر» از چگونگی عملکردهای مرد برتر سخن می‌گوید، و بدینوسیله اندرز می‌دهد که سؤال‌کننده در چنین شرایطی چگونه باید رفتار کند.

این سه متن پیام کلی «شش‌خطی» را کامل می‌کند.

متن چهارم از توضیح‌های «امیر چو» در مورد هر يك از خطوط

شش‌خطی تنظیم شده، این قطعات کوتاه (به نام یا تو) ۳۰ در ارتباط با مفهوم کلی «شش‌خطی»، اغلب مبهم و مشکل است. متن پنجم، و آخرین متن، تفسیر جملات امیر «چو» در مورد هر خط است. توضیح و تفسیر مربوط به خطوط متغیر را باید با دقت مطالعه کرد. متن‌های «شش‌خطی‌ها» به زبان ناخودآگاه نوشته شده، و توسط الهام شخص بهتر درک می‌شود، تا به عقل و خرد معمولی او.

جملات کلیدی در بی‌چینگ

پس از مراجعه به کتاب خواهید دید که بعضی قطعات دائم تکرار می‌شوند. این جملات تکراری، عموماً از اهمیتی خاص برخوردارند، و جوهر پیام بی‌چینگ را در بر دارند. در اینجا فهرستی از مهمترین جملات کلیدی را می‌آوریم، همراه با توضیحی در باب اینکه چگونه می‌توان آنها را تفسیر کرد:

«موفقیتی عظیم»: ارزوها کاملاً برآورده می‌شود. این جمله نشان می‌دهد که اعمال شخص با مدارهای مسلط تائو هماهنگ است.

«صحت عمل و ثبات قدم مفید فایده است». پیشرفتی رضایت‌آمیز میسر است. اما شخص باید پافشاری کند، و در مسیری گام بردارد که با خواست آسمانها هماهنگ باشد. چگونگی این مسیر به طور معمول در توصیفی که از اعمال مرد برتر می‌دهد، نمایان می‌شود.

«عبور از آب بزرگ»: این جمله را می‌توان به سفری به آنسوی آبها تفسیر کرد، و همچنین آن را فائق آمدن بر هر مشکل عظیمی دانست.

در زمانی که یی‌چینگ تصلیف می‌شد، «آب بزرگ» رودخانه یانگ‌تسه ۲۱ بود، این رودخانه جریانی وسیع و سریع‌العکرت از آب بود که فقط در مواقع مهم از آن عبور می‌کردند.

«مرد برتر»: کسی که اعمالش با تائو در کمال هماهنگی است. یی‌چینگ او را به عنوان غایت خرد و فضیلت، الگو قرار داده است.

«مرد بزرگ»: اگرچه گاهی چون مترادف مرد برتر به کار می‌رود، به طور معمول اشاره به کسی دارد که موقعیتی متنقد و مقتدر دارد، و می‌تواند به شخص کمک کند، یا کار شخص را به عقب بیندازد و آزارش بدهد.

«حکیم دانا»: بالاتر از مرد برتر است و با تائو به وحدت رسیده است، و ازینرو از گناهان بشری مبری است.

«خطایی نخواهد رفت»: اگرچه ممکنست وقایع بدانسان که شخص آرزو دارد، رخ ندهد، با اینهمه اعمال شخص در جریان صحیح خود واقع است، و نهایتاً موفقیت از آن او خواهد بود.

«پافشاری شدید»: شخص باید در مقابل نابرابریها پافشاری و ایستادگی کند.

«ناکامی و بداقبالی»: اگر شخص در مسیر فعلی خود ادامه دهد نتیجه‌یی نامساعد خواهد داشت. باید نیروی خود را در جایی دیگر به کار گیرد.

«نکبت پیش خواهد آمد»: شخص در موقعیتی بسیار خطرناک است. اگر بخواهد از بدبختی اجتناب کند باید به سرعت اقدام کند.

«جای تأسف و پشیمانی»: اگر شخص همانطوریکه قصد داشته ادامه

دهد، از انجام آن متأسف خواهد شد.

«ترس و مخاطره»: شرایط اطراف، هشدار می‌دهد که با مراقبت تمام رفتار بشود.

«گناه»: اگر شخص ادامه دهد، نه تنها شکست می‌خورد، بلکه به از دست دادن اعتبار و حیثیتش منجر می‌شود.

«تقصیری نیست»: ممکنست شخص شکست بخورد، اما به خاطر کاری که انجام داده مورد انتقاد قرار نمی‌گیرد.

«فایده‌ی دربر نخواهد داشت»: پافشاری و ایستادگی نفعی ندارد، باید دست از کوشش برداشت.

جدول راهنمای «شش‌خطی»ها

در اینجا جدول پیدا کردن «شش‌خطی»ها را می‌بینید. برای یافتن «سه‌خطی» بالایی به ستون افقی جدول مراجعه می‌شود، و بعد «سه‌خطی» پائینی را در ستون عمودی پیدا می‌کنند. محل تلاقی این دو «سه‌خطی»، شماره‌ی است، که شماره‌ی «شش‌خطی» مطلوب است. به عنوان مثال، اگر «شش‌خطی» مورد نظر، «شش‌خطی» زیر باشد:



ابتدا محل سه‌خطی بالایی را در ستون افقی پیدا می‌کنند

(ستون در ستون افقی)، بعد محل «سه‌خطی» پائینی را در ستون عمودی پیدا می‌کنند، (لی در ستون عمودی)، محل تلاقی این دو، مربع شماره‌ی ۳۷ است که شماره‌ی «شش‌خطی» مورد نظر خواهد بود. (ص ۲۲۶)

ساختگی	چ، یین	چن	که، ان	سون	که، اون	سون	لی	تویی
بالایی ▶								
پایینی ▼								
	۱۳	۵۸	۴۱	۶۳	۱۳	۱۳	۶۳	۶۳
	۱۳	۵۸	۶۳	۶۳	۱۳	۱۳	۵۸	۶۳
	۱۳	۵۸	۶۳	۴۱	۴۱	۴۱	۵۸	۵۸
	۱۳	۵۸	۶۳	۶۳	۱۳	۱۳	۶۳	۶۳
	۱۳	۵۸	۴۱	۴۱	۱۳	۱۳	۵۸	۵۸
	۴۴	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۴	۴۱	۵۸
	۱۳	۶۳	۶۳	۶۳	۱۳	۱۳	۶۳	۶۳
	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۵۸

جدول راهنمای «شش خطی‌ها»

فهرست شصت و چهار «شش خطی»

تذکره: در آوانگاری واژه‌های چینی از روش «وید»^۱ استفاده شده است. اگرچه ترتیب هجی این واژه‌ها دقیقاً برابر صدایی که در اصل چینی ادا می‌شود، نیست، معیناً چون برای استفاده‌ی بین‌المللی تنظیم شده، در سراسر جهان مورد قبول است.

1— Wade

مفهوم	نام	«شش خطی»	شماره
خلاقیت	چ، یین		۱
سکون	کت، اون		۲
دردهای زایش	چون		۳
بی تجربگی	منگ		۴
به انتظار ماندن	هسو		۵
ستیزه	سونگ		۶
سپاه	شیج		۷
اتحاد	پی		۸
محدود شده توسط ضعیف	مسیا تو چ، او		۹
گام برداشتن	لو		۱۰

صلح	ت، ایی		۱۱
رکود	پ، ای		۱۲
رفاقت	ت، یونگ جن		۱۳
دارایی	تایو		۱۴
فروتنی	چ، ین		۱۵
اعتمادی عمیق	یو		۱۶
دنباله روی	سویی		۱۷
پوسیدگی	کو		۱۸
نزدیک شدن	لین		۱۹
نظاره	کوان		۲۰
گاز زدن	شیخ هو		۲۱

آراستگی	پی		۲۲
فرو افتادگی	پو		۲۳
بازگشت	فو		۲۴
درستی محض	وو، وانک		۲۵
ذخیره انداختن از طریق خویشتن داری	تاچ، او		۲۶
اطعام	یی		۲۷
فزونی	تاکيو		۲۸
گودال هول انگیز	کت، ان		۲۹
زیبائی درخشنده	لی		۳۰
کشش دو جانبه	هسی ان		۳۱
بقا	هنگ		۳۲

عقب نشینی	تون		۲۳
نیروی شدید	تاچونگ		۲۴
پیشرفت	چین		۲۵
تاریکی گرفتن نور	مینگ یی		۲۶
خانواده	چیاجن		۲۷
مخالفان	کونی		۲۸
موانع	چی یین		۲۹
خلاصی	هسیه		۳۰
کاهش	سون		۳۱
افزایش	یی		۳۲
پیشروی مجدد	کواي		۳۳

برخورد ناگهانی	کو		۴۴
گرد هم آمدن	تس اویی		۴۵
صعود	شنگ		۴۶
محدودیتی فرساینده	ک، اون		۴۷
چاه	چینگ		۴۸
انقلاب	کو		۴۹
دیگ	تینگ		۵۰
تندر	چن		۵۱
سکون	کن		۵۲
پیشرفت تدریجی	چی ان		۵۳
عروس خانم	کوا می		۵۴

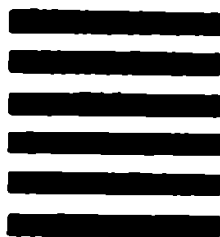
سعدت بسیار	فنگت		۵۵
غریبه‌ی مسافر	لو		۵۶
رسوخی آرام	سون		۵۷
شادی	تویی		۵۸
پراکندگی	هوان		۵۹
قانون	چیه		۶۰
صمیمیت بی اندازه	چونگ فو		۶۱
موفقیت‌های ناچیز	هسیانو کونو		۶۲
پس از تکامل	چی چی		۶۳
پیش از تکامل	وی چی		۶۴

بخش دوم
متن‌های یی‌چینگ

تذکر : شماره ردیف خطوط «شش خطی»
از پایین به بالا خوانده می شود،
شماره ی اولی که در تفال به دست
می آید، خط پایینی از «شش خطی»
است و بهمین ترتیب تا خط
ششم که خط بالایی است.
دو عدد ۶ و ۹ که کنار شماره ی
خطوط می آید، ارزش این خطوط
است، ۶ نشانه ی ین، ۹ نشانه ی
یانگ است.

شش خطی

۱



乾

ch'ien

چ، ین

سه خطی بالایی: چ، ین: آسمان، فعال.

سه خطی پایینی: چ، ین: آسمان، فعال.

خلاقیت

حکم : خلاقیت. موفقیتی چشمگیر. ثبات قدم در راهی درست، موجب نیکیبختی می شود.

توضیح : خلاقیت نخستین، نیروی عظیم دارد. سرچشمه‌ی همه‌چیزست و بر مفهوم آسمان دلالت می‌کند. ابر حرکت می‌کند، و باران می‌بارد، و همه‌چیز به شکلی مناسب درمی‌آید.

عاقلان رابطه‌ی میان آغاز و پایان را درک می‌کنند، و اینکه چگونه خطوط «شش‌خطی»، هریک در جای خود به کمال می‌رسند. اگر بر آنها در زمانی مساعد سوار شویم، آنها به آسمانها خواهند راند گویی با شش اژدها می‌رانند.

خلاقیت تغییر می‌کند و مستحیل می‌گردد، تا هر چیزی بتواند بنابر خواسته‌ی آسمانها، به طبیعت حقیقی خود دست یابد. آنگاه ممکنست به هماهنگی عظیمی نائل شود، که ثبات در صحت‌عمل، پیشرونده است.

حکیم دانا، بر بلندی ظاهر می‌شود، و برای هر قلمروی صلح می‌آورد.

اگر مطابق با وزن آهنگ جهان عمل کند، به آرزوهایش خواهد رسید. فقط زمانی ممکنست موفقیتی عظیم به دست آورد، که موقع آن رسیده باشد. زمان دشمن نیست که بر آن غالب شوند، بلکه متفقی است که باید صبورانه با آن کار کرد.

تصویر : مرد برتر می‌کوشد که خود را با دگرگونی‌های آسمانی هماهنگ کند، و بدینترتیب بخت موافق شود، و موفقیت چشمگیر به دست آید.

خطوط

یکم - ۹ : اژدها پنهان در ته چاله خوابیده. از انجام هر عملی، اجتناب کنید.

تفسیر : باید مثل اژدهایی بود که پنهان در ته چاهی آب خوابیده، یعنی باید به دقت نیروی خود را هنگام پیشرفت وقایع بسنجد، و آماده باشد تا هنگامی که لحظه‌ی مساعد فرا می‌رسد، اقدام کند.

دوم - ۹ : اژدها در مزرعه ظاهر می‌شود. ملاقات با مرد بزرگ مفید است.

تفسیر : مانند اژدهایی که در مزرعه ظاهر می‌شود، مرد بزرگ در جهان آشکار می‌شود. آشنایی با چنین مردی مفید فایده است.

سوم - ۹ : مرد برتر در طول روز فعال و هوشیار است، و در غروب باید مواظب باشد. خطر او را احاطه می‌کند، اما مرتکب اشتباه نخواهد شد.

تفسیر : موقعیت او آسیب‌پذیر است. بنابراین باید ضمن اینکه در طول روز موقعیت خود را با فعالیت پیش می‌برد، بیدار و گوش به زنگ باشد، و از خطرهایی که حتی در شب او را احاطه کرده است، آگاه باشد.

چهارم - ۹ : اژدها در نقطه‌یی است که انگار می‌خواهد به بالا بجهد، اما بی‌حرکت در ته چاله می‌ماند. دچار اشتباه نخواهد شد.

تفسیر : مرد برتر شاهد ماجراست، بی‌آنکه خود اقدامی کند. اکنون برای طرح برنامه‌های درازمدت، وقتی مساعد است.

پنجم - ۹ : اژدها در آسمان به پرواز است. ملاقات با مرد بزرگ مفید است.

تفسیر : زمانی خجسته و مبارك است تا محافظه‌کاری را از خود دور کند و علناً با مرد بزرگ متفق شود، یعنی با کسی که اهدافش همانند اوست متحد شود.

ششم - ۹ : ازدهای بی‌پروا دلیلی برای ندامت خواهد داشت.
تفسیر : او در خطر آنست که اسیر جاه‌طلبی زیاده‌ازحد شود. مرد برتر می‌داند چه هنگام عقب‌نشینی کند و چه هنگام پیشروی کند؛ چه‌نگام به‌چنگ آورد و چه هنگام رها کند؛ چه‌نگام چیره شود و تسخیر کند، و چه هنگام آزاد سازد.

.

شش خطی

۲



坤

K'UN

ك، اون

سه خطی بالایی: ك، اون: زمین، پاسخگو.
سه خطی پایینی: ك، اون: زمین، پاسخگو.

سکون

حکم : سکون. موفقیتی عظیم. مرد برتر، همچون مادیانی که قوی است، استوار است و رام، قدم اول را خود بر نمی‌دارد، بلکه در کمال وفاداری، در خدمت آنهایی

است که بتوانند به بهترین وجه از هوش و استعداد او بهره گیرند. پیدا کردن دوستانی در جنوب و غرب، و از دست دادن دوستانی در شمال و شرق پرفایده خواهد بود. استقامت در سکوت، بامساعت بخت همراه است.

توضیح : نیروی سکون (ك، اون) عظیم است. او در کمال اطاعت نیروهای خلقت را دریافت می‌کند، و همه چیز، تولد خود را به او مدیون است. او همه چیز را در اغوش می‌گیرد. و نیروی نامعدود خلقت را کامل می‌کند. از طریق فراوانی و برکت نورانی او، همه چیز می‌تواند به رشد کامل خود برسد.

مادیان هم رام و هم قوی، و مناسب خدمت به انسان است. نیروی خاموش مادیان، نشانگر زمین است، همان‌طور که خلاقیت فعال اژدها نشانگر آسمانهاست. مرد برتر، چون مادیان، استادی حقیقی پیدا می‌کند، و دوستان خود را از میان آنانی که طبیعتشان موافق طبیعت خود اوست انتخاب می‌کند. نیروی او، در سکونش نهفته. استقامتی که بدان اشاره شده، طبیعتی زمینی و پذیرا دارد، مانند طبیعت مادیان.

تصویر : «ك، اون»، نمایانگر نیروی پذیرش زمین است. مرد برتر همه چیز را در سایه‌ی فضایل خود حمایت خواهد کرد.

خطوط

یکم - ۶ : قدم بر روی خورده یخ می‌گذارد. اما قطعات سفت و

منجمد یخ در راه است.

تفسیر : زمان خطر فرارسیده است. وقتی شخصی بر خورده یخ راه می‌رود، مراقبتی بسیار، و ظرافت در حرکات لازم است. شخص عاقل می‌داند که قطعات ضخیم و سفت یخ، در موقع مقتضی، و پس از خورده یخها خواهد آمد، او برنامه‌های خود را بر این مبنا طرح می‌ریزد. در این مرحله، این عاقبت اندیشی لازم است.

دوم - ۶ : اگر هدف او مستقیم و منصفانه و والا باشد. بدون کوششی بسیار به نتیجه خواهد رسید.

تفسیر : نظم طبیعت، مستقیم، بدون شتاب، و با اینهمه، عظیم است. بدون کوششی آنچنانی همه چیز به سرانجامی موفقیت‌آمیز می‌رسد. مرد برتر، طبیعت را الگوی خود قرار می‌دهد. او در رفتار و منش خود گشاده‌روست، در افعال خود آرام است، و بدین ترتیب بدون کوشش زیاد به مراد خواهد رسید.

سوم - ۶ : او برتری خود را پنهان می‌دارد، اما بشدت آنرا حفظ می‌کند. اگر به خدمت امیر درآید، کارها و وظایف خود را به نحوی انجام می‌دهد که نتیجه‌ی مطلوب به دست آید. معه‌ذا مدعی هیچگونه اعتباری برای خود نیست.

تفسیر : مرد برتر از هوش و استعداد خود لاف نمی‌زند، اما به مفیدترین وضع آن را به کار می‌گیرد. وقتی شخصی بالاتر استخدام می‌کند، او به آرامی در حاشیه کار می‌کند و اجازه می‌دهد که امتیاز کار او نصیب شخص بالاتر از او شود. و در این راه موفقیت او بدون کوششی آنچنانی به دست می‌آید.

چهارم - ۶ : در کیسه سفت بسته شده. جایی برای تشویق یا تنبیه نیست.

تفسیر : همچون کیسه‌یی که سرش سفت بسته شده، شخص باید بتواند چیزهای ارزشمند خود را در وقت خطر پنهان کند. یک چنین احتیاطی نقشه های دشمنان جاه‌طلب را خنثی می‌کند، و همچنین او را از متکی شدن به حسن نیت دیگران، محفوظ میدارد.

پنجم - ۶ : زیرپوش زرد. بخت چندان یار نیست.
تفسیر : مرد برتر متواضع و فروتن است؛ او فضایل خود را سریعاً آشکار نمی‌کند، چون فضایل او مثل زیرپوشی زرد و شاهوار نیست، بلکه فضایل او به وجهی طبیعی از طریق رفتار و منش او پدیدار می‌شوند.

ششم - ۶ : ازدهایان در بیابان می‌جنگند، خون آنان ارغوانی و زرد است
تفسیر : اگر کسی ناراضی باشد و در پی آن برآید که از خود دفاع کند، جنگی عظیم با شخصی بالاتر برایش پیش خواهد آمد. هنگامی که دو ازدها در بیابان بجنگند، تنها نتیجه‌ی ممکن از یک چنین داوری غلطی، خونریزی است.

(تذکر: ارغوانی و زرد رنگهای مقدس زمین و آسمان هستند، هنگامی که زمین می‌کوشد تا مقام آسمان را غصب کند، هر دو به رنج و زحمت دچار می‌شوند.)

شش خطی
۳



屯

chun

چون

سه خطی بالایی: ك، ان: آب، خطر.
سه خطی پایینی: چن: تندر، برانگیختگی.

دردهای زایش

حکم : دردهای زایش. پیشرفت و موفقیتی عظیم. اگر نبات
قدم و صحت عمل داشته باشید، مفید خواهد بود.
اما هیچ حرکتی به جلو نباید ساده گرفته شود. به کار

گماشتن امیرزادگان مفید فایده است.
توضیح : هنگامی که قوی (چن) و ضعیف (ك، ان) می‌خواهند متحد شوند، دردهای زایش پی‌آمد این اتحاد خواهد بود، اقدام به کاری مخاطره‌آمیز، در آغاز همواره همراه با مبارزه و مشکل است، و تنها در صورتی موفقیت‌آمیز خواهد بود که شخص صبور و مصر باشد.

چنان است که گیاه به سختی با زمین مبارزه می‌کند، و به تدریج هنگامی که استقامتش مورد قبول واقع شود و متبرك گردد، از زمین خواهد رویید.
 ایجاد نظم از درون هرج و مرج، وظیفه‌ی است که نباید با روشی سبکسرانه شروع شود، و مفید فایده است که یاری دهندگانی لایق به‌کار گماشته شوند.

تصویر : ترکیب ابر (ك، ان) و تندر (چن) نشان‌دهنده‌ی دردهای زایش است. مرد برتر با توجه به این دردها، مصالح لازم را تهیه می‌کند و از بی‌نظمی، نظم ایجاد می‌کند.

خطوط

یکم - ۹ : مشکلات رو به افزایش‌اند. صحت عمل و ثبات قدم و همچنین به‌کار گماشتن امیرزادگان، مفید فایده است.

تفسیر : مشکلات در پیشند. اما اگر با احتیاط آماده شوید و آهسته پیشروی کنید امکان فائق آمدن بر این مشکلات به‌وجود خواهد آمد. به‌کارگماشتن دستیاران متعهد عاقلانه است.

دوم - ۶ : او گرفتار مشکلات است و مجبور به بازگشت می‌شود.

با ارابه و اسبهایش عقب می‌نشیند. دختر از دست مردی که می‌خواهد او را به زنی بگیرد، به ستوه می‌آید، اما اگر قاطع و به شیوه‌ای صحیح رفتار کند، می‌تواند پیشنهاد او را رد کند. و پس از ده سال ازدواج خواهد کرد و صاحب فرزند خواهد شد.

تفسیر : هر اقدامی برای پیشروی به محنت و عقب نشینی منتهی می‌شود. پیشنهاد کمکی غیر منتظره، که از مرکزی مقلون عرضه می‌شود، بهترست طرد گردد. وقتی زمانش فرا برسد، به گونه‌ای معقول، پیشنهاد کمکی می‌شود، که موفقیت را تضمین خواهد کرد

سوم - ۶ : او بدون کمک جنگلبان به شکار گوزن می‌رود، و در میان جنگل گم می‌شود. مرد برتر از مخاطره‌ی این کار آگاه است، و تصمیم می‌گیرد شکار را کنار بگذارد. پیش رفتن موجب پشیمانی است.

تفسیر : نمی‌توان به پیشرفتی موفقیت‌آمیز ادامه داد. راهنمایی مجرب مورد احتیاج است، و چون چنین راهنمایی فراهم نیست، معقول‌تر آنست که شخص نقشه‌ی خود را کنار بگذارد.

چهارم - ۶ : اسبهای ارابه‌ی دختر عقب می‌نشیند و او قادر به اداره‌ی آن نیست. او به جستجوی کمک آنکسی است که می‌خواهد او را به زنی بگیرد. نتیجه موفقیت آمیزست، و او موفق می‌شود یکبار دیگر پیشروی کند.

تفسیر : موقعیت غیرقابل اداره است. اما کمکی در دسترس هست. باید این کمک را پذیرفت، حتی اگر با ضرری توأم باشد.

پنجم - ۹ : او به سختی می‌تواند انتظارات دیگران را برآورده

سازد. عمل صحیح موجب موفقیت در کارهای کوچک است، اما در کارهای بزرگ، منجر به بدبختی و فاجعه می‌شود.

تفسیر : چون او در موقعیتی برتر قرار دارد و از قدرت برخوردار است، بنابراین از او انتظار می‌رود که در حد وسیعی از منافع صرف‌نظر کند. اما برای تحکیم آنچه به دست آمده، زمان لازم است، هنوز نباید اقدام به سرمایه‌گذاریهای بزرگ کرد.

ششم - ۶ : او مجبور به عقب‌نشینی می‌شود. و ارابه و اسبهایش را با خود می‌برد. رودخانه‌یی از اشک و خون از او جاری است.

تفسیر : اشتباه در پیش است. عقب‌نشینی اجتناب‌ناپذیر است و نومی‌دی از پس آن می‌آید.

شش خطی
۴



蒙

MENG

منگ

سه خطی بالایی: کن: کوه، ساکن.
سه خطی پایینی: ک، ان: آب، خطرناک.

بی تجربگی

حکم : بی تجربگی. پیشرفت و موفقیتی خواهد بود. من به جستجوی جوانان و بی تجربیها نیستم. بلکه آنها به جستجوی من هستند. نزدیکی خالصانه و متواضعانه‌ی

شخص مرا بر آن می‌دارد که راهنمایی کنم و آموزش دهم؛ اما اگر به دنبال این آموزش گمراهی بیاید، آنگاه ادامگی این آموزش، زحمتی بیش از اندازه خواهد بود. استقامت لازم است. چه حتی، پیشرفتهای جزئی و گاه به گاه هم به موفقیتی نهایی منتهی خواهد شد.

توضیح : در دامنه‌ی کوه (کن) گودال خطرناک پرآبی (ک، ان) قرار دارد. این تصویر نشان‌دهنده‌ی لجاجت احمقانه‌ی جوانی بی‌تجربه است. بی‌تجربگی یک جوان تقریباً شبیه به جوانه‌ی گیاهی است که تازه موفق شده است پس از تقلای بسیار سر از زیر خاک به درآورد. چنین وضعیتی به خودی خود نکبتبار نیست. اما نیاز به مراقبت و نظارت معلمی متبحر دارد، تا با موفقیت به انجام برسد. در ضمن همکاری مشتاقانه‌ی خود شخص لازم است.

تصویر : مرد برتر می‌کوشد تا با منشی راسخ و مصمم، سلوک کند، و چنان فضایل خود را تقویت می‌کند که گویی چشمه‌ی است (ک، ان) بر دامنه‌ی یک کوه، (کن).

خطوط

یکم - ۶ : برای دور کردن جبالت، و رفع موانع مغز، تنبیه مفید فایده است. اما افراط در تنبیه موجب پشیمانی است.

تفسیر : اگر بخواهیم به کسی آموزش دهیم انضباط لازم است، و برای فائق شدن بر جاهلی لجوج و خودسر گاهی تنبیه لازم است. اما در این کار نباید زیاده‌روی کرد.

دوم - ۹ : رفتاری آرام و صلح‌آمیز با ناهانان به نیکبختی می‌انجامد و شکیبائی و مدارا با زنان خوشبختی می‌آورد، با مراعات این قوانین، پسر قادر خواهد بود خانواده‌اش را اداره کند.

تفسیر : مدارا، و قدرت تشخیص کیفیت‌های درست و خوب در مردان فرودست، خود خصلتی است که با آن می‌توان فشارهای عمومی را تاب آورد.

سوم - ۶ : شخص نباید با زنی ازدواج کند که وقتی مرد مالدار را می‌بیند بی‌طاقت می‌شود. چنین زنی هیچ امتیازی ندارد.

تفسیر : باید از ازدواج با آن زنی خودداری کرد، که قضاوت او بر مبنای مال و منال مردان است.

چهارم - ۶ : او چنان اسیر جهل خویش است که گویی او را با زنجیر بسته باشند. واقعی از پشیمانی پیش می‌آید. مقاومت سرسختانه برای دور کردن جهل به اشتباه و شکست منجر می‌شود. اما گاهی این جریان دردناک لازمست تا شاگردی پیشرفت کند.

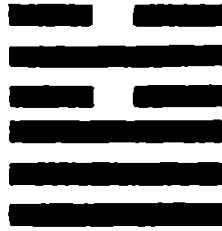
پنجم - ۶ : جوانی معصوم. بختیاری و کامروایی وجود خواهد داشت.

تفسیر : مساعدت بخت با جوانی است که تجربه‌ی ندارد اما عاقلانه به جستجوی آموزش است.

ششم - ۹ : او جوانی جاهل را تنبیه می‌کند، اما زخمی کردن او کاری مفید نیست، و مفید آنست که او را از زخمی شدن حفاظت کنیم.

تفسیر : بجای آنکه به تنبیه جوانان خودسر ادامه دهیم،
بیش از آن حدی که مفید باشد، می‌باید مراقب
الراتی باشیم که يك چنین خشونتی بر خود شخص
و بر رابطه‌اش با شاگرد خواهد گذارد.

شش خطی
۵



需

hsu

هسو

سه خطی بالایی: ك، ان: آب، خطرناك
سه خطی پایینی: چ، ين: آسمان، فعال.

به انتظار ماندن

حکیم : به انتظار ماندن، به طور یقین منجر به موفقیتی
درخشان خواهد شد. ثبات قدم موجب خوشبختی است.
عبور از آب بزرگ مفید فایده است.

توضیح : خطر (ك، ان) در راه است، اما علی‌رغم انگیزه‌ای که برای فعالیت (چ، ین) وجود دارد، او خود را درگیر موقعیتی خطرناک نخواهد کرد.

ابرامی شدید در جهت درست مسایل، موفقیتی عظیم را تضمین می‌کند. اما آن نیرو و تصمیم‌گیری که در پیشرفت يك مسیر لازمست، اکنون در حال عمل است. اکنون برای شروع يك کار عظیم، زمانی فرخنده و مبارك است.

مردان قوی، هنگامی که با خطر مواجه می‌شوند، میل دارند از خطر پیشی بگیرند، و بدون وقفه، با آن مبارزه کنند؛ اما در اینجا عاقلانه اینست که صبر کنند تا موفقیتشان تضمین شود.

تصویر : توده‌های ابر (ك، ان) در پهنه‌ی آسمان (چ، ین)، انگار در انتظارند. مرد برتر بدین خاطر می‌نوشد و می‌خورد، جشن می‌گیرد و خود را سرگرم می‌کند.

خطوط

یکم - ۹ : او بر سر مرز به انتظار است. اگر هدف خود را دایماً حفظ کند، اشتباهی رخ نخواهد داد.

تفسیر : با آرامش از اقدام به هر عملی خودداری کنید، در این‌زمان، این‌کار بهترین‌روش است. او وقتی عملی نمی‌کند، هدف‌غایی‌اش را در ذهن پنهان می‌کند، و از برانگیختن مخالفت‌های ناپهنگام با نقشه‌هایش اجتناب خواهد کرد.

دوم - ۹ : او روی ریگ‌ها، در کنار رودخانه‌ای کوهستانی به انتظار است. او از بدگوئی‌های دیگران آزار می‌بیند،

اما در آخر بخت یاری خواهد کرد.
تفسیر : با جد و جهد برای موفقیت می‌کوشد، و بدانگونه که در کناره‌ی رودخانه‌ی طغیانگر باشد، در آماج انتقادهای آزاردهنده خواهد بود. علیرغم آن، موفقیت نهایی او تضمین شده است.

سوم - ۹ : در ساحل رودخانه در وسط گل و لای به انتظار است او نزدیکی بلا را احساس می‌کند.
تفسیر : او در موقعیتی نیست که به حد کافی محکم باشد، تا برای جستی عظیم خود را به مخاطره اندازد.

چهارم - ۶ : در میان خون به انتظار. اما از پرتگاه بیرون خواهد آمد.
تفسیر : جنگی مرگبار حتمی‌الوقوع است. این جنگ گریز ناپذیر است، اما عزمی جزم موجب فتح او خواهد بود.

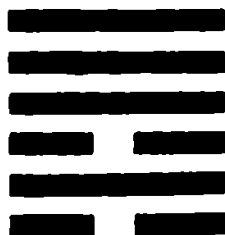
پنجم - ۹ : او در میان مجلس ضیافتی به انتظار ایستاده. ثبات قدم و درستی او موجب کامروایی‌اش می‌شود.
تفسیر : او باید از آرامش میان جنگها استفاده کند تا در جشن و خنده تجدید قوا کند، اما مسائل جدی مطروحه باید همیشه به شدت در ذهن حفظ شود.

ششم - ۶ : او وارد یرتگاهی می‌شود. سه مهمان ناخوانده نزدیک می‌شوند. اگر با احترام با آنها برخورد کند، بخت مساعدت خواهد کرد.

تفسیر : جنگ آغاز می‌شود و به نظر می‌رسد که او هم‌اکنون درهم خواهد شکست. اما کمکی غیرمترقبه در راه است، اگر او شم آنرا داشته باشد که این کمک را با احترام بپذیرد، از خطر نجات خواهد یافت.

شش خطی

۶



訟

SUNG

سونگ

سه خطی بالایی: چ، ین: آسمان، فعال.
سه خطی پایینی: ک، ان: آب، خطرناک.

ستیزه

حکم : ستیزه. او اگرچه صمیمی است، اما مورد مخالفت قرار می‌گیرد و برایش اشکال‌تراشی می‌کنند. اگر او با احتیاط عمل کند، با مساعدت بخت همراه خواهد

بود. اما اگر به مشی فعلی ادامه دهد، نکبت و بدبختی پیش خواهد آمد. دیدار با مرد بزرگ مفید فایده است، اما از آب بزرگ عبور نکنید.

توضیح . «سه خطی» بالای «سونگ» نشانگر قدرت «چ، ین»، و سه خطی پایین آن نشانگر خطر «ك، ان» است، و ترکیب این دو موجب ستیز می شود. اگر چه او صمیمی است و یقین دارد که راه صحیح می رود، معینا پافشاری تنها به ستیز می انجامد. مرد بزرگ آرام است و آماده مذاکره است، مهیا است که مسالهی خود را به مقامی بالاتر تفویض کند، و عقیده دارد که باید عدالت اجرا شود. شروع معاملهی در ایندوره، عاقلانه نیست.

تصویر : آسمان (چ، ین) و آب (ك، ان) با یکدیگر مقابله می کنند و به ستیز می انجامد. مرد برتر وقتی در حال شروع معاملهی است، قدمهای اول را با احتیاط برمی دارد.

خطوط

یکم - ۶ : او پیشروی نمی کند. ازو بدگویی می شود، اما پایانی کامروا خواهد داشت.

تفسیر : کنار گذاردن مشی فعلی اش مستلزم از دست دادن معیوبیت است، اما نتیجهی نهایی آن دلخواه است.

دوم - ۹ : دو طرفی در ستیزه برابر نیستند. اگر او عقب نشینی کند، مردم شهرش از آسیب مصون می مانند.

تفسیر : وسایل و سلاحهای او کافی نیست. با وقار به معنی امن عقب می‌نشیند، و خود و وابستگانش را از ستیزه‌یی زیان‌آور می‌رهاند.

سوم - ۶ : او با استحکام در جایی که حق خود می‌داند مقاومت می‌کند. موقعیت او خطرناک است، اما سرانجام بخت یار او خواهد شد. لکن اگر به خدمت امیر درآید، آنچه حق اوست به او داده نخواهد شد.

تفسیر : چنین موقعیت خطرناکی نباید شخص را به عملی مجولانه وادارد. در موقعیتی امن باقی ماندن، به مساعدت بخت منجر می‌شود. به جستجوی منصبی مهم بودن، باعث اعتباری می‌شود که به نومییدی منتهی خواهد شد.

چهارم - ۹ : نابرابر در مقابل رقیب، عقب می‌نشیند، به مطالعه‌ی راه آسمانها می‌پردازد. آرزوهایش را تغییر می‌دهد، و به آزامی اصرار و ابرام می‌کند. بخت مساعد خواهد بود.

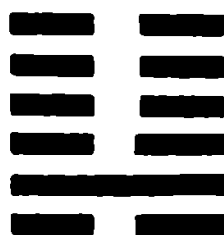
تفسیر : هدفی ثابت را بدون اندکی مهارت و ظرافت دنبال کردن، تنها به ستیزه و جنگ می‌انجامد. اما اگر انگیزه‌های خود را دوباره بررسی کند، و پس از آن در جهتی عاقلانه‌تر و هماهنگتر کوشش نماید، ممکنست بخت با او یاری کند و کامروا گردد

پنجم - ۹ : ستیزه ادامه می‌یابد، بخت به شدت مساعدت می‌کند.
تفسیر : اگر هدفی، بدون تزلزل دنبال شود به موفقیتی عظیم می‌رسد. شرایط غالب، اعمال‌شدید را تأیید می‌کند.

ششم - ۹ : کمر بند چرمی افتخار توسط امیر به او اعطا می شود.
اما سه بار در یکروز، ازو پس گرفته می شود.
تفسیر : تقلایی سخت کوش و بی امان، به پیروزی و افتخار
می انجامد، اما چندان طولی نمی کشد، منافع آن به
سرعت به پایان خواهد رسید، در حالیکه مخالفان
همچنان پافشاری می کنند.

شش خطی

۷



師

shih

شیح

سه خطی بالایی: ك، اون: زمین، پاسخگو.
سه خطی پایینی: ك، ان: آب، خطرناك.

سپاه

حکیم : سپاه. در صورت صحت عمل و ثبات قدم، و همچنین
با داشتن رهبری مجرب، بغت مساعدت خواهد کرد.
خطایی نخواهد رفت.

توضیح : خط ممتد میانی در «سه خطی» پایینی نشانگر قدرت است، و دیگر خطوط به آن جواب می‌گویند. اعمال شدید به وجود آورنده‌ی خطر است، اما مردم به دنبال خطر می‌روند. چنین اعمالی موجب پریشانی و اندوه سراسر کشور است، اما مردم از کسی که باعث این پریشانی است، تبعیت می‌کنند، با چنین بغت‌مساعدی، چه خطایی ممکنست رخ دهد؟

رهبری سالخورده و مجرب، که می‌تواند انضباطی شدید بر زیردستان خود حکمفرما کند حمایت همه، چه بالادستان و چه زیردستان را به دست خواهد آورد. اما چنین موضع‌پر قدرتی، نباید به سوءاستفاده از قدرت منجر شود. ثبات قدم، و اصول صحیح باید انگیزه‌ی همه‌ی اعمال باشد.

تنها در صورتی باید جنگید، که پایانی عادلانه مورد درخواست باشد، و پس از آن جنگ را به ویژه در شروع، باید به روشی صحیح رهبری کرد.

تصویر : آب (ك، ان) در میانه‌ی زمین (ك، اون). مرد برتر مردم را اطعام می‌کند و به آنان فرهنگ می‌آموزد، و در نتیجه سپاهی نیرومند از پیروان به دور خود جمع می‌آورد.

خطوط

یکم - ۶ : سپاه، مطابق دستور پیش می‌رود. اگر این دستورات عاقلانه نباشد، دچار بدبختی و نکبت خواهد شد.

تفسیر : سپاهی که در جنگ پیشروی می‌کند باید دلیل جنگ را بداند، و برنامه‌ی جنگی‌اش کارگر افتد، وگرنه همه‌چیز به شکست منتهی خواهد شد.

دوم - ۹ : رهبر در میان سپاه است. بغت مساعدت می‌کند و اشتباهی رخ نخواهد داد. امیر سه بار به او حمایل و نشان خواهد داد.

تفسیر : سرکرده‌یی خوب در میان گروهش دیده شده، یعنی در جایی که به بهترین وجه می‌تواند سپاهیان را هدایت کند، جایی که آنها از حضور او الهام می‌گیرند.

سوم - ۶ : سپاه رهبرانی بی‌کفایت دارد. نکبت پیش می‌آید. تفسیر : اگر فرماندهی میان چند تن تقسیم شود، قدرت و اتحاد در رهبری به طور یقین از دست می‌رود. و نتیجه‌ی آن فاجعه‌آمیز خواهد بود.

چهارم - ۶ : سپاه عقب‌نشینی می‌کند، اشتباهی رخ نمی‌دهد. تفسیر : عقب‌نشینی منضبط در مقابل یک نیروی برتر، نشانه‌ی ضعف نیست. اگر مسیری صحیح در موقعیت‌های مختلف اتخاذ شود، نشانه‌ی رهبری نیرومند است.

پنجم - ۶ : پرندگان در مزارع هستند، جستجو و نابود کردن آنان مفید است. در این صورت اشتباهی رخ نخواهد داد. اگر پسر بزرگتر سپاه را رهبری کند و کوچکترین پسر فقط اجساد را حمل کند، نکبت پیش خواهد آمد.

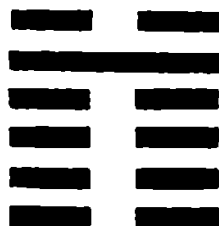
تفسیر : چپاولگران باید نابود شوند، به گونه‌یی که پرندگانی که به مزارع حمله می‌کنند، قلع و قمع می‌شوند. فرماندهی مجرب باید انتخاب شود، تا ماهوریت را به انجام برساند. اگر مسئولیت فرماندهی به مردان جوانتر واگذار شود، آنها بدون لزوم موجب طولانی شدن جنگ خواهند شد

ششم - ۶ : حاکم بزرگ فرامین خود را اعلام می‌کند، فرمانداران ایالات را منصوب می‌کند و سران قبیله را مشخص می‌سازد. مردان فرودست را نباید برای چنین مقامهایی در نظر گرفت.

تفسیر : امیرزاده‌ی فاتح، به آسپایی که چنین فتعی برای او به دست آورده‌اند، جایزه می‌دهد. به آسپایی که خود را متعهد و مسؤل نشان داده‌اند، مقام و قدرت تفویض می‌کند، به افراد پائینتر جایزه‌هایی می‌دهد که نتوانند از آن سوء استفاده کنند.

شش خطی

۸



比

pi

پی

سه خطی بالایی: ك، ان: آب، خطرناك.
سه خطی پایینی: ك، اون: زمین، پاسخگو.

اتحاد

حکیم : اتحاد. بخت مساعد. بگذرید دوباره بخت خود را به
وسیله‌ی پیشگویی بیازماید. و ببیند آیا در اهداف
خود شایسته، مقاوم و محکم هست. اگر جواب مساعد

بود، هیچ خطایی رخ نخواهد داد. آنانی که مشکلی دارند، به او رجوع خواهند کرد، آنها که دیرتر آمده‌اند، با بداقبالی روبرو خواهند شد.

توضیح : اتحاد، نشانگر مساعدت بخت از طریق همکاری و معاونت است. در این «شش خطی» زیر دست‌ها (خطوط منفصل) از مافوق خود (خط ممتد پنجم) اطاعت و تبعیت می‌کنند. با آنکه بخت مساعد است، اما اگر می‌خواهد از اشتباه اجتناب کند، باید قبل از هر چیز با دقت استعدادهايش را تشخیص بدهد. وقتی این امر اتفاق افتاد، کسانی که اکنون نسبت به او تردید دارند، به دور او جمع می‌شوند و از حمایت خواهند کرد. کسی که زیاده تأخیر کند، از خوش اقبالی عمومی بهره نخواهد برد.

تصویر : آب (ك، ان) روی زمین (ك، اون). امیران قدیم، در ارتباط با این تصویر، ایالات مختلفی بنیان می‌گذاشتند و روابط حسنه با فرمانداران آنجا برقرار می‌کردند.

خطوط

یکم - ۶ : او با استفاده از صمیمیت خود به جستجوی اتحاد است، اتحاد با کسانی که در اطراف او هستند. خطایی نخواهد بود. بگذار سینه‌ی او مملو از صمیمیت باشد، همانطور که ظرفی سفالی مملو از محتوای خود است، بعدها نتایج بیشتری هم به دست خواهد آورد.

تفسیر : او در تمام اعمالش صمیمیت نشان می‌دهد و از

اینراه به موفقیت خواهد رسید. اگر تمام انگیزه هایش بر مبنای صمیمیت و خلوص باشد، خوشبختی غیرمنتظره‌یی به دنبال خواهد آمد.

دوم - ۶ : اقدام برای نیل به اتحاد از درون سرچشمه می‌گیرد. پافشاری شدید موجب مساعدت بخت خواهد شد.
تفسیر : وقتی به دنبال تفاهم عمیقتری با دیگران هستید، باید ارتباطی قلبی با آنها برقرار کنید. پافشاری در جهت درست به خوشبختی می‌انجامد.

سوم - ۶ : او به دنبال اتحاد با کسانی است که قابل معاشرت نیستند.
تفسیر : اگر با کسانی که اهدافشان ناموافق با اهداف خود اوست، متحد شود، هیچ نفعی از کوشش‌هایش به دست نمی‌آورد.

چهارم - ۶ : او به دنبال اتحاد با مردمانی بالاتر از سطح خویش است. پافشاری صحیح به مساعدت بخت می‌انجامد.
تفسیر : اتخاذ روش شرافتمندانه، برای به‌دست آوردن پیوندی نزدیکتر با افراد بالاتر، به موفقیت می‌انجامد.

پنجم - ۹ : به‌هم پیوستن. امیر تعقیب شکار را فقط از سه طرف دستور می‌دهد، و اجازه می‌دهد که همه‌ی حیوانات از پیش او فرار کنند. مردم شهر به یکدیگر خبر نمی‌دهند، تا از فرار شکار جلوگیری شود. کامیابی و خوش‌اقبالی وجود خواهد داشت.

تفسیر : او نمی‌تواند به تنهایی به موفقیت برسد مثل امیری که شکاری را تعقیب می‌کند، که این شکار فقط از

سه طرف محصور شده است، در اینصورت او شکار را می‌گذارد تا بگریزد، چرا که مردم آن بالا خیر نشده‌اند، تا مراقب باشند. اگر او می‌خواهد از همکاری اساسی بهره‌مند شود باید مقصود خود را ابراز کند. بهر تقدیر استحکام این خط به ترتیبی است که موفقیتی غایی بی‌شبهه است.

ششم - ۶ : او به دنبال اتحاد است، اما قدمهای اول را برای به دست آوردن این اتحاد برنداشته است. بلا در پیش است.

تفسیر : کوشش برای متحد شدن با کسانی که در اطراف او هستند، بدون اینکه از ابتدا راه را آماده کرده باشد، و رهبری شدیدی کرده باشد، تنها یک نتیجه دارد: شکست.

شش خطی

۹



小
畜

hsiao ch'u

هسیائو چ، او

سه خطی بالایی: سون: باد، آرام.
سه خطی پایینی: چ، ین: آسمان، فعال.

محدود شده توسط ضعیف.

حکم : محدود شده توسط ضعیف. موفقیت و پیشرفتی وجود ندارد. ابرهای غلیظ دیده می‌شود. اما در سواحل غربی، بارانی نمی‌بارد.

توضیح : در اینجا خطی منفصل موضع قدرت را اشغال می‌کند، و خطوط ممتد بالا و پایین پاسخگوی آن هستند. که نشانگر قدرت همراه با آرامش است. خطی قوی، مرکز هر «سه‌خطی» را اشغال می‌کند. و نشان می‌دهد که پیشرفت و موفقیت وجود خواهد داشت.

قوی (چ، ین) به آرامی توسط ضعیف (سون) محدود می‌شود. پیشرفت و موفقیتی نهایی وجود دارد، اما وقفه‌یی که در این لحظه وجود دارد اجتناب‌ناپذیر است. اگر مطیع باشد و در طرز تفکر خود انعطاف داشته باشد، به موفقیت خواهد رسید. درست مانند آنست که کسی منتظر باران باشد، و مشاهده کند که ابرهای غلیظ در غرب متراکم می‌شوند، و دریابد که آنچه انتظارش را می‌کشیده، سرانجام نزدیک می‌شود.

تصویر : باد (سون) در پهنای آسمان (چ، ین) می‌وزد. مرد برتر فضایل خود را به نمایش می‌گذارد تا همه آن را ببینند.

خطوط :

یکم - ۹ : او بازمی‌گردد و طریق خود را دنبال می‌کند، چطور ممکنست اشتباه کرده باشد؟ بخت مساعد است.

تفسیر : اگر هنگامی که قدم به پیش می‌گذارد با مانعی عظیم برخورد کند، بهترین راه اینست که به موقعیت قبلی خود بازگردد، تا شاید راهی در اطراف او مشخص شود. یک‌چنین کف نفسی به موفقیت می‌رسد.

دوم - ۹ : مجبور می‌شود به مسیر خاص خودش بازگردد. بخت

مساعدت خواهد کرد.

تفسیر : این زمان، زمانی فرخنده برای پیشرفت موفقیت‌آمیز نیست. او باید به همراهی مردم همفکر عقب نشینی کند.

سوم - ۹ : پرمهای چرخ ارا به گم شده است. شوهر و زن با چشمانی که نسبت به هم بیگانه‌اند به هم می‌نگرند.
تفسیر : شرایط برای حرکت به جلو و یا رسیدن به توافق مناسب نیست. کوشش برای پیشرفت، به اشتباه و شرمساری منتهی می‌شود.

چهارم - ۶ : او صمیمی است، بهمین دلیل خطر خونریزی دفع می‌شود، و تصورات او به نظر بی‌اساس می‌رسد. اشتباهی نخواهد بود.

تفسیر : عملکرد همراه با اعتماد به نفس و صمیمیتی مسلم اگرچه نتیجه‌ی کار را به خطر می‌اندازد، لیکن نکبت را دفع می‌کند.

پنجم - ۹ : او صمیمی است و بدین خاطر دیگران نسبت به او جلب می‌شوند. به خاطر کاردانی‌هایش، همسایگانش را به خود علاقمند می‌کند.

تفسیر : مردم وقتی در کسی صمیمیت مشاهده می‌کنند، به سوی او جلب می‌شوند، و درآمد خود را در خدمت مسایل مشترک و عام قرار می‌دهند.

ششم - ۹ : باران می‌بارد و پیشرفت متوقف می‌شود. اما فضیلت‌ها پایدار می‌ماند. پافشاری شدید زن را به موقعیتی مخاطره‌آمیز دچار می‌کند. مثل ماه که به بدر نزدیک

می‌شود. اگر مرد برتر در چنین موقعی در قصد خود پافشاری کند، نکبت پیش خواهد آمد.

تفسیر : باران باریده؛ موفقیت تا حدی به دست آمده. اما وقتی ماه بدر کامل می‌شود، معاق باید از دنبال بیاید. اگر او قبل از زمان مناسب، در مقاصد خود پافشاری کند، خطر از دست دادن به دست آمده‌هایش وجود خواهد داشت. اطاعت و خویشنداری توصیه می‌شود.

شش خطی
۱۰



履

Lü

لو

سه خطی بالایی: چ، ین: آسمان، فعال.
سه خطی پایینی: تویی: دریاچه، شادان.

گام برداشتن

حکیم : گام برداشتن. او پا بر دم پیر می‌گذارد، اما پیر او را گاز نمی‌گیرد. پیشرفت و موفقیت وجود خواهد داشت.

توضیح : در اینجا (در «سه‌خطی» پائینی) ضعیف روی قوی گام می‌گذارد. «سه‌خطی» پائینی، نشانگر شادی و رضایت است، و به «سه‌خطی» بالایی پاسخ می‌گوید، که نشانگر قدرت است.

افراد خطرناکی که کارهایشان قابل حدس نیستند نمی‌توانند به آن کسی صدمه بزنند که وقتی به جلو حرکت می‌کند، با احتیاط و آرامی گام برمی‌دارد. با رعایت آداب و نزاکت، ممکنست که شخص در میان صحنه‌های بی‌نظم و خطرناک، به سلامت گام بردارد. ضعیف بر سر قوی نشسته، اما چون این عمل را به آرامی، و با روشی پرنزاکت انجام داده، ناراحتی به وجود نمی‌آید، و این عمل بدون اشتباه است.

تصویر : آسمان (چ، ین) بالاست، و دریاچه (تویی) پایین، مرد برتر بالا و پایین را مشخص می‌کند، و مقاصد مردم را مورد بررسی قرار می‌دهد.

خطوط :

یکم - ۹ : او در جاده‌ی معموله‌اش گام برمی‌دارد. اگر به جلو برود خطایی نخواهد بود.

تفسیر : در جاده‌ی سالم و معموله گام برداشتن اجبار و قیدی را نپذیرفتن، او را بیرون از موقعیتهای خطرناک نگاه خواهد داشت

دوم - ۹ : او در جاده‌ی که هموار و آسان است گام برمی‌دارد. با مردی آرام و تنها، اگر محکم و درست باشد، بخت مساعد خواهد بود.

تفسیر : بخت با آن راهبی همراه است که با خویشنداری

رفتار می‌کند، و در کمال عقل در میانی جاده راه می‌رود.

سوم - ۶ : مردی يك چشم می‌تواند ببیند، مردی لنگ می‌تواند راه برود، اما کسی که بر روی دم بیر پا می‌گذارد به دندان پاره پاره می‌شود. بدبختی و فلاکت. لافزنی خودستا، نقش حاکمی بزرگ را بازی می‌کند.

تفسیر : مرد يك چشم می‌تواند همچنان ببیند، مرد لنگ می‌تواند همچنان راه برود، اما آنکسی که قدرت خود را، در تسلط بر موقعیتهای خطرناك، بیش از حدی که هست به حساب می‌آورد، در موقعیت مردی قرار دارد که بر دم بیر پا می‌گذارد، او با بدبختی و نکبت روبرو می‌شود.

چهارم - ۹ : او پای بر دم بیر می‌گذارد، اما این عمل را همراه با بیمناکی و احتیاط می‌کند. در پایان بخت مساعدت خواهد کرد.

تفسیر : از کسی که عمداً پای بر دم بیر می‌گذارد، احتیاطی بسیار انتظار می‌رود؛ هنگام برداشتن قدمی خطرناك، در راهی که پیش روی است، همین حد از احتیاط و مراقبت ضروری است. هرچند چنین شجاعت حساب شده‌یی، در این زمان، درست است، و نتیجه‌ی آن همراه با نیکبختی خواهد بود.

پنجم - ۹ : با عزمی جزم گام برمی‌دارد. اگرچه ثابت قدم و صحیح‌العمل است، معهذاً نکبت و بلا پیش‌خواهد آمد.

تفسیر : اگرچه با مراقبت کامل، و به بهترین روش ممکن، اقدام می‌کند، اما خطر بر سر راه است. برای احتراز از نکبت و بلا، احتیاط بسیار لازم است.

ششم - ۹ : به مسیری که در پنج خط قبلی طی شده است، بنگرید. و پیشگویی‌های آن را بررسی کنید. اگر این مسیر بدون اشتباه طی شود، بخت مسامحت تمام خواهد کرد

تفسیر : همانطوریکه به پیش می‌رود، اگر با مراقبت گام بردارد، و تمام راه زمین را برای نشانه‌یسی مفید، مورد آزمایش قرار بدهد، به نتیجه‌ی موافق خواهد رسید.

شش خطی

۱۱



泰

T'AI

ت، ایی

سه خطی بالایی: ک، اون: زمین، پاسخگو.
سه خطی پایینی: چ، ین: آسمان، فعال.

صلح

حکم : صلح. انحرافی ناچیز، و نزدیکی و دسترسی بسیار.
بخت بشدت مساعدت می‌کند، و با پیشرفت و موفقیت
همراه است.

توضیح : این «شش خطی» مشارکت نزدیک زمین و آسمان را با یکدیگر نشان می‌دهد. در نتیجه همه چیز از بالا و پایین، برتر و فرودست، ممزوج می‌شوند و یک‌هدف پیدا می‌کنند. «سه خطی» پایینی از خطوط ممتد قوی تشکیل شده (چ، ین) و «سه خطی» بالا از خطوط منفصل ضعیف (ک، ازن). «سه خطی» پایین نشانه‌ی قدرت و «سه خطی» بالا نشانه‌ی فرمانبرداری و اطاعت است. «سه خطی» پایین نشانگر مرد برتر است، و «سه خطی» بالا نشانه‌ی مرد کوچک. بدین ترتیب نفوذ مرد برتر افزوده می‌شود، و از نفوذ مرد کوچک کاسته می‌گردد.

تصویر : آسمان (چ، ین) و زمین (ک، ازن) شریک شده‌اند. امیر، در ارتباط با این تصویر، مسیرهای آسمان و زمین را شکل می‌دهد، و کامل می‌کند. او ثمرات این کار را بیشتر در خدمت مردم می‌گذارد.

خطوط :

یکم - ۹ : وقتی گیاهی از زمین ریشه‌کن می‌شود، با خود خورده علف‌هایی را درمی‌آورد که به آن چسبیده است. پیشروی خوب است.

تفسیر : این خط زمانی مساعد برای حرکت به جلو را نشان می‌دهد. شخص وقتی نقشه‌ی پیشروی را می‌چیند، می‌تواند روی وفاداری دوستان همفکر خود حساب کند.

دوم - ۹ : در ارتباط با بی‌فرهنگها و بی‌سوادها صبور است، با اعتماد به نفس بدون قایق از رودخانه عبور

می‌کند، فاصله را فراموش نمی‌کند، بهیچوجه در دوستی خودخواه نیست. در نتیجه در میانه‌ی جاده حرکت می‌کند.

تفسیر : شرایط غالب آنقدر خجسته و مبارک است، که او می‌تواند همه وقت بدون کوشش آنچنانی به ترتیبی صحیح عمل کند.

سوم - ۹ : هیچ دشت همواری نیست که به سرآزیری نرسد، هیچ صلحی نیست که به اغتشاش نرسد. هیچ سفری نیست که بازگشتی نداشته باشد. با اینهمه وقتی کسی مستحکم و صحیح‌العمل است، از آنچه پیش خواهد آمد آگاه است، و هیچ اشتباهی مرتکب نخواهد شد. در جریان بعضی تغییرات، جایی برای اندوه نخواهد بود. با وفق دادن خود با این تغییرات، شادی کنونی، طولانی‌تر خواهد شد.

تفسیر : پدیده‌ی تغییر نباید اندوه به بار آورد. به خاطر داشته باشید که پایداری در زمانهای سخت، موجب می‌شود که فشارها به خوشی و کامروایی بیانجامد. آنکسی که می‌تواند در مقابل فراز و نشیب زندگی بایستد، بدون پاداش نخواهد رفت.

چهارم - ۶ : ثروت خود را نادیده می‌گیرد، و بس‌ریا و تکلف همسایگان خود را با روشی صمیمی و اطمینان بخش فرا می‌خواند.

تفسیر : وقتی اطمینان متقابل وجود دارد، مردم از سطوح مختلف به ترتیبی ساده و صمیمی با هم اختلاط می‌کنند.

پنجم - ۶ : امیر دخترش را به زنی، به کسی از سطح پایینتر

می‌دهد، و فرمان می‌دهد که دخترش از شوهر خود اطاعت کند. خوشبختی و مسامحت بخت نتیجه‌ی آن است.

تفسیر : نتیجه‌ی شادی‌آور به دنبال رفتاری صحیح فرامی‌رسد رفتاری که در مسیر موقعیتی عاطفی نشان داده شده است.

ششم - ۶ : دیوار شهر در خندقی فرومی‌ریزد. اکنون زمان آن نیست که به جنگ برود، بلکه وقت آنست که وضعیت را برای اهالی شهر، به روشنی توضیح دهد. پیشروی به ترتیبی اجباری، به پشیمانی منجر می‌شود.

تفسیر : دشمن نزدیک می‌شود، و نمی‌توان او را دفع کرد. در موقعیت فعلی کوشش برای بیرون راندن مصیبت، هیچ سودی نخواهد داشت. بهترین کار آنست که از همکاران، حمایتی دوستانه تقاضا شود. سپس در مقابل آنچه باید پیش آید، تسلیم شود.

شش خطی

۱۲



否

p'i

پ، ای

سه خطی بالایی: چ، ین: آسمان، فعال.
سه خطی پایینی: ک، اون: زمین، پاسخگو.

رکود

حکیم : رکود. میان مردان نوعی عدم تفاهم وجود دارد. يك
چنین شرایطی برای مرد برتر، دلخواه نیست. بزرگان
می‌روند، فرودستها نزدیک می‌شوند.

۱۳۰

توضیح : رکود، از این واقعیت برمی‌خیزد، که آسمان و زمین با همدیگر در ارتباط نیستند و در نتیجه هیچ چیز با هم ممزوج نمی‌شود. بالا و پایین، برترها و فرودست‌ها با یکدیگر ارتباط برقرار نمی‌کنند، و هیچ‌ایالتی به خوبی اداره نمی‌شود.

خطوط پایینی از خطوط منفصل و ضعیف تشکیل شده‌اند، و نشانه‌ی ضعف و مرد فرودست است، سه خط بالا از خطوط ممتد و قوی تشکیل شده‌اند، و نشانه‌ی قدرت و مرد برتر است. بدینترتیب دیده می‌شود که مردان فرودست افزون می‌شوند، درحالی‌که از نیروی مرد برتر کاسته می‌شود.

تصویر : آسمان (ج، ین) و زمین (ک، اون) در ارتباط نیستند. مرد برتر فضایل خود را پنهان می‌دارد، و از تکبوت و بدبختی که او را تهدید می‌کنند، اجتناب می‌کند. او اجازه نمی‌دهد که ثروتی به او تقدیم شود. کار اثرات فزاینده به پایان رسیده، و مسیر رشد به آخر خود منتهی شده است. حال باید منتظر شرایط پوسیدگی و زوال بود که رو به افزایش است

خطوط :

یکم - ۶ : وقتی گیاه ریشه‌کن شود، با خود خورده علف‌هایی می‌آورد که در زیر زمین به هم پیچیده‌اند. با صحت عمل شدید، بخت مساعدت خواهد کرد، و موفقیت پیش خواهد آمد.

تفسیر : هنگامی که مرد برتر به دلیل شرایط ناسازگار مجبور می‌شود از مقام خود کناره‌گیری کند، با خود مردان همفکری را می‌برد که درستکار و وفادارند.

دوم - ۶ : او در مقابل خواسته‌های زمان صبور و مطیع است. برای مردان کوچک بختی مساعد پیش خواهد آمد، و مردان بزرگ هم موفقیت خواهند داشت.

تفسیر : شرایط، دلخواه مردان کوچک است، مادامی که کوچک بمانند. اما برای مرد برتر چیزهای برتری مورد تقاضاست. او باید با مبارزه‌یی که درگیر آنست در کمال شکیبائی و پایداری روبرو شود، و از جماعت معمولی جدا شود.

سوم - ۶ : او خجالت خود را پنهان می‌کند. تفسیر : او از اعمال سبک و جلف خود احساس خجالت می‌کند، و سعی می‌کند آنها را بپوشاند.

چهارم - ۹ : او مطابق با فرامین آسمان رفتار می‌کند، و مرکب هیچ اشتباهی نمی‌شود. همراهان و همدمان او می‌آیند و در شادی‌اش شریک می‌شوند.

تفسیر : به انجام رساندن دستوراتی که اولیای بالاتر صادر کرده‌اند، نعمت و خوشبختی به بار می‌آورد. همکاران هم در این پیشرفت شریک خواهند شد.

پنجم - ۹ : مرد بزرگ، پریشانی، مشکلات و موانع را برطرف می‌کند. اما همچنان باید بگوید «ما ممکنست نابود شویم! ما ممکنست نابود شویم!» به این ترتیب شرایط محکم و ثابت خواهند شد. مثل یک خوشی محصور شده از شاخه‌های توت.

تفسیر : مرد بزرگ در موقعیتی است که به بدبختی عمومی پایان‌دهد، اما لازم است که او در دوره‌ی انتقالی میان بی‌لباتی و امنیت، مراقب و هوشیار بماند. او باید

در حرکتی پیشرونده محصور شود همانطور که درختان
توت را برای تقویت محصور می‌کنند.

ششم - ۶ : رکود، مغلوب گشته و دور رانده شده، و بدینترتیب
رکود قبلی به شادی بدل گردیده.

تفسیر : نزدیک است که بر رکود غالب شود، و راه خوشی و
پیشرفت باز شود. این امر اجتناب ناپذیر است،
سرانجام همه‌ی شرایط به اضداد خود امکان وجود
می‌دهند.

شش خطی

۱۳



同
人

T'UNG JEN

ت، یونگ، جن

سه خطی بالایی: چ، ین: آسمان، فعال.
سه خطی پایینی: لی: آتش، پیوسته.

رفاقت

حکم : رفاقت. یک چنین اتحادی را در میان مردان، در نقاط دورافتاده‌ی کشور پیدا می‌کنیم. پیشرفت و موفقیت نشان داده شده است. عبور از آب بزرگ مفید فایده

۱۳۴

است، و داشتن پشتکاری چون مرد برتر، سودمند.

توضیح : در اینجا ضعیف (خط دوم) در موضع قدرت است و به قوی (خط پنجم) جواب می‌گوید و بدین خاطر عنوان رفاقت گرفته. رفاقت توسط نیروی آسمان پیش می‌آید. خط محکم پنجم از پائین، نشانی مرد برتر است، سها او می‌تواند دعوت مهمی تحت الافلاک را درک کند و بر آن تأثیر بگذارد. رفاقت نظیر آنچه ما می‌توانیم در نقاط دور افتاده‌ی کشور پیدا کنیم، در خدمت پیشرفت و موفقیت است. اگر از مطلوب‌مرد برتر، که بدور از خودخواهی است، تبعیت کنیم، به موفقیت خواهیم رسید. رفاقت باید کاملاً روی بررسی‌ها و مشاهدات عمومی پایه‌گذاری شود، بدون رنگی از خودخواهی، درینصورت است که به کامیابی خواهد رسید. چنین رفاقتی را می‌توان در نقاط دور افتاده‌ی مملکت ملاحظه کرد، جاییکه مردم سفسطه‌گر نیستند، و از اثرات فاسد و تباه‌کننده‌ی اجتماعات بزرگ به دور هستند. چنین رفاقتی می‌تواند حریف بزرگترین مشکلات شود.

تصویر : آسمان (چ، ین) و آتش (لی) از روی رفاقت به هم نزدیک می‌شوند. مرد برتر چیزها را مطابق با انواع و طبقاتشان تشخیص می‌دهد.

یکم - ۹ : رفاقت از دروازه وارد می‌شود. خطایی نخواهد رفت.

تفسیر : سرآغاز دوستی به ترتیبی سخاوتمندانه است. هیچ زیانی از پذیرفتن آن پیش نخواهد آمد.

دوم - ۶ : رفاقت با قوم و خویش. مواقعی از پشیمانی وجود خواهد داشت.

تفسیر : به خاطر بعضی وفاداری‌های شخصی، دوستی‌همگانی محدود شده است و این مسأله گاهی پشیمانی بار می‌آورد.

سوم - ۹ : او سلاح خود را در انبوه علفهای بلند، پنهان می‌کند، اما تا سه سال حمله نمی‌کند.

تفسیر : مانند کسی که سه سال تاخیر می‌کند، و نمی‌تواند تصمیم بگیرد و به دشمن حمله کند، او هم تردید می‌کند، تردیدی که در این مرحله به پشیمانی منجر می‌شود. او یا باید جرأت کند و حمله کند، یا نقشه را از سر دور کند و به خانه بازگردد.

چهارم - ۹ : او دیوار شهر را ارزیابی می‌کند، اما از حمله خودداری می‌کند. بخت مساعد است.

تفسیر : او از بالای دیوار قوی و امن خود دشمن را می‌پاید، و تشخیص می‌دهد که به حد کافی مسلح نیست تا در حمله‌ی کامل موفق شود. ارزیابی آرام موقعیت در این زمان، به مساعدت بخت می‌انجامد. متارک‌های جنگ درست است.

پنجم - ۹ : دوستان گریه و زاری می‌کنند، بعد می‌خندند. سپاه

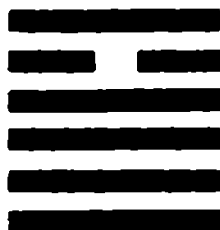
بزرگ آنها فاتح می‌شود، و آنها باهم صلح می‌کنند.
تفسیر : بعد از ضدیت بسیار و نگرانی و پریشانی، پیروزی به دست می‌آید. گروه‌های متخاصم صلح می‌کنند، و صدای خنده شنیده می‌شود.

ششم - ۹ : دوستی با افرادی از روستاهای اطراف. جایی برای ندامت و توبه باقی نمی‌ماند.

تفسیر : در این دوره، تنها در میان افرادی که دم دست هستند ممکن است به رفاقت دست یافت. دوستی کلی و عمومی هنوز امکان‌پذیر نیست، اما دوستی موجود جایی برای تاسف باقی نمی‌گذارد.

شش خطی

۱۴



大有

TA YU

تایو

سه خطی بالایی: لی: آتش، پیوستگی
سه خطی پایینی: چ، ین: آسمان، فعال.

دارایی

حکم : دارایی. پیشرفتی عظیم، و موفقیتی بزرگ.

توضیح : در اینجا خط ضعیف در موضع شرافت و احترام قرار دارد، و در مرکز خطی بالایی قرار دارد، و خطوط قوی بالا و پایین آن جوابگوی این خط هستند. و از همین رو عنوان آن دارائی است.

از ویژگی‌های «تایو» قدرت است و خلاقیت، ظرافت و درخشندگی. او به آسمان جواب می‌گوید، و در نتیجه همه‌ی اعمالش در زمان درست به وقوع می‌پیوندد. بنابراین نشانگر پیشرفتی عظیم و موفقیتی بزرگ است.

«تایو» به سعادت و فراوانی و دولتی منجر می‌شود که ممکن است غروری خطرناک را موجب شود. اما در اینجا موفقیت با تواضع بسیار، و انضباط، همراه است. هیچ خطایی صورت نمی‌گیرد.

تصویر : آتش (لی) در پهنه‌ی آسمان (چ، ین). مرد برتر آنچه نکبتبار است سرکوب می‌کند، و آنچه نیکوست ممتاز می‌کند، و مطابق فضایل آسمانی خود رفتار می‌کند.

خطوط

یکم - ۹ : او به آنچه زیان‌آور است نزدیک نمی‌شود، و در نتیجه از اشتباه احتراز می‌کند. اگر او از مشکلاتی که در پیش روی اوست، آگاه باشد، تا به آخر بی‌گناه خواهد ماند.

تفسیر : وقتی خطر تهدید می‌کند، به هیچ روی نباید خطر کرد. اگر این وضعیت را بتوان حفظ کرد، هیچ سوء اتفاقی رخ نخواهد داد.

دوم - ۹ : یک کاروان عظیم با بارهایش. در هر جهتی که حرکت

کند اشتباهی رخ نخواهد داد.

تفسیر : مانند کسی که مالک يك کاروان عظیم است، و باری از کالا دارد، نباید از درماندگی بترسد. اگر، مثل قطار کاروان، قدرت و فایده‌رسانی او به راهی با ارزش بیفتد، بدون شك موفقیت به‌دنبال خواهد بود.

سوم - ۹ : امیرزاده هدایای خود را تقدیم «پسرآسمان» می‌کند. مردی کوچک در مقابل این وظیفه بسی‌ترتیب عمل می‌کند.

تفسیر : برای امیرزاده‌یی بزرگ به‌جاست که بهره‌یی از ثروت خود را به امپراطور تقدیم کند. چنین عملی بالاتر از توانایی مردان فرودست است. شخص قبل از آنکه نقشه‌ای باشکوه را به منصه‌ی عمل درآورد، می‌باید نسبت به توانایی خود اطمینان داشته باشد.

چهارم - ۹ : او منابع عظیم خود را محدود می‌کند. خطایی نخواهد رفت.

تفسیر : از خطایی عظیم می‌توان اجتناب کرد، چنانچه شخص خودداری کند از اینکه ثروت خود را به عنوان اهرمی برای کسب قدرت، مصرفی کند. تادیب نفس به‌شدت توصیه می‌شود.

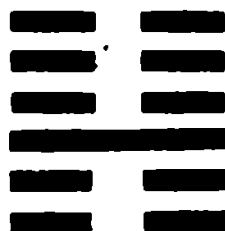
پنجم - ۶ : رفتار صمیمانه‌ی خود را متقابلاً از اطرافیان خود می‌بیند. اگر با بزرگی و وقار رفتار کند، بخت مساعدت خواهد کرد.

تفسیر : اگر نیکخواهی و سخاوت او، با وقار و بزرگی کافی همراه نباشد، افرادی که پایینتر از او هستند، احترامی را که برای او داشته‌اند از دست خواهند داد. باید تعادلی صحیح میان سخاوت و جدیت نگاهداشته شود،

ششم - ۹ : آسمان کمک خود را به سوی او می فرستد. بختی مساعد و فایده‌یی همه‌جانبه وجود خواهد داشت.

تفسیر : پیش‌بینی موفقیتی عظیم. حتی آسمان موهبت خود را نثار خواهد کرد، تنها، نظارتی منضبط بر ثروت، می‌تواند چنین موقعیتی را در کارها ارزانی دارد.

شش خطی
۱۵



謙

ch'ien

چ، ین

سه خطی بالایی: ک، اون: زمین، پاسخگو.
سه خطی پایینی: کن: کوه، ساکن.

فروتنی

حکم : فروتنی. موفقیت و پیشرفت، مرد برتر، گرچه قوی است. با اینهمه فروتنی و تواضع می‌کند. بدین ترتیب به خوشبختی دائمی دست می‌یابد.

توضیح : این طریقه‌ی آسمانهاست که تأثیرات خود را به زیر نازل می‌کند و در آنجا این تأثیرات با درخشش تمام می‌درخشد. این طریقه‌ی زمین است که پست باشد و تأثیرات خود را قبل از هر عملی به بالا فرستد. این طریقه‌ی آسمانهاست که فزون را بکاهد، و فروتن را عزت دهد. این طریقه‌ی زمین است که فزون را براندازد، و فروتن را اعتبار بخشد. تواضعی که در موقعیتی والا انجام شود، تشعشعات افتخار و احترام را افزون می‌کند، و اگر، در موقعیتی پست تواضع شود، افراد آن را تواضع نمی‌انگارند. ازینرو مرد برتر، در تمام شرایط با مساعدت بخت مواجه می‌شود.

تصویر : کوه (کن) در میانه‌ی زمین (ک، اون). مرد برتر آنچه بیش از اندازه است کم می‌کند، و آنچه کم است زیاد می‌کند، و بدینترتیب تعادلی متوازن ایجاد می‌کند، هم در درون خود و هم در اطراف و بیرون خود.

خطوط :

یکم - ۶ : او بر فروتنی همیشگی خود بازمی‌افزاید. او ممکن است از آب بزرگ عبور کند، و این عمل با مساعدت بخت همراه خواهد بود.

تفسیر : او در ابتدا جاه‌طلبی خود را محدود می‌کند، و به موقعیت یک فروتنی واقعی دست می‌یابد. او قادر است در کمال موفقیت به کاری مخاطره‌آمیز اقدام کند.

دوم - ۶ : او فروتنی خود را نشان می‌دهد. در صورت صحت عمل و ثبات قدم بخت مساعدت خواهد کرد.

تفسیر : فروتنی واقعی در اعمال دنیایی یک نفر، مانند

بانگ خروس سالم علنی است. يك چنین ادب درونی، شرایط کامروایی دایمی را فراهم می‌کند.

سوم - ۹ : فضایل شناخته شده‌ی مرد برتر، موفقیت او را تا به انتها نگاهمیدارد و از همراهی بخت بهره‌مند می‌شود.
تفسیر : لیاقت‌های واضح مرد برتر، مردم را به سوی او جلب می‌کند. مردم سخت به او خدمت می‌کنند و موفقیت طبیعتاً پس از آن فرامی‌رسد.

چهارم - ۶ : قصد انجام هر عملی را داشته باشد، اگر فروتنی در مدت انجام آن اعمال شود، نافع خواهد بود.
تفسیر : موفقیت غایی را نمی‌توان درمورد کسی که واقعا فروتن است نادیده گرفت. با تشویق کردن کارآنهايي که در اطراف او هستند، او تایید و اعتماد آنها را به دست می‌آورد.

پنجم - ۶ : او همسایگان خود را استخدام می‌کند، بی‌آنکه ثروت خود را متظاهرانه به رخ بکشد. در این زمان می‌توان در صورت لزوم، به اعمال زور متوسل شد. تمام اعمال او نافع است.

تفسیر : مرد برتر، اگرچه غنی است، اما چون فروتن است، قادر است با همسایگان خود به ترتیبی نرم و آرام رفتار کند. چون ضدیت را در اطرافیان خود بر نمی‌انگیزد، پس تایید آنها را، حتی وقتی اعمال زور می‌کند، به دست می‌آورد.

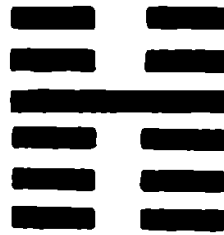
ششم - ۶ : فروتنی او را تشخیص می‌دهند. اکنون برای گسیل سپاه، زمان مساعدی است. اما فقط برای مطیع کردن

شهر و هوملی شهر خود.

تفسیر : خوبی ذاتی و اینکه شخصیتی پوچ ندارد عموماً تشخیص داده می‌شود. مرد برتر قادرست که نقشه‌های خود را برای پیشرفت، بر کسانی که کمتر از او هستند تحمیل کند، و این حقیقت که در مقابل او مقاومتی نخواهد شد، یا اینکه انگیزه‌های او مورد سؤال نخواهد بود، به او اعتماد به نفس می‌دهد. انضباط نفس او، مانع می‌شود که از حد خود پای را فرا بگذارد.

شش خطی

۱۶



豫

yü

یو

سه خطی بالایی: چن: تند، برانگیختگی.
سه خطی پایینی: ک، اون: زمین، پاسخگو.

اعتمادی عمیق

حکیم : اعتمادی عمیق. ممکن است امیرزادگان منصوب شوند، و سپاه با موفقیت گسیل می‌شود.

توضیح : در اینجا تمام خطوط جوابگوی تنها خط قوی هستند، و می‌توان تمام نیات را عملی ساخت. این امر موجب اعتمادی عمیق می‌گردد.

چنین اعتمادی اعمالی را باعث می‌شود که مطابق با طریق آسمانها و زمین است، بنابراین برای انتصاب امیرزادگان، و برای گسیل داشتن سپاه مناسب است. به دلیل حالت اعتماد عمیقی که میان آسمانها و زمین وجود دارد، خورشید و ماه از مدار خود منحرف نمی‌شوند و چهار فصل از نظم معین خود خارج نمی‌شود. ماقلان از این قانون تبعیت می‌کنند، و بدین ترتیب کيفرهایی که تعیین می‌کنند، صحیح است، و مردم با کمال میل به آنها گردن می‌نهند. به راستی زمانی که این «شش خطی» نشان می‌دهد، زمانی متبرک و عظیم است!

طی چنین شرایطی که هماهنگی کلی و رضایت عمومی حاکم است، انتصاب‌های مهم به نحو صحیح انجام می‌گیرد، و نوسازیهای گسترده شروع می‌شود. رئیس-الوزرا مورد اعتماد حاکم است، و همه‌ی افراد مادون نسبت به او احترام و اطاعت دارند.

تصویر : تندر (چن) با صدایی بلند از زمین (ك، اون) برمی‌آید. امیران زمانهای قدیم موسیقی می‌نواختند، و به فضایل احترام می‌گذارند. در مراسمی در کمال سخاوت قربانی‌ها را بر نیاکان خود تقدیم می‌کردند. و تمامی پرستش خود را نسبت به باریتعالی بجا می‌آوردند.

خطوط :

یکم - ۶ : او انبساط خاطر و رضایت خود را اعلام می‌کند. بلا و نکبت خواهد بود.

تفسیر : خوشی حاکم می‌شود، اما خودپسندی، لاف‌زنی و گزاف‌نمایی، نشان می‌دهد که چندان نخواهد پایید.

دوم - ۶ : او به استحکام يك صخره است. او قبل از اینکه نتیجه را ببیند، آن را می‌داند، با عزم جزم او، بخت مساعدت خواهد کرد.

تفسیر : در سکوت، با استحکام، و با شیوه‌ای دورنگر، مسیر صحیح خود را دنبال می‌کند. بخت مساعد برایش تضمین شده است.

سوم - ۶ : او به بالا خیره می‌شود، در حالیکه در احساس لذت و رضایت زیاده‌روی می‌کند. اگر اقلا می‌فهمید، اگر اندکی مکث می‌کرد، فرصتی می‌داشت برای توبه کردن.

تفسیر : به بالا نگریستن از برای مطلوبی دور دست و بالا دست، در حالیکه در همان زمان غیرفعال و تن‌آسا باقی مانده است، موجب پشیمانی است. فقط درک سریع این خطر، ممکنست بدبگیری را دور کند.

چهارم - ۹ : او اعتمادی عمیق از خود ساطع می‌کند، و بدین‌طریق به کامیابی عظیمی نائل می‌شود. او اگر تمام تردید هایش را از خود دور کند، دوستان به دور او جمع خواهند شد.

تفسیر : هماهنگی و رضایت نزدیک می‌شود. با به دست آوردن و حفظ اعتماد به نفس، و غالب شدن بر تردیدها و سوءظن‌ها، دوستان گرد می‌آیند و موفقیت تضمین می‌شود.

پنجم - ۶ : با وجود بیماری مزمن، به زندگی ادامه می‌دهد،

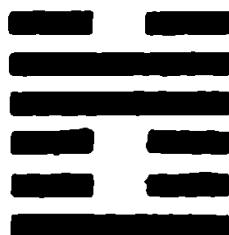
تفسیر : بیماری پیش‌بینی شده، اما منتهمی به مرگ نخواهد شد. موقعیت فعلی او خطرناک است، اما پیروزی‌غایی دیده شده.

ششم - ۶ : بدون تعقل، او خود را وقف رضایت و لذتی آنی می‌کند. اما اگر روش خود را، حتی پس از پیشروی در این کار عوض کند، باز هم خطا نخواهد بود.

تفسیر : کاملاً درگیر لذتی زودگذر، بی‌اراده به سوی نکبت و بدبختی می‌رانند. اما حتی در این زمان بسیار دیر هم، حرکتی عاجل ممکنست او را نجات دهد.

شش خطی

۱۷



隨

SUI

سویی

سه خطی بالایی: تویی: دریاچه، شادان.
سه خطی پایینی: چن: تندر، برانگیختگی.

دنبالروی

حکیم : دنبالروی. پیشرفت و کامیابی عظیم. صحت عملی
با ثبات قدم مفید فایده خواهد بود. خطایی نخواهد
رفت.

۱۵۰

توضیح : در اینجا قوی می‌آید و خود را پشت ضعیف جای می‌دهد، در «سه خطی»ها ویژگی‌های انگیزتگی و شادی را می‌بینیم، که نشانگر دنباله‌روی است. پیشرفت عظیم، صحت عملی با ثبات قدم، بدون ارتکاب اشتباه: همگی را در این زمان، زیر آسمان می‌توان یافت. بهراستی که این «شش خطی» به‌زمانی متبرک اشاره دارد.

قدرت انعطاف و تطابق با شرایط، به موفقیت منتهی می‌شود. کسی که گوش به حس درونی خود می‌دهد، تا راه درست را پیدا کند؛ کسی که می‌تواند دنباله‌روی کند و هنگامی که شرایط ایجاب می‌کند، می‌تواند رهبری کند، کسی است که به کامیابی عظیمی نائل خواهد شد. وقتی شرایط هماهنگ است، مردان از روی یقین دنباله‌روی می‌کنند، اما به هیچوجه از کسی که مورد باورشان نیست دنباله‌روی نخواهند کرد.

تصویر : تندر (چن) در میانه‌ی دریاچه (تویی). مرد برتر، وقتی هوا تاریک می‌شود، به خانه‌اش می‌رود، و استراحت می‌کند.

خطوط

یکم - ۹ : او موضوع توجه خود را تغییر می‌دهد. اگر ثابت قدم و صحیح‌العمل باشد بخت مساعدت خواهد کرد. بیرون‌رفتن از خانه و ملاقات با مردم موجب شایستگی او خواهد شد.

تفسیر : تغییر حرفه توصیه شده است. این تغییر حرفه را باید از درون الهام گرفت، و پس از این تغییر، هزمی جزم آن را به انجامی موفق خواهد رساند. در راهی

جدید راه سپردن، به مناسباتی شایسته می‌انجامد.

- دوم - ۶ : او پسران کوچک را انتخاب می‌کند و مردان مسن و باتجربه را طرد می‌کند.
تفسیر : او به خاطر بی‌عقلی در انتخاب همراهانش، در خطر است.

- سوم - ۶ : او مردان باتجربه را انتخاب می‌کند، و پسران کوچک را مرخص می‌سازد. با اینکار او به آنچه جستجو می‌کند خواهد رسید. مفید است که همواره به آنچه مستحکم و صحیح است متکی باشد.
تفسیر : یک چنین تصمیم عاقلانه‌یی، به برآورده شدن آرزو- هایش منتهی خواهد شد. اما به دنبال آرزوهایش، نباید احتیاط را از دست بدهد.

- چهارم - ۹ : او پیروانی به دست می‌آورد. حتی اگر او مستحکم و صحیح‌العمل باشد، بلا و نکتب خواهد آمد. اما اگر کاملاً صادقانه رفتار کند، به چه خطایی دچار خواهد شد؟

- تفسیر : از رفتار خودخواهانه‌ی پیروان، خطری به‌وجود می‌آید. اگرچه رهبر از چنین اعمالی دور خواهد ماند، اما ممکنست که بی‌خبر با آنها مربوط شود. تنها با نشان دادن درستی و بی‌عیبی خود، به ترتیبی روشن و شبیه‌ناپذیر می‌توان از آن اجتناب کرد.

- پنجم - ۹ : او تمام چیزهایی را که عالی است، صمیمانه دنبال می‌کند. بغت مسامحت خواهد کرد.
تفسیر : صمیمیت حاکم در اعتقاد پیروانش منعکس می‌شود.

ششم - ۶ : به خاطر صمیمیتش پیروان به او ملحق می‌شوند، انگار به اینکار مجبور شده باشند. امیر قربانی خود را در کوه غربی تقدیم می‌کند.

تفسیر : اگر در عین صمیمیت، از آنچه درست است پیروی کند، ایمان مردم را جلب می‌کند، به همین جهت امیر نذر و نیازهایش را در کوه غربی صرف می‌کند. اگر با استحکام و ثبات قدم، راه درست دنبال شود، شخص به مقام رهبری می‌رسد. اما این کار ممکنست به ریشه‌کن کردن مافوق قبلی او منجر شود.

شش خطی

۱۸



𪚗

KU

کیو

سه خطی بالایی: کن: کوه، ساکن.
سه خطی پایینی: سون: باد، آرام.

پوسیدگی

حکم : پوسیدگی. پیشرفت و موفقیت. عبور از آب بزرگ مفید فایده خواهد بود. اما او باید سه روز قبل، و سه روز بعد از شروع، دربارمی آن تفکر و تأمل کند.

توضیح : در اینجا قوی بالا و ضعیف پایین است. «آرام» با «ساکن» ترکیب می‌شود. این امر نشانگر موفقیتی عظیم است. زیر آسمان‌ها، در همه چیز نظم درست وجود دارد. آن‌کسی که با سختی و فشار جلو می‌رود، با معامله‌ای مهم مواجه خواهد شد، که باید انجام شود. پایان اغتشاش، نشانه‌ی شروع نظم است. راه آسمان بدینگونه است.

رفع پوسیدگی با موفقیت همراه است، و به دست آوردن سلامتی توصیه شده، اما برای این کار کوششی عظیم لازمست، مانند کوششی که برای عبور از آب بزرگ به عمل می‌آید. ارزیابی محتاطانه‌ی موقعیت، قبل از عمل لازمست، تا عمل به خوبی و سلامت انجام شود، و هوشیاری و بیداری پس از عمل توصیه می‌شود، تا از تکرار مشکلات جلوگیری کند.

تصویر : باد (سون) زیر کوه (کن). مرد برتر به مردم الهام می‌دهد و به فضایل آنها نیرو و استحکام می‌بخشد.

خطوط :

یکم - ۶ : پسر درگیر مشکلات است، مشکلاتی که پدرش مسبب آنهاست. اگر او صلاحیت و کفایت داشته باشد، پدر از تمام گناهان مبری می‌شود. خطر وجود دارد، اما سرانجام بخت مساعدت خواهد کرد.

تفسیر : برای وضعیت پوسیدگی، حتی اگر پیشرفته باشد، هنوز جای مرمت هست. یک کار دقیق می‌تواند آنچه از دست شده است، اصلاح و ترمیم کند.

دوم - ۹ : پسر درگیر مشکلاتی است که مادرش مسبب آنهاست.

او نباید کار خود را با اینهمه پشتکار دنبال کند.
تفسیر : پسر باید وقتی اشتباهات مادرش را تصحیح می‌کند، به آرامی اقدام کند. پوسیدگی و زوالی که ناشی از ضعف شخص دیگریست تنها وقتی مرمت و جبران می‌شود که به‌آهستگی و با حساسیت بسیار عمل شود.

سوم - ۹ : پسر درگیر مشکلاتی است که پدرش مسبب آنهاست. ممکن است اوقاتی کوتاه از پشیمانی به وجود آید، اما خطایی عظیم صورت نمی‌گیرد.

تفسیر : پسر درگیر مشکلاتی است که پدر مسبب آنهاست. معجزاً ممکن است در کمال قدرت اقدام کند. البته در این لحظه کوششی بسیار، بهتر از کوششی اندک است. ممکن است ضایعه‌ی مختصر روی دهد، اما امری مشخص و چشمگیر نیست.

چهارم - ۶ : او با تن‌آسانی، به مشکلاتی که پدرش سبب شده می‌نگرد. اگر او به این روش ادامه دهد، جای تأسف و پشیمانی خواهد بود.

تفسیر : مساهله‌ی زیاد از حد، نسبت به وضعیت پوسیدگی و زوال، شخص را بیش از پیش گرفتار می‌سازد.

پنجم - ۶ : او درگیر گرفتاری‌هایی است که پدرش مسبب آنهاست. او به خاطر کوشش‌هایش تقدیس می‌شود.

تفسیر : از آنجاییکه او به اختیار خود درگیر مشکلاتی است که این مشکلات را افرادی سبب شده‌اند که دیگر رفته‌اند، در نتیجه او تأیید و تقدیس دریافت می‌کند.

ششم - ۹ : او نه در خدمت امیر است و نه در خدمت اربابی

تفسیر : اما با روحیه‌ی والا و رفیع به‌مسایل خود می‌پردازد. بدون اینکه فاسد شود، در راه خود پیش می‌رود. از آنجاییکه انگیزه‌های او خالص هستند، او می‌تواند این کار را بی‌آنکه دچار اشتباه شود، به انجام‌رساند.

شش خطی

۱۹



臨

LIN

لین

سه خطی بالایی: ك، اون: زمین، پاسگو.
سه خطی پایینی: تویی: دریاچه، شادان.

نزدیک شدن

حکم : نزدیک شدن. پیشرفت و موفقیتی عظیم در پیش است.
صحت عملی دایمی مفید فایده است. در ماه هشتم
بلا و نکبت خواهد بود.

۱۵۸

توضیح : در اینجا خطوط قوی به تدریج افزون می‌شوند و پیش می‌روند. «سه‌خطی پایینی» به معنی لذت و «سه‌خطی» بالا به معنی اجابت است. خطی قوی در مرکز سه‌خطی پایینی است، و خطوط دیگر بدان جواب می‌گویند. پیشرفتی عظیم همراه با صحت عمل راه آسمانها را روشن می‌سازد، اما این نیروی پیشرونده محرك خود را پس از مدتی از دست خواهد داد. اقتدار نزدیک می‌شود، تا بررسی کند، تسهیل کند و حکمرانی نماید. يك چنین عملی، پر قدرت و موفقیت‌آمیز خواهد بود، اما باید در خاطر داشت که هر چیزی در مظان تغییر است، و اینکه پیشرفت سرانجام به زوال و پوسیدگی منجر خواهد شد. این مطلب را همواره هنگامی که نقشه‌یی را می‌خواهیم اجرا کنیم باید در مد نظر داشته باشیم .

تصویر : زمین (ك، اون) از زیر آب دریاچه (تویی) بالا می‌آید. مرد برتر در تعلیم دادن خستگی‌ناپذیر است. مردم را همواره اطعام می‌کند و از آنان حمایت می‌کند.

خطوط

یکم - ۹ : او در معیت دیگری پیش می‌رود. صحت عمل پابرجای او، بخت را با او مساعد می‌کند.

تفسیر : وقتی همراه با دیگری پیش می‌رود، قدرت او باید یا احتیاط، و استفاده از کمک‌های صحیح، همراه شود.

دوم - ۹ : او با گروهی پیش می‌رود. بخت مساعد است. يك چنین پیشرفتی از هر نظر مفید فایده خواهد بود.

تفسیر : یاران او، تدبیر و سیاست او را تأیید می‌کنند، و همه با هم چون یک فرد واحد پیش می‌روند. نتیجه‌ی بهم پیوستگی آنان بسیار مطلوب خواهد بود.

سوم - ۶ : او از پیشروی خشنود است، اما هیچ‌یک از جهات برایش امتیاز ندارد. اگر نگرانی نشان دهد، خطایی نخواهد رفت.

تفسیر : اگر به انگیزه‌ای ناگهانی برای پیشرفت راه داده‌شود، نتیجه‌ی رضایت‌بخش به دست نخواهد آمد. اگر رنج‌ها و ناتوانی خود را به یاد آورد، و همانجا که هست بماند، ممکنست از اشتباهات احتراز کند.

چهارم - ۶ : او به سبک و روشی فاخر پیش می‌رود. خطایی نخواهد بود.

تفسیر : او به بهترین روش ممکن، پیشرفت می‌کند، و همواره بر راه صحیح باقی می‌ماند.

پنجم - ۶ : او در عین عقل پیش می‌رود، همانطوریکه شایسته‌ی یک فرمانرواست. بخت مساعدت دارد.

تفسیر : با اقتداری عاقلانه، و با استخدام مجریان لایق منافع خود را افزون می‌کند.

ششم - ۶ : او به ترتیبی شرافتمندانه و سخاوتمندانه پیش می‌رود. بخت مساعد است و خطایی نیست.

تفسیر : سخاوتی مستقیم، پیشرفت را بیشتر می‌کند. بخت مساعد خواهد بود و از اشتباهات اجتناب می‌شود.

شش خطی
۲۰



觀

KUAN

کوان

سختی بالایی: سون: باد، آرام.
سختی پایینی: ک، اون: زمین، پاسخگو.

نظاره

حکم : نظاره. دستها طبق آیین شسته شده، اما هنوز قربانی
نکرده‌اند. صمیمیت و بردباری بسیار، احترام‌انگیز
است.

توضیح : این «شش خطی» از سه خطی‌هایی تشکیل شده که نشانگر پذیرش و انعطاف هستند، و خط حاکم در مرکز «سه خطی» بالایی قرار گرفته. و از موقعیت برتر خود هر آنچه را در دنیای پایین رخ می‌دهد، نظاره می‌کند. وقتی او با صمیمیت عمل می‌کند، و ظاهری شایسته دارد، هر آنچه در پایین قرار دارد، به بالا می‌نگرد، از او پیروی می‌کند و مستعیل می‌شود. همگی آنها طریقه‌ی آسمان‌ها را می‌نگرند و مشاهده می‌کنند که چگونه فصول مدار خود را بدون خطا، طی می‌کنند. عاقلان هماهنگ با طریقه‌ی آسمان‌ها، دستورات خود را صادر می‌کنند، و هر آنچه زیر آسمان‌هاست، بر این دستورات گردن می‌نهد. مرد برتر نظم کیهان را نظاره می‌کند و گردش دایمی فصول را. اگر او به‌سان عاملی از برای قدرت آسمانها عمل کند، به عظمت نائل خواهد شد.

تصویر : باد (سون) در یپنه‌ی زمین (ک، اون) حرکت می‌کند. امیران قدیم از ایالات مختلف مملکت دیدار کردند. اوضاع مردم را مورد ملاحظه قرار دادند و تعلیمات آنان منتج از این ملاحظات است.

خطوط

یکم - ۶ : او به اشیاء به روش پسریچه‌یی می‌نگرد، این عمل برای مردی از سطح پایین جای گله و شکایت ندارد، اما برای افرادی از سطح بالاتر، جای تاسف است.

تفسیر : نپختگی‌های کودکانه از مردان کوچکتر پذیرفتنی است، اما نه از کسی که بزرگت است.

- دوم - ۶ : او از دری سرک می‌کشد. چنین عملی اگر از زنی سر بزند مفید فایده است.
- تفسیر : ملاحظه‌ی چیزها، بدانگونه که انگار از لای دری سرک کشیده باشیم رفتاری است پسندیده‌ی زنان، و با شخصیتی زنانه موافق است، اما يك چنین نظرگاه محدودی، برای آنکسی که موقعیت و مقامی پراهمیت در دنیا دارد، شرم‌آورست.
- سوم - ۶ : او مسیر زندگی خود را می‌نگرد، و تصمیم می‌گیرد که آیا پیشروی کند یا که عقب بنشیند.
- تفسیر : با مطالعه‌ی مسیر زندگی خود، آدمی قادرست قضاوت کند که پیشروی در چه زمانی مطمئن است، و عقب‌نشینی در چه زمانی محتاطانه است.
- چهارم - ۶ : او بر شکوه مملکت نظاره می‌کند. این امر او را پیش می‌برد تا به حدی که مهمان امیر شود.
- تفسیر : با ملاحظه‌ی وضعیت مملکت او قادرست بسنجد که آیا مفید است که با آن متحد شود یا نه. او باید موقعیت را با دقت مطالعه کند، پیش از آنکه اقدام به عملی کند.
- پنجم - ۹ : او مسیر زندگی خود را نظاره می‌کند. اگر مردی برتر باشد، از ارتکاب به اشتباه احتراز می‌کند.
- تفسیر : مرد برتر با مطالعه‌ی زندگی خود و زندگی کسانی که مادون او هستند، از ارتکاب به اشتباه احتراز می‌کند.

ششم - ۹ : او شخصیت خود را نظاره می‌کند، تا ببیند آیا واقعا
مردی برتر است یا نه. مرتکب اشتباه نخواهد شد.
تفسیر : با خودآزمایی به ترتیبی نقادانه، مرد برتر، بر
تردیدهای خود فائق می‌آید.

شش خطی

۲۱



噬

嗑

shih ho

شیخ هو

سختی بالایی: لی: آتش، پیوستگی.
سختی پایینی: چن: تندر، برانگیختگی.

گاز زدن

حکم : گاز زدن. پیشرفتی موفقیت‌آمیز. اگر حدود قانونی را رعایت کند، مفید فایده خواهد بود.

توضیح : گاززدن یعنی موفقیت. در این «شش خطی» خطوط قوی و ضعیف به طور مساوی تقسیم شده‌اند. «سه خطی» پایینی نشانگر برانگیختگی، و «سه خطی» بالایی نشانگر آتش و درخشندگی است. رعد و برق با هم می‌شوند و تشعشع و درخشندگی را به وجود می‌آورند. خطوط ضعیف در مرکز هستند و به طرف بالا برمی‌خیزند. اگرچه این مسیر کامل نیست، اما اجرای قانون را تعمیم می‌دهد.

موانع، آرواره‌ها را از هم جدا نگه می‌دارد. اما آرواره‌ها با جویدن موانع به هم نزدیک می‌شود. این اصل را می‌توان برای امور مملکتی به کار گرفت. موانع را به اتحادیه‌های سیاسی و اجتماعی محول کرد، و بدین ترتیب، بالا و پایین به هم نزدیک می‌شوند و تفاهمی درست بینشان برقرار می‌شود. چگونه می‌توان بر چنین موانعی غالب شد؟ به طور قطع با نیروی قانون بر چنین مانعی، می‌توان غالب شد.

تصویر : رعد (چن) و برق (لی). امیران قدیم کیفر و مجازات خود را به گونه‌ی هوشیارانه مقرر می‌داشتند. سپس نظام‌نامه‌ی خود را تنظیم می‌کردند.

خطوط

یکم - ۹ : پاهایش بسته شده و انگشتان پایش را پنهان می‌کند. خطایی نخواهد رفت.

تفسیر : از آنجا که نکبت در مراحل اولیه‌ی خویش است، چنین تنبیه سبکی کافی است تا آن را محدود کند.

دوم - ۶ : نخست گوشت نرم را گاز می‌گیرد، بعد ادامه می‌دهد،

تفسیر : برای مؤثر بودن مجازات، باید آن را تا به آخر انجام داد.
تا وقتی که بینی را گاز بگیرد. خطایی نخواهد رفت.

سوم - ۶ : او گوشت خشک را می‌جود، و سهواً مسموم می‌شود.
گاهی دچار پشیمانی می‌شود. اما خطایی نیست.
تفسیر : ازدیاد مجازات وقتی دیگر با احتیاجات روز تناسبی نداشته باشد او را مواجه با انتقاد خواهد کرد. اما بجاست که عدالت اجرا شود.

چهارم - ۹ : با گاز زدن به گوشتی که بر استخوان خشکیده، او به وظایف قانونی خود عمل می‌کند. او باید مشکلات و وظیفه‌ی خود را تشخیص دهد، و محکم باشد. در این راه بخت مساعدت بسیار خواهد کرد.
تفسیر : او باید کاملاً تشخیص دهد که با مساله‌ی آسانی روبرو نیست، و تنها با عمل کردن به ترتیبی محکم و درست می‌تواند به خوشبختی برسد.

پنجم - ۶ : ضمن جویدن گوشت خشکیده، او قطعه‌ی طلا در آن پیدا می‌کند. اگر صحیح‌العمل و بالبات باشد، و خطراتی را که در مقابلش قرار دارد، تشخیص دهد، خطایی نخواهد رفت.
تفسیر : پیدا کردن فلز در غذا، نشانگر موانع غیرمترقبه در پیش روست، اما چون فلز از طلاست، ممکنست آموزشی باشد در جامه‌ی مانع!

ششم - ۹ : او یوغی چوبی بر سر دارد که گوشه‌هایش را می‌پوشاند. بلا و نکبت خواهد بود.

تفسیر : نسبت به تمام هشدارها کر است، و بی‌کله به‌راخود
می‌رود، و از راه راست خود، هر لحظه منعرفتر
می‌شود.

شش خطی
۲۲



賈

pi

پی

سه خطی بالایی: کن: کوه، ساکن.
سه خطی پایینی: لی: آتش، پیوسته.

آراستگی

حکم : آراستگی. موفقیت. تعهدات کوچک، نافع است.

توضیح : در «سه خطی» پایینی، خط ضعیف، خطوط قوی را زینت کرده است، و نشانگر موفقیت است. اما در «سه خطی» بالا، خط قوی زینت خطوط ضعیف است، و نشانگر آنکه منافعی که به دست خواهد آمد، کوچک و حقیرند.

درخششی که از نیروهای ثبات نشأت می‌گیرد، نمایانگر آراستگی اجتماع بشری است. الگوهای پیراسته‌ای در آسمان‌ها نشان داده می‌شود، که با مشاهده‌ی آنها به گشت فصول مطمئن می‌شویم، همچنین الگوهای پیراسته‌ای در جامعه نشان داده می‌شود که با مشاهده‌ی آنها، درک می‌کنیم که چگونه، مسیر تغییرات در همه‌جا کامل می‌گردد.

آراستگی‌های ظریف باید قسمتی از جامعه‌ی بشری را شکل دهند، به نحوی که انگار قسمتی از طبیعت هستند، اما باید همواره این آراستگی‌ها نسبت به آنچه در مرحله‌ی اول اهمیت قرار دارد، جای دوم را بگیرد، اگر اجازه دهیم آراستگی در اجتماع نقشی غالب برعهده گیرد، نفعی اندک در آن خواهد بود.

تصویر : آتش (لی) زیرکوه (کن). مرد برتر، وقتی در ارتباط با مسایل روزبه‌روز حکومت قرار می‌گیرد، به‌گونه‌ی بخردانه عمل می‌کند، اما وقتی در مورد مسایل قانونی تصمیم می‌گیرد، جرات ندارد اینچنین کند. در این‌حالت هشیاری و متانت توصیه می‌شود.

خطوط

یکم - ۹ : او پاهایش را می‌آراید. ارابه را رها می‌کند، و پیاده به پیش می‌رود.
تفسیر : اعتماد به آینده، به او اجازه می‌دهد که نیرنگهای

قدرتمداری را دفع کند.

- دوم - ۶ : او محاسن خود را می‌آراید.
تفسیر : امری ممکن است پوچ و بیپوده تلقی شود، لکن اگر همان امر به عنوان يك مقدمه بر تعهدی مهم مطرح شود، مفهومی عمیق‌تر می‌یابد. آن امر در این حالت نشان‌دهنده‌ی وقار و احترام آن موقعیت خواهد بود.
- سوم - ۹ : آراسته، باشکوه تمام می‌درخشد، انگار از شب‌نم تازه پوشیده شده، پافشاری شدید خوشبختی او را تضمین می‌کند.
تفسیر : خوشبختی او تضمین خواهد شد، اگر او با اعتقاد عمل کند، چنانکه در گذشته نیز اتفاق افتاده، و در کوشش‌های خود بیدار و هوشیار مانده.
- چهارم - ۶ : او کاملاً با سفید تزئین‌شده، و بر اسب بالمداری سوار شده، و تحت تعقیب است، نه مثل يك دزد، بلکه مثل يك ملتزم رگاب.
تفسیر : انگیزه‌های او، اگرچه کاملاً شرافتمندانه‌اند، ممکنست مورد سوءظن قرار گیرد. چیزی مستحکم‌تر از قول و پیمان، یا ظاهری زیبا و پسندیده لازمست تا بر اوضاع مسلط شود.
- پنجم - ۶ : با وقار در ارتفاعات و باغها گردش می‌کند، اما توپ ابریشمی را که به عنوان پیشکشی حمل می‌کند، کوچک است و درشت‌بافی، اگر بخواهد خساست و طمعکاری نشان دهد، توهین و خواری در پیش است، اما سرانجام بخت مساعدت خواهد کرد.

تفسیر : تو خالی بودن خودنمایی‌های او، دارد آشکار می‌شود، اما توهینی که پس از آن روا می‌شود، مولتی است.

ششم - ۹ : تزئینی ساده و سپید. خطایی نخواهد بود.
تفسیر : با کم کردن طرح‌هایش و آن را به سادگی محض رساندن، او به یقین پذیرفته می‌شود. ارزشهای والای درونی بهتر از زیبایی‌های ظاهری است.

شش خطی
۲۳



剝

po

پو

سختی بالایی: کن: کوه، ساکن.
سختی پایینی: ک، اون: زمین، پاسخگو.

فروافتادگی

حکم : فروافتادگی. هیچ حرکتی در هیچ جهتی مفید فایده نیست.

توضیح : اینجا خطوط ضعیف برآند که خط قوی را مثل خود کنند.

مردان کوچک نفوذ خود را افزون می‌کنند. مرد برتر ظاهر شرایط را، که در این «شش‌خطی» نشان داده شده، در مد نظر می‌گیرد، و از هر کوششی برای پیشروی دست برمی‌دارد، او مدارهای کاهش و افزایش، و مدارهای کمال و اضمحلال را آنطوری که در اجسام آسمانی ظاهر می‌شود، ارزیابی می‌کند. مردان کوچک، به تدریج جای مردان خوب را می‌گیرند، تا آنکه به غیر از یک تن باقی نمی‌ماند. نیرویی که بر علیه او به کار می‌افتد، نیرویی بس عظیم است و مقابله‌ی با آنان بس مشکل. اما این رسم زندگی سیاسی از بین خواهد رفت، و اگر صبر کند، به زودی به نحو احسن تغییر خواهد کرد.

تصویر : کوه (کن) بر روی زمین (ک، اون) می‌ایستد. آنانی که در مقامی برتر هستند؛ برآند که کسانی را که مادونشان هستند، تقویت کنند. و از این طریق آرامش و استواری خود را تأمین کنند.

خطوط :

یکم - ۶ : پایه‌های تخت با اره کاملاً قطع می‌شود. راستی و درستی دارد ضایع می‌شود، نکبت پیش خواهد آمد.

تفسیر : موقعیت او به تدریج خراب می‌شود، کسی که تخت را در تصرف دارد، پاهایش با اره قطع می‌شود. تنها کاری که از دستش برمی‌آید انتظار است، انتظار نتیجه‌ی دردناک.

دوم - ۶ : دوره‌ی تخت شکسته است. حسن اخلاق دارد از بین می‌رود، و نکبت پیش خواهد آمد.
تفسیر : بدبختی و فلاکت نزدیک می‌شود. درستی و امانت ذاتی او در خطر است.

سوم - ۶ : او کمک می‌کند تا تخت واژگون شود، خطایی نخواهد رفت.
تفسیر : با استفاده از قدرت و فضایل برتر خود، به رخدادن وقایع کمک می‌کند، و در نتیجه از نابودی به دست این وقایع اجتناب می‌کند.

چهارم - ۶ : تخت واژگون شده، و کسی که تخت را در تصرف دارد، در معرض خطر دشمن قرار گرفته. نکبت پیش خواهد آمد.
تفسیر : خطر نزدیک می‌شود، و او بی‌پناه است.

پنجم - ۶ : او مطالب خود را مثل ماهیهایی که به نخ کشیده باشند، ردیف می‌کند. و عنایت امیر را نسبت به آنها جلب می‌کند. هر نفعی ممکنست در پی بیاید، و هیچ خطایی رخ نخواهد داد.
تفسیر : مردان کوچک در کمال میل به اقتدار کسی که بالاتر از آنهاست، تسلیم می‌شوند، به کسی که بهترین نیتها را در قلب دارد. آن کسی که مسئولیت رهبری دیگران را به عهده می‌گیرد، لازم نیست از نتیجه‌ی اعمال خود بهراسد.

ششم - ۹ : او مثل میوه‌ی درشتی است که خورده نشده. او در مقابل مردم به گونه‌ی می‌رود که انگار در ارباب‌ی

فاتح می‌داند. در این حال، مردان فرودست خود را
 نابود می‌کنند.

تفسیر : او نجات می‌یابد. و از ادبار و فلاکت فعلی خود
 صدمه‌ای نمی‌بیند. حمایت عمومی، جاه‌طلبی او را
 تقویت خواهد کرد، و رقیب خود را در کمال موفقیت
 شکست خواهد داد.

شش خطی

۲۴



復

FU

فو

سه خطی بالایی: ك، اون: زمین، پاسخگو.
سه خطی پایینی: چن: تندر، برانگیختگی.

بازگشت

حکم : بازگشت. آزادی و پیشرفت در پیش رو هستند. مرد برتر می‌تواند بیاید و برود، بدون اینکه مورد مخالفت قرار گیرد. دوستان به دیدن او می‌آیند، و

پس از هفت روز، بدون اینکه اشتباهی شود، باز خواهد گشت. حرکت در هر جهتی که باشد، نافع است.

توضیح : اینجا خط قوی در پایین «شش خطی» است و اشاره به بازگشتی تدریجی دارد. اینک نظم طبیعی در خدمت پیشرفت است، ازینرو می‌تواند آزادانه بیاید و برود. تمام اعمال او با خواستی آسمانها هماهنگ است، و اکنون می‌تواند در کمال موفقیت پیش رود، چرا که خطوط قوی پیش می‌روند. آیا در اینجا هوش متغیر آسمانها و زمین را نمی‌بینیم؟ تغییر، قانون طبیعت و اجتماع است، وقتی زوال و خرابی به اوج خود می‌رسد، باید ترمیمی صورت گیرد درخشندگی، روز به روز، و ماه به ماه، افزون می‌شود.

تصویر : تندر (چن) از درون زمین (ك، اون). امیران قدیم، گذرگاههای میان استانها را در روز تحویل زمستان می‌بستند. و آنگاه بازرگانان مسافر نمی‌توانستند سفر خود را ادامه دهند، و امیرزادگان نمی‌توانستند از استانهای خود طبق معمول بازدید به عمل آورند.

خطوط

یکم - ۹ : او پس از انحرافی کوچک به راه حقیقی خود باز می‌گردد. او دلیلی برای تاسف خوردن ندارد. و بغت مساعدت تمام خواهد کرد.

تفسیر : انضباط فردی توصیه می‌شود، تا وقتی خطر برطرف شود.

دوم - ۶ : او بازگشتی تحسین‌انگیز انجام می‌دهد. بخت مساعدت خواهد کرد.

تفسیر : این امر، با دستگیری و کمک مردی خیرخواه انجام می‌پذیرد.

سوم - ۶ : او دایم می‌رود و بازمی‌گردد. با اینکه موقعیت خطرناک است، خطایی نمی‌رود.

تفسیر : می‌توان جلوی نکبت و بلا را، با تشخیص خطر و احتیاط بسیار، گرفت.

چهارم - ۶ : او به همراهی چندتن می‌رود، اما تنها بازمی‌گردد.

تفسیر : این کار، فرخنده و مبارک است، چرا که برای او در این‌زمان رفتن از جاده‌بی‌تنها، درست‌ترین کارهاست.

پنجم - ۶ : او به ترتیبی شریف و مستقیم بازمی‌گردد. دلیلی برای انابه و توبه نیست.

تفسیر : آگاهی نسبت به ناکامی‌هایش، و میل به برطرف کردن آنها او را از بی‌حیثیتی نجات می‌دهد.

ششم - ۶ : او به ترتیبی نامنظم و درهم‌ریخته بازمی‌گردد. نکبت،

اشتباه و حتی بیچارگی و تهیدستی پیش می‌آید. اگر کوشش او به گسیل سپاه منجر شود، نتیجه‌ی جز شکستی عظیم نخواهد داشت. حتی حاکم درگیر خواهد شد، حتی زمانی ده ساله، برای جبران این فاجعه کافی نیست.

تفسیر : او در لحظه‌ی بازمی‌گردد، که تمام حرکات و تغییرات

نامیمون و نامبارک است، و نقطه‌نظرهای اشتباه او منجر به خطری کلی و عدم ثبات و تزلزل خواهد شد.

اگر عقاید او، همراهان او را به خطر اندازد، دچار شکستی عظیم خواهد شد. چنین فاجعه و فلاکتی را نمی‌توان به سهولت برطرف کرد، حتی در ده سال نیز امکان‌پذیر نخواهد بود.

شش خطی
۲۵



无妄

WU WANG

وو، وانگ

سه خطی بالایی: چ، یین: آسمان، فعال.
سه خطی پایینی: چن: تندر، برانگیختگی.

درستی محض

حکیم : درستی محض. پیشرفت و موفقیت عظیم. ثبات قدم مفید است. اگر به درستی عمل نکند، گرفتار اشتباه خواهد شد. و در هیچ جهتی امکان حرکت نخواهد یافت.

توضیح : در اینجا خط قوی اولی از «سه خطی» بالایی فرود می‌آید و ارباب «سه خطی» پایینی می‌شود، و حرکت را به قدرت پیوند می‌دهد. خط قوی پنجم از خط ضعیف دوم جواب می‌گیرد، که نشانگر پیشرفتی است که از پیروی شدید از قانون آسمانها ناشی است.

کسی که به ترتیبی صحیح عمل نمی‌کند، دچار اشتباه خواهد شد، و چیزی وجود ندارد که اهداف او را به لمر رساند. چگونه ممکنست کسی که بدینگونه عمل می‌کند، و با اینهمه خود را به دور از اشتباه می‌داند، پیشرفت کند؟ آیا کسی که خواسته‌ی خود را با خواسته‌ی آسمانها تطبیق نمی‌دهد، می‌تواند چیزی را با موفقیت به پایان برد؟

اگر اعمال او توأم با درستی و امانت نباشد، مرتکب اشتباهات فاحش خواهد شد، و در این حالت هیچ حرکت دیگری نمی‌تواند این اشتباهات را جبران کند. هرچه به آرزوهای خود با صداقت و درستی بیشتری نزدیک شود همانقدر تأثیر و موفقیتش بیشتر خواهد شد. درستی محض، صفت مشخصه‌ی آسمانهاست و نیز مشخصه‌ی والاترین دسته از انسانها. مرد برتر هرگز از صحیح رفتار کردن و درست بودن، طفره نمی‌رود.

تصویر : تندر (چن) زیر آسمان (چ،ین) می‌غرد. همه چیز به طبیعت واقعی خود رجوع می‌کند. و از هر ناپاکی رها می‌شود. امیران قدیم، با فصول مطابقت کامل داشته‌اند و همهی موجودات را اطعام می‌کردند.

خطوط

یکم - ۹ : او از هر عدم صمیمیتی به دور است، و پیشرفت او

با مساعدت بخت همراه است.
تفسیر : با روی آوردن به درستی و امانت، همه‌ی اعمال او مطلوب خواهد بود.

دوم - ۶ : او بی‌آنکه شخم زده باشد، درو می‌کند، او محصول سال سوم را از مزارع خود جمع می‌کند، بی‌آنکه در سال اول کشتی کرده باشد. این فضیلت اوست که به هر چیز اقدام می‌کند، فایده می‌برد.

تفسیر : کاملاً به دور از انگیزه‌های خودخواهانه، جاده‌ی پاکدامنی و خوبی را، تنها برای پاک بودن و خوبی کردن طی می‌کند، ازینرو همه‌ی اعمالش موفقیت‌آمیز خواهد بود.

سوم - ۶ : بدبختی و فاجعه حتی برای آن کسی که از ناپاکی به دور است رخ می‌دهد. رهگذری، گاونر مهارشده‌یی را می‌دزدد، و همسایگان آن دهقان، متهم به دزدی می‌شوند.

تفسیر : او حتی وقتی خودش با درستی و امانت عمل می‌کند، باید از امکان وجود شر و نکبت آگاه باشد.

چهارم - ۹ : اگر بتواند ثابت‌قدم و صحیح‌العمل بماند، اشتباهی نخواهد رفت.

تفسیر : پافشاری زیاد، و شهادت باورداشتن به پاکدامنی و فضایل خود، در این زمان ضروری است.

پنجم - ۹ : اگرچه درست و امین است، اما بیمار می‌شود. نگذارید از دوا استفاده کند، تا فرصت شادمانی و مسرت را بیابد.

تفسیر : لازم نیست نگران باشد، بدون کوششی، جادوی مطمئن و امن او در میان مشکلات متداول، پدیدار خواهد شد.

ششم - ۹ : اگرچه از همه‌ی ناپاکی‌ها به دورست، معینا مطمئن است که اگر اقدام به پیشروی کند، مرتکب اشتباه خواهد شد.

تفسیر : هیچ نوع حرکتی مفید فایده نیست. در این زمان شخص باید درجا بماند و در موقعیت فعلی خود مستقر باشد.

شش خطی

۲۶



大畜

TA CH'U

تا، چ، او

سه خطی بالایی: کن: کوه، ساکن.
سه خطی پایینی: چ، ین: آسمان، فعال.

ذخیره اندوختن از طریق خویشنداری

حکم : ذخیره اندوختن از طریق خویشنداری. ثبات قدم و صحت عمل مفید فایده است. اگر او استعداد و هوش خود را فقط به نفع طبقاتی خود ذخیره نکند. بلکه

خود را در خدمت امیر قرار دهد، بغت مساعدت خواهد کرد. و او را به حلی خواهد رساند که از آب بزرگ عبور کند.

توضیح : در اینجا ما خواص قدرت زیاد و ثبات قدم را می بینیم، که اشعه‌ی درخشان در اطراف ساطع می‌کند، و هر روزه فضایی تازه بروز می‌دهد. خط قوی بالاترین جای را اشغال کرده، و نشانگر ارزشهای هوش و پاکدامنی است. بغت مساعد برای آنکس مقدر شده است که به دنبال آن نیست که ثروتهایش را در طبقه‌ی خود نگاه دارد، بلکه به همه‌ی انسانها منفعت می‌رساند. عبور از آب بزرگ در این زمان، به خواسته‌ی آسمانها اگر باشد، مطلوب و مناسب خواهد بود. اگر به خدمت سازمان‌های عمومی درآید، و از مواهب امیر بهره‌مند شود، می‌تواند مشکلترین امور را به عهده گیرد.

تصویر : آسمانها (ج، ین) در میان کوه (کن). مرد برتر گفته‌ها و اعمال مردان دوران قدیم را به ذهن می‌سپرد، و بدینترتیب بر فضایل خود می‌افزاید.

خطوط :

یکم - ۹ : او در موقعیتی خطرناک قرار می‌گیرد. عاقلانه است اگر پیشروی نکند.
تفسیر : موانع بسیار بر سر راهند.

دوم - ۹ : چوبه‌ی مهار ارا به از جا دررفته.

تفسیر : خطر افزون می‌شود. پیشروی او را به مخاطره‌ی سهمگین دچار خواهد کرد.

سوم - ۹ : او به سرعت پیشروی می‌کند، و اسبان قوی ارا به‌اش را پیش می‌رانند. اگر او مشکلاتی را که در مقابلش هستند تشخیص دهد، خود را آماده سازد، و با مآل‌اندیشی اقدام کند، به موفقیت نائل خواهد شد.
تفسیر : اما همچنان محدودیتی محتاطانه لازم است.

چهارم - ۶ : بر سر گاو نر جوان، قطعه‌چوبی بسته شده. بخت مساعد خواهد بود.

تفسیر : درست از همان لحظه‌ی شروع، محدودیتی محتاطانه توصیه می‌شود، حتی قبل از اینکه هیچ لزومی برای آن حس شود، مثل آن کسی که پالهنگی بر شاخ گاو نر تازه‌سالی می‌گذارد، گاوی که هنوز به رشد کامل خود نرسیده است.

پنجم - ۶ : دندانهای یک‌گراز می‌افتد. بخت‌مساعدت خواهد کرد.
تفسیر : اگر گرازی قوی اخته شده است، پس دیگر تمایل چندانی به استفاده از دندانهایش ندارد. با محصور کردن شر و بلا در سرچشمه‌ی خود، قدرت آن خنثی می‌شود، و ممکن است نیکی غالب گردد.

ششم - ۹ : او به راد آسمانها دست یافته. پیشرفتی عظیم خواهد بود.

تفسیر : دوره‌ی محدودیت‌های لازم سرآمده، به‌خاطر فضایلش، گویی تحت فرمان آسمانهاست. پیشرفت او شکست ندارد.

شش خطی
۲۷



頤

۱

ای

سه خطی بالایی: کن: کوه، ساکن.
سه خطی پایینی: چن: تندر، برانگیختگی.

اطعام

حکم : اطعام. با صحت عمل کامل، بخت مساعدت خواهد کرد.
روشی را که افراد اتخاذ می کنند، تا دیگران را اطعام
کنند، مورد ملاحظه قرار دهید. و همچنین دقت کنید

که این افراد، برای طعام خودشان به دنبال چه چیز هستند.

توضیح : وقتی طعام از نوع درست و خوب آنست، پافشاری شدید منجر به مساعدت بخت می‌شود. ما باید به آنهایی بنگریم که آرزو داریم اطعام کنیم، و همچنین متوجه طعام خود باشیم. آسمانها و زمین همه چیز را اطعام می‌کنند، و عاقلان و ریش‌سپیدان، مردان با استعداد و پرهیزگار را اطعام می‌کنند، مردانی را که شاید از تمامی دنیا نگاهداری می‌کنند. اثرات اطعامی به موقع و به‌جا، بسیار عالی است! مرد برتر بدن و مغز خود را اطعام می‌کند، خود و دیگران را اطعام می‌کند. با کمک فضایل خود در مورد نوع و میزان غذایی که باید مصرف کرد، تصمیم خواهد گرفت. اگر بخواهیم طعام مؤثر باشد، باید هماهنگ و درست باشد.

تصویر : تندر (چن) در دامنه‌ی کوه (کن). مرد برتر با دقت مواظب سخنانی است که می‌گوید، و غذا و آشامیدنی خود را تنظیم می‌کند.

خطوط :

یکم - ۹ : شما لاک‌پشت جادویی خود را رها می‌کنید، و بر من می‌نگرید تا آرواره‌ی تحتانی‌تان به پایین آویخته شود. نکبت و بلا پیش خواهد آمد.

تفسیر : اگرچه قادرست بدون کاری طاقت‌فرسا تغذیه کند، مانند لاک‌پشتی مقدس که از هوا تغذیه می‌کند، او با حسرت و با دهان باز، به دیگری خیره شده. هیچ

خیری از این عمل زاییده نمی‌شود.

دوم - ۶ : او در جستجوی غذا، به ترتیبی نیمه‌کاره به پایین می‌نگرد، یا که در ارتفاعات بالا به دنبال آن می‌گردد. اگر اصرار کند، شر و نکبت پیش خواهد آمد.

تفسیر : او در بالا و پایین به دنبال غذاست، و در مورد موقعیت خود مسامحه می‌کند. پیشروی چه به سمت بالا و چه به سمت پایین نامطلوب است.

سوم - ۶ : او در عین تمایل به غذا، از گرفتن آن خودداری می‌کند. هر کاری که بکند، نکبت و بلا به همراه دارد. به مدت ده سال هر کاری که به عهده می‌گیرد، برای او نفعی در بر نخواهد داشت.

تفسیر : او که خود را کاملاً خودکفا می‌داند، همدی ملاقاتهای پرثمر را رد می‌کند، و ذخایر فضیلت‌های خود را خالی می‌کند.

چهارم - ۶ : او برای اطعام کردن دیگران، به پایین می‌نگرد. او با نگاه بدون لرزش یک ببر، خیره می‌نگرد، انگار آنهایی را که در پایین هستند می‌آزماید.

تفسیر : از آنجاییکه علاقه و نگرانی او برای آسایش دیگران است، و نه برای پیشرفت خودش، ازینرو اعمالش قابل خرده‌گیری نیست.

پنجم - ۶ : او برخلاف آنچه عادی و کامل است عمل می‌کند، اما اگر ثبات قدم داشته باشد، بخت مساعدت خواهد کرد. در این زمان او نباید از آب بزرگ عبور کند.

تفسیر : او برای تکالیف مقام بالایی که به او محول شده،

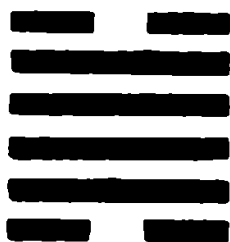
مناسب و شایسته نیست، اما اگر بتواند به مافوق
عاقلی اطمینان کند، و ازو اندرز بپذیرد، ممکن است
همچنان خوشبختی از آن او بماند. اما نباید تعهدات
عظیم برعهده گیرد.

ششم - ۹ : او منبع غذاست. اگرچه موقعیت او مخاطره آمیزست،
معهدا بغت مساعدت خواهد کرد. عبور از آب بزرگ
به نفع اوست.

تفسیر : او معلمی بزرگت است، او مقسم غذای تمام افرادی
است که در زیر آسمانها زندگی می کنند. وظیفه ی او
سخت است و مسئولیت او عظیم، اما چون بر آنها
آگاه است، خود را شایسته ی آنها نشان می دهد.

شش خطی

۲۸



大
過

TA KUO

تا، کواو

سه خطی بالایی: تویی: دریاچه، شادان.
سه خطی پایینی: سون: باد، آرام.

فزوننی

حکم : فزوننی. تیر سقف از وسط خم شده، نزدیک است بشکند. هر حرکتی ممکنست مناسب باشد. موفقیت وجود خواهد داشت.

توضیح : در اینجا نیروی ترکیبی خطوط قوی، رویهمرفته بسیار زیاد است. خطوط بالایی و پایینی هر دو ضعیفند. و «شش خطی» به طور کلی به سقفی شکسته می ماند که باری سنگین بر پشت می کشد. اگرچه، خطوط قوی در مرکز «سه خطی»ها واقعند، با اینحال ممکنست موفقیتی به دست آید. به راستی، کاری که در زمان وخیم به انجام می رسد، کاری عظیم است. وقتی که تیر اصلی سقف يك خانه باید باری زیاد از حد سنگین بکشد، فروریختن آن امری قریب الوقوع است. این وضعیت وخیم نمی تواند چندان دوام بیاورد، اما می توان از فاجعه، با عملی سریع اجتناب کرد.

در زمانهای خارق العاده، باید رهبری امور را به دست کسی سپرد که از استعدادی استثنائی برخوردار باشد. احساس خطر بغاظر افزونی و افراط، و در پی آن حرکتی سریع و حساس برای رفع این خطر، مثمر تر خواهد بود.

تصویر : درخت (سون) پنهان در پشت آبهای دریاچه (تویی). مرد برتر به تنهایی می ایستد، و ترسی ندارد. او از دنیا بی هیچ تاسفی کناره می گیرد.

خطوط

یکم - ۶ : او، زیر آشیایی که بر زمین پراکنده اند، حصیری از نی بوریای سپید پهن می کند. خطایی نخواهد رفت.

تفسیر : نی بوریای سپید نادر است، و استفاده از آنها به صورت حصیر نشان می دهد که او زحمت کشیده است تا آن را بیافد. يك چنین توجه باریک بینانه یی نسبت به جزییات، منتهی به موفقیت خواهد شد.

دوم - ۹ : يك درخت بيد در حال پوسيدگي، جوانه مي‌زند، يك شوهر پير، همسر جوان را تصاحب مي‌كند. به هر صورت مفيد فايده خواهد بود.

تفسير : از آنجا يكيه يك مرد پير هنوز هم مي‌تواند از زني جوان فرزند به وجود آورد، به اين ترتيب مي‌توان با پذيرفتن عقايد جديد، شكستي محتمل را به موفقيت تبديل كرد.

سوم - ۹ : تير اصلي سقف به طرز خطرناكي كج مي‌شود. بدبياري از دنبال مي‌آيد.

تفسير : برداشتن باري سنگين، برخلاف نصيحت دوستان، موجب است كه حمايت آنان را از دست بدهد، و شكستي جديد پيش آيد.

چهارم - ۹ : تير اصلي سقف حمايت مي‌شود. بخت مساعد خواهد بود. اما اعتماد به كمك‌كنندگان ضعيف، به بدبختي منتهي مي‌شود.

تفسير : به دليل حمايت ديگران خطر مرتفع مي‌شود، اما اگر به اين حمايت پيش از حد متكي شود، موفقيت چندان نخواهد پاييد.

پنجم - ۹ : بيد در در حال پوسيدگي، فقط گل مي‌دهد، نه جوانه‌هاي تازه. همسري پير، فرزندى به وجود نخواهد آورد. نه گناهي هست و نه بركت و آموزشي.

تفسير : تخصيص دادن نيرو به يك هدف قديمي نه به موفقيت مي‌رسد نه به شكست، تنها ممكنست موجب ركود شود.

ششم - ۶ : هنگام عبور از رودخانه، آب از سرش فرا می‌گذرد.
 بدبیاری و ناکامی است. اما گناهِش بر کسی نیست.
 تفسیر : وقتی شخصی در جریان يك عمل صحیح مسئولیتی
 به عهده می‌گیرد، به خاطر شرایط ناجور درهم
 می‌شکند، در اینجا بدبیاری نهفته است، اما از
 آنجاییکه نیت او پاک است، لزومی ندارد که از
 عیبجویی و انتقاد بترسد.

یادداشت : هر هشت «سه‌خطی» چندین خاصیت دارند، که مهمترین این
 خواص، به «شش‌خطی‌ها» مفهوم داده است. گاهی مفاهیم دیگر
 «سه‌خطی‌ها» در متن دیده می‌شود. به‌ویژه، «سه‌خطی» «سون»
 علاوه بر خواص اصلی خود «باد» و «آرام»، می‌تواند نشانگر
 «چوب» یا «درخت» هم باشد. و این مفهوم دیگر در همین
 «شش‌خطی» (۲۸) جلوه‌گر است.

شش خطی
۲۹



坎

K'AN

ك، ان

سه خطی بالایی: ك، ان: آب، خطرناك.
سه خطی پایینی: ك، ان: آب، خطرناك.

گودال هول انگیز

حکم : گودال هول انگیز. صداقت و هوشیاری ذهنی، موفقیت را تثبیت می کند. عمل راسخ مفید فایده خواهد بود.

توضیح : يك گودال، گودالی دیگر را به دنبال دارد. آب لاینقطع جریان دارد، و حتی هنگامی که در يك گودال خمرناك جاری است، باز هم طبیعت واقعی خود را حفظ می کند. آنکسی که ذهنی راسخ دارد، می تواند این درس را درك کند، و نتیجه ی موفقیت آمیز کوششهای خود را ببیند. این امر توسط خط قوی مرکزی «سه خطی» پایین نشان داده شده. عملی با ثبات مفید فایده است. به دنبال پیشروی موفقیت خواهد آمد. بر خطراتی که منتج از آسمانهاست، نمی توان فائق شد، اما بزرگترین مشکلات زمین، صرفاً کوهها، رودخانه ها، تپه ها و تخته سنگها هستند. امیران و امیرزادگان ازین واقعه های طبیعی استفاده می کنند، تا سرزمین خود را حمایت و نگاهداری کنند. به راستی که این درس در باب زمان خطر، درسی عظیم و مهم است!

خطر بر سر راد است، چون گودالی هول انگیز که از آبی طفیانگر پر شده. اگر بخواهیم علیرغم يك چنین موانعی، پیشرفت کنیم، باید با آن در کمال صداقتی شرافتمندانه برخورد کنیم، با ذهنیتی که تیز، درخشان و راسخ است. اگر این شرایط را فراهم آوردیم، نتیجه ی آن کامیابی خواهد بود.

تصویر : آب (ك، ان) مدام جاری است. مرد برتر، به شدت امانت درونی خود را حفظ می کند، و با پاکدامنی رفتار می کند. و به آموزشهای خود به دیگران ادامه می دهد.

خطوط

یکم - ۶ : در عمق گودال، وارد غاری می شود. نکبت و بدبختی

خواهد بود.

تفسیر : او بدون امید گم شده، و قادر نیست راه خود را بیابد. هیچکس نمی‌تواند به او کمک کند، و خود او با کوشش شخصی، تنها خود را عمیقتر درگیر این خطر خواهد کرد.

دوم - ۹ : او در عمق گودال هول‌انگیز است. تنها در مسایل کوچک موفقیتی نصیب او خواهد شد.
تفسیر : او قادر به فرار ازین خطر نیست. حداقل بیشتر خود را درگیر این خطر نمی‌کند.

سوم - ۶ : گودال در گودال. او چه بالا رود، چه پایین، درگیر گودال است. ترس او را فراگرفته، و نمی‌تواند آرام گیرد. جد و جهدش در گریز ازین خطر او را بیش از پیش به درون چاله می‌کشاند. ازین طریق نباید عملی انجام داد، تنها باید منتظر ماند.
تفسیر : او در موقعیتی شدیداً خطرناک است. هر نوع عملی خطرناک است. صبر امری حیاتی است.

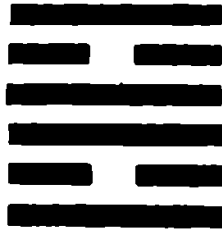
چهارم - ۶ : تنها پیمانهای از اشربه، سبدي برنج، و کماج‌ها. او به فرمانروای خود به بهترین وجه ممکن، آموزش می‌دهد. در آخر اشتباهی مرتکب نشده است.
تفسیر : خودنمایی در زمان بزرگترین خطرها، لازم نیست. سادگی واقعی می‌تواند هرآنچه لازم است، به دست آورد. چون کسی که جشنی ساده می‌گیرد، تنها مقدار کمی از اشربه و برنج و ظروف گلی دارد، اما با همین ادا، مافوق او به او گوش فرا می‌دهد. هیچ اشتباهی از آن ناشی نخواهد شد، اگرچه در نتیجه‌ی حاصله تأخیر شود.

پنجم - ۹ : هنوز گودال آنقدر پر نیست که سرریز کنند. گودال فقط تا لبه پر شده‌ا. اشتباهی نخواهد رفت.
تفسیر : اگرچه گودال هنوز از آب پر نشده، اما به‌زودی سرریز خواهد کرد و به اطراف خواهد ریخت. در این راه خطر در مدت کوتاهی برطرف می‌شود. و نظم دوباره برقرار می‌گردد.

ششم - ۶ : او به وسیله‌ی طنابهای ضخیم بسته‌شده، و باخارهای بیشه‌زار محصور شده. مدت سه سال راهی برای گریز نمی‌یابد. نکبت و بدبختی خواهد بود.
تفسیر : او امید ندارد که از این وضع ناهساعد برهد. تنها کاری که می‌تواند بکند انتظار است.

۱- این دو جمله در دو متن ویلیلم و داگلاس تفاوتی اساسی داشت، و جمله‌ی داگلاس چنین بود: «هنوز گودال پر نیست، اما به‌زودی نظم برقرار می‌شود.»

شش خطی
۳۰



離

Li

لی

سه خطی بالایی: لی: آتش، پیوستگی.
سه خطی پایینی: لی: آتش، پیوستگی.

زیبایی درخشنده.

حکم : زیبایی درخشنده. پافشاری و ابرام در راه صحیح، آزادی و موفقیت را موجب می‌شود. اهمیت‌دادن به گاوها، خوشبختی می‌آورد.

۲۰۰

توضیح : لی نشانگر وابستگی است. آفتاب و ماه وابسته‌ی آسمانها هستند، همه‌ی دانه‌ها، نباتات، درختان وابسته‌ی زمین هستند، درخشش آتشی‌نی که توسط ایندو «سه‌خطی» تولید شده‌اند، به ترتیبی صحیح با هم جمع می‌آیند، و در نتیجه هرآنچه را زیر آسمان است تغییر می‌دهند و کامل می‌کنند.

موجودیت انسان وابسته‌ی بسیاری چیزهاست. تنها از طریق باورداشتن راه کهکشان می‌توان به موفقیت رسید. تنها از طریق وابستگی کامل به نظم طبیعی می‌توان جهان را بهتر کرد. این امر را به وسیله‌ی تصویر گاوی خشنود و مطیع نشان می‌دهند، که با تسلیم شدن در مقابل نیرویی بالاتر، خوشحالی خود را باز می‌یابد.

تصویر : درخشندگی (لی) مکرر. مرد برتر زیبایی درخشنده‌ی وجود حقیقی خود را هویدا می‌سازد، و ازین طریق چهار گوشه‌ی جهان را منور می‌کند.

خطوط

یکم - ۹ : او آماده‌ی حرکت است، اما با قدمهای نامرتب. اگر با مراقبت و وقار راه برود، اشتباهی رخ نخواهد داد.

تفسیر : راه مقابله‌ی روشن نیست. پیشروی با احتیاط تمام، تمرکز برای حل کردن هر مسأله‌ی که پیش می‌آید، به موفقیت منتهی خواهد شد.

دوم - ۶ : نور زرد. مساعدت کامل بخت.

تفسیر : زرد، رنگ نور آفتاب سر ظهر است، و نشانگر میانه‌ی راه است. مسیری درست در هر عمل. مسیری

که میان افراط و تفریط واقع است. پیشروی در يك چنین جاده‌یی به خوشبختی منجر می‌شود.

سوم - ۹ : در نور آفتاب غروب‌کننده، مردان جوان روی کاسه‌های غذای خود ضرب می‌گیرند و می‌خوانند، حال اینکه پیرمردان ناله می‌کنند و شیون می‌کنند. نکبت و بلا خواهد بود.

تفسیر : موفقیت یکباره‌ی او نخواهد پایید. نه فعالیت پر شور و هیجان، و نه نومییدی عقیم‌کننده، به مساله کمکی خواهد کرد. بهترین راه آنست که در سکوت آماده‌ی مقابله با مشکلات آینده شود.

چهارم - ۹ : آمدنش ناگهانی است. به همان نسبت به سرعت می‌میرد و گم می‌شود. چه ناگهانی طرد می‌شود!

تفسیر : عملی که زیاده شتابزده است، نمی‌تواند اثری پایا داشته باشد. خوشبختی غیر مترقبه نخواهد پائید.

پنجم - ۶ : سیلاب اشک، ناله‌های دردبار، آه‌های رنجبار. معه‌ذا خوشبختی خواهد بود.

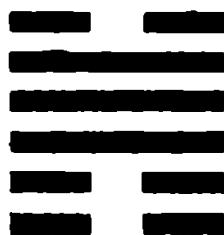
تفسیر : شرایط مخاطره‌آمیز، نگرانی و تشویش تولید می‌کند، اما پروزات درد و ناراحتی، به خودی خود ثابت می‌کند که راهی درست دنبال می‌شود. بخت مساعدت خواهد کرد.

ششم - ۹ : امیر در تنبیه شورشگران پیش می‌رود. او رؤسا را نابود می‌کند و پیروان آنها را فنا می‌کند. خطایی نخواهد رفت.

تفسیر : نظم و انتظامات، چه برای يك نفر، چه برای دیگران،

از طریق نابود کردن ریشه‌ی ناراحتی به دست می‌آید.
اما اجرای حکم وقتی زیاده خشن باشد هدف اصلی
خود را از دست می‌دهد و شکست می‌خورد. اعمال دقیق
و محتاطانه، موفقیت را تضمین می‌کند.

شش خطی
۳۱



咸

hsien

هسین

سه خطی بالایی: تویی: دریاچه، شادان.
سه خطی پایینی: کن: کوه، ساکن.

کشش دوجانبه

حکم : کشش دوجانبه. صحت عملی با ثبات به موفقیت می انجامد. ازدواج با دختری جوان سودمند است. بغت مساعدت خواهد کرد.

توضیح : در اینجا «سه‌خطی» ضعیف، بالا، و «سه‌خطی» قوی، پایین قرار دارد. تأثیرات آنها متقابلاً گیرنده است، ازینرو آنها می‌توانند با هم شوند، ساکن و شادان متقدمی شوند. مذکر زیر مؤنث قرار می‌گیرد، ازینرو بخت مساعدت خواهد کرد.

آسمان و زمین هم‌دیگر را جذب می‌کنند، و دگرگونی و خلقت همه‌چیز، نتیجه‌ی آنست. عاقلان ذهن مردان را به طرف خود جذب می‌کنند، و هماهنگی کیهانی و صلح و آرامش از پی آن می‌آید.

اگر ما به سرشت این کشش دوجانبه بنگریم، خصلت واقعی آسمانها و زمین و همه‌چیز می‌تواند دیده‌شود. کششی دوجانبه موجب می‌شود که مرد خود را به دختری ضعیفتر تسلیم کند. به همان ترتیب مرد برتر، بدون خودخواهی به تأثیرات کیهانی تسلیم می‌شود، و آسمانها او را تقدیر می‌کنند.

تصویر : دریاچه (تویی) روی کوه قرار گرفته (کن). مرد برتر ذهن خود را از همدی اشتغالات خالی می‌دارد، و آمادگی پذیرایی از هر آن کسی است که به او نزدیک می‌شود.

خطوط

یکم - ۶ : او انگستان پایش را می‌جنباند.
تفسیر : هرچه یک مرد انگستان پایش را بجنباند، این کار او را قادر به راهرفتن نخواهد کرد. نیت کافی نیست، عمل باید به دنبال آن بیاید.

دوم - ۶ : او ماهیچه‌ی ساق پایش را تکان می‌دهد. نکبت نزدیک می‌شود. اگر بتواند از تکان دادن آن خودداری کند. باز هم ممکنست بخت مساعدت کند.

تفسیر : اگرچه مشتاق پیشروی است. اما اینک زمان اقدام فرا نرسیده. صبر توصیه می‌شود.

سوم - ۹ : او رانش را بدون وقفه حرکت می‌دهد، و نمی‌تواند از آن کسانی که تحسین می‌کند، دنباله‌روی نکند. یک چنین عدم تسلطی بر نفس، به پشیمانی می‌انجامد.

تفسیر : تحت تاثیر آن کسانی واقع شدن که ارزش احترام ندارند، او را درگیر خطری غیرلازم می‌کند.

چهارم - ۹ : او با استعکام تمام عمل می‌کند. چنین نظم و انتظامی به کامروائی می‌انجامد، و جلوی هرگونه پشیمانی و ندامتی را می‌گیرد. اگر او ناآرام و بی‌نظم است، فقط دوستان نزدیکش او را جدی خواهند گرفت.

تفسیر : او باید به اثرات خارجی غیرلازم راه نهد و از آنها برحذر باشد. اگر با استواری در راه درست برود، حامیان باارزشی متوجه مسأله‌ی او می‌شوند.

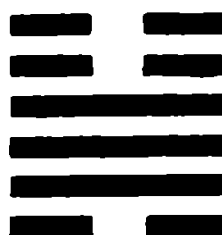
پنجم - ۹ : او پوستی را که ستون فقرات او را پوشانده، تکان می‌دهد. جایی برای پشیمانی نخواهد بود.

تفسیر : چنین حرکتی نمی‌تواند اعمال او را تحت تاثیر قرار دهد، در نتیجه مخاطره‌ی در راه پیشرفت او نخواهد بود. این نکته می‌رساند که حرکاتی با منظور معین، توصیه نمی‌شود.

ششم - ۶ : او بی‌وقفه گلو و آرواره‌ی خود را به‌کار می‌گیرد.

تفسیر : او این عمل را انجام می‌دهد، فقط برای آنکه دیگران را از طریق گپ‌های مبتذل و چاپلوسی‌های عوامانه بیازماید، و تحت تاثیر قرار دهد. نتیجه نکبتبار خواهد بود.

شش خطی
۳۲



恒

HENG

هنگ

سه خطی بالایی: چن: تندر، برانگیختگی.
سه خطی پایینی: سون: باد، آرام.

بقا

حکم : بقا. پیشرفتی موفق وبدون خطا. صحت عمل و ثبات
قدم مفید فایده است. حرکت در هر جهتی کامروا
خواهد بود.

توضیح : در اینجا «سه‌خطی» قوی در بالا و «سه‌خطی» ضعیف در پایین قرار دارد.

تندر و باد متعدد شده‌اند، ترکیبی است از آرامش و حرکتی فعالانه، که در آن همی خطوط به یکدیگر جواب می‌گویند.

راه آسمانها و زمین بدون وقفه، مدتی مدید به طول می‌انجامد، وقتی نیروی انگیزاننده به انتها رسید، دوباره ایجاد خواهد شد. پیروی از راه آسمانها، موجب است که خورشید و ماه، درخشش خود را دایمی کنند. چهار فصل، با تغییرات و دگرگونی‌های خود، خلقت هر چیزی را ابدی می‌کنند. عاقلان در مسیر خود، مدتی مدید پافشاری می‌کنند، و همه چیز زیر آسمان کامل می‌شود. هنگامی که دلیل بقای آنان را بررسی می‌کنیم، طبیعت واقعی آسمانها، زمین و همه چیزها را می‌بینیم.

تصویر : تندر (چن) و باد (سون). مرد برتر ثابت می‌ایستد و به خود اجازه نمی‌دهد که در نوسان باشد.

خطوط

یکم - ۶ : وضع او بستگی به تحمل و بردباری او دارد. حتی اگر به درستی عمل کند، نکبتبار خواهد بود. هیچ نفعی به او روی نخواهد کرد.

تفسیر : حتی اگر به شدت پایداری کند، چون کوششهایش به راه غلط بوده، تنها نتیجه شکست خواهد بود. پر کردن مغز با افکاری در مورد دوام آوردن و تحمل کردن، جایی برای حصول کامیابی نخواهد گذاشت.

دوم - ۹ : هیچ دلیلی برای تاسف نمی‌ماند.
تفسیر : این امر، به این دلیل است که او می‌تواند خود را در محدوده‌های منطقی جای دهد.

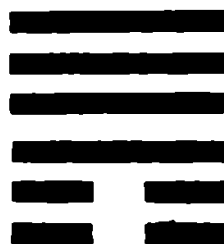
سوم - ۹ : او عفت و پرهیزگاری خود را بدون لغزش، و بی‌نوسان حفظ نمی‌کند، و بدین‌ترتیب خود را در معرض رسوائی و خفت قرار می‌دهد. هرچقدر مستحکم و بالبات عمل کند، باز هم دلیلی بر تاسف خواهد داشت.
تفسیر : اگرچه سعی می‌کند که جاده‌ی واقعی را دنبال کند، معیناً شرایط بر علیه او کار می‌کنند و او تاب نمی‌آورد.

چهارم - ۹ : هیچ شکاری در مرغزار نیست.
تفسیر : اگر مرغزار خالی باشد، هرچقدر شکارچی مصمم باشد و پایداری کند، شکاری به‌دست نخواهد آمد.

پنجم - ۶ : او در عین پاکدامنی، وفای سنتی ازدواج را رعایت می‌کند. در زنان یک چنین پاکدامنی کامرواست، و در شوهران نکبتبار.
تفسیر : یک زن، آگاه از ضعف خود، باید در عین اطاعت تسلیم باشد. اما شوهر باید خود را آزاد کند و قانونی را رعایت کند که درست است.

ششم - ۶ : او مدام، به روشی هیجان‌زده، عمل می‌کند. نکبت وجود خواهد داشت.
تفسیر : به زودی نیروی او مضمحل می‌شود و کوشش‌های خشونت‌بارش تنها ممکنست به شکست بینجامد. خویشتن‌داری کامل الزامی است.

شش خطی
۳۳



遁

TUN

تون

سه خطی بالایی: چ، یین: آسمان، فعال.
سه خطی پایینی: کن: کوه، ساکن.

عقب‌نشینی

حکم : عقب‌نشینی. موفقیت. اگر در مسایل کوچک پافشاری
شود، مفید فایده است.

توضیح : این «شش خطی» نشان می‌دهد که حتی عقب‌نشینی، ممکنست عاقبتی موفقیت‌آمیز داشته باشد. خط قوی در مرحله‌ی پنجم است، و مطابق با احتیاجات زمان عمل می‌کند.

«پافشاری در مسائل کوچک» یعنی تمایلات مترقیانه عقب می‌نشینند، و تنها مسائل کوچک بار می‌دهد. وقتی مردان کوچک زیاد می‌شوند و قدرتشان افزون می‌شود، اجبار زمانه موجب می‌شود که مردان برتر از مقابل آنها عقب بنشینند. با صحت عمل و ثبات قدم، نکبت تهدیدکننده ممکنست به حدی مختصر برسد. در صورتی عقب‌نشینی با نظم و ترتیب و در امن و امان خواهد بود، که اهمیت خاص زمان آن درک شود.

تصویر : کوه (کن) زیر آسمان (چ، ین). مرد برتر، مردان کوچک را دور نگاه می‌دارد، نه با نشان دادن خشم، بلکه با حفظ کمال احتیاط.

خطوط

یکم - ۶ : عقب‌نشستن از طرف دم. خطر وجود دارد، پیشروی نباید کرد.

تفسیر : او به انتهای گروه عقب می‌نشیند. موقعیت در دو انتها خطرناک است، و به هیچ حرکتی نباید اقدام کرد. اگر با عجله فرار کنیم فقط نکبت و بلا را تشدید کرده‌ایم.

دوم - ۶ : او محکم به هدف خود چسبیده، انگار بایندهای ناگسستنی از پوست گاو نر زرد به آن بسته شده است.

تفسیر : چنین پایداری بی‌درهلف، نشان می‌دهد، که آن هنگامی

عقب‌نشینی لازم است که شدیداً توصیه شده باشد.

سوم - ۹ : او مجبور به عقب‌نشینی است، گویی گرفتار نومی‌دی و ترس خویش است. اگر او با کسانی که محدودش می‌کنند، به گونه‌ی رفتار کند که گویی آنها مستخدمین او هستند، نتیجه موافقتر خواهد بود.

تفسیر : اگر او در ارتباط با مردان کوچک، آشنایی کمتری از خود نشان بدهد، قادر خواهد بود در مذاکره با آنان برتری خود را حفظ کند. در وضعیت فعلی، آنها مانع حرکت او خواهند شد.

چهارم - ۹ : او عقب می‌نشیند و چاره‌ی دیگر ندارد. مرد برتر، همچنان اقبال پیدا می‌کند، اما غیرممکنست که اقبالی به مرد کوچک روی کند.

تفسیر : مرد برتر تسلیم می‌شود، با این آگاهی که در فصل مقتضی بخت به او روی خواهد کرد. مرد کوچک به یک چنین درجه‌ی از آگاهی نرسیده است.

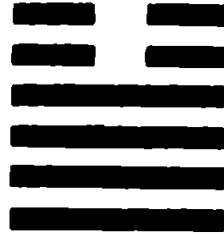
پنجم - ۹ : او به نحوی تحسین‌انگیز عقب می‌نشیند. در صورت صحت عملی پایدار، بخت مساعدت خواهد کرد.

تفسیر : اگر کسی تصمیم به عقب‌نشینی بگیرد، پیش از آنکه مجبور شود، عقب‌نشینی می‌تواند به گونه‌ی تحت نظارت و تسلط باشد، و موفقیت‌آتی پایه‌گذاری شود.

ششم - ۹ : او به گونه‌ی پرافتخار عقب می‌نشیند. این امر از هر نظر مفید فایده خواهد بود.

تفسیر : او نیروی خود را حفظ می‌کند، و با خوشحالی کاری را که باید انجام دهد، به انجام می‌رساند.

شش خطی
۳۴



大
壯

TA CHUANG

تا، جوانگ

سه خطی بالایی: چن: تندر، برانگیختگی.
سه خطی پایینی: چ، ین: آسمان، فعال.

نیروی شدید

حکم : نیروی شدید. ثبات قدم و صحت عمل مفید فایده‌اند.

توضیح : در اینجا می‌بینیم که شخص بزرگ قوی می‌شود. آن سه خطی که به معنی نیرو است، سه خطی دیگر را که به معنی حرکت است، توجیه می‌کند. منفعتی که حاصل می‌شود، در پی رفتاری همراه با صحت عمل و ثبات قدم است، زیرا آنچه بزرگ است، می‌باید صحیح هم باشد. هنگامی که صحت عمل و بزرگی ترکیب می‌شوند، خصلتها و خواستهای آسمانها و زمین ظاهر خواهند شد. نیروی شدید باید در عین استواری و عزم راسخ پرورش یابد، اما به تنهایی کافی نیست، تا در مسایل، رهبری امور را برعهده گیرد. قدرت باید به عقیده‌ی درست ملحق شود، و تنها در هماهنگی با آن اعمال شود. درک چنین حقیقتی، منتهی می‌شود به باز شدن چشم باطن و درک مفاهیم همه‌چیز.

تصویر : تندر (چن) در آسمان (چ، ین). مرد برتر به هیچ‌روی قدمی بر نمی‌دارد، که به نحوی امکان دارد قدمی نادرست باشد.

خطوط :

یکم - ۹ : او قدرت را تنها در انگشتان پای خود ظاهر می‌سازد. پیشرفت منجر به نکبت خواهد شد.
تفسیر : او در موقعیتی نیست که بتواند راه خود را با اعمال زور پیش ببرد.

دوم - ۹ : پافشاری به مساعدت بخت منتهی خواهد شد.
تفسیر : دورنمای آینده‌ی او خوبست.

سوم - ۹ : مرد كوچك انگيخته شده تا تمام نيروي خود را به كار برد. اگرچه موقعيت او مخاطره آميزست. مرد برتر كف نفس و خويشتن داري را تمرين مي كند، اگرچه كه حتى خواسته هاي نفسي او هم عظيمند. اگر او به خواسته هاي نفسي خود راه بدهد به مانند بزي خواهد شد كه به پرچيني شاخ مي زند، تا بدان حد كه شاخه هايش در آن گير مي كند.

تفسير : احتياط بسيار توصيه مي شود. در وضعيتي وخيم، استفاده از قدرت موازنه را ترميم نمي كند. بدينگونه تسليم نفس شدن فقط مسايل را بدتر خواهد كرد.

چهارم - ۹ : پافشاري شديد به مساعدت بخت منتهي خواهد شد، و امكان تاسفي نمي ماند. اگر با احتياط پيشروي كند، قدرت او اثرات خوبي ايجاد خواهد كرد. شاخه هايش از گير پرچين مي رهند. نيروي او مثل نيرويي است كه در محور يك ارابه ي بزرگت وجود دارد.

تفسير : پيشروي محتاطانه، به فائق شدن بر موانع و مشكلات مي انجامد. نيروي واقعي او نبايد به طور واضح آشكار شود، بلكه بايد به طور پنهان ذخيره شود؛ مانند نيروي عظيمي كه در محور يك ارابه ي سنگين نهفته. قدرتي پنهان اما عظيم.

پنجم - ۶ : او قوچ را به آساني قرباني مي كند. او تاسفي نخواهد داشت.

تفسير : چون در موقعيتي امن قرار مي گيرد، استراحت مي كند و هوشيارى و زيركى قوچ وار خود را از دست مي دهد. عليرغم اين نکته، دليلي براي پشيماني وجود ندارد. اما كسي كه در موضع قدرت قرار دارد، مي تواند استراحت كند.

ششم - ۶ : قوچی به پرچینی شاخ می‌زند، و قادر نیست که پیشروی کند، یا که عقب بنشیند. هیچ چیز مفید فایده نیست. معه‌ذا چنین مشکلی خوش اقبالی می‌آورد.

تفسیر : او چون قوچی است که بیموده بر پرچینی شاخ می‌زند. هیچ عملی از او بر نمی‌آید که بتواند او را به هدفش برساند، معه‌ذا اگر مخصصه‌یی که در آن گرفتار شده موجب آگاهی‌یی شود که نیاز به کف‌نفس را درک کند، ممکنست بخت مساعدت کند.

شش خطی
۳۵



晉

Chin

چین

سه خطی بالایی: لی: آتش، پیوستگی.
سه خطی پایینی: کان: زمین، پاسخگو.

پیشرفت

حکم : پیشرفت. به دلیل خدمات امیرزاده به کشورش،
اسبهای زیادی به او پیشکش می‌شود، و سه بار در يك
روز، امیر به او بار می‌دهد.

توضیح : این «شش‌خطی» نشانگر آفتاب درخشان بر روی زمین است. نماد پاسخگویی در عین اطاعت، به نماد درخششی عظیم پیوسته؛ خط ضعیف پیشرفت می‌کند و به موقعیتی می‌رسد که حاکم بر «شش‌خطی» است (خط پنجم). تمامی اینها، نشانگر امیرزاده‌یی کامیار است که اسبهای متعدد به او پیشکش شده و امیر سه‌بار در یکروز به او بار داده است. پیشرفت او چون پیشرفت خورشید است، با درخششی که هر لحظه افزون می‌شود، تا به ظهر برسد.

تصویر : آفتاب درخشان (لی) بر بالای زمین (ک، اون) پیش می‌آید. مرد برتر هم، با درخشش تمام می‌تابد، و این به خاطر فضایل درخشان اوست.

خطوط

یکم - ۶ : او به دنبال پیشروی است، اما عقب نگاهداشته می‌شود. اگر ثابت‌قدم و راسخ باشد، کامیاب خواهد شد. اگر مورد اعتماد نباشد، باید در روابط خود دست و دل‌باز و سخاوتمند باقی بماند، و بدین‌ترتیب از خطا اجتناب خواهد کرد.

تفسیر : او امید به پیشروی دارد، اما از آنجاییکه مافوق او هنوز اعتمادی به او ندارد، او محدود و مقید شده شده است. او باید راه بردباری و آرامش ذهن را در پیش گیرد و ادامه دهد.

دوم - ۶ : به نظر می‌رسد که پیشروی می‌کند، اما همچنان متاثر

است. اگر ثابت قدم و صحیح العمل باشد، به خوش اقبالی نائل خواهد شد. این برکت از طرف جده اش به او می رسد.

تفسیر : کامروایی او به خاطر کوشش و کار شخصی صاحب قدرت است که مهربی مادروار به او دارد.

سوم - ۶ : به او همدی اطرافیانش اعتماد کرده اند. هیچ علتی وجود ندارد که او را متاسف سازد.

تفسیر : جو اعتمادی دوسویه، و هدفی مشترک، آنها را به هم نزدیک می کند.

چهارم - ۹ : او چون جانور جوندهی کوچکی، به سرعت حرکت می کند. اگر به این بی پروائی اصرار داشته باشد، خود را به خطر خواهد انداخت.

تفسیر : حرکتی تند و سریع به اطراف، به ترتیبی بدون وقار و آشفته، پیشرفتی حقیقی به وجود نخواهد آورد. اگر او در این حرکات نازیبا و ناشایست اصرار ورزد، نتیجهی آن همراه با بداقبالی خواهد بود.

پنجم - ۶ : دیگر دلیلی برای تاسف وجود ندارد. او دیگر لازم نیست نگران موفقیت یا عدم موفقیت خود باشد. پیشروی موجب مساعدت بخت، و از هر جهت مطلوب است.

تفسیر : او با استحکام بر مسیر صحیح خویش می رود، و نسبت به نتیجهی آن بی تفاوت است. اما وقایع به گونهیی مقدر شده، که او در حال و آینده موفق خواهد بود.

ششم - ۹ : او با شاخهای کشیده به قصد تنبیه شورشگران پیش

تفسیر : اگر به دنبال مساعدت کامل بخت هستید، باید
خوشتنداری بسیار از خود نشان دهید.
می‌رود. چنین اعمال قدرتی بر نزدیکان و
اقوام مخاطره‌آمیز است، و هرچند ممکن است
صحیح عمل کند، اما دقایقی تأسف‌بار خواهد داشت.

کند، و موانع را از سر راه خود دور کند. او خود را با این موانع تطبیق می‌دهد، و محرومیتی را که سرنوشت بر او تحمیل کرده، می‌پذیرد. اما افرادی که دور و بر او هستند، تنها می‌توانند او را به خاطر اینکه به هدف خود نائل نشده، مورد انتقاد قرار دهند.

دوم - ۶ : اگرچه رانش زخمی شده، اما بر اسبی بادپای سوار می‌شود، و خود را نجات می‌دهد، و در هدف خود پابرجا می‌ماند.

تفسیر : اگرچه حرکت او توأم با ناراحتی است، اما او را بی‌قدرت نساخته، و او به راه خود ادامه می‌دهد.

سوم - ۹ : در حین شکار در جنوب، رئیس دشمنان خود را دستگیر می‌کند. اما چندان شایق نیست، که همه چیز را بلافاصله درست کند، و قادرست از ارتکاب به اعمال پیش از وقت و ناکامل خودداری کند.

تفسیر : خوش‌اقبالی و کامروائی غیرمنتظره‌ی درپیش است، اما شخص نباید بگذارد که به خاطر عمل صحیح و قضاوت درستش دچار باد غرور و نخوت شود. در این لحظه‌ی خاص نمی‌توان اشتباهات معزز را تصحیح کرد.

چهارم - ۶ : او وارد قلمرو دشمن خود می‌شود، انگار وارد قسمت چپ شکم مردی شده باشد، و در آنجا حاکم را، به صورت يك قلب سیاه می‌بیند. درحالی‌که هویت خود را مخفی داشته، می‌تواند پیش از اینکه شناسائی شود بگریزد.

تفسیر : به او فرصت داده شده تا طبیعت حقیقی کسانی که

با او ضدیت می‌کنند، ببینند، بدون اینکه در موقعیتی آسیب‌پذیر قرار گیرد.

پنجم - ۶ : او به مانند شاهزاده «چی» عمل می‌کند، او حتی اگر گرفتار و زخمی می‌شد اصرار داشت در مسیر صحیح اقدام کند. نور پنهان‌شده‌ی فضایل او همچنان پابرجاست.

تفسیر : در هنگام خطری عظیم، اگر کسی می‌خواهد نجات پیدا کند، ثبات قدم بسیار توصیه می‌شود. شخص باید چون چراغی باشد که در تاریکی روشن است.

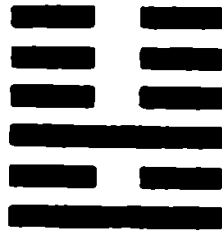
ششم - ۶ : نوری نیست، و فقط تاریکی است. او به آسمان صعود کرده است، حال بر زمین فرود خواهد آمد.

تفسیر : این سرنوشت فرمانروایی است که با وزیر ضدیت می‌کند، با کسی که می‌خواهد به او خدمتی درست و هوشمندانه کند. به‌جای آنکه مثل خورشیدی باشد که از موضع رفیع خود در آسمان برهم‌چیز نور می‌پاشد، او مثل خورشیدی است که پشت زمین پنهان شده.

۱- شاهزاده چی CHI در دربار شاهی مستبد و شرور به نام چو هسین CHOU HSIN می‌زیسته. شاهزاده چی منسوب این شاه مستبد بوده و نمی‌توانسته از دربار کناره‌بگیرد، در نتیجه احساسات واقعی خود را مخفی، و تظاهر به دیوانگی کرد. اگرچه او را به بردگی گرفتند، اما اجازه نداد بدبختی و ادبار بیرونی موجب شود که از اعتقادات خود منحرف شود.

این مثال به آندسته از مردم آموزش می‌دهد که نمی‌توانند در وقت ظلمت و تاریکی از مقام خود کناره‌گیری کنند. به جای گریز از خطر، آنان باید در روح خود ثبات قدمی رسوخ‌ناپذیر داشته‌باشند، و در ارتباط با دنیا احتیاط را دو برابر کنند.

شش خطی
۳۶



明夷

MING I

مینگ ای

سه خطی بالایی: ک، اون: زمین، پاسخگو.
سه خطی پایینی: لی: آتش، پیوستگی.

تاریکی گرفتن نور

حکم : تاریکی گرفتن نور. در زمان سختی، اگر در اعمال خود ثابت قدم و صحیح العمل بماند، مفیدفایده است.

توضیح : در اینجا درخشندگی (لی) وارد زمین می‌شود (ك، اون). «سه خطی» پایینی نشانگر کسی است که مستعد و فاضل و خبره است و «سه خطی» بالایی نشانگر کسی که آرام و تسلیم است. چنین کسی «شاهون» است، که این کیفیت را حتی وقتی درگیر مشکلات بود، حفظ می‌کرد.

کسی که می‌خواهد ادبار و مصیبت را به بهترین وجه از خود دور کند، باید کیفیت‌های درخشان خود را پنهان کند. موردی که در نظر است، مورد شاهزاده «چی»^۱ است، که در میان مشکلات خانگی خود، قادر بود خواسته‌ی حقیقی خود را حفظ کند.

وزیری خوب و باهوش، در خدمت به مملکت خویش پیش می‌رود، علیرغم اینکه تخت را حاکمی ضعیف و دوست‌نداشتنی غصب کرده باشد. تحت چنین شرایطی مرد برتر فضایل خود را پنهان می‌کند، درحالی‌که در درون خود نسبت به این فضایل وفادار مانده است.

تصویر : نور (لی) در درون زمین (ك، اون) پنهان شده. مرد برتر وقتی بر مردمان حکم می‌راند، عقل خود را علناً نشان نمی‌دهد، و به این ترتیب است که آن را ظاهر می‌کند.

خطوط

یکم - ۹ : او پرواز می‌کند، اما با بالمهای فروافتاده. او با ثبات قدم به دنبال مسیر حقیقی خود، سه روز روزه می‌گیرد، بدون اینکه در آن تردید کند. مردم دربار می‌او با تمسخر و استهزاء سخن می‌گویند.

تفسیر : او به محض اینکه شروع به حرکت می‌کند، به‌طور جدی مواجه با مانع می‌شود. باید مدتی عقب‌نشینی

شش خطی
۳۷



家人

CHIA JEN

چیا جن

سه خطی بالایی: سون: باد، آرام.
سه خطی پایینی: لی: آتش، پیوستگی.

خانواده

حکم : خانواده. مهمترین قانون در زندگی خانوادگی آنست
که زن در تمام افعالش ثابت قدم و صحیح العمل باشد.

توضیح : در اینجا زن جای خاص خود را در «سه‌خطی» پایینی اشغال کرده، و مرد جای صحیح خود را در «سه‌خطی» بالایی. وقتی زن و مرد جای درست خود را اشغال می‌کنند، موقعیت‌های صحیح آسمان و زمین را منعکس می‌کنند. در این «شش‌خطی» فرمانروایی مقتدر دیده می‌شود که با اقتداری پدرسالارانه نشان داده شده. باید که پدر به‌راستی پدر باشد، پسر به‌راستی پسر، برادر بزرگتر واقعاً برادر بزرگتر، و برادر کوچکتر واقعاً برادر کوچکتر، باید که شوهر به‌راستی شوهر باشد و زن به‌راستی زن، آنگاه خانواده در وضعیت کامل خود قرار خواهد گرفت. اگر خانواده به این وضع باشد، آنگاه همه چیز زیر آسمانها و فلک، مستقر خواهد شد.

انتظامات کامل خانواده، عمدتاً تحت تاثیر همکاری میان شوهر و زن، در حیطه‌ی خصوصی آنهاست. اگر چنین انتظاماتی از نقطه نظر حکومت برکشور در نظر گرفته شود، بدین معنی است که میان فرمانروا و مردمش ارتباطی حسنه وجود دارد. پس به یقین امنیت کامل برقرار است.

تصویر : باد (سون) برآمده از آتش (لی). مرد برتر حقیقت چیزها را هنگام سخن گفتن در نظر می‌گیرد، و در اندیشه‌ی خود پابرجاست.

خطوط

یکم - ۹ : او در خانه‌ی خود نظم را برقرار می‌کند. تاسف و پشیمانی محو می‌شود.

تفسیر : قوانین سخت در اداره‌ی خانواده لازمست. نظامات باید برقرار شوند، و بنیانگزاران این قوانین باید

به شدت به اجرای آن اصرار ورزند.

دوم - ۶ : زن هیچ چیز برای خود بر نمی دارد، اما جای خود را اشغال می کند، و به فراهم کردن غذا می پردازد. با صحت عمل و ثبات قدم او، بخت مساعدت خواهد کرد.

تفسیر : شخص باید خود را بر وظایف فعلی خود متمرکز کند، و مسایل عظیم تر را برای زمانی مساعدتر بگذارد.

سوم - ۹ : او با افراد خانوادگی خود در کمال جدیت و سختی رفتار می کند. مواقعی تأسف بار وجود خواهد داشت، و حتی ترس. اما مواقعی از خوش اقبالی نیز خواهد بود. غیر طبیعی و مصنوعی بودن زن و فرزندان به پشیمانی و تأسف منجر خواهد شد.

تفسیر : زیاده جدی و سختگیر بودن بهتر است از سهل انگار و ولخرج بودن.

چهارم - ۶ : زن خانواده را غنی می کند. بخت مساعدت بسیار خواهد کرد.

تفسیر : زن، مسایل خدمتگاران را اداره می کند و با مدیریت دقیق خود، ثروت را به خانوادگی خود می آورد.

پنجم - ۹ : نفوذ امیر تا به خانواده اش توسعه یافته، جای دلنگرانی نیست، کامروائی و خوش اقبالی در راه است.

تفسیر : فرمانروا قدرت خود را محدود می کند و نیروی خود را عاقلانه به خاطر تمام اهل و اتباع خود به کار

می برد.

ششم - ۹ : او صمیمی است و مثل يك امیر می نماید. در پایان بغت مساعدت خواهد کرد.

تفسیر : صمیمیت، به او جلوه‌ی موقر امیران را می دهد. هرگونه سوءاستفاده‌ی از نیرویش او را به استفاده‌ی نادرست از سختگیری خشونت‌آمیز سوق می دهد، اما تسلط بر نفس و رفتار صحیح می تواند نتیجه‌ی مساعد ببار آورد.

شش خطی
۳۸



睽

KUEI

کویی

سه خطی بالایی: لی: آتش، پیوستگی.
سه خطی پایینی: تویی: دریاچه، شادان.

مخالفان

حکم : مخالفان. اگرچه شرایط تضاد حاکم است، و اختلافی
عظیم در کار است، اما در امور کوچک، موفقیت وجود
خواهد داشت.

۲۳۰

توضیح : در اینجا ما آتشی داریم که بالا می‌رود، و آب که به پایین می‌آید. این دو مثل دو خواهرند که باهم زندگی می‌کنند، اما خواسته‌هایشان در یک جهت نیست. «سه‌خطی» پایینی نشانگر رضایتی هماهنگ است و به «سه‌خطی» بالایی که هوشی درخشان را نشان می‌دهد، وابسته است. خط ضعیف پیش می‌رود تا حدی که موضع میانی را در «سه‌خطی» بالایی اشغال می‌کند، و از آنجا به خطوط پایینی جواب می‌دهد. این امر نشان می‌دهد که در امور کوچک بخت مساعدت خواهد کرد. آسمان و زمین از هم جدا هستند، اما کاری که انجام می‌دهند آنها را متحد می‌کند. مرد و زن از هم جدا هستند، اما هدف مشترکشان آنها را به هم نزدیک می‌کند. اختلاف و تفرقه‌یی عظیم میان موجودات وجود دارد، اما آنها از طریق اعمال خود به هم مرتبط می‌شوند. نتیجه‌ی چنین جدایی به راستی که عظیم است.

تفرقه، سوء تفاهم و عدم باور تمام کشور را پوشانده، و مردان از یکدیگر بیگانه شده‌اند. اما یک چنین فاجعه‌ی عظیمی را هم می‌توان از راه‌های آسان تصحیح کرد، و بدین ترتیب راه را برای نجات تمامی مردم هموار کرد.

تصویر : آتش (لی) مافوق دریاچه (تویی). مرد برتر، حتی وقتی بقیه با هم سازش می‌کنند و مثل یک نفر عمل می‌کنند، باز هم خود را به خاطر درستی و راستی‌اش از آنها دور نگاه می‌دارد.

خطوط

یکم - ۹ : دیگر دلیلی برای تاسف و حسرت وجود نخواهد داشت.

او اسبهای خود را از دست داده است، اما بگویند به دنبال آنها نباشد، آنها به میل خود باز خواهند گشت. اگرچه با مردان ناباب اختلاط می‌کند، لیکن بر او تالییری نمی‌گذارند.

تفسیر : آنچه را که از دست شده است، نمی‌توان با فشار به دست آورد. او باید صبور باشد، و منتظر آن‌ها باشد، تا زمانی بازگردند، و به همان ترتیب شخص نمی‌تواند مردان شرور را با فشار به راه راست آورد، بلکه با فرصت دادن، ممکن است خوبی بر بدی چیره شود، و حداقل کمک می‌کند که آنها از بدگویی و رجزخوانی دست بردارند.

دوم - ۹ : او ارباب خود را، به طرزی غیرمنتظره، در کوره‌راهی می‌بیند. اشتباهی نخواهد رفت.

تفسیر : یک چنین دیدار اتفاقی با مخالفان و اضداد، ممکن است ارزشمند باشد، و ممکنست به مبادله‌ی نظرات و حسن تفاهم بیشتری بیانجامد.

سوم - ۶ : اراپه‌ی او به سختی عقب‌کشیده می‌شود، گاو نرش از جاده پرت شده، به عقب رانده می‌شود. به زور مویش را می‌تراشند و بینی‌اش را قطع می‌کنند، این امر شروعی مناسب نیست، اما پایانی خوب خواهد داشت.

تفسیر : مشکلات او اگرچه به شدت وخیم است، اما پایان بدی نخواهد داشت.

چهارم - ۹ : در ابتدا او به تنهایی میان مخالفان غالب می‌ایستد تنها، در میان نفاق و تفرقه. اما با مردی خوب ملاقات می‌کند، و آنان اهداف صمیمانه‌ی خود را به

هم می‌پیوندند. موقعیت آنان مخاطره‌آمیز است، اما اشتباهی رخ نمی‌دهد.

تفسیر : تفاهم و علاقه‌ی دوجانبه کمک می‌کند که ضدیت از بین برود. اگرچه خطر از همسوی تهدید می‌کند، معینا شروع مبارك بوده است.

پنجم - ۶ : جایی از برای تأسف نیست، یاور او، حجاب را پاره می‌کند. وقتی نزد چنین یآوری می‌رود، چه اشتباهی ممکن است رخ دهد.

تفسیر : با کمک فضایل درونی خود، او مشکلات خود را مرتفع می‌کند، بدان گونه که انگار حجابی را پاره کرده است. وقتی او در درون خود به این شیوه به وحدت رسیده، چگونه ممکنست مرتکب اشتباهی شود؟

ششم - ۹ : او به‌تنهایی در میان جدایی و تفرقه‌ی غالب می‌ایستد. به نظر می‌رسد که خوکی آغشته به گل می‌بیند، آنگاه ارابه‌یی پر از ارواح، او گمانش را می‌کشد، سپس آن را پایین می‌آورد، چرا که در مقابل خود دشمنی نمی‌بیند، بلکه یآوری نزدیک را می‌بیند. وقتی پیش می‌رود، بارانی آرام درمی‌گیرد، که کامروایی و خوش‌اقبالی به دنبال آنست.

تفسیر : منابع درونیش او را در میان وحشتها و تضادهایی که در برابرند راهنمایی می‌کند، تا وقتی که این تضادها از بین می‌روند و او بر جاده‌یی امن به‌سوی خوشبختی می‌رود.

۱- تراشیدن مو و قطع بینی مجازاتی شدید و خفت‌آور بود.

شش خطی

۳۹



蹇

chien

چیین

سه خطی بالایی: ك، ان: آب، خطرناك.
سه خطی پایینی: کن: کوه، ساکن.

موانع

حکم : موانع. در جنوب و غرب منفعتی به دست می آید، نه در شمال و شرق. ملاقات مرد بزرگ مطلوب است. پافشاری شدید موجب خوش اقبالی و کامیابی خواهد شد.

۲۳۴

توضیح : این «شش خطی» نشانگر مشکلات است. «سه خطی» بالا نشانگر خطر است. اگر او بتواند خطر را ببیند و پیشروی به جانب آن را متوقف کند، راستی که عاقل است.

موفقیت در جنوب و غرب یافت می‌شود چرا که خط محکم، پنجمی از پایین است. و موفقیتی در شمال و شرق نخواهد بود، چون نیروی این جهات فرسوده است. پیشروی برای ملاقات با مرد بزرگ، منجر به کامیابی خواهد شد.

از آنجا که خطوط (مگر خط اول) در موضع مناسب خود هستند، پس صحت عملی بالبات، کامیابی به بار می‌آورد و مشکلات مملکت را حل می‌کند. به راستی کاری که در این زمان انجام شود، عظیم است.

اگر موانع برای آن هستند که راهی از برای کامیابی بگشایند، توصیه می‌شود که در زمان بدبختی و فلاکت کوششی سخت روا دارند. در مورد مرد برتر چنین مشکلاتی ممکنست به استفاده‌ی خوب تبدیل شود. فشارهای خارجی کمک می‌کند تا ضعفها ظاهر شود، ضعفهایی که در غیر این صورت لاعلاج می‌ماندند.

تصویر : آب (ک، ان) روی گوه (کن). مرد برتر خود را می‌آزماید، و خود را با فضائل درونی پرورش می‌دهد.

خطوط

یکم - ۶ : پیشروی به مشکلات بیشتری می‌انجامد. سکون، موجب برکت و آمرزش خواهد شد.

تفسیر : اگر پیشروی کند، موفق نمی‌شود تا از عهدی مشکلاتش برآید، بلکه مغلوب خواهد شد. باید منتظر

وقتی مناسبتر باشد.

دوم - ۶ : وزیر امیر با مشکلاتی مبارزه می‌کند، که هیچ‌یک ازین مشکلات، تقصیر خود او نیست، و در این مبارزه اصلاً به فکر منفعت شخصی نیست.

تفسیر : او موظف است که مسیر خود را دنبال کند، و نمی‌تواند تاخیر کند. او باید مستقیم حرکت کند و پیش رود و کوشش کند که بر موانع فائق شود.

سوم - ۹ : او پیش می‌رود، اما تنها خود را گرفتار مشکلات بیشتری می‌کند. او مجبور به سکون می‌شود، سپس باید بازگردد.

تفسیر : در اینجا از مبارزه‌ی جسورانه، هیچ استفاده‌ی به دست نمی‌آید. او با عقب‌نشینی، بهتر به مقصود خود می‌رسد.

چهارم - ۶ : او پیش می‌رود، اما دچار مشکلات بزرگتری می‌شود. توقف و درنگ، مفید فایده است.

تفسیر : او ضعیف‌تر از آنست که به تنهایی موفق شود، پس وابستگی وفاداران‌ه‌ی خود را نسبت به امیر توسعه می‌دهد، و به انتظار زمانی می‌ماند که عملی از او درخواست شود. خویشتن‌داری از جانب او موجب می‌شود که در جایی مناسب حمایت شود.

پنجم - ۹ : وقتی با بزرگترین مشکلات مبارزه می‌کند، دوستانش برای کمک می‌رسند.

تفسیر : افراد می‌بینند که او به تنهایی به بزرگترین مانع حمله کرده است، و آنها برای کمک به او تعجیل

می‌کنند. يك‌چنين كوششهای هماهنگی به موفقیت
منتهی خواهد شد.

ششم - ۶ : پیشروی، تنها به موانع می‌انجامد. مكث کردن به
خوش‌اقبالی و کامیابی عظیم. توصیه می‌شود به‌دیدار
مرد بزرگ بروید.

تفسیر : ساکن ماندن، درحالی‌که به دنبال اندرزه‌های عاقلانه‌ی
مرد بزرگ است، موجب می‌شود که دوستانی نیرومند
برای کمک بیابند.

شش خطی
۴۰



解

hsieh

هسیه

سه خطی بالایی: چن: تندر، برانگیختگی.
سه خطی پایینی، ک، ان: آب، خطرناک.

خلاصی

حکم : خلاصی. در جنوب و غرب منفعتی به دست می آید. اگر سفری دیگر لازم نباشد، بازگشت به منزل کامیابی و بختیاری را موجب خواهد شد. اما اگر لازم باشد،

تسریع بهترین کار است.

توضیح : در اینجا «سه خطی» نشانگر خطر، مقابل «سه خطی» دیگر است، که نشانگر حرکت و قیام است. در اینجا حرکت در حکم خلاصی از خطر خواهد بود. حرکت به جانب جنوب و غرب، موجب است که هر کسی به مقصد خود برسد. بازگشت به منزل موجب می‌گردد که یک بار دیگر راهی متوازن و هموار دنبال شود. انجام سریع وظایف فوری، موفقیت را تضمین می‌کند.

هنگامی که آسمان و زمین از چنگ زمستان رها شده باشند، تندر و باران آغاز می‌شود. در نتیجه شکوفه‌های گیاهان و درختان که میوه‌های گوناگون به بار می‌آورد، به شکفتن آغاز می‌کند.

به راستی که فرارسیدن این زمان مبارک است! اگر امور هرچه زودتر به مجرای قدیمی خود بازگردد، بهتر است. رؤسای جدید کشور نباید زیاده نگران باشند و تمام روشها و آداب قدیمی را تغییر دهند.

تصویر : تندر (چن) و باران (ك، ان) موجب رهایی است. مرد برتر خطاها را عفو می‌کند و با آرامش، گناهان را می‌بخشد.

خطوط

یکم - ۶ : مرتکب هیچ اشتباهی نمی‌شود.
تفسیر : مشکلاتش حل می‌شود، دیگر هیچ کشمکشی وجود نخواهد داشت.

دوم - ۹ : وقتی به شکار رفته، سه روباه را با يك پيكان زرد می‌کشد. صحت‌عملی همراه با ثبات‌قدم به کامیابی می‌انجامد.

تفسیر : او با پافشاری عاقلانه‌یی، به آسانی بر حریف خود غلبه می‌کند.

سوم - ۶ : او در ارباب‌یی، همراه با باربری که چمدانش را حمل می‌کند، سفر می‌کند. چنین رفتاری دزدان را تحریک می‌کند تا به او حمله کنند. هرچه قدر سعی می‌کند صحیح‌العمل و ثابت‌قدم باشد، باز امکان تاسف و پوشیمانی وجود خواهد داشت.

تفسیر : او نه می‌تواند از خود مراقبت کند و نه می‌تواند کاری با ارزش را به انجام برساند. خودنمایی نالازم، موجب نزدیک‌شدن خطر است.

چهارم - ۹ : انگستان پایتان را تکان دهید. پس از آن دوستانی که مورد اعتماد شما هستند، نزدیک خواهند شد.

تفسیر : او افراد مفت‌خور را از جمع دوستان می‌راند، و بدین ترتیب دوستان نزدیک می‌شوند و مورد اعتماد او واقع می‌شوند.

پنجم - ۶ : مرد برتر موانع مزاحم را، که مخالف صلح و نظم کشور هستند، دور می‌کند، و بدین‌ترتیب حتی اعتماد مردان کوچک را هم جلب می‌کند. کامیابی و بختیاری وجود خواهد داشت.

تفسیر : اگر بخواهیم چنین اعمالی به موفقیت برسد، باید از ساده‌دلی و بی‌ریایی محض برخوردار باشیم.

ششم - ۶ : امیرزاده با کمانش تیری می‌اندازد، و شاهینی را
زخمی می‌کند، که بر بالای دیواری نشسته. ارات این
عمل از هر نظر مفید فایده است.
تفسیر : او قدرتمندترین دشمنانش را دور می‌کند و از انقیاد
آنان می‌گریزد.

شش خطی
۴۱



損

SUN

سون

سه خطی بالایی: کن: کوه، ساکن.
سه خطی پایینی: تویی: دریاچه، شادان.

کاهش

حکم : کاهش. اگر از آنچه در حد افراط است، در عین صمیمیت کاسته شود، کامیابی به دست خواهد آمد. نتیجه، دور شدن از خطا، و صحت عملی باثبات است

که می‌تواند دوام کند. در ضمن اقدام به هر عملی، مفید فایده خواهد بود. در چه شرایطی باید این کاهش پربار را عملی ساخت؟ حتی وقتی به آسمان‌ها قربانی تقدیم می‌کنیم؛ دو سبد جو برای نذر و نیاز بهتر است، از بذل و بخششی بدون صمیمیت.

توضیح : در اینجا سه خطی پایینی کاهش می‌یابد، و سه خطی بالایی افزوده می‌گردد. قدرت «شش‌خطی» به سوی بالا حرکت می‌کند. زمانی می‌رسد که قوی باید کم‌نیرو شود و ضعیف قوی‌گردد. کاهش و ازدیاد، پر و خالی بودن، تمامی اینها هماهنگ با شرایط زمان و وقوع می‌یابد. کاهش هر آنچه که در حد افراط است، آن را بادرستی و منطق تطبیق می‌دهد. باید که در کاهش، صمیمیتی وجود داشته باشد، تا به نتایج شادتری بیانجامد. کاهش در کارهای عظیم به موفقیت منجر می‌شود. حتی اگر کاهش بسیار اندک باشد، باز هم مورد قبول واقع خواهد شد، همانطور که در قربانیهای مرسوم، اگر کاهشی صورت گیرد، باز هم مورد قبول واقع می‌شود.

تصویر : دریاچه (تویی) در دامنه‌ی کوه (کن). مرد برتر خشم خود را فرو می‌خورد، و امیال حیوانی خود را تحت تسلط می‌گیرد.

خطوط

یکم - ۹ : او امور و کارهای خود را رها می‌کند، و به تعجیل می‌خواهد به دیگران کمک کند. اگر تشخیص بدهد که در کمک به دیگران چه چیز را از دست خواهد

- داد، مرتکب اشتباهی نخواهد شد.
- تفسیر** : قبل از چنین فداکاری‌یی، تامل و بررسی دقیق توصیه می‌شود.
- دوم - ۹** : برای استفاده از این موقعیت، او باید ثابت‌قدم و صحیح‌العمل باشد؛ حرکتی عجولانه، از طرف او، به نکتت منتهی خواهد شد. او می‌تواند برای دیگری ایثار کند، بدون اینکه از حق خود بگذرد.
- تفسیر** : تامل و بررسی تدریجی توصیه می‌شود.
- سوم - ۶** : وقتی سه نفر با هم راه می‌روند، ممکن است منافع آنها تصادم کند، و او باید برود. وقتی تنها راه می‌رود، ممکنست رفیق راهی پیدا کند که با او دچار کشمکش نشود.
- تفسیر** : در آغاز بهتر است مسافرت به تنهایی انجام شود. وصلت و نزدیکی در این زمان مطلوب نخواهد بود.
- چهارم - ۶** : او از میزان اشتباهاتی که او را آزرده می‌سازد، می‌گاهد و بدین‌ترتیب دیگران امکان می‌یابند به او کمک کنند، و او به خوشحالی و سرور می‌رسد. خطایی نخواهد رفت.
- تفسیر** : او باید از خطاهایش آگاه باشد، و عزم خود را جزم کند، تا این خطاها را ریشه‌کن‌سازد، و پس از آن می‌تواند منتظر پیشنهاد کمک از طرف دیگران باشد.
- پنجم - ۶** : کسی به او تعداد بیشماری لاک سنگ‌پشت می‌دهد، و او نمی‌تواند این هدیه را رد کند. بغت مساعدت بسیار خواهد کرد.

- تفسیر** : چنین خوش‌اقبالی و کامروایی به هیچوجه کاهش نمی‌یابد، این موهبتی از جانب بالاست.
- ششم - ۹** : او به دیگران ترفیع و ترقی می‌دهد، بدون اینکه از منابع خود بکاهد. خطایی نخواهد رفت. اگر او پایداری شدید نشان دهد، در هر حرکتی که می‌کند کامیاب، و بختیار خواهد شد، و استفاده خواهد برد. وزرای بیشمار خواهند آمد تا به او خدمت کنند.
- تفسیر** : کامیابی بسیار! این پهره‌ها نه تنها برای او که آنها را دریافت می‌کند، بلکه برای تمامی مردم مطلوب خواهد بود.

شش خطی
۴۲



益

۱
ای

سه خطی بالایی: سون: باد، آرام.
سه خطی پایینی: چن: تندر، برانگیختگی.

افزایش

حکم : افزایش. در هر اقدامی فایده‌یی است. حتی عبور از
آب بزرگ، مفید فایده است.

توضیح : در اینجا «سه خطی» بالا کم شده است و «سه خطی» پایین افزایش یافته است. در نتیجه‌ی این امر، رضایت مردم بی‌حد است. آنچه از بالا نازل می‌شود به پایین‌ترین قسمت می‌رسد، و چه بزرگ و درخشان است فضایل آن.

در موضع مرکزی هر یک از «سه خطی‌ها»، خطی درست واقع شده، و نشانگر برکتی است که ذکر شد. موقعیت محکم «سه خطی» بالا، عبور از آب بزرگ را توصیه می‌کند.

می‌توان هر روزه، با بکار بردن خاصیت‌های حرکت و سکون، بینهایت پیش رفت. آسمان سخاوت خود را بخش می‌کند، و زمین میوه‌های خود را با گشاده‌دستی نامحدودی به بار می‌آورد.

اگر حاکمی در حفظ منافع مردم کوشا باشد و سعادت و ثروت عمومی را افزایش دهد، در مقابل، مردم به او وفادار خواهند بود. بدین ترتیب قادر خواهد بود که کارهای بزرگت انجام دهد.

تصویر : باد (سون) و تندر (چن). مرد برتر وقتی می‌بیند چیزی نیک است، به سوی آن می‌رود، و وقتی ملاحظه می‌کند چیزی بد است از آن روی می‌گرداند.

خطوط

یکم - ۹ : برای او مفید خواهد بود که با اعتماد به نفس زیاد به جلو حرکت کند. موفقیت او، شتابهای اولیه‌ی او را جبران خواهد کرد. و اشتباهی رخ نخواهد داد.

تفسیر : اینک زمانی مناسب است برای معامله‌های عظیم.

دوم - ۶ : شخصی که مصر است بذل و بخشش کند، تعداد زیادی لاک سنگ پشت به او داده است. اگر او در صحت عمل و ثبات قدم پافشاری کند، کامیاب خواهد شد. امیری که هدایای خود را به گونه‌ی سخاوتمندانه تقدیم آسمان می‌کند، موجب افزایش کامیابی همگان خواهد شد.

تفسیر : زمانی مناسب برای بخششهای آسمان است. اما شخص باید آرامش و تعادل خود را، حتی در یک چنین شرایط سرور انگیزی حفظ کند.

سوم - ۶ : او از طریقه‌های مشکوک بر ثروت خود می‌افزاید، اما از آنجاییکه ازین اشتباه آگاه نیست، مورد ملامت قرار نمی‌گیرد. اگر او صمیمی باشد و در راه باریک راستی گام بردارد، به‌طور یقین ارزشهای حقیقی خود را خواهد شناساند، مانند کسی که با بستن حمایل و نشان، خود را به امیرزاده معرفی می‌کند. **تفسیر :** رفتار او انتقادپذیر است، اما از آنجاییکه او با معصومیت عمل می‌کند، و بدون حيله و تزویر، از انتقاد و سرزنش مصون می‌ماند.

چهارم - ۶ : او مسیر صحیح رویدادها را دنبال می‌کند و در نتیجه توجه امیرزاده را جلب می‌کند. وظایف مهمی به او محول می‌شود که همه به خاطر باور و اطمینان بر اوست. حتی وظیفه‌ی تعیین محل پایتخت امپراطوری به او محول شده است! **تفسیر :** اعمال او اعتماد صاحب‌قدرتان مافوق او را جلب می‌کند.

پنجم - ۹ : با قلبی صاف بدنبال جلب منفعت برای زیردستان

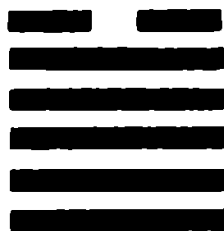
خود است. بدون شك، نتیجه در نهایت موجب کامیابی خواهد شد. هملی زیردستان، با قلب صافی، از خوبی او قدردانی خواهند کرد.

تفسیر : او از موضع قدرت عمل می‌کند و جهان از او پشتیبانی می‌کند. پس شکست نخواهد خورد.

ششم - ۹ : او نیروهای خود را متمرکز می‌کند تا چیزی بر خود بیفزاید، درحالی‌که در ذهن می‌خواهد به زیردستان خود نفع برساند. بنابراین هیچ‌چیز از او حمایت نمی‌کند و بسیاری قصد دارند به او حمله کنند. او هیچ قانون درستی را برای رسیدن به نیت قلبی خود رعایت نمی‌کند، نکبت خواهد آمد.

تفسیر : با سوءاستفاده از فرصتی که به او داده شده، او منافع آنان را ضایع می‌کند، و به آنان خسارت وارد می‌آورد، درحالی‌که نیتش خوب بوده است.

شش خطی
۴۳



夬

KUAI

کوای

سه خطی بالایی: تویی: دریاچه، شادان.
سه خطی پایینی: چ، ین: آسمان، فعال.

پیشروی دیگر باره

حکم : پیشروی دیگر باره. آن کسی که برای پیشرفت، عزم خود را جزم کرده، باید نخست جرم مجرماً در دادگاه روشن کند، و به ترتیبی صادقانه و صمیمانه تقاضای

بخشش کند. در عین حال او باید از مخاطره‌ای که در اثر اعمالش دچار آنها می‌شود، آگاه باشد. به علاوه او باید با پیروانش و با مردم شهر صحبت کند، و به آنها موضوع را بفهماند که چقدر بی‌رغبت است به اینکه اسلحه بردارد و وارد جنگ شود. و بعد پیشروی کند، آنگاه پیشروی او همراه با کامیابی و بختیاری خواهد بود.

توضیح : در اینجا قوی جای ضعیف را می‌گیرد. قدرتی که با شادمانی پیوند خورده، موجب جابجایی خوش‌آیندی خواهد شد.

صحنه‌ی دادگاه را تنها خط ضعیفی که روی پنج خط قوی دیگرست نشان می‌دهد. اگر به خطر موجود اهمیت بدهد، موفقیت او بیش از پیش درخشان می‌شود. اگر او با آمادگی زیاده از حد اسلحه بردارد و وارد جنگ شود، ذخیره‌ی اعمال نیکش چندان نخواهد پایید. هنگامی که پیشروی خطوط قوی کامل شد، رشد و پیشرفت به پایان می‌رسد.

او باید خطاکار را معرفی کند، و کوشش کند که همدردی عمومی را نسبت به علت دها برانگیزد. و در عین حال به کارهای خود ادامه دهد، و کاملاً از مشکلات و خطرات آن آگاه باشد. او باید بیشتر به وسیله‌ی قدرت شخصیت خود به اهدافش نائل شود، تا از طریق اعمال زور.

تصویر : دریاچه (تویی) تا آسمان (چ، ین) صعود می‌کند. مرد برتر ثروتها را به افراد فرودست‌تر از خود می‌بخشد و نمی‌گذارد ثروتش بی‌استفاده اندوخته شود.

خطوط :

یکم - ۹ : او با غرور شروع می‌کند، و بدون آمادگی لازم، به جلو می‌رود، اما موفق نخواهد شد. او نمی‌تواند از اتهام متقابل اجتناب کند.
تفسیر : در این زمان پیشروی، نتیجه‌ی مطلوب نخواهد داشت.

دوم - ۹ : او ضمن اینکه تقاضای کمک می‌کند، زیرک و داناست. ممکنست حرکاتی خصمانه در طول شب بر علیه او بشود، اما او لازم نیست در مورد این حرکات نگران شود.

تفسیر : از آنجاییکه او مسلح و آماده برای هر اتفاق ناگهانی است، بنابراین می‌تواند امنیت خاطر خود را فراهم کند.

سوم - ۹ : او به روشی قوی و مصمم پیشروی می‌کند. اما از آنجاییکه نیت خود را علنا ابراز می‌دارد، نکبت پیش خواهد آمد. اما مرد برتر که مصمم است مجرم را سرکوب کند به تنهایی خواهد رفت، به ترتیبی آرام، در میان بارانی که بر او می‌بارد، تا جاییکه حتی یاران او گمان می‌کنند که با دشمن همدست شده است. سر آخر هیچ خطایی بر او نخواهند نوشت.

تفسیر : شرایط ترتیبی است که حمله‌ی مستقیم به نیروی شر و بلا موفق نخواهد بود. اگر بخواهد پیشروی کند حرکتهای محتاطانه و سیاستمدارانانه توصیه می‌شود. کسی که یک چنین مسیر مشکل و مهجوری را دنبال می‌کند، مطمئن است که مورد سوء تفاهم واقع خواهد شد، اما چون اعمالش درست بوده است، در پایان نشان داده خواهد شد که او حق داشته و درست رفتار کرده.

چهارم - ۹ : او به آهستگی و با اشکال راه می‌رود چون سخت مورد سرزنش قرار گرفته است. اگر او می‌توانست مثل گوسفند رفتار کند، و تحمل آورد، که به‌توسط همراهش رهبری شود، ممکن بود کاری را به انجام رساند. اما به اندرز گوش فرا نمی‌دهد، و به‌تنهایی هیچکاری نمی‌تواند بکند.

تفسیر : اگرچه از اشتباهات گذشته در رنج است، باز هم به اندرزهای عاقلانه گوش نخواهد داد، و رغبتی ندارد که از مسیر قبلی خود بازگردد.

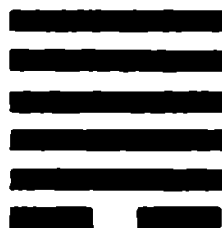
پنجم - ۹ : او راه منتخب خود را با عزمی جزم دنبال می‌کند، مثل گیاهان خرنده در مسیر خود، که گرچه ترد و شکننده‌اند، معیذازنده می‌مانند، او به‌خاطر سرسختی‌یی که دارد، اعمالش به هیچ‌خطا و تقصیری منجر نخواهد شد.

تفسیر : با مخالفت و تضادی شدید درگیر خواهد شد، معیذا تصمیم قاطع او را به مقصد خواهد رساند.

ششم - ۶ : او خود را در موقعیتی آسیب‌پذیر می‌یابد، بدون هرگونه کمکی که بتواند از آن استعانت جوید. پایان او نکبت‌بار خواهد بود.

تفسیر : عدم احتیاط لازم، و عدم آمادگی مورد نیاز، موجب بدبختی و بدبختی او خواهد شد، شخص باید از وجود شر آگاه باشد، حتی وقتی شر به‌گونه‌ای علنی پیدا نیست.

شش خطی
۴۴



姤

KOU

کو

سه خطی بالایی: چ، یین: آسمان، فعال.
سه خطی پایینی: سون: باد، آرام.

برخورد ناگهانی

حکم : برخورد ناگهانی. زن جسور و نیرومندی در صحنه
ظاهر می‌شود. نباید با يك چنین زنی عقد ازدواج
بست.

توضیح : در اینجا خط ضعیف، به ناگهان با خطوط قوی برخورد می‌کند. ازدواجی که در این زمان انجام شود، چندان نخواهد پایید.

برخوردی میان آسمان و زمین صورت می‌گیرد و نتیجه‌ی آن، خلقت همه‌ی چیزهای طبیعی است. وقتی خطوط قوی در موضع مرکزی و درست قرار دارند، حکومتی درست بر سراسر دنیا حکمفرما می‌شود. به‌راستی اهمیت آنچه باید در این زمان انجام شود، عظیم است!

مرد کوچک و بی‌ارزش، کوشش می‌کند خود را در حکومت مملکت داخل کند. اگر نفوذ او تحت نظارت نباشد گسترش خواهد یافت؛ مردان خوب را یکی بعد از دیگری بیرون می‌کند، تا اینکه می‌تواند جاهای خالی را با افرادی نظیر خود پر کند. باید در مقابل نفوذ چنین مردانی مقاومت کرد.

تصویر : باد (سون) زیر آسمان (چ، ین) می‌وزد. حاکم فرامین خود را صادر می‌کند، و آنها را در چهار گوشه‌ی کشور اعلام می‌نماید.

خطوط

یکم - ۶ : باید عقب نگاهداشته شود، گویی ارباب‌ایست که ایستاده شده، در این زمان صحت‌عملی با لبات، کامیابی و بختیاری می‌آورد، اگر مجاز باشد که از هر جهتی حرکت کند، شر و نکبت ظاهر خواهد شد. او مانند خوک لاغر و خطرناکی خواهد بود که مطمئناً در اطراف و اکنافی جست‌وخیز می‌کند.

تفسیر : اگر بتوان او را عقب نگاهداشت، ممکنست حکومتی ثابت و نظم برقرار شود. اما برای بازایستاندنش،

باید محدودیتهای شدید بر او تحمیل شوند.

دوم - ۹ : مردان فرودست، مانند ماهی در مغزن محدود شده‌اند، ازین جهت به استقبال هر خطری می‌روند، درست نیست يك چنین ماهی‌یی را به مهمانان خود بدهیم؟
تفسیر : دشمنانش زیر قدرت او هستند، اما باید آنها را با احتیاط نگاه دارد.

سوم - ۹ : او با سختی پیش می‌رود، مثل کسی که سخت مورد انتقاد بوده. موقعیت او مملو از خطر است، اما علیرغم آن مرتکب خطایی عظیم نمی‌شود.
تفسیر : اگرچه او به خاطر مانعی بزرگ در رنج بوده، اما موفق می‌شود به آهستگی در جاده‌ی صحیح پیش‌برود.

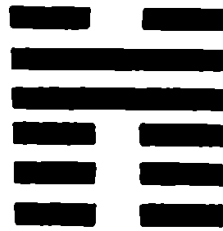
چهارم - ۹ : مردان فرودست از موانع گریخته‌اند، مانند ماهی از مغزن. این امر موجب بروز نکبت می‌شود.
تفسیر : نکبت به علت عدم هوشیاری ایجاد می‌شود. يك چنین عدم توجهی به آسانی تصحیح نمی‌شود.

پنجم - ۹ : کلو زیر برگهایی که به دورش پیچیده‌اند، پنهان شده. آنگاه می‌افتد، انگار از آسمان افتاده.
تفسیر : می‌توان منتظر آمرزش و برکتی غیرمترقبه بود. اگر مرد برتر کیفیتها و حالات درخشان خود را پنهان کند، به خاطر کف‌نفس پس از زمانی طولانی مورد تشویق قرار خواهد گرفت.

ششم - ۹ : وقتی آنها نزدیک می‌شوند، شاخه‌ایش را پایین

می‌آورد، و آنها را بیرون می‌راند. امکان تأسف و
پشیمانی وجود خواهد داشت، اما خطایی نخواهد رفت.
تفسیر : اگرچه محصور است، و قادر نیست کاری با الری خوب
انجام دهد، معینا موفق می‌شود خود را از مردان
فرودست که او را احاطه کرده‌اند، دور و محفوظ
نگاه دارد.

شش خطی
۴۵



萃

TS'UI
تس اویی

سه خطی بالایی: تویی: دریاچه، شادان.
سه خطی پایینی: ك، اون: زمین، پاسگو.

گردهم آمدن

حکم : گردهم آمدن. امیر به معبد نیاکان نزدیک می شود.
دیدن مرد بزرگ مفیدفایده است. پیشرفت و موفقیت
وجود خواهد داشت. اما اگر می خواهید ازین زمان

متبرک بیشترین استفاده را ببرید، پافشاری شدید توصیه می‌شود. قربانیهای زیاد به کامیابی منتهی می‌شود؛ حرکت در هر جهتی مفید فایده خواهد بود.

توضیح : در اینجا، اطاعتی همراه با آرامش، رضایتی همراه با شادمانی وجود دارد. خط وسط «سه‌خطی» بالائی را خطی قوی اشغال کرده، و نشانگر گردهم آمدن است. امیر به معبد نیاکان خود پناه می‌برد و در آنجا هدایای خود را در نهایت تقوی تقدیم می‌دارد. ملاقات با مرد بزرگت موجب گردآمدن نیروها می‌شود، تا بر آنچه درست و کامل است، راه بگشاید. با تقدیم کردن قربانی‌های عظیم، و با حرکت کردن در هر جهتی، او مطابق با خواسته‌ی آسمانها عمل خواهد کرد.

با مشاهده‌ی چگونگی گردهم آمدن، ما می‌توانیم کارهای درونی آسمانها و زمین و همه‌ی چیزها را ببینیم.

وقتی اتحادی کامل میان امیر و وزیرانش، میان بالا و پایین وجود دارد، کامیابی حاصل خواهد شد. اگر ادامه‌ی چنین وضعیتی مورد نظر باشد، تشریفات مذهبی باید رعایت گردد. و «حکیم» باید تخت‌آسمان را اشغال‌کند.

تصویر : دریاچه (تویی) بر زمین (ك، اون) قیام می‌کند. مرد برتر مراقب است که سلاحهایش همواره در وضعیتی خوب باشند، تا برای مسایل پیش‌بینی نشده آماده باشد.

خطوط :

یکم - ۶ : او صمیمانه میل به اتحاد دارد، اما نمی‌تواند به آن نایل شود، به خاطر بی‌نظمی که او را احاطه کرده است. اگر فریاد کمک بلند کند، به جای اشکبایش لبخند خواهد نشست. به مشکلات زودگذر نباید اهمیت داد، اگر پیشروی کند خطایی نخواهد رفت.

تفسیر : اگرچه آینده‌ی او به نظر تیره می‌رسد، اما کمک در دسترس است. تنها کاری که باید بکند تقاضای کمک است.

دوم - ۶ : او در مسیر جاده‌یی درست رهبری می‌شود. خوش-اقبالی وجود خواهد داشت، و خطایی نخواهد رفت. به دلیل صمیمیتی که دارد، حتی قربانی کوچکی نظیر همان قربانی که برای نلر بهارانه تقدیم می‌شود، پذیرفته خواهد شد.

تفسیر : نوساناتی پنهان در امور او مؤثر است، اگر او خود را در اختیار آن بگذارد، به کامیابی خواهد رسید.

سوم - ۶ : او برای به دست آوردن اتحاد، کوشش می‌کند، اما غمگینانه موفق نمی‌شود بدان نایل شود. اگر او به کوشش خود ادامه دهد، دچار خطا نخواهد شد، اما ممکن است دلایل کوچکی برای تاسف و پشیمانی وجود داشته باشد.

تفسیر : او به مقصد خود خواهد رسید، اما با سختی و اشکال.

چهارم - ۹ : کامیابی نزدیک است، و او نمی‌باید از هیچ اتهامی بترسد.

تفسیر : اما همچنان احتیاط توصیه می‌شود.

پنجم - ۹ : او در کمال موفقیت، بدون اینکه اشتباهی مرتکب شود، افراد فرودست خود را متعد می‌کند. اما با اینهمه هنوز همگان به او اعتماد ندارند، پس او باید با رفتار پرهیزگارانه‌ی خود اصرار ورزد تا بر تردید آنان فائق شود.

تفسیر : او به اهداف خود نایل می‌شود، اما، قبل از اینکه او بتواند پیروزی خود را به‌دست‌آمده و وظیفه‌ی خود را انجام‌شده تلقی کند، کوشش‌های بیشتری موردنیاز است.

ششم - ۶ : او آه می‌کشد و می‌گرید. اما خطایی نخواهد رفت.
تفسیر : او در موقعیتی تنهاست، قادر نیست سیاست خود را برای گردهم‌آمدن تعمیم دهد. اما از آنجاییکه در طول خطوط درست کار می‌کند، از افتادن در اشتباه، مصون می‌ماند.

شش خطی
۴۶



升

SHENG

شنگ

سه خطی بالایی: ك، اون: زمین، پاسخگو.
سه خطی پایینی: سون: باد، آرام.

صعود

حکیم : صعود، پیشرفت و موفقیت عظیم. او نباید از نگرانی
رنج ببرد، وقتی به دنبال مصاحبه با مرد بزرگ
است. پیشروی به سمت جنوب به مساعدت بخت

می انجامد.

توضیح : در اینجا ما خطوط ضعیف را می بینیم که در زمانی مناسب صعود می کند. «سه خطی» نشانگر انعطاف، به «سه خطی» نشانگر آرامش و اطاعت متصل شده است خط مرکزی «سه خطی» پایینی را خطی قوی اشغال کرده است، و نشان می دهد که پیشرفتی عظیم و موفقیتی بزرگ وجود خواهد داشت. اگر او به دنبال دیدار با مرد بزرگ باشد زمینه‌ی برای تبرک و آمرزش می یابد. با پیشروی به سمت جنوب به هدف خود خواهد رسید.

عروج نشانگر آنست که افسری باارزش به جای بارزی خواهد رسید. او به موضع والای خود خواهد رسید، چرا که قدرتمندی او رنگی از تواضع دارد. اینک زمان برای پیشروی مطلوب است. آنانی که در مقامی برتر هستند، با مساعدت به او خواهند نگرست. جنوب جایگاه گرما و فعالیت‌های شادی آور است، و او را به مقصود می رساند.

تصویر : درختان و نباتات (سون) از زمین (ك، اون) بالا می روند. مرد برتر فضایل خود را تعمیم می دهد، منافع کوچکی ذخیره می کند، تا موفق می شود شایستگی لازم را برای والایی و عظمت به دست آورد.

خطوط

یکم - ۶ : او به مقامی نایل می شود که کسانی که بالاتر از او به او خوشامد می گویند. بغت مساعدت خواهد کرد.

تفسیر : موانع پیشرفت او برطرفی خواهد شد، چرا که

با نظر مساعد بر او می‌نگرند.

دوم - ۹ : صمیمیت او به‌گونه‌ی است که حتی وقتی نذری کوچک می‌کند، مانند نذر بهارانه، پذیرفته می‌شود. و خطایی نخواهد رفت.

تفسیر : افسری نیرومند در خدمت حاکمی ضعیف است، او نمی‌تواند در خدمت این حاکم بماند، مگر اینکه صمیمی باشد، و جان‌نثارانه وفادار.

سوم - ۹ : او بالا می‌رود، انگار در شهری بزرگت باشد.
تفسیر : او بدون ترس پیش می‌رود. تواضع بیشتر ایجاد نظم می‌کند.

چهارم - ۶ : از جانب امیر او نیازهایی بر کوه «چی» صرف می‌کند. کامیابی وجود خواهد داشت، و خطایی نخواهد رفت.

تفسیر : امیر به وزیر خود اعتماد می‌کند، و او را تا به مقامی رفیع می‌رساند، مقامی چون مقام یک ارباب. جاه‌طلبی او برآورده شده‌است.

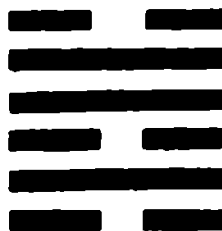
پنجم - ۶ : او به روشی تشریفاتی، قدم به قدم تا به قله صعود می‌کند. اگر می‌خواهد به بالاترین نقطه‌ی سروری برسد، صحت عملی کامل لازم است. آنگاه بخت مساعدت خواهد کرد.

تفسیر : او نباید بگذارد که صعود سریع او را متزلزل و گیج کند. اگر او می‌خواهد ازین فرصت به بهترین نحو استفاده برد، پیشرفتی آرام و توجهمی دقیق به جزئیات، همچنان توصیه می‌شود.

ششم - ۶ : او چشم‌بسته به سوی بالا می‌رود. برای او مفیدفایده خواهد بود که پافشاری شدید خود را حفظ کند.

تفسیر : صعود او همراه با بی‌مبالاتی و احمقانه است. اعمال زوری که برای او موفقیت آورده‌است، نزدیک است که او را درگیر شکست کند. فقط درک دقیق مفهوم تواضع می‌تواند او را از نتایج اعمال زیاده‌جسارت‌آمیزش حفظ کند.

شش خطی
۴۷



困

K'UN

ك، اون

سه خطی بالایی: تویی: دریاچه، شادان.
سه خطی پایینی: ك، ان: آب، خطرناك.

محدودیتی فرساینده

حکم : محدودیتی فرساینده. هنوز ممکن است پیشرفت و موفقیت وجود داشته باشد. برای يك مرد واقعا بزرگ کامیابی وجود خواهد داشت. او دچار اشتباهی

نخواهد شد. اما تنها سخن گفتن، کمکی به فایق شدن بر مشکلات نخواهد کرد.

توضیح : در اینجا خطوط قوی به وسیله‌ی خطوط ضعیف پوشیده و تاریک شده‌اند. آنچه خطرناک است، به آنچه شادان است چسبیده. کسی که، با وجود درگیری با مشکلات عظیم، معینا موفق می‌شود هدف خود را دنبال کند، به راستی مردی برتر است.

کامیابی مرد برتر توسط خطوط قوی واقع در مرکز هر دو «سه‌خطی» نشان داده شده است. متکی بودن به بحث و جدل یا پرهان نمایی و معاجه، بدبختی و فاجعه را پرورش می‌دهد.

وقتی کامیابی و خوش‌اقبالی از دست می‌شود، تنها کاری که می‌توان کرد تسلیم‌شدن است و سر فرود آوردن. اما اگر صداقت و پاکی، و خوش‌بینی خود را از دست ندهیم، ممکن است زیربنای موفقیت‌آینده، ریخته شود. تنها یک مرد واقعا بزرگ قادرست این کار را بدون اشتباه انجام دهد، و موقعیت او شبیه درختی است که مجاز نبوده شاخه‌هایش را بگستراند. علیرغم همه‌ی اینها، کوشش او، کامیابی غایی او را تضمین می‌کند.

تصویر : آبی (ك، ان) در دریاچه (تویی) نیست. مرد برتر حتی زندگی خود را فدا خواهد کرد تا به هدفی خود برسد.

خطوط

یکم - ۶ : او توسط شاخه‌های یک درخت سترون معصور شده است. او وارد دره‌ی تاریک می‌شود، و تا به سه سال هیچ امیدی به نجات ندارد.

تفسیر : اثرات فرساینده‌ی شرایط ناسازگار، ممکن است به جاده‌ی تاریک نوپیدی منتهی شود. اگر بخواهیم از یک عقب‌نشینی جدی اجتناب کنیم، باید در مراحل اولیه با این شرایط مقابله کنیم.

دوم - ۹ : او به‌خاطر افراط در خوردن و آشامیدن دچار ناراحتی شده. یکی از اشراف، که زانوبندی قرمز دارد، نزدیک می‌شود، بجاست که قربانیهای مناسبی تقدیمش کنیم. فعالیت‌های او به کژبختی و ناکامی منتهی می‌شود، اگرچه از اتهام مصون می‌ماند.

تفسیر : هوشیاری زیاده از حد به خطا منجر می‌شود. برای جلب کمکی مؤثر، انضباط شخصی لازم است. پیشروی زیاده سریع، حتی اگر با روحیه‌ی درست انجام شود، کمکی به مسایل نخواهد کرد. باید صمیمیت و آرامش را در خود پرورش دهد، آنگاه همه چیز درست خواهد شد.

سوم - ۶ : او به‌صخره‌های سخت برمی‌خورد، و تنهایی‌تواند بر دسته‌های خاری که آنجا هست بیاویزد، به‌خانه‌اش وارد می‌شود. نمی‌تواند همسرش را پیدا کند. نکبت پیش خواهد آمد.

تفسیر : موانع غیرقابل رفع، جلوی پیشرفت او را می‌گیرد. امیدهای او به نظر دروغ می‌آیند. و تمام موجودیت او در مرحله‌ی تزلزل و خطر است.

چهارم - ۹ : او به آهستگی پیش می‌رود، اربابه‌ای طلایی مانع حرکت او می‌شود. مواقعی تأسف‌بار پیش می‌آید، اما پایان کار خوب خواهد بود.

تفسیر : به‌جمع مال و منال علاقه‌بستن، در این‌زمان ممکنست

موجب تاخیر در پیشرفت شود، و نه اینکه پیشرفت را یاری دهد.

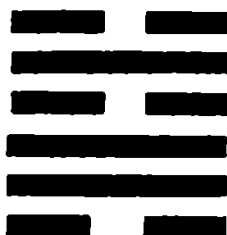
پنجم - ۹ : بینی و پاهایش را قطع کرده‌اند. او توسط وزیری که زانوبندهای زرشکی به خود بسته، عقب نگاهداشته می‌شود. اگر می‌خواهد به رضایت برسد، خوبست که صمیمانه قربانی تقدیم کند.

تفسیر : او نباید منتظر هیچ کمکی از هیچ‌کس، از بالا یا پایین، باشد. کسانی که کمکی از دستشان می‌آید، کمکی نخواهند کرد، حتی ممکنست به او زخم‌زبان بزنند. فروتنی، و رفتار درست، برای رسیدن به آینده‌ی بهتر، لازمست.

ششم - ۶ : انگار گیاهی خرنده به دورش پیچیده باشد، محصور شده، یا انگار در موقعیتی خطرناک از بالا آویزان شده باشد. او لرزان و نامطمئن می‌جنبد، اما به خود می‌گوید: «اگر بجنبم، پشیمان خواهم شد». اگر تاسفی واقعی حس شود، راه برای رسیدن به کامیابی هموار خواهد شد.

تفسیر : اگر واقعاً چگونگی اشتباهاتش را تشخیص دهد، برای تصحیح این اشتباهات راهی گشوده می‌شود.

شش خطی
۴۸



井

CHING

چینگ

سه خطی بالایی: ک، ان: آب، خطرناک.
سه خطی پایینی: سون: باد، آرام.

چاه

حکم : چاه. ممکن است محل شهر عوض شود، اما چاه آن را
نمی‌توان حرکت داد. این چاه هرگز خشک نمی‌شود.
اگرچه مردم می‌آیند، آب می‌کشند و از آن بهره‌مند

۲۷۰

می‌شوند. با این همه، سطح آب تقریباً ثابت می‌ماند. اما اگر طناب زیاده کوتاه باشد، یا سطل آب شکسته باشد، نکبت پیش خواهد آمد.

توضیح : سطلی در آب گذاشته می‌شود و آب بالا کشیده می‌شود، اینست طبیعت چاه. چاه، آب خوردن فراهم می‌کند بدون اینکه خودش خشک شود. ثبات چاه - که حتی وقتی شهر تغییر مکان می‌دهد، چاه بر جای خود می‌ماند - با جای گرفتن خطوط قوی در مرکز هر دو «سه خطی» نشان داده می‌شود. کوتاه بودن احتمالی طناب نشانگر آنست که اهداف شخص شاید زیاده جاه طلبانه است، شکستن سطل آب، شکست قطعی را نشان می‌دهد. رابطه‌ی میان چاه و کسانی که در اطراف آن زندگی می‌کنند، مثل رابطه‌ی حکومتی خوب و اتباع آنست. چاه، طی همه‌ی تغییرات اجتماع، بی‌تغییر می‌ماند، و می‌توان به چاه، چه از نظر آب خوراکی، و چه از نظر استفاده برای کشاورزی متکی بود. ارزش چاه متناسب است با مقدار آبی که می‌توان از آن کشید. اگر حاکمان می‌توانستند چاه را سرمشق قرار دهند، می‌توانستند هم به خودشان و هم به مردم سود برسانند. دولت باید قوانینی داشته باشد که مردم بتوانند بدون ناراحتی و مزاحمت به بیت‌المال خود دسترسی داشته باشند. در غیر اینصورت شبیه کسی خواهند بود که سر چاه می‌رود و تنها طنابی زیاده کوتاه یا دلوی شکسته پیدا می‌کند.

تصویر : آب (ك، ان) بالای چوب (سون). مرد برتر به مردم رفاه می‌دهد و به آنها می‌آموزد که به همدیگر کمک کنند.

خطوط

یکم - ۶ : چاه سخت گل آلود است، به طوری که آدمیان از آن نخواهند نوشید. یکچاه قدیمی نه پرندگان را جلب می کند و نه حیوانات را.
تفسیر : بسیار افراد که در مقام ریاست هستند، مثل یکچنین چاهی هستند: فاسد، بی مصرف و مردود.

دوم - ۹ : چاه شکافی باز کرده، و باعث شده که آب و ماهیهایی که در آن بودند، بیرون بریزند. سطل شکسته آب پس می دهد.
تفسیر : وزرای کشور باید بتوانند و مایل باشند که بر کشور به ترتیبی درست ریاست کنند، اما استعدادهای آنها اغلب به غلط به کار افتاده، یا اینکه در واقع هرزرفته است.

سوم - ۹ : چاه تمیز شده، اما تحت استفاده قرار نگرفته. این مرحله‌ی غم‌آور است. فقط اگر امیر عاقلتر بود، همه چیز ممکن بود نافع باشد.
تفسیر : هنگامی که به مردم مستعد بی توجهی می شود، تاسف و اندوه پیش خواهد آمد.

چهارم - ۶ : دیواره‌ی چاه محکم است و خوب بنا شده. خطایی نخواهد رفت.
تفسیر : او را نباید متهم و محکوم کرد، اما مورد ستایش و تشویق نیز قرار نمی گیرد. او مراقب خودش است، اما هنوز برای دیگران کاری نمی کند.

پنجم - ۹ : آب چاه خنك است و زلال، مثل آب خنك چشمه‌یی، گواراست.

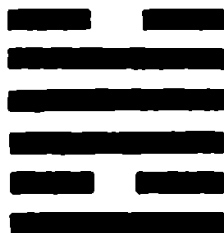
تفسیر : از آن آب می‌کشند و کاربردی مفید دارد. حاکمی خوب هم، به همین ترتیب، به مردم خود خدمت می‌کند.

ششم - ۶ : آب به بالای چاه کشیده شده، و در چاه پوشیده نیست، و به روی همه باز است. این مطلب را می‌توان به صمیمیتی واقعی تشبیه کرد که منجر به کامیابی عظیم می‌شود.

تفسیر : موفقیت‌های عظیم در اینجا نشان داده می‌شود.

شش خطی

۴۹



革

KO

کو

سه خطی بالایی: تویی: دریاچه، شادان.
سه خطی پایینی: لسی: آتش، پیوسته.

انقلاب

حکم : انقلاب. تنها وقتی که انقلاب باور می شود
که به وقوع پیوسته باشد. پیشرفت و موفقیتی عظیم
خواهد بود. ثبات قدم و صحت عمل مفید فایده خواهد

۲۷۴

بود، و هر امکانی را از برای تاسف و پشیمانی نابود خواهد کرد.

توضیح : در اینجا آب و آتش یکدیگر را خنثی می‌کنند، مثل دو دختر که با هم منزل دارند، اما در کمال دشمنی و عدم توافق. پس از اینجاست که این «شش‌خطی» نام انقلاب گرفته. انقلاب باید وقوع یابد، پیش از آنکه نیاز به آن به گونه‌ی گسترده‌ای حس شود. خریدی پرورش‌یافته بنیان رضایتی شادی‌آور است، و منتهی به پیشرفتی عظیم، و موفقیتی بزرگت می‌شود. هنگامی که انقلاب در زمانی مناسب رخ دهد، تاسف و پشیمانی را خاتمه می‌دهد.

آسمان و زمین دستخوش تغییرات می‌شوند، و چهار فصل انقلاب خود را کامل می‌کند. «ت، انگ» ۱ و «وو» ۲ بنا بر خواسته آسمانها، و در جواب به آرزوی آدمیان، قیام را رهبری کردند. به راستی که اهمیت چنین زمانی، چشم‌گیر است.

مردم هر نوع تغییری را معمولا با سوءظن و بی‌رغبتی می‌نگرند. بنابراین انقلاب باید به تدریج برانگیخته شود. لزوم تغییر، تنها وقتی موردتأیید واقع می‌شود، که عملکرد آن دیده شود. شرایطی که طی آن انقلابها می‌توانند با موفقیت اجرا شوند آنست که قبل از وقوع انقلاب نیاز به آن ثابت شود، و در طول انقلاب صحت عملی باثبات وجود داشته باشد.

تصویر : آتش (لی) در میانه‌ی دریاچه (تویی). مرد برتر تقویم را تنظیم می‌کند و فصول و زمانها را مشخص می‌سازد.

خطوط

یکم - ۹ : او، مثل گاو نر زردی که با تسمه بسته شده، محصور است.

تفسیر : انقلاب خیلی زود شروع شده، و او قادر نیست همکاری مورد احتیاج را به دست آورد.

دوم - ۶ : او پس از گذشت کامل زمان، تغییرات را به وجود می‌آورد. چنین عملی کامروا خواهد شد، و نباید هراسی از خطا به دل راه دهد.

تفسیر : کفانفس فکورانه کامیابی او را تضمین می‌کند.

سوم - ۹ : اعمال او به نکتت منتهی می‌شود. حتی اگر ثابت‌قدم و صحیح‌العمل باشد، باز هم مغاظره وجود خواهد داشت. اگر او اعمال مورد نظر خود را قبل از اقدام به‌طور کامل با همکارانش مطرح کند، اعتماد و حمایت مورد نیاز را به دست خواهد آورد.

تفسیر : شرایط غالب او را برمی‌انگیزد که با بی‌پروایی عمل کند، و تغییرات خشونت‌آمیز ایجاد کند. احتیاط و برنامه‌ریزی دقیق توصیه می‌شود.

چهارم - ۹ : تاسف زایل می‌شود. او اعتماد اطرافیان خود را جلب کرده است، و تغییراتی که اکنون به وجود می‌آورد، نتیجه‌ی موفق خواهد داشت.

تفسیر^۱ : حال که اعتماد عمومی را جلب کرده‌است، می‌تواند پیشروی کند.

پنجم - ۹ : مرد بزرگ تغییراتی به وجود می‌آورد، به روش

ببری که خطوط پوست خود را تغییر می‌دهد. او ابتدا با کتاب تقدیرات استغاره می‌کند، انگاه اقدام می‌کند، و به صحت آنچه انجام می‌دهد اعتقاد دارد.

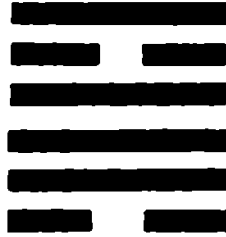
تفسیر : نتیجه‌ی اعمال او را می‌توان به خطوط براق تن ببری تشبیه کرد که پوست عوض کرده است.

ششم - ۶ : مرد برتر تغییراتی به وجود می‌آورد، مثل یوزپلنگی که خالهای خود را تغییر می‌دهد. در حالی که مردان کوچک چهره عوض می‌کنند و اطاعت نشان می‌دهند. پیشروی به نکبت منجر می‌شود؛ ساکن ماندن، در عین صحت عمل و ثبات قدم، کامیابی می‌آورد.

تفسیر : اگرچه مرد برتر می‌تواند تغییرات را به روشی طبیعی ایجاد کند، بدون ایجاد ناراحتی، مثل یوزپلنگی که به آرامی خالهای خود را تغییر می‌دهد. اما به مردان فرودست توصیه می‌شود از اقدام به عمل خودداری کنند. آنان باید خود را با شرایط زمان وفق دهند.

۱- ت، انگ T'ang : چنگ ت، انگ، اولین فرمانروای شنگ Shang
 که می‌گویند حکومت او در ۱۷۶۶ قبل از میلاد شروع شده.
 ۲- وو Wu : وو وانگ Wu Wang پسر شاه ون.

شش خطی
۵۰



鼎

TING

تینگ

سه خطی بالایی: لی: آتش، پیوستگی.
سه خطی پایینی: سون: باد، آرام.

دیگ

حکم : دیگ، پیشرفت و موفقیت بسیار.

توضیح : این «شش خطی» نشانه‌ی دیگ است. «سه خطی» بی که نشانه‌ی چوب است وارد «سه خطی» بی نشانه‌ی آتش می‌شود. این مطلب یادآور طبایخی است. حکیمان قبل از تقدیم نذورات خود به رب السموات، آنها را طبخ کردند، و جشنی آماده کردند تا عقلا و فضلا را اطعام کنند.

در اینجا نماد اطاعتی همراه با آرامش اضافه شده است بر نمادی که نشانه‌ی دقیق شنیدن و روشن دیدن است. در سه خطی بالایی خط ضعیف به موضع مرکزی صعود کرده و خطوط محکم پاسخگویی هستند؛ این امر نشانه‌ی پیشرفت و موفقیت بسیار است.

دیگ برای طبایخی مصرف می‌شود، و نشانه‌ی اطعام است. بنابراین موفقیت را تعمیم می‌دهد. اطعام مردان اهل فضل و خرد، به پیشرفتی عظیم در کشور می‌انجامد. مرد برتر می‌کوشد تا به مانند محتوای دیگ شود، خود را فدا می‌کند تا شاید کیفیت‌های نیکویش دیگران را اطعام و تقویت کند.

تصویر : آتش (لی) روی چوب (سون). مرد برتر موضع مستحکم خود را حفظ می‌کند، و فرامین آسمان را اطاعت می‌کند.

خطوط

یکم - ۶ : دیگ وارونه شده، تا مواد فاسد خالی شود. عیبی ندارد اگر صیغه‌ای دست و پا کند. چون پسری خواهد آورد.

تفسیر : شرایط افراطی گاهی اعمالی ناصحیح را ایجاد می‌کند، فقط بر جاده‌ی قراردادی پرهیزگاری طی طریق کردن، کافی نیست. وارونه کردن دیگ یا صیغه گرفتن را می‌توان گفت که سزاوار سرزنش است، اما بعضی مواقع چنین اعمالی لازمند.

دوم - ۹ : دیگ پر از غذاست. دشمنان خنثی شده‌اند و نمی‌توانند صدمه‌ی بر او وارد کنند. مساعدت بخت. تفسیر : او در موقعیتی محکم است. مخالفان خنثی شده‌اند، و پیشرفت مداوم او تضمین شده است.

سوم - ۹ : دسته‌های دیگ را برداشته‌اند، ازینرو حرکت کردن در مسیر زندگی مشکل است. گوشت چرب قرقاول خورده نشده، اما باریدن باران تاسفرا خواهد زدود، و در آخر کامیابی و خوش‌اقبالی خواهد آورد. تفسیر : اشتباهی قابل احتراز، موجب تأخیر خواهد شد، و به از دست دادن فرصتی خوب منتهی می‌شود. خوشبختانه این عقب‌نشینی اثری در ازمدت ندارد. و سرانجام موفقیت به دست خواهد آمد.

چهارم - ۹ : پایه‌های دیگ شکسته است. غذای امیرزاده ریخته و هیکلش را آلوده. ناکامی و بداقبالی پیش خواهد آمد.

تفسیر : به شخصی وظیفه‌ی معول شده، که قادر به انجامش نیست، و در قضاوت اشتباهی عظیم مرتکب می‌شود. سرزنش و زحمت نتایج آن خواهد بود.

پنجم - ۶ : دیگ دارای دسته‌های زرد با حلقه‌های طلایی چسبیده به آنست. ثبات قدم و صحت عمل مفید فایده است. تفسیر : حاکم، قدرت و فضایل خود را به زیردستان خود هبه می‌کند. چنین همکاری‌یسی به نتیجه‌ی مسرت‌بخش می‌انجامد، اما پافشاری همچنان مورد نیازست.

ششم - ۹ : دیگ حلقه‌هایی از سنگ یشم دارد. کامیابی و خوش

اقبالى عظيمى وجود خواهد داشت، و هر عملى مفيد
فايده است.

تفسير : يشم بسيار سخت است، با اينهمه نرمى خاص خودش
دارد. اگر او اين كيفيتها را در درون خود تركيب
کند، کاميابى بسيار نصيبش مى شود، و همه چيز
خوب خواهد بود.

۱- اين جمله در دو متن ويلهلم و داگلاس تفاوتى اساسى داشت، و جمله
ويلهلم انتخاب شد. جمله داگلاس چنين بود: «از اينرو حرکت دادن ظرف به
سختى انجام مى شود.»

شش خطی

۵۱



震

CHEN

چن

سه خطی بالایی: چن: تندر، برانگیختگی.
سه خطی پایینی: چن: تندر، برانگیختگی.

تندر

حکم : تندر. تندر نشانه‌ی حرکت و موفقیت است. وقتی صاعقه فرود می‌آید، او را پیدا خواهیم کرد که بر صاعقه با بیم و هراس می‌نگرد، با این همه،

لبخند می‌زند و با خوشحالی سخن می‌گوید. وقتی صدای صاعقه همه‌کس را تا فاصله‌ی صدها فرسنگ می‌ترساند، او پراشفته نمی‌شود، و با جام اشربه‌ی مقدس که در دستانش سالم نگاه داشته به‌معبد نزدیک می‌شود.

توضیح : تندر نشانه‌ی پیشرفتی موفقیت‌آمیز است، احساس ترس و وحشتی که ایجاد می‌کند، به خوشحالی می‌انجامد، زیرا تغییرناگهانی و ترسناک آن، مقدمه‌ی وضعیتی آرام است.

غرش صاعقه، تا فاصله‌ی بی‌حد را تکان می‌دهد، و کسانی را که همان نزدیکیها هستند می‌ترساند، جام اشربه‌ی مقدس سالم می‌ماند، چرا که يك نفر که قادرست معبد نیاکان و معراب خدایان جزیرمرا حفظ کند، ظاهر می‌شود، و ادارمی امور تمام نذورات را برعهده می‌گیرد.

مرد برتر از خطر این زمان آگاه است، و با احتیاط و تنظیم دقیق اعمال خود، بر این خطرها چیرم می‌شود. تسلط بر خود و تمرکز صمیمانه بر آنچه حقیقتا مهم است، سلامت و موفقیت او را تضمین می‌کند.

تصویر : تندر مکرر (چن). مرد برتر هراسان و بیمناک است. فضیلت خود را تعمیم می‌دهد و اشتباهات خود را مورد بررسی قرار می‌دهد.

خطوط

یکم - ۹ : صاعقه نزدیک می‌شود. او با احتیاط به دور و اطراف می‌نگرد، آنگاه لبخند می‌زند و خوشحالانه

سخن می‌گوید.

تفسیر : کامیابی و خوش‌اقبالی وجود خواهد داشت.

دوم - ۶ : صاعقه قریب‌الوقوع است، و او در موقعیتی هراسان. پس از بررسی دقیقی، او چیزهای قیمتی خود را از خود دور می‌کند و بجایی رفیع می‌رود. او نیاز ندارد به جستجوی چیزهایی که از دست داده است باشد، در عرض هفت روز آنها را خواهد یافت. ۱.

تفسیر : اگر هنگام تهدید خطر او بتواند از مقامی که به سختی کسب کرده، کناره‌گیری کند و به جایی امن پناه ببرد، و به دنبال حفظ چیزهایی که با قیمت گران به دست آورده نباشد، همی آنها را، وقتی خطر برطرف شده، بدون هیچ کوششی، به دست خواهد آورد.

سوم - ۶ : صاعقه او را غافلگیر می‌کند، و او پریشان و مغشوش به‌جای می‌ماند. اما اگر صاعقه او را تحریک به انجام عملی صاعقه‌آسا کند، از آندسته اعمالی که خاص خود اوست، او از ارتکاب اشتباه اجتناب خواهد کرد.

تفسیر : او باید کوشش کند تا آرامش خود را به حد کافی به دست آورد، تا اقدام به عملی مقتضی و بازدارنده کند. شرایط خشن، چاره‌ی با شدت عمل ایجاب می‌کند.

چهارم - ۹ : هراسیده از صاعقه، در گل‌ولای لیز می‌خورد.
تفسیر : خطری پیش‌بینی نشده، موجب می‌شود که او در قضاوت اشتباهی عظیم مرتکب شود.

پنجم - ۶ : او در میان غرشهای رعد، می‌آید و می‌رود، همواره در ترس. اما ممکنست از خطر اجتناب کند و کار مهم خود را به انجام رساند.

تفسیر : اگرچه موقعیت او آسیب‌پذیر است، اما ممکن است به اهداف خود برسد.

ششم - ۶ : او، همانطور که رعد می‌غرد و می‌پیچد، با ترسی نفس‌گیر به اطراف نگاه می‌کند، هراسیده و لرزان به هم‌جا می‌نگرد. اگر اقدام به عملی کند، نکبت‌بار خواهد بود. اگر می‌خواست پیشگیری کند، وقتی رعد هنوز نزدیک نبود، ممکن بود از خطر دور شود، اگرچه همکاران او باز هم او را مورد انتقاد قرار می‌دادند.

تفسیر : او باید به این واقعیت تسلیم شود که کناره‌گیری، اجتناب‌ناپذیر است. پیش‌گیری قبل از وقوع، کمک می‌کند که اثرات خطر کمتر شود، اما او نمی‌تواند بکلی از توبیخ و سرزنش اجتناب کند.

۱- نام این شش‌خطی در ترجمه‌ی ویلهلم «هول و تکان» است. و خط دوم چنین است:

هول و تکان پیش می‌آید و خطر ایجاد می‌کند.
صد هزار بار
تو گنج‌هایت را از دست می‌دهی
و می‌باید از نه تبه بالا روی.
به جستجوی آنها مباش،
پس از هفت روز خواهی‌شان یافت.

شش خطی

۵۲



艮

KEN

کن

سه خطی بالایی: کن: کوه، ساکن.

سه خطی پایینی: کن: کوه، ساکن.

سکون

حکم : سکون. پشت خود را کاملا بی حرکت می گیرد، و تمام بدنش بی حس می شود. او در حیات خود گردش می کند، اما به مردمی که آنجا هستند توجهی نمی کند.

خطایی نخواهد رفت.

توضیح : این «ششخطی» به معنای رسیدن به توقف است. استراحت، در زمان استراحت و عمل کردن در زمان عمل. وقتی همه‌ی استراحتها و کارها در زمان مناسب انجام شود، آنگاه پیشرفت او درخشان خواهد بود. در اینجا، سکون در جای صحیح خود اتفاق می‌افتد. «سهخطی» بالا و پایین با هم مرتبطند اما بر روی هم اثر نمی‌گذارند، به این جهت گفته شده که تمام بدنش بی‌حس می‌شود.

قسمتهای گوناگون بدن همگی کاربردی خارج از خودشان دارند. فقط پشت هیچ کاربردی ندارد. مثل یک کوه، آنچه باید بکند آن است که در جای خود بماند و مستقیم و محکم بایستد. ما باید مانند پشت ساکن بمانیم، به دور از فضولی افکار خودخواهانه، و وابستگی‌های بیرونی. آن کسی که به این سکون می‌رسد به خود اجازه نمی‌دهد که از تفکر و رعایت اصول اصلی دور شود. اما او یک گوشه‌نشین منزوی نیست که خود را از دیگران دور نگاه می‌دارد، درون‌نگری او آنقدر عمیق است که چه تنها باشد و چه در جمع فرقی نمی‌کند.

تصویر : کوهها (کن) روی کوهها (کن). مرد برتر به افکارش اجازه نمی‌دهد که مغشوش شود، و به چیزی جز موقعیت کنونی‌اش توجه کند.

خطوط :

یکم - ۶ : او انگشتان پایش را ساکن نگاه می‌دارد. خطایی

نخواهد رفت، اما برای او مفیدفایده خواهد بود که
با پشتکار، ثابت قدم و صحیح العمل باشد.
تفسیر : احتیاط بسیار توصیه می شود.

دوم - ۶ : او ساقهای پایش را ساکن نگاه می دارد. او از کسی
پیروی می کند، اما نمی تواند به او کمک کند، و
از اینکه اهدافش خنثی شده، در همین راحتی ناخوش
است.

تفسیر : علیرغم تحریکات شدید، او باید از اقدام به اعمال
ناپخته خودداری کند.

سوم - ۹ : او کمر خود را بی حرکت نگاه می دارد، و قلب خود
را از امیال جسمی دور می کند. با این همه هنوز هم
در موقعیتی خطرناک است، و قلبش از هیجانی
سرکوفته در التهاب است.

تفسیر : سکونی که توسط مغز، قبل از آمادگی بدن، بر بدن
تحمیل شود، منتهی به بی نظمی و اغتشاش روانی
می شود. اگر شخصی بخواهد از عدم توازن اجتناب
جوید باید تمام جوهش، همزمان به سوی سکون
رهبری شود.

چهارم - ۶ : او بدنش را در حال استراحت نگاه می دارد. مرتکب
اشتباه نخواهد شد.

تفسیر : چون با موفقیت تمام بخشهای وجود خود را تعلیم
داده است، در تمام سطوح بدنش می تواند به سکون
برسد.

پنجم - ۶ : او آروارههایش را ساکن می کند، با مراقبت کلمات

خود را منظم می‌کند، امکان تأسف به وجود نخواهد آمد.

تفسیر : انضباط مغزی و تعلیم بدنی، هر دو لازم است.

ششم - ۹ : با علاقه، سکونی را که به آن رسیده است حفظ می‌کند. کامیابی وجود خواهد داشت.

تفسیر : او وقتی به هدف خود می‌رسد، خود را رها نمی‌کند، بلکه نظم و انضباط مراقبت‌آمیز خود را به گونه‌ی حفظ می‌کند که انگار به هدف خود نرسیده باشد، و بدین ترتیب تداوم این موقعیت سعادت‌بار را تضمین می‌کند.

شش خطی
۵۳



漸

chien

چی ان

سه خطی بالایی: سون: باد، آرام.
سه خطی پایینی: کن: کوه، ساکن.

پیشرفت تدریجی

حکم : پیشرفت تدریجی. ازدواج دختری جوان موجب
کامیابی خواهد شد. صحت عمل و ثبات قدم، مفید
فایده است.

توضیح : پیشرفتی که در اینجا مطرح شده، مانند ازدواج کامروای بانویی جوان است. خطوط به سوی محل صحیح خود پیش می‌روند، و نشانگر موفقیتی چشمگیر هستند.

از آنجاییکه او به درستی پیش می‌رود، قادرست در کشورش شرایط را به وجه احسن تغییر دهد. این امر با خطی قوی نشان داده می‌شود که خط وسط «سه خطی» بالای اشغال کرده است. از به هم پیوستن آرامش (سون) و ثبات (کن)، شروع حرکت خستگی‌ناپذیری به سمت جلو مشخص می‌شود. ازدواج بانویی جوان به آهستگی انجام می‌شود، یعنی بعد از طی مراحل مقدماتی بسیار، که از تمامی این مراحل می‌بایست به روشی منظم و صحیح گذشت. با این روش است که یک فرد به تدریج در خدمت دولت ترقی می‌کند. مثل غازی وحشی که همراه با دسته‌ی پرندگان در جای معین شده‌اش رو به سوی آفتاب پرواز می‌کند، او هم بر جاده‌ی مقدر شده‌اش حرکت می‌کند.

تصویر : یک درخت (سون) روی کوه (کن). مرد برتر ابتدا فضایل بلون عیب و نقصش را به دست می‌آورد، و آنگاه در نگاه‌داشتن آنها پایداری می‌کند، و مردم را در راه به سوی نیکی، راهنمایی می‌کند.

خطوط :

یکم - ۶ : غاز وحشی به تدریج به ساحل نزدیک می‌شود. مرد جوان در خطر است، و بر علیه او صحبت خواهد شد. اما خطایی نخواهد رفت.

تفسیر : دنبال کردن مسیر صحیحی در اعمال، او را درگیر انتقاد خواهد کرد. با اینهمه باید در طول این مسیر برود.

دوم - ۶ : غاز به تدریج به صخره‌های عظیم نزدیک می‌شود، و با حالی شادمان می‌خورد و می‌آشامد. بخت مساعدت خواهد کرد.

تفسیر : او به محل برتر امنی می‌رسد، و ممکن است در کمال آرامش استراحت کند.

سوم - ۹ : هاز به جانب سرزمینهای خشک پیش می‌رود. بدبگیری و کج‌بختی وجود خواهد داشت. مثل موقعی که شوهری به لشکرکشی گسیل می‌شود، و باز نمی‌گردد، یا زنی حامله است اما فرزندش را زوست نمی‌دارد. مقاومت در مقابل دشمنان مفید فایده است.

تفسیر : پیشروی تهورآمیز، بدون در نظر گرفتن احساسات دیگران، به تکبت خواهد انجامید. اما استفاده از قدرت، برای حمایت از دیگران، نتیجه‌ی کامروا خواهد داشت.

چهارم - ۶ : غازها به طرف درختان می‌روند، و به دنبال شاخه‌ی پهنی هستند که بر آن بیارامند. خطایی نخواهد رفت. با مراقبت پیش می‌رود، و به دنبال جایی برای استراحت می‌گردد. او از محدودیت‌هایش آگاه است، و کوششهای متواضعانه‌اش، او را از خطا مصون می‌دارد.

پنجم - ۹ : غاز به تدریج به طرف زمینهای مرتفع پیش می‌رود. بخت مساعدت خواهد کرد، مثل زنی که تا سه سال حامله نمی‌شود. بعد حامله می‌شود. انکاری مصرانه، در موقع مقتضی، به موفقیتی عظیم راه خواهد داد.

ششم - ۹ : غاز به تدریج به سوی بلندیهای بالا است حرکت می‌کند. از پرهای او می‌توان در جشنها استفاده کرد، و این امر کامیابی را تضمین می‌کند.

تفسیر : حال که به هدف خود رسیده است، می‌تواند پیشروی را متوقف کند. و در عوض می‌تواند از اندوخته‌های نهنی‌اش برای خیر همگان استفاده کند.

شش خطی
۵۴



歸
妹

KUEI MEI

کوا می

سه خطی بالایی: چن: تندر، برانگیختگی.
سه خطی پایینی: تویی: دریاچه، شادان.

عروس خانم

حکم : عروس خانم. جنبش و حرکت نکبت بار خواهد بود.
هیچ استفاده‌یی از آن به دست نمی‌آید.

توضیح : در اینجا ارتباطی عظیم و درست میان آسمان و زمین نشان داده می‌شود. اگر آسمان و زمین نمی‌بایست ارتباطی داشته باشند، چیزها بدانگونه که رشد می‌کنند، رشد نمی‌کردند و بارور نمی‌شدند. ازدواج عروس‌خانم، نشان‌دهنده‌ی پایان دختری و شروع مادری است.

این «شش‌خطی» ترکیبی از شادی و حرکت است، و نشانگر ازدواج دختری جوان، جنبش و حرکت نکبت خواهد آورد، چرا که همه‌ی خطوط در جای مناسب واقع نشده‌اند. هیچ استفاده‌ی به دست نخواهد آمد، چرا که خطوط ضعیف بر خطوط قوی سوارند. بدانگونه است که انگار ازدواجی توسط یک دختر تنظیم شده است. این دختر به‌سوی منزل شوهر آینده‌اش پیش می‌رود، به جای آنکه منتظر شوهرش بماند که به خانه‌ی او بیاید. آسمان به ازدواج‌های دنیایی با نظر مساعد می‌نگرد و آن را دنبال‌کننده‌ی دستورات الهی می‌داند، اما وقتی ضعیف، سرور قوی می‌شود، فقط گنج‌بختی و ناکامی پیش می‌آید. برای داشتن موفقیتی درازمدت باید از اشتباه در شروع کار، اجتناب کند.

تصویر : تندر (چن) روی آبها (تویی). مرد برتر، درحالی‌که چشمانش به آینده‌ی دور است، نسبت به اشتباهاتی که ممکن است در حال حاضر صورت گیرد آگاه‌است.

خطوط :

یکم - ۹ : دختر با مردی ازدواج می‌کند که هم‌اکنون همسری دارد. اگرچه او صرفاً یک زن دوم می‌شود، با اینحال مثل شخصی است که یک پا دارد اما همچنان موفق

می‌شود به جلو حرکت کند. این پیشرفت همراه با کامیابی است.

تفسیر : علیرغم محدودیت‌ها، اهدافی‌شخص کاملاً محدود نخواهد شد.

دوم - ۹ : اگرچه یکی از چشمان این زن کور است، اما به حد کافی می‌بیند. اگر با ساده‌دلی یک راهب عمل کنیم، مفید فایده است.

تفسیر : پافشاری نسبت به هدف اولیه، علیرغم بدبیاریهایی عظیم، پیشرفتی مناسب را تضمین می‌کند.

سوم - ۶ : او نقشه‌ی ازدواج کشیده، اما چون پیشخدمتی فقیر بیش نیست، به خاطر شرایط مجبور می‌شود موافقت کند که صیغه‌ی کسی بشود.

تفسیر : پس از شکست در یک جاه‌طلبی عظیم، توقعات خود را به سطحی واقعی‌تر می‌رساند، و در نتیجه امکان موفقیت به دست می‌آورد.

چهارم - ۹ : اگرچه این زن در سن ازدواج است، اما خود را از ازدواج دور نگاه می‌دارد. و اگرچه بدین ترتیب در ازدواجش تأخیر می‌شود، اما در زمان خود، رخ خواهد داد.

تفسیر : صبر و خویشتن‌داری، کامیابی و خوش‌اقبالی را در موقع مناسب تضمین می‌کند.

پنجم - ۶ : وقتی دختر امپراطور ازدواج می‌کرد، زینت لباس بلندش کمتر از زینت لباس ساقدوشش بود. ماه تقریباً بدر است. بخت مساعدت خواهد کرد.

تفسیر : کفانفس و عدم خودنمایی، به کامیابی در آینده‌ی نزدیک منتهی می‌شود.

ششم - ۶ : زن جوان سبدی خالی حمل می‌کند، مرد، گوسفندی را ذبح می‌کند، و خون جریان نمی‌یابد. از هیچ جهت استفاده‌یی وجود نخواهد داشت.

تفسیر : طالع نامتبرک است. به هر عملی که مبادرت شود، هیچ خیری به دست نمی‌آید.

۱- در چین، طبق قوانین رسمی، هر مرد فقط يك زن شرعی می‌توانست داشته باشد.

شش خطی

۵۵



豐

FENG

فنگ

سه خطی بالایی: چن: تندر، برانگیختگی.
سه خطی پایینی: لی: آتش، پیوستگی.

سعادت بسیار

حکم : سعادت بسیار. پیشرفت و موفقیت. وقتی امیر به اهدافتش نایل شد، نباید از تغییرات نامساعدی که به یقین در پی خواهد آمد، بترسد. برعکس باید که مثل

آفتاب سر ظهر باشد.

توضیح : در اینجا فراوانی وجود دارد. «سه خطی» نشانگر حرکت (چن) به «سه خطی» نشانگر درخشندگی (لی) پیوند دارد.

وقتی امیر به این مرحله رسید، هنوز باید پیشتر برود. او باید درخشندگی خود را و ادار(تا بر هر آنچه زیر آسمان است پرتوافشانی کند. وقتی آفتاب به مسقط الرأس خود رسید، شروع به افول می کند. وقتی ماه کامل شد، از بدر به هلال می رسد.

جریان داخلی آسمان و زمین در ابتدا شدید و بسیار است، سپس کم و بطئی است، و مطابق با فصول شدید و ضعیف می شود. و همین امر با شدت بیشتری در مورد انسانها و خدایان صورت می گیرد.

سعادت بسیار، اغلب راهی به آدمیان می دهد تا با شرایط مخالفت کنند. حاکمی که هم نیرومند و هم باهوش است، قادرست که سعادت را در کشورش برقرار سازد، و دستخوش نگرانی نمی شود. او در حفظ مقام خود و فراوانی کشور شکست نمی خورد و اشتباه نمی کند. او به مانند آفتاب سر ظهر است، گرما و نور خود را به همه طرف می پاشد.

تصویر : رعد (چن) و برق (لی) با هم. مرد برتر هنگامی که مجادله و منازعه بالا می گیرد، حکمیت می کند، و تنبیهی مناسب انتخاب می کند.

خطوط

یکم - ۹ : او امیری را ملاقات می کند که از لحاظ شان با او

برابر است. اگرچه آنها از نظر خوی و خصلت مشابه هستند، اما هیچ برخورد شخصیتی میانشان به وجود نمی‌آید. پیشروی همراه با اتحاد، مورد قبول خواهد بود.

تفسیر : همکاری میان آنهایی که سعادت‌مند هستند، سعادت آنان را تثبیت می‌کند.

دوم - ۶ : پرده‌های عظیمی او را دربر گرفته است. این پرده‌ها بر آسمان سایه می‌اندازند، تا حدی که او حتی سر ظهر می‌تواند ستاره‌ها را ببیند. اگر او کوشش کند مافوق خود را راهنمایی کند، فقط موجب سوءظن و عدم باور نسبت به خود می‌شود. اگر او تحت این شرایط ناساز، پایداری کند، و با اخلاص صمیمانه به کارش پردازد، ممکن است به کامیابی برسد.

تفسیر : اگرچه آینده به نظر تاریک می‌رسد، اما شرایط بهتر می‌شود. ولی او نباید در این زمان به جستجوی کمک باشد.

سوم - ۹ : بیرقی عظیم در مقابلش، جلوی دیدش را می‌گیرد، اما از لای آن، یک لحظه ستاره‌ی کوچکی را در سر ظهر رؤیت می‌کند. قادر نیست روبرو را به روشنی ببیند، و بازوی راستش می‌شکند، اما از خطا مصون می‌ماند.

تفسیر : شرایط غالب، به کج‌بختی و ناکامی غیرقابل‌اجتنابی منتهی می‌شود، اما نگاهی به زمانهای امیدبخش آینده، او را از اشتباهی که ناشی از نومیدی باشد، مصون خواهد داشت.

چهارم - ۹ : او خود را پشت پرده‌یی می‌یابد که این پرده از چنان

جنس ضخیمی درست شده که سر ظهر، آفتاب از
خلال آن مثل ستاره‌یی کوچک می‌نماید. اما در آنجا
ما فوق خود را ملاقات می‌کند، که به او علاقه‌دارد.
کامیابی و خوش‌اقبالی وجود خواهد داشت.

تفسیر : آینده تاریک به نظر می‌رسد و تعیین وضعیت آن مشکل
است، اما او تنها نیست، متفقین نیرومند به او کمک
خواهند داد، تا به آرزوهایش برسد.

نجم - ۶ : او مردان اهل خرد و قادر را به دور خویش جمع می‌کند.
فرصتی برای تبریک و تهنیت پیش می‌آید. کامیابی
و خوش‌اقبالی.

تفسیر : همکاری میان مردان قادر و خوش‌نیت، سعادت‌فر اوان
او را تضمین می‌کند.

ششم - ۶ : خانه‌ی بزرگش، منعکس‌کننده‌ی سعادت اوست. اما
وقتی از در سرک می‌گردد، همه‌چیز ساکن است و
هیچکس در آن اطراف نیست. تا سه سال هیچکس
نزدیک نمی‌شود. نکبت خواهد بود.

تفسیر : خودنمایی‌اش او را از همه بیگانه می‌کند. فراوانی
و ثروتی که این‌چنین مورد سوءاستفاده بوده، تنها
ممکن است ناکامی به‌بار آورد.

شش خطی

۵۶



旅

Lü

لو

سه خطی بالایی: لی: آتش، پیوستگی.
سه خطی پایینی: کن: کوه، ساکن.

غریبه‌ی مسافر

حکم : غریبه‌ی مسافر. پیشرفت و موفقیت در چیزهای کوچک وجود خواهد داشت. اگر مسافر ثبات قدم و صحت عمل در رفتارش داشته باشد، کامیابی و

۳۰۲

خوشاقبالی از پی خواهد آمد.

توضیح : در اینجا خطی ضعیف در مرکز «سه خطی» بالا می‌نشیند، و به خطوط قوی در هر دو سوی جواب می‌گوید، این امر نشانگر موفقیت در امور کوچک است.

در اینجا سکون به درخشندگی آتشین اضافه شده، و نشانگر پیشرفت در مسایل کوچک است، و کامیابی برای مسافری که راسخ و جدی است. به راستی که اهمیت اعمالی که درین زمان عملی می‌شود بسیار زیاد است! غریبه‌های مسافر بایدحالت تواضع و درستی را در خود پرورش دهند، در نتیجه از آزار خواهند گریخت و موفقیتی در مسایل کوچک خواهند داشت. مردی در حال حرکت قادر نیست به چیزهای بزرگ نائل شود.

تصویر : آتش (لی) روی کوه (کن). مرد برتر وقتی دستور تنبیه می‌دهد، عقل مدبرانه‌ی خود را اعمال می‌کند، و اجازه نمی‌دهد که دعوا و مراغه به درازا کشد.

خطوط :

یکم - ۶ : مسافر کم‌مغز است و درگیر مسایل مبتذل است. او خود را گرفتار بلا و نکبت خواهد کرد.

تفسیر : دخالت بیجا در امور بی‌اهمیت، که مربوط به حرفه‌ی واقعی شخص نیست به ناکامی منتهی خواهد شد.

دوم - ۶ : غریبه با اشیاء قیمتی‌اش در مسافرخانه‌ی خود سلامت

و در امان است. او مستخدمینی خوب و قابل اعتماد دارد.

تفسیر : گرچه در موقعیتی آسیب‌پذیر قرار گرفته، معه‌ذا اشیاء با ارزش خود را حفظ می‌کند و همراهانی با وفا دارد.

سوم - ۹ : به‌خاطر بی‌مبالاتی و بی‌توجهی او، مسافرخانه آتش می‌گیرد و می‌سوزد، و او خدمتکارانش را از دست می‌دهد. هرچند کوشش می‌کند به درستی عمل کند، اما خطر اجتناب‌ناپذیر است.

تفسیر : به‌خاطر اعمال خود او، موقعیتش به خطر می‌افتد، و وفاداری حامیان قدیمش را از دست می‌دهد. هرچند سخت می‌کوشد تا اصلاحاتی به وجود آورد، اما صدمه‌ی که رسیده است، عظیم است و او نمی‌تواند از خطری که خود را در معرض آن قرار داده، اجتناب کند.

چهارم - ۹ : او برای استراحت پناهگاهی یافته است، و اشیاء قیمتی‌اش را با خود دارد، به اضافه‌ی تبری برای محافظت از خود، اما نمی‌تواند آرام بگیرد و استراحت کند.

تفسیر : اگرچه موقعیت او به‌طور موقت امن است، اما نمی‌تواند دوام آورد.

پنجم - ۶ : او بر قرقاولی تیری رها می‌کند، اما به هنگام این کار خدنگش را گم می‌کند. ۱ در پایان مورد تایید واقع می‌شود، و مسئولیتی به او واگذار خواهد شد.

تفسیر : يك عقب‌نشینی كوچك، به زودی پیشرفتی بزرگ را ممکن می‌سازد.

ششم - ۹ : پرنده‌یی آشیانه‌ی خود را می‌سوزاند. او ابتدا می‌خندد، اما بعد می‌گریزد. او آرامش گاوارش را به آسانی از دست می‌دهد. ۲ نکبت پیش خواهد آمد.

تفسیر : او از ناکامی و بدبختی دیگری شادی می‌کند، آنگاه درمی‌یابد که خود او درگیر بلا و فاجعه است. يك چنین عدم متانتی به انحطاط او منجر خواهد شد.

-
- ۱- در ترجمه‌ی ویلهلم آمده: «قراول به تیر اول می‌افتد.»
 ۲- در ترجمه‌ی ویلهلم چنین است:
 آشیانه‌ی پرنده می‌سوزد.
 دوره‌گرد [غریبه‌ی مسافر] ابتدا می‌خندد،
 آنگاه می‌باید بگریزد و زاری کند.
 از روی بی‌مبالاتی گاوش را گم می‌کند.
 نکبت.

شش خطی
۵۷



巽
共

SUN

سون

سختی بالایی: سون: باد، آرام.
سختی پایینی: سون: باد، آرام.

رسوخی آرام

حکم : رسوخی آرام. اکتساب چیزهای ناچیز، و پیشرفت در آنها. حرکت در هر جهتی مفید فایده است، و همچنین ملاقاتی با مرد بزرگ.

۳۰۶

توضیح : این «شش خطی» نشان می‌دهد که چگونه باید فرامین دولت را اجرا کرد. خطی قوی در مرکز «سه خطی» بالایی واقع شده، و خواسته‌ی او شدیداً اطاعت می‌شود. هر دو خط ضعیف در اینجا تابع خطوط قوی مستقر در بالای خویشند. ازینرو گفته شده که پیشرفتی در مسایل ناچیز وجود خواهد داشت، و هر نوع حرکتی مفید فایده خواهد بود، و ملاقات با مرد بزرگ هم مفید فایده است.

الر رسوخ آرام، انقلابیا بازسازی نیست، بلکه تنها تصحیح و پیشرفت است. چنین تصحیح ظریفی در صورتی مؤثر است که شخص تحت راهنمایی مرد بزرگ قرار گیرد.

تصویر : بادها (سون) به دنبال هم می‌آیند. مرد برتر فرامین خود را به مادون خود تاکید می‌کند، و بدین ترتیب امور خود را به انجام می‌رساند.

خطوط

یکم - ۶ : ابتدا پیش می‌رود، سپس عقب می‌نشیند. اگر او انضباط شدید یک سرباز را می‌داشت، به نفعش تمام می‌شد.

تفسیر : به خاطر عدم وجود شدت و قاطعیت، متزلزل است.

دوم - ۹ : زیر تختی چمباتمه می‌زند، او از غیبگویان و جز-گیران، به ترتیبی مغشوش و مغدوش کمک می‌خواهد. بخت مساعدت خواهد کرد، و خطایی نخواهد رفت.

تفسیر : اگرچه ضعیف، و بی‌خودی مطیع و سربزیر است، معمدا کوشش او در جهتی درست است و نتیجه‌ی

کامروا خواهد داشت.

- سوم - ۹ : تنها با کوششی خشونت‌آمیز و مکرر، ممکن است رسوخ کند. موافقی وجود خواهد داشت که او بر اعمالش تأسف خواهد خورد.
- تفسیر : تمام کوششهای او بی‌اثر خواهد بود.

- چهارم - ۶ : به‌هنگام شکار سه‌نوع جانور شکاری می‌گیرد. جایی برای ندامت وجود نخواهد داشت.
- تفسیر : پیروزی بر مخالفین تضمین شده است.

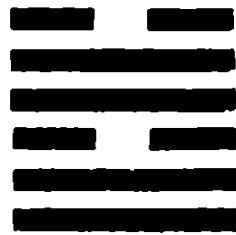
- پنجم - ۹ : پافشاری موجب مساعدت بخت خواهد شد. تأسف و پشیمانی موردی ندارد و همی اعمال او مفید فایده خواهد بود. ممکن است شروع خوبی نباشد، اما پایانی خوب خواهد بود. بگذارید سه روز قبل از وقوع تغییر و همچنین سه روز بعد از آن را در نظر بگیرید، و دربارهی آن تعمق کند. چنین حرکتی کامیابی و خوش‌اقبالی خواهد آورد.
- تفسیر : او سیاست رسوخی آرام را اتخاذ می‌کند، در نتیجه مشکلات فعلی او لمره‌ای خوش خواهد داشت.

- ششم - ۹ : او زیر تختی قوز می‌کند، و نیروی خود را برای تصمیم گرفتن از دست داده است.^۱ هراندازه‌هم شدید عمل کند، ناکامی وجود خواهد داشت.
- تفسیر : رسوخ آرام، وقتی به افراط باشد، منجر به از دست دادن اقتدار می‌شود، و به آسانی قابل جبران نیست.

۱- در ترجمه‌ی ویلهلم چنین آمده:
او زیر تختی فرو می‌شود.
دارایی و تبرش را گم می‌کند.

شش خطی

۵۸



兌

TUI

تویی

سه خطی بالایی: تویی: دریاچه، شادان.
سه خطی پایینی: تویی: دریاچه، شادان.

شادی

حکم : شادی. پیشرفت و موفقیت وجود خواهد داشت. نبات
قدم و پافشاری مفید فایده است.

۳۰۹

توضیح : این «شش خطی» نشانگر رضایتی شادی آور است. در مرکز هر «سه خطی» خطی قوی قرار دارد، و در رأس هر «سه خطی» یک خط ضعیف، که نشانگر آنست که عمل کردن با ثبات قدم و صحت عمل فایده‌ی شادی آور در بر دارد.

وقتی منظره‌ی چنین لذتی در مقابل مردم قرار می‌گیرد، با اشاره‌ی آنان را فرا می‌خواند، و آنان سنگینی کارشان را فراموش می‌کنند، وقتی به آنان الهام می‌دهد که بر مشکلاتشان فایق شوند، آنان خطر مرگ را از یاد می‌برند. چقدر نیروی آن عظیم است که می‌تواند مردم را به این ترتیب به هیجان آورد! وقتی در افراد حالت انعطاف و هماهنگی غالب می‌شود، بدون اینکه صداقتی واقعی وجود داشته باشد، تا بر آنان نظارت کند، و بدانان انضباط دهد، آنان فاسد می‌شوند. اگر بخواهیم شادی موجب خوش‌اقبالی و کامیابی شود، نیروی بنیانی توصیه می‌شود.

تصویر : دو دریاچه (تویی) با هم. مرد برتر به صحبت دوستان می‌پیوندد و به فعالیت‌های هیجان‌آورشان ملحق می‌شود.

خطوط :

یکم - ۹ : لذت هماهنگی درونی. کامیابی و خوش‌اقبالی وجود خواهد داشت.

تفسیر : اوستغنی و بی‌نیاز است و کامیابی را به خود جلب می‌کند.

دوم - ۹ : لذت از صمیمیتی درونی برمی‌خیزد. بغت مساعدت

- خواهد کرد و جایی برای تاسف باقی نمی‌ماند.
تفسیر : امانت او تضمین می‌کند که مشکلات او مرتفع شود.
- ۶ - سوم : او عمداً خود را در چیزهای لذتبخش محصور می‌کند.
نکبت پیش خواهد آمد.
تفسیر : اهمیت‌دادن به لذات بیرونی موجب است که آرامش درونی خود را از دست بدهد.
- ۹ - چهارم : او برای انتخاب میان لذات مختلف در تردید است، و نمی‌تواند آرام بگیرد. او نزدیک است تصمیمی غلط اتخاذ کند، اما منصرف می‌شود. نتیجه شادی‌آور است.
تفسیر : با تعمدی آگاهانه و با خودآموزی، بر تردیدهای خود فایق می‌شود.
- ۹ - پنجم : او به کسی اعتقاد دارد که ممکن است به او صدمه بزند. موقعیت او خطرناک است.
تفسیر : اتکای به دیگران، به جای اتکای به نفس، جای خیانت را باز می‌گذارد.
- ۶ - ششم : او از رهنمایی به دیگران و جلب کردن آنان به سوی خود، لذت می‌برد.
تفسیر : چشیدن طعم شادی، از طریق قدرت‌نمایی بر دیگران، فقط لذت مردان کوچک است.

شش خطی
۵۹



涣

HUAN

هوان

سه خطی بالایی: سون: باد، آرام.
سه خطی پایینی: ک، ان: آب، خطرناک.

پراکندگی

حکم : پراکندگی. پیشرفت و موفقیت وجود خواهد داشت.
امیر از معبد نیاکان خود دیدن می‌کند. عبور از آب
بزرگ مفید فایده است، و همچنین پایدار بودن در

عمل مفید خواهد بود.

توضیح : پیشرفت و موفقیت وجود خواهد داشت چرا که در مرکز «سهخطی» پایینی، خطی قوی نشسته و در موضع قدرت است، و همچنین خط ضعیف تحتانی در «سهخطی» بالایی به خط قوی بالای خود جوابگوست. ازینرو امیر به معبد نیاکان خود با ساده‌دلی و بدون تزویر روی می‌آورد. او ممکنست در امنیت کامل از آب بزرگ عبور کند، چرا که بر روی آبها (ك، ان)، در قایقی چوبی (سون) حرکت می‌کند.

پراکندگی هنگامی رخ می‌دهد که ذهن آدمیان از آنچه درست و خوب است جدا شده. چنین جریانی ممکن است تا به حدی پیش رود که يك مملکت را در بر گیرد. اگر تقوایی راستین بر قلب آدمیان حاکم باشد، پراکندگی رخ نخواهد داد. تعهدات عظیمی که به ترتیبی منضبط بر عهده گرفته شود، با موفقیت به انجام خواهد رسید. اما آنچه انجام می‌شود، باید با توجه کامل نسبت به آنچه درست است باشد.

تصویر : باد (سون) بر روی آب (ك، ان) می‌وزد. شاهان قدیم، نیازها و نذورات خود را تقدیم رب السموات می‌نمودند، و معابد را بنا می‌نهادند.

خطوط :

یکم - ۶ : او با کمک يك اسب قوی دیگران را از شر و نکبتی که تهدیدشان می‌کند، نجات می‌دهد. کامیابی و خوش‌اقبالی وجود خواهد داشت

تفسیر : با کمک آنهایی که مادون او هستند، او قادرست خطر را مرتفع کند.

دوم - ۹ : در میان پراکندگی‌های افزون‌شونده، باشتاب می‌کوشد تا در پشت مهرباب خود پناه بگیرد. دلیلی برای توبه و ندامت نیست.

تفسیر : در زمانهای بحرانی، بازگشت به سرچشمه‌های عرفانی درونی‌اش، به او کمک خواهد کرد تا تعادل خود را حفظ کند.

سوم - ۶ : همه‌ی افکار خود را نادیده می‌گیرد. دلیلی برای تاسف و پشیمانی وجود نخواهد داشت.

تفسیر : دفع تمام افکاری که خواسته‌ی نفسانی است، از درگیری او در فساد کلی جلوگیری می‌کند.

چهارم - ۶ : او کسانی را که در اطراف او گرد آمده‌اند، پراکنده می‌کند، و حلقه‌ی جدیدی از یاری‌دهندگان انتخاب می‌کند. مردان عادی فکر نمی‌کنند که ممکن است از طریق پراکنده ساختن بازسازی بهتری به وجود آید.

تفسیر : روشنی ذهن توصیه می‌شود، تا در یک چنین موقعیت مفسوشی، افراد اساسی انتخاب شوند. یک چنین کیفیت در مردان کوچک وجود ندارد.

پنجم - ۹ : او خبرهایی پخش می‌کند. عرق از بدنش بیرون می‌زند، گویی بدن او هم سهمی در این پراکندگی کلی داشته است. او ذخایر انبار غله‌ی سلطنتی را پخش می‌کند. خطایی نخواهد رفت.

تفسیر : مقابله‌ی جسورانه با یک نوع پراکندگی منفی، به وسیله‌ی پراکندگی مثبت (در این مورد غلات) سزاوار

و قابل ستایش است.

ششم - ۹ : او از خونریزی اجتناب می‌کند، و خود را از سرچشمه‌ی ترسش دور می‌سازد. خطایی نخواهدرفت.
تفسیر : از هم پاشیدن مراکزی که احتمالاً باعث خطر و آزارند، بهیچوجه قابل سرزنش نیست.

شش خطی

۶۰



節

chieh

چیه

سه خطی بالایی: ك، ان: آب، خطرناك.
سه خطی پایینی: تویی: دریاچه، شادان.

مقررات

حکم : مقررات، پیشرفت و موفقیت وجود خواهد داشت. اما اگر قانون زیاده سختگیرانه و مشکل باشد، اصرار خوب آن چندان نخواهد پایید.

توضیح : در اینجا، پیشرفت و دل‌بستگی نشان داده شده، زیرا خطوط قوی و ضعیف به‌طور مساوی تقسیم شده است، و خطوط قوی بر وسط «شش‌خطی» مستقرند. اگر مقررات زیاده‌سختگیرانه باشد، عمل‌کردن بدان اجباراً به رکود می‌رسد. اگر در شرایطی مخاطره‌آمیز، مسیری در کمال موفقیت دنبال شود، احساسی از لذت و رضایت به دست می‌آید. وقتی مقررات کاملاً تحت نظارت اولیای امور باشد شخص‌قادرست در یک چارچوب مشخص، آزادانه عمل کند. آسمانها و زمین کارآیی‌های خود را تنظیم می‌کنند، و چهار فصل مطابق با یکدیگر حرکت دورانی خود را کامل می‌کنند. اگر حکام، مقررات خود را بر مبنای یک چنین الگویی تنظیم کنند، ذخایر دولت خالی نخواهد شد، و مردم زجر و آزار و مزاحمتی نخواهند دید.

این قوانین را می‌توان در بندهای نی و در مفاصل بدن انسان دید. مشابه با آنها فصول سال هم‌دارای مقررات است، و مقررات دنیایی توسط دولت، و به منظور نظارت و اداره در موقع لازم، و راهنمایی مردم برقرار شده. اما اگر بخواهد موفق شود، مقررات می‌بایست با وضعیت غالب و روزمره هماهنگ شود. نه اینکه همواره سختگیرانه و جدی باشد.

تصویر : آب (ك، ان) در طول دریاچه (تویی). مرد برتر روشهای شماره‌کردن و اندازه‌گیری را متحول می‌کند، و دربارهای نکات پرهیزگاری و تقوی و سلوك صحیح بحث می‌کند.

خطوط

یکم - ۹ : او حیاط اندرونی را ترك نمی گوید. مرتکب اشتباهی نمی شود.

تفسیر : در این زمان خویشنداری و کف نفس توصیه می شود.

دوم - ۹ : او حیاط بیرونی خانه اش را ترك نمی گوید. نکبت پیش خواهد آمد.

تفسیر : وقتی فرصتی وجود دارد، خویشنداری و تحدید غیرلازم است، و هرگز نمی تواند نتیجه یی مساعد به بار آورد.

سوم - ۶ : او مقررات درست و به جا را نادیده می گیرد، و کمی بعد افسوس می خورد، و دچار اندوه می شود. اما هیچکس جز خود را نمی تواند مقصر بداند.

تفسیر : مقرراتی مؤثر خواهد بود که در زمانی مناسب اجرا بشود.

چهارم - ۶ : با سکوت و به طور طبیعی تمام مقررات را رعایت می کند. پیشرفت و موفقیت وجود خواهد داشت.

تفسیر : احترام نسبت به قدرتی که به طور کامل برقرار شده، منجر به موفقیت خواهد شد.

پنجم - ۹ : او با میل به مقرراتی که خودش مقرر داشته، گردن می نهد. کامیابی وجود خواهد داشت، و نتیجه ی ارزیابی های او موجب می شود که مورد تحسین قرار گیرد.

تفسیر : مردم به مقرراتی که او مقرر داشته، سر می نهند، و ازین طریق به این مقررات قدرت می بخشند، و موجب پذیرش آنها می شوند.

ششم - ۶ : او برای حفظ مقرراتی که هم‌سختگیرانه و هم مشکل است فشار می‌آورد. حتی زمانی که این مقررات به درستی مورد اطاعت است، باز هم نکبت وجود خواهد داشت. دلایلی برای افسوس هست، اما مرتفع خواهد شد.

تفسیر : سختگیری زیاده از حد، موجب نکبت بیش از اندازه خواهد شد، اما حداقل بهتر از سهل‌انگاری زیاده از حد است. عواقب نکبت‌بار مقررات سختگیرانه ممکن است در طول زمان ترمیم یابد.

شش خطی
۶۱



中
孚

CHUNG FU

چونگ، فو

سه خطی بالایی: سون: باد، آرام.
سه خطی پایینی: تویی: دریاچه، شادان.

صمیمیت بی اندازه

حکم : صمیمیت بی اندازه. کامیابی. حتی خوکها و ماهیها
تحت تاثیر صمیمیت بی اندازه واقع می شوند.
عبور از آب بزرگ، ثبات قدم و صنعت عمل مفید

۳۲۰

فایده است.

توضیح : در مرکز این «سه خطی»، دو خط ضعیف نشسته است و خطوط قوی در مرکز هر یک از «سه خطی»ها واقع شده‌اند. در اینجا شادی و آرامش را با هم داریم، که گویای صمیمیتی بی اندازه‌اند. یک چنین صمیمیتی می‌تواند یک کشور را متحول کند.

صمیمیت حتی به خوکها و ماهی‌ها هم می‌رسد و آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. عبور از آب بزرگ مفید فایده است، چرا که نشانه‌ها می‌گویند که او روی دریاچه (تویی) در قایقی از چوب (سون) حرکت می‌کند. وقتی صحت عملی دایمی را با عقیده و ایمان اعمال می‌کنیم، عکس العمل انسان را در مقابل تأثیر آسمانها می‌بینیم.

صمیمیت بی اندازه، بالاترین سنجیده است که برای انسان وجود دارد، و او را نسبت به موجودات معنوی، نسبت به دیگر آدمیان، و نسبت به مخلوقات پایین تر قدرتمند می‌کند. برای به دست آوردن این مرحله قلب باید از خود بی خود باشد، و منیت نداشته باشد. منیت نداشتن منتهی به پرهیزگاری و تقوایی راسخ می‌شود. که بدون خدشه است، و بهیچ‌رو غیر واقعی نیست. مردی که از چنین موهبتی برخوردارست در مشکلترین امور موفق می‌شود. با این همه حتی او باید با ثبات قدم و به ترتیبی صحیح رفتار کند.

تصویر : باد (سون) بر دریاچه (تویی) می‌وزد. مرد برتر با دقت به دعویهای جنایی فکر می‌کند و پیش از اینکه محکوم به مرگت کند، تأمل می‌کند.

خطوط

یکم - ۹ : او در درون خود باقی می ماند، کامیابی وجود خواهد داشت. اگر او بخواهد بیرون از خودش چیزی را جستجو کند، موفق نخواهد شد.

تفسیر : تکیه بر فضایل درونی، منجر به کامیابی و خوش-اقبال می شود.

دوم - ۹ : درنای ماده از آشیانه‌ی پنهانی خود، صدا در می دهد، و جوجه‌هایش پاسخ می گویند. این درست مثل آنست که کسی بگوید «من پیاله‌یی از می ناب دارم و آنرا با تو شریک خواهم شد.»

تفسیر : یک چنین صمیمیت بی خدشه‌یی، پاسخی گرم را موجب می شود.

سوم - ۶ : او دیگری را می بیند. او بر طبعی به تناوب می گوید، و یک بار می گیرد و یک بار می خواند.

تفسیر : او برای اطمینان خاطر، بیرون از خودش را می نگرد، به جای آنکه به درونش بنگرد، و نمی تواند به وضعیتی آرام و آسوده برسد.

چهارم - ۶ : در شبی که ماد تقریباً کامل است، از جفتی اسب، یکی ناپدید می شود. دیگری را وا می گذارد تا به تنهایی ارابه را بکشد. خطایی نخواهد رفت.

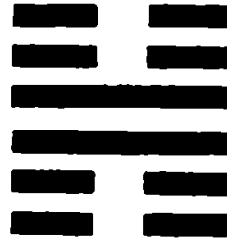
تفسیر : حتی اگر کسانی که او به آنها وابسته است، تنه‌ایش بگذارند، درست وقتی لحظه‌ی مناسب فرارسد، صمیمیت بی اندازه‌ی او، به نحوی است که او می تواند برنامه‌هایش را با موفقیت، بدون وجود آنها به انجام رساند.

پنجم - ۹ : او کاملاً صمیمی است، و پیوند او با دیگران به وحدت کامل می‌رسد. خطایی نخواهد رفت.
تفسیر : صمیمیت فراوان او، همه‌کس را بسته‌ی او می‌کند.

ششم - ۹ : او مثل خروسی است که با بانگ خود می‌خواهد به آسمانها برسد. حتی اگر او با لبات و درستی عمل کند، باز هم نکبت وجود خواهد داشت.
تفسیر : کامیابی فعلی او، موجب می‌شود که او از حد خود زیاده‌روی کند، اگر او صمیمیتی واقعی را در خود پرورش داده بود، این امر اتفاق نمی‌افتاد.

شش خطی

۶۲



小
過

hsiao kuo

هسیائو کوئو

سه خطی بالایی: چن: تندر، برانگیختگی.
سه خطی پایینی: کن: کوه، ساکن.

موفقیت‌های ناچیز

حکم : موفقیت‌های ناچیز، پیشرفت و موفقیت وجود خواهد داشت، اما ثبات قدم مفید فایده است. موفقیت در موارد ناچیز وجود خواهد داشت، اما نه در مسایل

۳۲۴

مهم. برای پرندگان كوچك بهتر است به جای اینکه زیاده بلند بپرند، پایین پرواز کنند، تا آوازشان شنیده شود. در این صورت خوشاقبالی و کامیابی وجود خواهد داشت.

توضیح : در اینجا خطوط ضعیف که از خطوط قوی پیشی می‌گیرند، پیشرفت و موفقیت آنها را مشخص می‌کنند. اما این موفقیت فقط باید در موعد مقرر صورت گیرد. مرکز هر «سه‌خطی» توسط خطی ضعیف اشغال شده، بنابراین، در مسایل ناچیز موفقیت به دست می‌آید و خوشاقبالی روی می‌دهد. هیچ‌یک از خطوط قوی در موضع قدرت نیستند، بدین جهت موفقیتی که به دست می‌آید، موفقیتی كوچك است، نه موفقیتی بزرگ.

قطعه‌یی که در مورد پرندۀ كوچك گفته شده، نشان می‌دهد که در این زمان صعود درست نیست و فرود هم باید بیشتر مطابق با زمان باشد. شخص باید تمیز دهد میان آنچه اساسی است و آنچه غیر اساسی. از راهی که کلاً آن را صحیح دانسته‌اند، راهی که مربوط به موضوعات حقیقت است، هرگز نباید منحرف شد، اما انحراف از راهی که مربوط به مسایل قراردادی یا تشریفاتی است در بعضی مواقع مجاز است. می‌توان شکل خارجی را حذف کرد، اما حقیقت درونی باید حفظ شود.

حتی از انحرافی جزئی، باید با احتیاط چشم‌پوشی کرد، آنهم در صورتی که فقط در مورد مسایل ناچیز بوده، و در عین تواضع و احترام رخ داده باشد. یک چنین تواضعی در مورد پرندۀ كوچك نشان داده‌شده که مواظب است خیلی بلند نپرد.

تصویر : تندر (چن) روی کوه (کن). مرد برتر در رفتار خود به شدت متواضع است، و در عزاداری و سوگواری به شدت مغموم، و در مخارج خود، بسیار صرفه جو.

خطوط

یکم - ۶ : پرنده به سمت بالا می پرد. نکبت بار خواهد بود.
تفسیر : اعتماد به نفس زیاده از حد، به ناکامی و بداقبالی غیرقابل اجتنابی می انجامد.

دوم - ۶ : از کنار نیاکان خود می گذرد، و با مادرش ملاقات می کند. او قادر نیست به حاکم برسد، اما با یکی از وزیران او ملاقات می کند. خطایی نخواهد رفت.
تفسیر : او نمی تواند به آن درجه یی از موفقیت برسد که آرزویش را داشته، اما از موفقیتی ناچیز هم نباید شرمگین باشد.

سوم - ۹ : او در مقابل خطر هیچ احتیاطی نمی کند. و در نتیجه کسی پایین تر از او فرصت می یابد، به او صدمه بزند. نکبت پیش خواهد آمد.
تفسیر : اتکای بیش از حد به قدرت مقامش، راه را بازمی کند تا او از کسی که حقیر می شمرد، صدمه ببیند.

چهارم - ۹ : او از طریق خویشترنداری، با نکبت و بلا مخالفت می کند و از آنها اجتناب می کند. هر پیشرفتی به خطر می انجامد. و احتیاط توصیه می شود. عاقلانه نیست که روش اعمال زور را در هر شرایطی بکار بریم.

تفسیر : شناختن وقت اجرای هر عمل یا خودداری از انجام آن، کلید موفقیت‌های ناچیز در زمان فاجعه و نکبت است.

پنجم - ۶ : ابرهای متراکم از سواحل غربی نزدیک می‌شوند، اما بارانی نمی‌بارد. امیرزاده تیری رها می‌کند، و تیر به پرندایی در غاری می‌خورد.

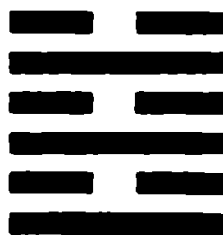
تفسیر : وقتی آرزوهای کسی زیاده از حد شود، نومییدی نتیجه‌ی آنست، انتظارات کمتر برآورده خواهد شد.

ششم - ۶ : قادر به خویشتن‌داری نیست، و از حد خود زیاده‌روی می‌کند، مانند پرندایی که در آسمانها زیاده بلند می‌پرد. نکبت پیش خواهد آمد. بیچارگی و فلاکت را خودش موجب شده.

تفسیر : جاه‌طلبی زیاده، در زمانی غلط اعمال شده، و به فلاکت خواهد انجامید.

شش خطی

۶۳



既
濟

chi chi

چی چی

سه خطی بالایی: ك، ان: آب، خطرناك.

سه خطی پایینی: لس: آتش، پیوستگی.

پس از تکامل

حکیم : پس از تکامل، پیشرفت و موفقیت در مسایل ناچیز.
 نبات قدم و صحت عمل مفید فایده است. خوشاقبالی
 و کامیابی اولیه، به بی‌نظمی در آخر کار ختم

۳۲۸

می‌شود.

توضیح : ثبات قدم و صحت عمل مفید فایده است، چرا که خطوط قوی و ضعیف به خوبی تنظیم شده‌اند، و به درستی جای گرفته‌اند.

موقعیت خط ضعیف در مرکز «سه‌خطی» پایینی نشانگر کامیابی است، اما در آخر نظم برهم می‌خورد. کشور سرانجام در صلح است، عبور از آب بزرگ به سلامت انجام شده. بی‌عدالتی برطرف شده، و شورشگران سرکوب شده‌اند. اما هنوز چیزهای کوچکی هستند که باید انجام شوند. آنچه انجام شده باید تکمیل و تقویت شود. حاکم باید به آهستگی در کامل کردن آنچه شروع شده، پیشروی کند، به روش ثابت و صحیح عمل کند، و همواره از تزلزل درونی مسائل بشری آگاه باشد.

تصویر : آب (ك، ان) روی آتش (لی). مرد برتر امکان نکبت آینده را در نظر می‌گیرد، اقداماتی احتیاط‌آمیز در مقابل آن انجام می‌دهد.

خطوط

یکم - ۹ : او چوبه‌ی بازدارنده‌ی بر چرخ ارابه‌ی خود می‌گذارد. او در موقعیت روباهی است که وقتی از رودخانه عبور می‌کند، سهواً دمش خیس می‌شود. خطایسی نخواهد رفت.

تفسیر : اینک زمان پیشرفتی سریع سپری شده. او باید به تفال توجه کند و ازین‌کار دست بردارد. نوعی زیان ظاهری محتمل است، اما ناچیز خواهد بود.

دوم - ۶ : زن پردمی دریچهای هودجش را گم می‌کند. نباید به دنبال آن بگردد، در هفتروز به او بازگردانده خواهد شد.

تفسیر : اعمال شدید در این موقع، مناسب نیست. خویشتن-داری موجب می‌شود که شرایط در وقت مقتضی، درست شود.

سوم - ۹ : نیای مشهور، امپراطور «وو تینگ»، در جزیره‌ی شیاطین جنگید، اما سه سال به طول کشید تا آن را مطیع کرد. مردان کوچک را نباید در معاملات بزرگ استخدام کرد.

تفسیر : به‌تمام رساندن يك معامله‌ی عظیم، غیرممکن نیست، اما آنقدر طولانی خواهد شد که شخص را خسته خواهد کرد.

چهارم - ۶ : او تمام روز کهنه‌پارچه و لته جمع می‌کند، تا سوراخ قایقش را بگیرد، او تمام روز به نگاهبانی می‌پردازد.

تفسیر : او در مقابل نکبتی که در شرف وقوع است احتیاط و مراقبت می‌کند.

پنجم - ۹ : همسایه‌ی در شرق گاو نری را برای قربانی سر می‌برد، اما نذر بهارانه‌ی کوچکی که همسایه‌ی غربی می‌کند، تبرک و پذیرفته می‌شود.

تفسیر : نذری همراه با صمیمیت، در موقع مناسب، بیشتر ارزش دارد تا نذری زیاد که در لحظه‌ی نامناسب انجام شده باشد.

ششم - ۶ : حتی سرش هم زیر آب فرو رفته. موقعیت او
مخاطره‌آمیز است.
تفسیر : اعمال همراه با بی‌پروایی، در موقعی نامناسب، او را
درگیر خطرات بزرگ خواهد کرد.

۱- در ترجمه‌ی ویلهلم چنین است:
"زیباترین پارچه‌ها به لته بدل می‌شود."

شش خطی

۶۴



未
濟

wei chi

ویی چی

سه خطی بالایی: لی: آتش، پیوستگی.
سه خطی پایینی: ک، ان: آب، خطرناک.

پیش از تکامل

حکیم : پیش از تکامل، پیشرفت و موفقیت، روباه تقریباً از رود رد شده، که دمش خیس می‌شود. هیچ پیشرفتی در هیچ جهتی نخواهد بود.

توضیح : در اینجا پیشرفت و موفقیت مطرح شده، چرا که خط وسط «سه‌خطی» بالایی را خطی ضعیف اشغال کرده.

گفته می‌شود که روباه تقریباً از رودخانه رد شده، که نشان می‌دهد او هنوز کاملاً از خطر نرسته‌است. روباه دمش را خیس می‌کند، و هیچ موفقیتی به دست نمی‌آورد، چون موفقیتی که در ابتدا نشان داده شده، تا به انتها ادامه نمی‌یابد. اگرچه خطوط در جای مناسب خود قرار نگرفته‌اند، معیناً خطوط قوی و ضعیف جوابگوی هم هستند.

همانطور که فصول سال به‌طور مداوم عوض می‌شود و گشت بدون وقفه‌اش را دنبال می‌کند، مراحل اجتماع هم به همان حال است. نظم سرانجام به دست می‌آید، سپس می‌گذرد. به این جهت تقلایی شروع می‌شود تا دوباره این نظم به دست آید. روباه نشانگر کسی است که در این زمانها کوشش می‌کند بی‌نظمی عمومی را درست کند. کوشش او نمی‌تواند موفق باشد، و او تنها خود را درگیر مشکلات و خطر می‌سازد. اگر چیزها را به نوعی دیگر برعهده‌گیریم، موفقیت حاصل خواهد شد.

تصویر : آتش (لی) روی آب (ک، ان). مرد برتر، قبل از اینکه چیزها را در موقعیت طبیعی آنها قرار دهد، آنها را از هم مجزا و تفکیک می‌کند.

خطوط :

یکم - ۶ : روباه دمش را خیس می‌کند. ناکامی و بداقبالی پیش خواهد آمد.

تفسیر : سوءقضاوتی جدی، او را درگیر اشتباه و حتی

بی‌حیثیتی می‌کند.

دوم - ۹ : او چوبه‌ی بازدارنده‌ای بر چرخ ارباب‌اش می‌گذارد. ثبات و صحت عمل کامیابی را موجب خواهد شد.
تفسیر : خویشتن‌داری شدید نتیجه‌ی خوش به بار خواهد آورد.

سوم - ۶ : او کوشش می‌کند جلوتر رود، و مسایل غیرمهم را را تمام‌نشده رها می‌کند. این امر منجر به ناکامی است. اما همچنان کوشش برای عبور از آب بزرگت مفید است.
تفسیر : در زمان فعلی خویشتن‌داری مورد نیازست، اما شخص باید هدف خود را در ذهن خود حفظ کند.

چهارم - ۹ : با ثبات‌قدم و صحت‌عمل به کامیابی خواهد رسید و امکان تأسف به‌وجود نمی‌آید. بگذارید نیروهایش را جمع کند، بدانگونه که بخواهد به جزیره‌ی شیاطین هجوم ببرد؛ پس از سه سالی تقلا، او و یارانش به شدت مورد تشویق قرار می‌گیرند.
تفسیر : وارد شدن در معامله‌ی عظیم، در این زمان منجر به تقلایی خسته‌کننده و طولانی خواهد شد، اما اگر او تصمیم بگیرد تا آخر ادامه دهد، نتیجه به شدت موفقیت‌آمیز خواهد بود.

پنجم - ۶ : صحت‌عمل و ثبات‌قدم، موجب می‌شود که او به کامیابی برسد، و دلیلی برای تأسف و پشیمانی نداشته باشد. او از صمیمیتی درونی برخوردار است، و روشنی و ذکاوت مرد برتر را از خود نشان می‌دهد.

تفسیر : این تفال مبشر موفقیت و پیروزی بزرگی است.
 بخت مساعدت خواهد کرد.

ششم - ۹ : با اعتماد به نفس کامل، او بی‌سروصدا با دوستانش جشن می‌گیرد. خطایی نخواهد رفت. اما اگر در اعتماد به نفس خود زیاده‌روی کند، مثل روباهی است که وقتی از رودخانه عبور می‌کند، می‌گذارد سرش در آب فرو رود، آنگاه شکست او حتمی خواهد بود.

تفسیر : شخص حق دارد از برآورده شدن جاه‌طلبی‌هایش شادمان شود، اما حتی در این لحظه هم اگر خواهان تداوم موفقیت است، خویشتن‌داری و کف‌نفس‌توصیه می‌شود.

ضمیمہ وجوہ ریاضی بی چینک

چینی‌های قدیم کهکشان را بسته و محدود می‌دانستند، آن را
 گروهی می‌پنداشتند، و نه مسطح. و اعداد، نشانه‌هایی بودند برای
 دسته‌بندی زمان و مکان.

شماره‌ی ۱، عدد اول نبود که تا بینهایت ادامه می‌یابد، بلکه
 نشانه‌ی قلب جهان بود. اعداد ساده‌ی یک‌رقمی ۲، ۳، ۴ و ۵، نزدیک
 به مرکز و علامت اولین و نیرومندترین جریان تغییر بودند.

اعداد پیام‌آوران آسمانها بودند، و ارتباطی مشخص، میان
 پدیده‌های ظاهراً نامتجانس به وجود می‌آوردند، و نشانگر تغییراتی
 بودند که انتظار می‌رفت در این پدیده‌های نامتجانس رخ دهد.

ازینرو در چین همواره به گونه‌ی خاص ارتباط نزدیک میان
 ریاضیات و طالع‌بینی وجود داشت. واژه‌ی «سوان»^۱ که برای حساب‌کردن
 به کار می‌رود، بسیار نزدیک است به واژه‌ی که برای وحی الهی به
 کار می‌رود. این نکته ممکنست به اشتشاش در ترجمه‌ی متنی قدیمی
 منجر شود، زیرا به سادگی نمی‌توان گفت که آیا نویسنده در مورد
 حساب سخن می‌گوید یا در مورد طالع‌بینی.

ازدورترین زمانها به‌کار گرفتن اعداد را به صورت نشانه و
 نماد، بهترین روش می‌دانستند که از طریق آن می‌توان به وضوح
 ارتباطی مدارهای اصلی طبیعت دست یافت. کهکشان ابتدا به دو

1— Suan.

اصل متضاد اما مکمل آسمان و زمین تقسیم شد (که بعدها موسوم به یانگ و ین شد).

آسمان با شماره ۱، و زمین با شماره ۲ نشانه‌گذاری شدند. اما از آنجائیکه شماره ۱ را در جریان تغییر، زیاده منتزع و مجرد، و زیاده آرمانی دیدند، آن را معرف تمامیت هستی قرار دادند، و آسمان به عنوان یک اصل فعال با شماره ۳ نشانه‌گذاری شد. انتخاب این شماره برای آسمان کاملاً پذیرفتنی بود، چرا که آسمان (۳) به طور واضح دربر گیرنده‌ی زمین (۲) می‌شد.

به دنبال این روش استدلال، همه‌ی اعداد جفت منسوب به زمین. و تمام اعداد فرد منسوب به آسمان شدند.

بنا بر شرحی که بر حکم‌های یی‌چینگ نوشته شده (هسی تزو

چوان) ۲:

«شماره ۱ متعلق به آسمان، شماره ۲ متعلق به زمین است، همینطور، شماره ۳ به آسمان، شماره ۴ به زمین، شماره ۵ به آسمان، شماره ۶ به زمین، شماره ۷ به آسمان، شماره ۸ به زمین، شماره ۹ به آسمان، و شماره ۱۰ به زمین.

رویه‌ی پنج عدد متعلق به آسمان، و پنج عدد متعلق به زمین است. هر دو دسته‌ی این اعداد به هم مربوطند، و هر عددی همتای خود را در دسته‌ی دیگر دارد. اعداد آسمان تا به شماره ۲۵ می‌رسند، و اعداد زمین تا به شماره ۳۰. کل اعداد آسمان و زمین رویهمرفته ۵۵ هستند، و از طریق این اعداد است که تغییر و تبدیلات کامل می‌شوند، و خدایان و ارواح در حرکت می‌مانند.» پس از آن شرح بر حکم‌های یی‌چینگ به اختصار ادامه می‌یابد و مسیر سؤال را جواب می‌دهد. و مفهوم اعدادی را که به دست می‌آیند، از نظر تمثیلی توضیح می‌دهد.

«کل تعداد چوبهای بومادران ۵۰ عدد هستند، که ۴۹ عدد آن مورد استفاده قرار می‌گیرد، این ۴۹ عدد به دو دسته تقسیم می‌شوند که نماینده‌ی زمین و آسمان هستند. بعد

يك چوب (از دسته چوبهای دست راستی) برداشته می شود، تا نشانه‌ی نیروهای سه گانه (آسمان، زمین، و انسان) باشد. سپس این دو دسته چوب به چهار دسته تقسیم می شوند، تا نشانگر چهار فصل باشد. باقیمانده نشانگر ماه کبیسه است. زیرا در هر پنج سال دو ماه کبیسه وجود دارد. آنگاه تمام ماجرا تکرار می شود.

این مطالب بخصوص از آن نظر جالب است که نشان دهنده‌ی نوع تفکری است که دنیای مجرد را با دنیای ملموس پدیده‌های طبیعت پیوند می دهد.

در آن دوره چینی‌ها از تقویم قمری استفاده می کردند، که لازم بود هر پنج سال یکبار دو ماه بر آن بیفزایند، تا آن را همردیف سال شمسی کنند. شاید انتخاب ۵۰ چوب بومادران. از مدار پنج ساله ناشی شده باشد، اگرچه این گفته کاملاً مورد یقین نیست. پژوهشگری که بخواهد در این زمینه‌ی خاص مطالعه و آن را کشف کند، خیلی زود متوجه می شود که به بن بست می رسد، چرا که مفهوم اعداد صحیح در نظر چینیان قدیم، ابدأ روشن نیست.

۲ و ۳ اعداد اولیه‌ی زمین و آسمان هستند، اما ۴ و ۵ نشانگر «محل مخصوص» آنها هستند، که مسیر تغییر از این محل امکان وجود پیدا می کند. چهار عدد بدمی، ۶، ۷، ۸ و ۹، عملاً نکات اصلی را در مدار پدیده نشان می دهند. این چهار عدد، همان چهار «عدد آئینی» هستند که در تفال با «بی چینگ» به دست می آیند.

۷، حرکت آسمان را در مراحل اولیه نشان می دهد، یعنی هنگامی که «یانگ جوان» است. هرچه مدار بیشتر بچرخد، تبدیل به «یانگ پیر» می شود، با عدد ۹ نشان داده می شود.

۸، نشانگر زمین است، در نقطه‌ی نزدیک به شروع مدار، و «ین جوان» خوانده می شود، درحالی که ۶ نشانگر «ین پیر» است، و در هر عملی اصل منفی آنست.

۷ به ۹ پیش می رود، و ۸ به ۶ عقب می نشیند.

وقتی به روش چوبهای بومادران از بی چینگ تفال می زنیم می بینیم که ممکنست خطوط یانگ جوان و ین جوان از سه مجموعه‌ی عددی به دست آیند، حال اینکه خطوط یانگ پیر و ین پیر، هر يك فقط با يك مجموعه‌ی عددی نشان داده می شوند.

بنابراین احتمال کمتری دارد که در «ششخطی» خطوط متغیر (پیر) به دست آید، تا خطوط ساکن (جوان)، پس هنگامی که خطی متحرك به دست می آید، از مفهومی خاص برخوردارست. و باید گفته‌های امیر چو را در باره‌ی این خطوط (متغیر) مطالعه کرد.

چریان کنار گذاردن چهارتا چهارتای چوبهای بومادران، يك گروه از اعداد به دست می‌دهد (مثلا $4 + 8 + 9$ یا $5 + 4 + 8$) که مربوط به اعداد آئینی هستند به ترتیب زیر عمل می‌کنند:

در شمارش اول، آن چوبی که بین انگشت کوچک و انگشت چهارم (بنصر) قرار گرفته و چوب اول است، به حساب نمی‌آید، بدینترتیب مجموعه‌ی ۹ تا ۸ تا شمرده می‌شود، و مجموعه‌ی پنج‌تایی به چهارتا شمرده می‌شود.

شماره ۴ به عنوان يك عدد فرد محسوب می‌شود، و منسوب به آسمان است که شماره‌ی آسمان ۳ است.

شماره‌ی ۸ به عنوان عدد زوج محسوب شده، و منسوب به زمین است، که شماره‌ی زمین ۲ است.

در شمارش بار دوم و سوم چوبها، همان مسیر کم‌کردن اجرا شده، ۴ به عنوان ۳ شمرده می‌شود، و ۸ به عنوان ۲.

حال اگر این اعداد کاسته شده، با هم جمع شوند، شماره‌های آئینی مناسب به دست می‌آیند، به عنوان مثال :

$$\begin{array}{l} \text{خط یں جوان} \quad \text{— — —} \quad 5(3) + 4(3) + 8(2) = 8 \\ \text{خط یں پیر} \quad \text{— X —} \quad 9(2) + 8(2) + 8(2) = 6 \end{array}$$

«لایب‌نیتز»^۲ و «یی‌چینگ»

حسابی که امروزه به طور معمول مورد استفاده‌ی ماست، حساب ددهمی است، با اضافه کردن يك صفر به هر عددی، آن را ضربدر ده کرده‌ایم. «لایب‌نیتز» ریاضی‌دان (۱۷۱۶-۱۶۴۶) اولین کسی است

3— Leibniz.

که حساب دو دویی را پیدا کرد. در عددنویسی با مقیاس دودویی که مقیاس مضاعف خوانده می‌شود، وقتی صفر به هر مددی اضافه می‌گردد، آن را ضربدر دو می‌کنند.

مثلاً، اولین ده عدد مقیاس دهمی ما، در مقیاس مضاعف به صورت زیر درمی‌آید:

۱ = ۱	۶ = ۱۱۰
۲ = ۱۰	۷ = ۱۱۱
۳ = ۱۱	۸ = ۱۰۰۰
۴ = ۱۰۰	۹ = ۱۰۰۱
۵ = ۱۰۱	۱۰ = ۱۰۱۰

لایب‌نیتز ابتدا قاعده‌ی مضاعف ۲ را در رساله‌ی به نام «تصاعد مضاعف»^۵ در ۱۶۷۹ توضیح داد. بین سالهای ۱۶۹۷ و ۱۷۰۲ لایب‌نیتز با یکی از مبلغان مسیحی در چین به نام پدر «یواخیم بووه»^۶ مربوط شد، و در ۱۶۹۸ پدر بووه «شش‌خطی»های بی‌چینگ را به لایب‌نیتز نشان داد، تا تشابه عجیب میان بی‌چینگ و قاعده‌ی مضاعف را به او خاطر نشان کند.

لایب‌نیتز نسخه‌ی قدیمی از نمودارها به دست آورد که «شش‌خطی»ها را به صورت مربع و دایره (سرلوحه‌ی کتاب حاضر) نشان می‌داد. او کشف کرد که اگر یک صفر به جای هر خط منفصل، و عدد یک به جای هر خط ممتد بگذارد، «شش‌خطی‌ها» قاعده‌ی مضاعف خود را، از شماره‌ی صفر تا شماره‌ی ۶۳ به دست خواهد آورد.

مثلاً، «شش‌خطی» «پو»^۷ (دومی از چپ روی ردیف بالای مربع، و تقریباً در ته دایره) در قاعده‌ی مضاعف شماره‌ی ۱ است، اگر از صفرهای قبل از یک صرف‌نظر کنیم، «شش‌خطی» «پی»^۸، که در سمت راست پو واقع است، شماره‌ی ۲ می‌شود (که در مقیاس مضاعف شماره‌ی ۱۰ را نشان می‌دهد)، الی آخر.

اگر بخواهید آنچه گفته شد شخصاً بیازمایید، ساده‌ترین راه

4— Binary System

6— Joachim Bouvet.

7— Po.

5— De Progressione Dyadica.

8— Pi.

شروع با شماره‌پی در مقیاس دهمی است، که بعد آن را به مقیاس مضاعف تبدیل کنید. برای اینکار شماره را بر عدد ۲ تقسیم می‌کنیم. خارج قسمت را روی خط بعدی می‌نویسیم، و باقیمانده را در کنار آن می‌نویسیم. سپس خارج قسمت را تقسیم بر ۲ می‌کنیم، و باقیمانده را در کنارش می‌نویسیم. این کار را ادامه می‌دهیم تا خارج قسمت مساوی صفر شود. ستون باقیمانده‌ها که در کنار نوشته‌ایم عددی است که با آن شروع می‌کنیم و در مقیاس مضاعف توضیح شده.

برای تبدیل آن به «شش‌خطی»، یک خط منفصل برای هر صفر ترسیم می‌کنیم، و یک خط ممتد برای هر عدد یک. شکلی که به دست می‌آید، «شش‌خطی» بی است مطابق با عدد اول ستون باقیمانده‌ها. در اینجا مثالی می‌بینیم. «شش‌خطی» شماره‌ی پنجاه به ترتیب‌زیر به دست می‌آید:

مقسوم خارج	باقیمانده	قسمت	مقسوم‌علیه
۲	۵۰		
۲	۲۵	۰	
۲	۱۲	۱	
۲	۶	۰	
۲	۳	۰	
۲	۱	۱	
	۰	۱	

(چپه) شش‌خطی ۵۰ در جدول قدیمی (لوحه‌ی آغاز کتاب حاضر)

در جدول فعلی این شش‌خطی شماره‌ی ۶۰ است.

اگر دیدید که نتیجه‌ی به دست آمده از شش خط مورد نیاز، کم دارد، به تعداد خطوط مورد نیاز به انتهای عدد صفر اضافه کنید تا «شش‌خطی» مطلوب به دست آید. مثلاً:

مقسوم خارج	مقسوم‌علیه	باقی‌مانده		
۲	۹			
۲	۴	۱		
۲	۲	۰		
۲	۱	۰		
	۰	۱		
		۰		
		۰		

(کن) شش‌خطی ۹ در جدول قدیمی
در جدول فعلی این شش‌خطی شماره‌ی ۵۲ است.

ترتیب «شش‌خطی»هایی که در جدول راهنما داده شده، مطابق با ترتیب داده شده در متن نیست، و به نظر می‌رسد که مبدع آن فیلسوفی از اهالی «سونگ» ۹ به نام «شائو یونگ» ۱۰ حدود ۱۰۶۰ میلادی بوده است.

لایب‌نیتز قاعده‌ی ریاضی پی را که به مدت حداقل ۶۰۰ سال مفقود شده بود، دوباره کشف کرد. البته قابل‌البات نیست که آیا مبدعان «شش‌خطی»ها در سلسله‌ی «چو»، مفهوم ریاضی کار خود را تشخیص داده بودند، یا نه. به هر حال ترتیب تنظیم «شش‌خطی»ها در کتاب، هیچ نشانه‌یی از مقیاس مضاعف را نشان نمی‌دهد.

مهم‌ها، بی‌چینگ هم، مانند مقیاس مضاعف، بر مبنای تقلیب دو رقم یا دو کمیت است. امروزه کامپیوتر الکترونیک بر همین روش عمل می‌کند، که درپچه‌های اطمینان (سوپاپ) با بار الکتریکی، یا کلیدهای الکترونیکی دارد (و جریان فلیپ فلاپ ۱۱ خوانده می‌شود) که دارای دو وضعیت است. وضعیتی که جریان را روشن می‌کند، و وضعیت دیگر که آن را خاموش می‌کند. این دو وضعیت با عدد ۱ و صفر نشان داده می‌شوند. عدد ۱ به علامت روشن، و عدد صفر به

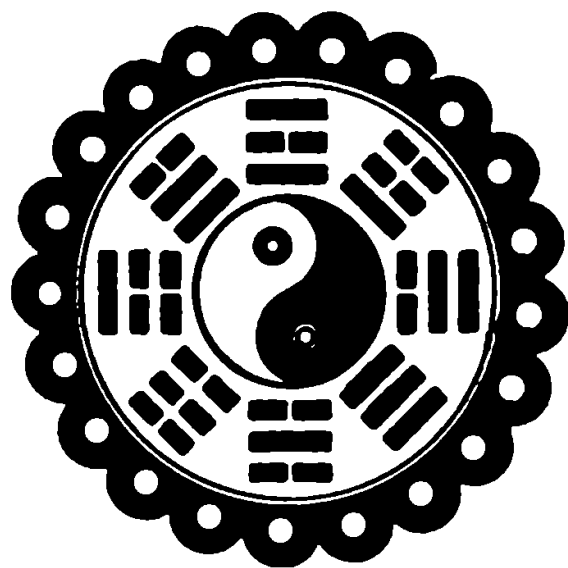
9— Sung.

10— Shao Yung.

11— Flip Flop.

علامت خاموش.

يك دسته از این کلیدهای متصل به هم، می‌توانند عددی را در مقیاس مضاعف، و همچنین در «شش‌خطی»ها تشکیل دهد. در خاتمه، کشف شده است که سلول‌های عصبی دستگاه عصبی انسان، و حیوانات از رده‌ی بالاتر، از همین قانون تبعیت می‌کنند. آنها یا «روشن» هستند، یا «خاموش». یعنی بدون ارتباط با نیروی محرك یا طبیعت محرك، یا کاملاً منفعل و یا کاملاً فعال هستند. هنگامی که نگاهی به پیشرفتهای جدید می‌اندازیم، دیگر سنتی که مبدعان پی‌چینگ به وجود آورده‌اند، و این شصت و چهار «شش‌خطی» که طبیعت درونی همه‌ی پدیده‌ها را منعکس می‌کند، چندان بعید و بیسوده به نظر نمی‌رسد. شاید عصر کامپیوتر الکترونیک، و همچنین علوم تخصصی از قبیل عصب‌شناسی، با بیانی مفایر، از پی‌چینگ قدردانی کنند.



فهرست

نمودار سنتی شصت و چهار «شش خطی»	لوحه‌ی آغاز کتاب
مقدمه‌ی مترجم	۴
پیشگفتار : کارل گوستاو یونگ	۷

بخش اول - معارفه

۳۳	۱- کتاب تقدیرات
۳۷	۲- تاریخچه‌ی «یو چینگ»
۴۲	۳- خرد «یو چینگ»
۴۵	یو چینگ و زمان: فصول
۴۷	تقویم باستانی چین
۵۱	مرد برتر
۵۲	روابط و نشانه‌ها
۵۴	مفهوم نمادها (سمبل‌ها)
۵۶	جهت اربعه و فصول
۵۸	اعضای بدن
۶۱	۴- چگونه با «یو چینگ» فال می‌گرفتند
۶۲	روش چوبهای بوملدران
۶۹	روش سه سکه
۷۰	روش شش قطعه چوب
۷۳	ه- معرفی متن‌های «یو چینگ» - خواندن متن‌ها
۷۴	جملات کلیدی در «یو چینگ»
۷۶	جدول راهنمای شش خطی‌ها
۷۸	فهرست شصت و چهار «شش خطی»

بخش دوم - متن‌های یو چینگ

شش خطی‌ها :

۸۷	۱ . خلاصیت
۹۱	۲ . سکون
۹۵	۳ . دردهای زایش
۹۹	۴ . بر تیرنگی

۱۰۳	۵ . به انتظار ماندن
۱۰۶	۶ . ستیزه
۱۱۰	۷ . سپاه
۱۱۴	۸ . اتحاد
۱۱۸	۹ . محدود شده توسط ضعیف
۱۲۲	۱۰ . گام برداشتن
۱۲۶	۱۱ . صلح
۱۳۰	۱۲ . رکود
۱۳۴	۱۳ . رفاقت
۱۳۸	۱۴ . دارایی
۱۴۲	۱۵ . فروتنی
۱۴۶	۱۶ . اعتمادی عمیق
۱۵۰	۱۷ . دنباله روی
۱۵۴	۱۸ . پوسیدگی
۱۵۸	۱۹ . نزدیک شدن
۱۶۱	۲۰ . نظاره
۱۶۵	۲۱ . گاززدن
۱۶۹	۲۲ . آراستگی
۱۷۳	۲۳ . فروافتادگی
۱۷۷	۲۴ . بازگشت
۱۸۱	۲۵ . درستی محض
۱۸۵	۲۶ . ذخیره اندوختن از طریق خویشنداری
۱۸۸	۲۷ . اطعام
۱۹۲	۲۸ . فزونی
۱۹۶	۲۹ . گودال هول انگیز
۲۰۰	۳۰ . زیبایی درخشنده
۲۰۴	۳۱ . کشتی دوجانبه
۲۰۸	۳۲ . بقا
۲۱۱	۳۳ . عقب نشینی
۲۱۴	۳۴ . نیروی شدید
۲۱۸	۳۵ . پیشرفت
۲۲۲	۳۶ . تاریکی گرفتن نور

۲۲۶	خانواده . ۳۷
۲۳۰	مخالفتان . ۳۸
۲۳۴	موانع . ۳۹
۲۳۸	خلاصی . ۴۰
۲۴۲	کاهش . ۴۱
۲۴۶	افزایش . ۴۲
۲۵۰	پیشروی دیگر باره . ۴۳
۲۵۴	برخورد ناگهانی . ۴۴
۲۵۸	گرد هم آمدن . ۴۵
۲۶۲	صعود . ۴۶
۲۶۶	محدودیتی فرساینده . ۴۷
۲۷۰	چاه . ۴۸
۲۷۴	انقلاب . ۴۹
۲۷۸	دیگ . ۵۰
۲۸۲	تندر . ۵۱
۲۸۶	سکون . ۵۲
۲۹۰	پیشرفت تدریجی . ۵۳
۲۹۴	عروس خانم . ۵۴
۲۹۸	سعادت بسیار . ۵۵
۳۰۲	غریبه‌ی مسافر . ۵۶
۳۰۶	رسوخی آرام . ۵۷
۳۰۹	شادی . ۵۸
۳۱۲	پراکندگی . ۵۹
۳۱۶	مقررات . ۶۰
۳۲۰	صمیمیت بی‌اندازه . ۶۱
۳۲۴	موفقیت‌های ناچیز . ۶۲
۳۲۸	پس از تکامل . ۶۳
۳۳۲	پیش از تکامل . ۶۴

ضمیمه

۳۳۷	وجوه ریاضی «بی‌چینگ»
۳۴۹	فهرست

اگر چند سال بر زندگی من افزوده می‌شد،
 من پنجاه سال آن را به مطالعه‌ی «یی‌چینگ»
 اختصاص می‌دادم، و بدین ترتیب ممکن بود از
 ارتکاب اشتباهات فاحش خودداری کنم.
کنفوسیوس

من بیشتر از خرد چین الهام گرفته‌ام. تا از
 «اوپانیشاد» های «ودانتا». «یی‌چینگ»
 می‌تواند زندگی را دگرگون کند.
هرمان هسه

من ساعتها می‌نشستم، و با دقت در نتیجه‌ی
 تفأل، و تقابل سوال‌ها و جواب‌ها، شیوه‌ی
 «یی‌چینگ» را تمرین می‌کردم. نتایج شاخصی
 که به دست می‌آمد، از تباطلی پررنگ با جریان
 افکارم برقرار می‌کرد، برآستی که شیوه‌ی
 «یی‌چینگ» کیفیت‌های خاصی پنهان را در
 اشیاء و آدیان می‌شناسد، و ناخودآگاه آدمی را
 می‌بیند.

کارل گوستاو یونگ